

# کیمهان ۴۱۸

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح زاده

جمعه ۹ تا ۱۵ تیرماه ۱۴۰۲ خورشیدی

سال چهارم - شماره ۱۸۸۴



## بن بست اقتصادی و لاف‌های خبری



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح‌زاده

\*\*\*\*\*

**KAYHANLIFE**  
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

- @KayhanLife
- @kayhanlife
- @KayhanLife
- <https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

**کیهان شما، کیهان لندن**

- @KayhanLondon
- @kayhanlondon
- @kayhanlondon
- [https://t.me/kayhan\\_london](https://t.me/kayhan_london)

\*\*\*\*\*

P.O. Box 435, Old Brompton Road 2, London, SW7 3DQ

Tel: +(44)-(0)20 3633 3684

Fax: +(44)-(0)20 3633 3685

e-mail: [ads@kayhan.london](mailto:ads@kayhan.london)

[www.kayhan.london](http://www.kayhan.london)

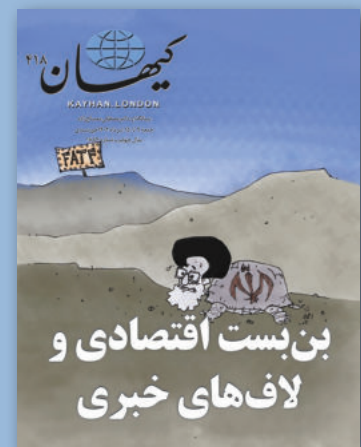
\*\*\*\*\*

سال چهارم

کیهان شماره ۱۸۸۴ (۴۱۸)

جمعه ۹ تا ۱۵ تیر ماه ۱۴۰۲

۳۰ ژوئن تا ۶ ژوئیه ۲۰۲۳



مژده به هم‌میمنائی که خواستار کتاب **سقوط بهشت** بودند می‌توانند چاپ دوم این کتاب را از کیهان خریداری نمایند

**نسخه دیجیتال کتاب نیز به‌زودی در دسترس خواهد بود**

**سقوط بهشت**

خاندان پهلوی و روزهای پایانی ایران پادشاهی

اندر و اسکات کوپر ترجمه رضا تقی‌زاده



**آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد**

نشانی سایت:

[www.kayhan.london](http://www.kayhan.london)

روابط عمومی:

[info@kayhan.london](mailto:info@kayhan.london)

آگهی و تبلیغات:

[ads@kayhan.london](mailto:ads@kayhan.london)

سردبیری:

[editorial@kayhan.london](mailto:editorial@kayhan.london)

وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی

**KAYHANLIFE**  
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

[www.kayhanlife.com](http://www.kayhanlife.com)

**کیهان لندن منتشر کرد:**



کتاب «سوریه: چاله عنکبوت» به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)

برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد. علاقمندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با **کیهان لندن** [ads@kayhan.london](mailto:ads@kayhan.london) و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشیهای معتبر ایران در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۳۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: [satrap@btconnect.com](mailto:satrap@btconnect.com) [www.satrap.co.uk](http://www.satrap.co.uk)

Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD

Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA

Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN

UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE

Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

سرمقاله - اگر جزو سائیری ها و گروه های ضد ملی و ضد ایرانی نیستید... / الاهه بقرات ..... ۴

بن بست اقتصادی و لاف های خبری... / روشنگر آسترکی ..... ۴-۵

«داستان ما یکبست»، آغاز یکسال کارزار جهانی در... / احمد رأفت و ناتاشا فیلیس ..... ۶-۷

رئیس اداره سائیری اسرائیل: زیر و بم فعالیت های سائیری جمهوری... / ..... ۷

ائتلاف ملی برای نجات ایران... / الاهه بقرات ..... ۸-۹

نامه ایرانی تبار های آمریکا به رئیس کمیته روابط خارجی کنگره... / ..... ۹

پیمان نیروهای ایرانگرد پشتیبانی یکبار چه از یکبار ملی ایرانیان... / ..... ۱۰-۱۱

مدیر نمونه!... / خیر اندیش (احمد حرا) ..... ۱۱

آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه (۱۹) / دکتر هوشنگ نهاوندی ..... ۱۲-۱۳

نشست «گفتمان پادشاهی ایرانی و تغییر رژیم» برگزار شد... / فیروزه نوردستروم ..... ۱۴-۱۸

دادستانی آلبانی ۶ نفر از اعضای مجاهدین را به «تحریک به جنگ»... / احمد رأفت ..... ۱۹

مفهوم تعهدات جهانی و مواضع جمهوری اسلام... / محمود مسائلی ..... ۲۰-۲۲

روسیه و مز دورانش، شورش و معامله ای سر یخ: چرا اصلاح طلبان تکران... / ..... ۲۲-۲۳

پرت و پلاگویی مصباحی مقدم: از کدام اقتصاد پو با صحبت می کند؟! / ..... ۲۴

در دگر دبی: مقاله هفتم: محیط ما و موضوع بر اندازی... / ایوسف مصدقی ..... ۲۵

موج بازداشت مشروطه خواهان در هفته های اخیر... / ..... ۲۶-۲۷

فصل جدید «سرگذشت ندیمه» در جمهوری اسلامی... / ..... ۲۸-۲۹

تلفات سنگین مصرف مشروبات الکلی تقلبی اینبار در رباط کریم ورامسر... / ..... ۲۹

نشست مشترک مقامات اطلاعاتی و امنیتی در مشهد بدون حضور فرمانده ارتش... / ..... ۳۰-۳۱

روزنامه «الجریده» کویت: جمهوری اسلامی ایران ۱۵ هزار پشه اید آنتی بیوتیک... / ..... ۳۱

محصولات ابتکاری و پیشرو آموزش فارسی به کودکان در گفتگو با... / ..... ۳۲-۳۳

صدور ویزا برای شهر دار سر کوبگر تهران به بحران جدی برای دولت بلژیک... / ..... ۳۳

انقلابی ها به دنبال «معامله پنهان» دیگر با غرب... / ..... ۳۴-۳۵

رکورد افزایش مخارج نظامی دنیا در سال ۲۰۲۲ شکست... / ..... ۳۵

سهم اعراب از دموکراسی به اندازه محرومیت آنها از آزادی! / نصر الصایغ (علی الطریق) ..... ۳۶-۳۷

مراسم یادبود رضا قاسمی بنیانگذار «کانون ایران» در لندن... / ..... ۳۷

در میان کاله چه خبر است؟! / ..... ۳۸-۳۹

نظر سنجی مرکز زیر مجموعه دانشگاه «امام صادق»: ۷۱ درصد مردم معتقدند... / ..... ۳۹

شهر تلفیقی با انقلاب هنر در شهر و بازگرداندن شهر هابه... / امین شاهمرادی ..... ۴۰-۴۱

ایران همچنان در انتهای جدول رتبه بندی آزادی اقتصادی... / ..... ۴۲

تأثیر تمبر نظامی در روسیه بر استراتژی چین نسبت به تایوان... / عباس فیض ..... ۴۳

در جستجوی پناه: فاجعه مهاجرت ایرانیان از کشور... / ..... ۴۴-۴۵

حمله مأموران به خانه پدری مجاهد کور کور؛ نگار کور کور کجاست؟! / ..... ۴۵-۴۶

رمز بایی از «بوف کور» صادق هدایت در سخنرانی آلفرد مانانین... / ..... ۴۶-۴۷

جشنواره «زن، زندگی، آزادی» فیلم های کارگردانان زن ایران... / احمد رأفت ..... ۴۸

حضور متفاوت ایرانیان LGBTQ+ در «رژه افتخار» تورنتو... / ..... ۴۹

نمایش فیلم مستند درباره فخری خورشید به یادبود این هنرمند... / ..... ۵۰-۵۱

درخواست از دولت بایدن برای فعال کردن «مکانیسم ماشه» علیه... / ..... ۵۱

پرونده قضایی علیه پدر و خواهر ابوالفضل آدینه زاده به اتهام... / ..... ۵۲

پدیده «دریاچه خواری» هم به تباهکاری های جمهوری اسلامی... / ..... ۵۳

اشتغالزایی و ائتلاف بودجه کشور برای آخوندهای بی خاصیت... / ..... ۵۴-۵۵

رئیس شورای اطلاع رسانی دولت: تلاش برای عصبی کردن مردم در... / ..... ۵۵

آشفتگی در تصمیمات دولت؛ ساعت کار ادارات به حالت سابق برگشت... / ..... ۵۶

بازداشت یک فرد در سوادکوه به اتهام «فعل حرام»... / ..... ۵۷

«الگوی خاوری» و تلاش ناموفق برای اختلاس... / فیروزه نوردستروم ..... ۵۷

مهدی هاشمی و اکبر طبری، «خودی» های مجرم و فاسد، آزادند و... / ..... ۵۸-۵۹

ارتباط سوزاندن «قرآن» در سوئد و «قرآن» هدیه گرفتن بوتین در داغستان و... / ..... ۵۹

ارسال پشه اید توسط جمهوری اسلامی برای شبه نظامیان جبهه پولیساریو... / ..... ۶۰

نادیده گرفته شدن بخش صنعت در «برنامه هفتم توسعه»... / ..... ۶۱

وضعیت بحرانی آب و هوادر سیستان و بلوچستان... / ..... ۶۲

گفتگوی اختصاصی با وزیر اطلاعات اسرائیل: برای جلب حمایت گسترده... / ..... ۶۳

پشت جلد - عکس هفته / شورش و عقب نشینی یگروژه «مزدوران واگنر» / ۲۴ ژوئن ۲۰۲۳ ..... ۶۴

بازنشر  
بازنشر



## سرمقاله

اگر جزو سایبری‌ها و گروه‌های  
ضدملی و ضدایرانی نیستید...

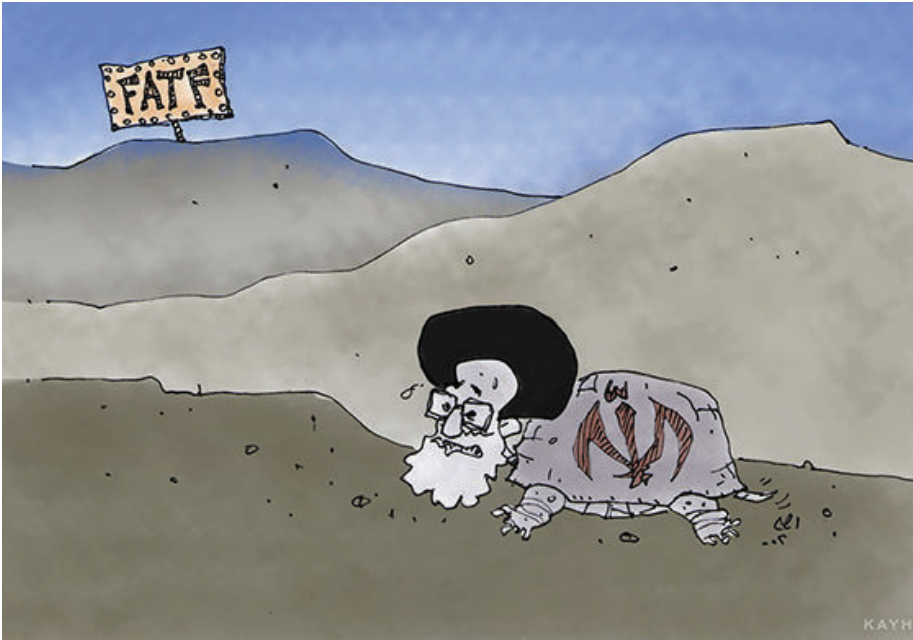
موضوع «مبالغه» که عمدتاً به حوزه ادبیات و هنر و طنز تعلق دارد، در جهان واقعی به افراط تبدیل می‌شود که یک روی آن چاپلوسی در ارتباط با افراد و جریان‌های خودی و روی دیگرش تخریب علیه افراد و جریان‌های غیرخودبست. در این میان یک نکته می‌بایست روشن باشد: جمهوری اسلامی و وابستگان پیدا و پنهانش برای ایران‌دوستان و مدافعان دموکراسی، نه خودی هستند و نه غیرخودی! آنها دشمن ایران و ایرانیانند. متأسفانه هم در فضای مجازی و هم در فضای واقعی تشخیص نفوذی‌ها از جمله به این دلیل که فعالیت سیاسی و حقوق بشری و «ژورنالیسم» برای برخی به منبع درآمدی مقایسه‌ناپذیر تبدیل شده بسیار مشکل است. ضمن اینکه فعالیت برای انحراف و تخریب همیشه بطور مستقیم از سوی دشمنان هدایت نمی‌شود. چه بسا افرادی که ندانند در نهایت سر ارتباطات و یا جایی که در آن اشتغال دارند به کجا وصل می‌شود؛ هرچند که این موضوع چندان هم غیرقابل تشخیص نیست مگر اینکه منافع بر حقیقت بچربد.

با اینهمه معیارهایی برای تشخیص سره از ناسره وجود دارد. گذشته از دفاع پیدا و پنهان از جمهوری اسلامی و شعباتش و مواضع ضدملی و ضدایرانی، یک عامل دیگر، برخوردی افراطی است که در همه جریان‌های سیاسی که ادعای مخالفت با جمهوری اسلامی دارند نیز وجود دارد. افراط می‌تواند یکی از شاخصه‌های عوامل جمهوری اسلامی در گروه‌های مختلف باشد چرا که بطور طبیعی برای جلب اعتماد مخاطبان مجبورند پیازداغ سخن و رفتارشان را زیاد کنند! نکته مهم اما این است که در نهایت، افراطیون چه مامور و سایبری رژیم و یا گروه‌های مختلف باشند و چه نباشند به جریانی که خود را متعلق به آن معرفی می‌کنند، ضربه می‌زنند و این به سود جمهوری اسلامی است! افراطیون واقعی و غیروابسته به رژیم حتی بیشتر به سود آن و علیه جریان خود هستند چرا که ساندیس و دستمزد هم دریافت نمی‌کنند و بی‌جیره و موجب همان کار افراطیون مزدور را انجام می‌دهند!

در این میان، استمرارطلبان و جریانات فرقه‌ای ضدملی و ضدایرانی که سایبری‌های رژیم نیز ساز خود را در همگامی با آنها کوک کرده‌اند، تلاش می‌کنند ملی‌گرایان و طرفداران پادشاهی و پهلوی را به زور «افراطی» قلمداد کنند و اتفاقاً خودشان در این دروغ چنان مبالغه و افراط می‌کنند که بیش از پیش می‌توان به این نتیجه رسید که جبهه‌ی «همه با هم» ۵۷، پس از چهار دهه اینبار نه برای روی کار آوردن آنچه مدعی‌اند نمی‌شناختند، بلکه برای تداوم آنچه همه می‌شناسند، باز هم در مقابله با پادشاهی و پهلوی به یک صف شده‌اند! گذشته از اینکه اکنون نه توازن نیروهای اجتماعی به سود آنهاست و نه جامعه و جهان شباهتی به چهار دهه پیش دارد، اما آنها در حالی خود را «میان‌رو» قلمداد می‌کنند که از یکسو در تقابل با تاریخ پیوسته‌ی ایران به سود استمرار رژیم جنایتکار و تداوم گسست در تاریخ معاصر کشور عمل می‌کنند و از سوی دیگر ترجیح می‌دهند بجای خطاب قرار دادن دموکراسی خواهانی که به انقلاب ۵۷ و فرزند اهریمنی‌اش «نه» می‌گویند، مرتب مشغول کلنجار رفتن با افراطیونی باشند که نه قدرت تشخیص واقعی و نفوذی بودنشان را، از جمله در صفوف خودشان دارند، و نه با این افراط بیمارگونه در افراطی خواندن طرفداران پادشاهی و پهلوی سبب کاهش مقبولیت آنها می‌شوند! سال‌هاست که دو جبهه بیشتر وجود ندارد: جمهوری اسلامی؟ یا ایران؟! هر دو با هم نمی‌شود!

## تیر هفته

## بن‌بست اقتصادی و لاف‌های خبری



● هرچند مقامات جمهوری اسلامی تلاش دارند قراردادن ایران در فهرست سیاه افای‌تی‌اف را بی‌اهمیت جلوه دهند اما این موضوع سدی جدی در برابر تجارت خارجی ایران، چه از سوی بخش دولتی و چه از سوی بخش خصوصی، است.

هرچند مقامات جمهوری اسلامی تلاش دارند قراردادن ایران در فهرست سیاه افای‌تی‌اف را بی‌اهمیت جلوه دهند اما این موضوع سدی جدی در برابر تجارت خارجی ایران، چه از سوی بخش دولتی و چه از سوی بخش خصوصی، است.

وزیران اقتصاد و دارایی و رؤسای بانک‌های مرکزی گروه هفت در بیانیه‌ی خود، ضمن انتقاد شدید از کره شمالی و روسیه در کنار جمهوری اسلامی، بر «تقویت جایگاه گروه ویژه اقدام مالی (FATF) و نهادهای مشابه» تأکید کرده و این نهادها را ضامن یکپارچگی و سلامت نظام مالی جهان خوانده‌اند. در بیانیه‌ای که به امضای مقامات کشورهای آمریکا، بریتانیا، آلمان، فرانسه، ژاپن، ایتالیا و کانادا رسید تأکید شده که این گروه «به مقابله با تلاش‌ها برای دور زدن یا تضعیف تحریم‌های وضع‌شده، پایبند می‌ماند.»

عادی‌سازی روابط با کشورهای منطقه با وجود قرار داشتن در لیست سیاه!؟

دولت ابراهیم رئیسی نیز مانند دولت حسن روحانی با گذاشتن تور مسافرتی برای مقامات حکومتی و دیدارهای رسمی با مقامات دیگر کشورها تلاش دارد به افکار عمومی در ایران القاء کند که روابط خارجی جمهوری اسلامی رو به بهبود است و همزمان نمایشی نیز در برابر ایالات متحده به اجرا بگذارد که گویی نیازی به توافق با آن ندارد! اما هیچکدام از این رفت و آمدها و گفتگوها به معنای بهبود روابط دست‌کم در حوزه اقتصادی و تجاری نیست.

«عادی‌سازی» روابط جمهوری اسلامی با عربستان یکی از مهمترین خیره‌های اقتصادی و سیاست خارجی ایران در هفته‌های گذشته بوده است. مقامات دو کشور پس از سال‌ها تیرگی روابط، دیدارها و مذاکراتی داشتند و اکنون گفته شده سفارت عربستان در روزهای آینده در

گروه ویژه اقدام مالی (FATF) هفته گذشته حضور ایران را به همراه میامار و کره شمالی در فهرست سیاه خود تمدید کرد. به عقیده بسیاری از کارشناسان زیان موانع تبادلات مالی و تجاری که از این طریق برای ایران ایجاد شده اگر بیش از زیان تحریم‌های هسته‌ای نباشد، قطعاً به همان میزان است.

پیش از آنکه در فوریه ۲۰۲۰ گروه ویژه اقدام مالی برای نخستین بار ایران را در فهرست سیاه افای‌تی‌اف قرار دهد، چهار سال به جمهوری اسلامی برای تصویب لوائح مرتبط با پولشویی هشدار و زمان داده بود. در ایران اما مقامات جمهوری اسلامی به شدت با تصویب دو لایحه مرتبط با معاهده پالرمو و معاهده مبارزه با تأمین مالی تروریسم مخالفت کرده و بخشی از نیروها و هواداران حکومت بارها تجمعاتی علیه تصویب این لوائح برگزار کردند.

جمهوری اسلامی از سال‌ها پیش لوائح مربوط به تصویب پیوسته به معاهده پالرمو و معاهده مبارزه با تأمین مالی تروریسم را معلق نگه داشته است. «پالرمو» معاهده سازمان ملل متحد علیه «جرائم سازمانیافته فراملی» است که در سال ۲۰۰۱ میلادی تصویب و از سال ۲۰۰۳ برای کشورهای عضو سازمان ملل لازم‌الاجرا شده است. معاهده مقابله با تأمین مالی تروریسم (CFT) نیز یک قرارداد بین‌المللی است که در سال ۱۹۹۹ توسط سازمان ملل متحد به تصویب رسیده است.

گروه ویژه اقدام مالی (افای‌تی‌اف) که دارای ۳۷ عضو است یکی از سازمان‌های جهانی محسوب می‌شود که بطور منظم کشورهای در معرض اقدام به پولشویی و تأمین مالی تروریسم ارزیابی می‌کند. قرار گرفتن نام ایران در فهرست سیاه افای‌تی‌اف در حالی وارد چهارمین سال شده که هیچ نشانه‌ای از تغییر رویکرد جمهوری اسلامی برای تصویب دو لایحه معلق مانده به چشم نمی‌خورد.

«آزادسازی پول‌های بلوکه شده» گفتند. نخستین بار خبر آزاد شدن هفت میلیارد دلار منابع ارزی بلوکه شده ایران در کره جنوبی منتشر شد. خبری که در سال‌های اخیر بدون نتیجه هر بار تکرار شده بود. به تازگی نیز در پی سفر پادشاه عمان به تهران در خردادماه گذشته خبرگزاری‌های حکومتی اعلام کردند که به زودی قرار است بیش از ۲۴ میلیارد دلار از پول‌های بلوکه شده ایران آزاد شود.

محمد مخبر دزفولی معاون اول ابراهیم رئیسی که از او به عنوان سکندار تیم اقتصادی دولت یاد می‌شود نیز از «آزادی همه پول‌های بلوکه شده» در آینده نزدیک خبر داد.

این خبرها درست در زمانی مطرح شد که قیمت ارز و طلا در بازارهای داخلی افسار گسسته و به سرعت در حال افزایش بود و تورم مواد خوراکی و افزایش نجومی اجاره‌بهای مسکن موجی از خشم عمومی در جامعه ایجاد کرده است. فریبکاری و ادعاهای بی‌نتیجه درباره آزادسازی پول‌های بلوکه شده اما دوام نیافته و به سرعت حقیقت آنچه در پس توافق برای آزاد شدن بخشی از پول‌های بلوکه شده قرار دارد بار دیگر تکرار شد: «نفت در برابر غذا!»

در نهایت مشخص شد که تنها مجوز آزاد شدن ۷۶/۲ میلیارد دلار از ۱۲ میلیارد دلار پول‌های پول بلوکه شده ایران در عراق به صورت «مشروط» و فقط در ازای تسویه کالاهای اساسی وارداتی صادر شده است.

مانور جمهوری اسلامی درباره پول‌های آزاد شده که بسیاری از کارشناسان آن را «خبردرمانی» برای جلوگیری کوتاه‌مدت از افزایش قیمت ارز عنوان می‌کنند از جنبه‌های دیگری نیز رسوایی آفریده است. در هفته‌ای که گذشت مجید چکنی معاون وزیر نفت از صفر شدن بدهی عراق به ایران در ازای واردات گاز خبر داد اما تأکید کرد که «مشکلاتی برای انتقال وجه از بانک TBI عراق به ایران وجود دارد».

همانطور که معاون وزیر نفت اشاره کرده، تحریم‌ها و قرار داشتن ایران در فهرست سیاه اف‌ای‌تی‌اف انجام هرگونه تبادلات مالی و پولی ایران در سطح بین‌الملل را غیرممکن کرده است.

برای خروج از چنین بن‌بستی، جمهوری اسلامی باید از مواضع و آرمان‌های ایدئولوژیک خود عقب‌نشینی کند و از حمایت تروریسم، دخالت در امور کشورهای منطقه با پولپاشی به گروه‌های شبه‌نظامی و تروریستی و همچنین پولشویی دست بردارد. آنچه تا امروز مشخص است اینکه جمهوری اسلامی هنوز آنچنان در تنگنا قرار نگرفته که نشانه‌هایی از تغییر رویکرد در سیاست‌هایش از جمله در زمینه پیوستن به FATF نمایان باشد بلکه ترجیح می‌دهد همچنان از راه‌های غیرقانونی تحریم‌ها را دور بزند و با قاچاق و ارتکاب انواع جرائم از جمله در حوزه مواد مخدر، منابع مالی خود را تأمین کند.

به این ترتیب، «خودی»‌های نظام با استفاده از شبکه‌های گسترده مافیایی که طی چهار دهه گذشته سازماندهی کرده‌اند، امور مالی شخصی و پولپاشی خود را در منطقه پیش می‌برند و جمهوری اسلامی بار اصلی محدودیت‌های تجاری و بانکی ایجاد شده به دلیل تحریم و قرار داشتن در فهرست سیاه اف‌ای‌تی‌اف را بر حیات اقتصادی ایران و معیشت مردم در ایران منتقل کرده است. در چنین شرایطی است که هیچ کشوری حاضر به ریسک تجارت با ایران یا سرمایه‌گذاری در اقتصاد این کشور نیست و سرمایه‌داران داخلی نیز سرمایه‌های خود را از کشور خارج می‌کنند. اقتصاد ایران بطور مداوم در حال آب رفتن و کوچک شدن است و کمر جامعه زیر بار سنگین رکود تورمی و گرانی سرسام آور و بی‌سابقه می‌شکند.

روشنگ آسترکی

سرمایه‌گذاری‌های گسترده‌ای در کشورهای منطقه از جمله افغانستان، ترکمنستان، کویت، عربستان، امارات، عمان و عراق داشته است.



همچنین چین و عربستان آذرماه گذشته علیه «مداخلات جمهوری اسلامی در امور سایر کشورها» بیانیه‌ای مشترک امضا و منتشر کردند.

در مورد عربستان از همان ابتدا دست بالای عربستان در مذاکره و انتظارات نمایان شده و جمهوری اسلامی برای داشتن روابط سازنده با پادشاهی سعودی نیازمند تغییر نگرش و عملکرد ساختاری است وگرنه بهبود روابط با عربستان در حد بزک کردن ویتترین جمهوری اسلامی باقی خواهد ماند.

وزیران امور خارجه جمهوری اسلامی و پادشاهی عربستان سعودی روز شنبه ۲۷ خرداد پس از دیدار و گفتگو در تهران، در یک نشست خبری مشترک شرکت کردند. پیش از آغاز این نشست فیصل بن فرحان وزیر خارجه عربستان حاضر نشد در محلی که عکس قاسم سلیمانی و همچنین روح‌الله خمینی بر دیوار بود همانند و این نشست خبری در سالی دیگر برگزار شد. او همچنین در سخنانش گفت «احترام متقابل و عدم مداخله در امور داخلی دو کشور و تعهد به منشور سازمان ملل» با تمرکز بر روابط دوجانبه خواهد بود. حسین امیرعبداللهیان وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی هم از «مساعدت عربستان» برای بازگشایی دفاتر دیپلماتیک جمهوری اسلامی در این کشور «تشکر» کرد.

چین و عربستان مثال‌های روشنی از لاف‌های جمهوری اسلامی در بهبود روابط تجاری و سیاسی با کشورهای «غیرغربی» است؛ روابطی که اگرچه تیت‌درشت و تکراری رسانه‌های حکومتی و ابزار خودفمایی مقامات نظام پشت تریبون‌هاست اما برای اقتصاد ایران هیچ سودی نداشته و ندارد.

#### آزاد شدن پول‌های بلوکه شده؟ کی؟ کجا؟

آزاد شدن پول‌های بلوکه شده نیز یکی دیگر از لاف و گراف‌های جمهوری اسلامی است که در سال‌های گذشته با تشدید بحران‌های اقتصادی داخل و افزایش نارضایتی‌های عمومی و نمایان شدن نشانه‌هایی از اعتراضات انفجاری جامعه به فلاکت و گرانی و تورم مرتب تکرار شده است. در هفته‌های گذشته نیز بارها مقامات جمهوری اسلامی از

تهران بازگشایی و اتاق بازرگانی مشترک ایران و عربستان نیز راه‌اندازی خواهد شد.

تحلیلگران زیادی معتقدند این اقدامات نمی‌تواند ضامن

برقراری روابط تجاری پویا و موثر برای ایران باشد چرا که دو مانع مهم، یعنی تحریم‌های بین‌المللی و قرار داشتن ایران در فهرست سیاه اف‌ای‌تی‌اف، همچنان سد راه هرگونه تجارت گسترده، مؤثر و مفید با کشورهای جهان و منطقه است.

برخی فعالان اقتصادی در جمهوری اسلامی اما معتقدند که چنین اقداماتی برای تجارت ایران راهگشاست. از جمله مجیدرضا حریری رئیس اتاق بازرگانی ایران و چین می‌گوید که هرگونه توافق با عربستان هم به صورت دوجانبه برای گسترش مبادلات اقتصادی و هم ایجاد توافقات سه و چندجانبه با وجود قرار داشتن ایران در فهرست سیاه اف‌ای‌تی‌اف و تحریم‌ها «محتمل» است. وی سپس نتیجه می‌گیرد که مقدمه لازم برای گشایش تجارت میان ایران و کشورهای منطقه از جمله عربستان «تکمیل پروسه ارتباطات سیاسی» است و «توافقات منطقه‌ای و دوجانبه و سه‌جانبه ارتباطی با مسائل بین‌المللی ندارند».

اینهمه در حالیست که حتی درباره جمهوری خلق چین که جمهوری اسلامی در سال‌های گذشته، و به ویژه در دو دوره تحریم‌های هسته‌ای، این کشور را مهمترین شریک تجاری خود ارزیابی می‌کرد نیز معادله روابط تجاری میان دو کشور با فرمولی که امثال مجیدرضا حریری مطرح می‌کنند پیش نرفته است.

چین در حالی که نفت تحریمی ایران را با تخفیف ویژه و زیر قیمت و طبق شرایط دلخواه می‌خرد و با وجود امضای قرارداد ۲۵ ساله با جمهوری اسلامی و امتیازهای گسترده‌ای که حکومت ایران برای ریع قرن به این کشور تقدیم کرده، در حوزه اقتصادی و تجاری بر اساس محاسبه سود- زیان خود بارها منافع ایران را نادیده گرفته است.

آخرین آمارهای گمرک چین حاکی از افزایش صادرات این کشور به ایران و کاهش شدید صادرات ایران به چین است. این در حالیست که تنها در یک مورد، جمهوری اسلامی برای صادرات نفت خود به چین در ماه ژوئن تخفیف ۱۱ دلاری در ازای هر بشکه نفت در نظر گرفته بود.

از سوی دیگر، سرمایه‌گذاری چینی‌ها در ایران ظرف دو سال ۹۸ درصد کاهش پیدا کرده اما در همین مدت چین

# «داستان ما یکیست»، آغاز یکسال کارزار جهانی در چهلمین سالگرد اعدام ده زن بهائی در شیراز



● در مراسمی که در لندن برگزار شد، جامعه جهانی بهائی از کارزار بین‌المللی «داستان ما یکیست» در چهلمین سالگرد اعدام ده زن بهائی در ۲۸ خرداد ۱۳۶۲ در میدان چوگان شیراز، رونمایی کرد.

● در این مراسم برخی از شخصیت‌های سیاسی بریتانیایی، فعالان حقوق بشر، روزنامه‌نگاران و اعضای جامعه بهائیان ایرانی، از جمله نارنین انصاری مدیر مسئول کیهان لندن و کیهان لایف سخنرانی کردند. نارنین انصاری به تاریخچه اعدام‌ها در ۴۴ سال جمهوری اسلامی اشاره کرد. ● جاوید رحمان گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد جهت بررسی وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی، از آپارتاید جنسی در ایران صحبت کرد که از چهار دهه پیش آغاز شده. وی گفت جامعه بین‌المللی باید این واقعیت انکارناپذیر را که مصداق یک جنایت با ابعاد بین‌المللی است بپذیرد.

● نسیم پایانی که به نمایندگی از سازمان عفو بین‌الملل صحبت می‌کرد به لزوم مسئول شناختن مقامات جمهوری اسلامی نه تنها در رابطه با کشتار و سرکوب بهائیان، بلکه نقض سازمانیافته کلیه حقوق انسانی مردم ایران اشاره کرد و گفت «این زخم تا زمانی که ناقضان حقوق بشر از مصونیت برخوردار باشند التیام نخواهد یافت.»

● سیمین فهندژ سخنگوی جامعه بهائی در ژنو گفت «برخلاف تصور جمهوری اسلامی که فکر می‌کند با اعدام می‌تواند باورها را از بین ببرد و سکوت را جانشین کند، ما امروز اینجا هستیم و آن صداها نه تنها خاموش نشدند، بلکه رساتر هم شده‌اند.»

دیگر از سخنرانان این مراسم بود. جاوید رحمان از آپارتاید جنسی در ایران صحبت کرد که بیش از چهار دهه پیش آغاز شده است. وی افزود جامعه بین‌المللی باید این واقعیت انکارناپذیر را که مصداق یک جنایت با ابعاد بین‌المللی است بپذیرد. این استاد دانشگاه در ادامه افزود تا کسانی که در این جنایت و در نقض سیستماتیک و سازماندهی شده حقوق بشر در ایران نقش دارند مسئول شناخته نشوند و خود را پشت مصونیت‌های بین‌المللی پنهان کنند، نمی‌توان

در این مراسم که توسط پدیده ثابتی سخنگوی جامعه بهائی بریتانیا و سیمین فهندژ سخنگوی جامعه بهائی در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در ژنو اداره می‌شد، شخصیت‌های ایرانی و بین‌المللی رشته سخن را به دست گرفتند و برخی از کارهایی که هنرمندان ایرانی و خارجی در رابطه با این کارزار ساخته‌اند نیز در این مراسم ارائه شد. از جمله سخنرانان بریتانیایی این نشست می‌توان به فیونا بروس نماینده ویژه نخست‌وزیر بریتانیا برای آزادی مذاهب،



نارنین انصاری



جاوید رحمان



پیام اخوان

از عدالت صحبت کرد. نسیم پایانی که به نمایندگی از سازمان عفو بین‌الملل در این نشست صحبت می‌کرد، به لزوم مسئول شناختن مقامات جمهوری اسلامی نه تنها در رابطه با کشتار و سرکوب بهائیان، بلکه نقض سازمانیافته کلیه حقوق انسانی مردم ایران اشاره کرد و گفت «این زخم تا زمانی که ناقضان حقوق بشر از مصونیت برخوردار باشند التیام نخواهد یافت.»

نگین شیرآقائی روزنامه‌نگار سابق بی‌بی‌سی فارسی و نارنین انصاری مدیر مسئول کیهان لندن و کیهان لایف از دیگر سخنرانان مراسم رونمایی از کارزار «داستان ما

جیم شانون قانونگذار حزب DUP از ایرلند شمالی و دیزی کوپر از رهبران حزب لیبرال دمکرات اشاره کرد. دیزی کوپر در صحبت‌هایش به طرحی که حزب لیبرال دمکرات به دولت بریتانیا برای تسریع اسکان زنان و اعضای جامعه دگرباشانی که مجبور به ترک جمهوری اسلامی می‌شوند اشاره کرد و افزود که همزمان از شهرداری منطقه وست‌مینستر لندن خواسته‌اند تا نام خیابانی را که ساختمان سفارت جمهوری اسلامی در آن قرار دارد به مهسا امینی تغییر دهند.

جاوید رحمان گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد جهت بررسی وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی، یکی

● پدیده ثابتی سخنگوی جامعه بهائی در بریتانیا در اشاره به کارزار «داستان ما یکیست» می‌گوید «شجاعت امروز زنان و مردان در ایران بی‌رابطه با این ده زن بهائی که ۴۰ سال پیش اعدام شدند نیست؛ داستان ما یکیست و داستانی است که سرنوشت همه ما را به یکدیگر گره زده است.» احمد رأفت و ناتاشا فیلیپس - کارزار بین‌المللی «داستان ما یکیست» که توسط جامعه جهانی بهائی به مناسبت چهلمین سالگرد اعدام ده زن بهائی در ۲۸ خرداد ۱۳۶۲ در میدان چوگان شیراز، به راه افتاده، طی مراسمی که در لندن برگزار شد، بطور رسمی آغاز به کار کرد.

➔ «یکيست» بودند.

## رئیس اداره سایبری اسرائیل: زیر و بم فعالیت‌های سایبری جمهوری اسلامی را می‌شناسیم



گابی پورتنوی

نارنبن انصاری که صحبت‌هایش را با قرائت ترجمه انگلیسی «برای» شروین حاجی‌پور پایان داد، به اعدام‌ها در جمهوری اسلامی از بدو تأسیس این نظام اشاره کرد و یادآوری نمود که در ۱۳ ماه اول تشکیل جمهوری اسلامی دست‌کم ۴۳۸ نفر اعدام شدند. اعدام‌هایی که تا امروز بدون وقفه ادامه پیدا کرده است. مدیر مسئول کیهان لندن در ادامه گفت که از سال ۲۰۱۰ میلادی تا امروز ۷۳۳۴ دیگر اعدام شدند و در این روند رو به افزایش از ابتدای سال جدید میلادی ۳۴۰ حکم اعدام دیگر به اجرا گذاشته شده است. نارنبن انصاری به دادگاه‌های انقلاب که با وجود ۴۴ سالی که از تشکیل جمهوری اسلامی می‌گذرد هنوز فعال هستند و صدور احکام اعدام برای مخالفان نظام با اتهامات قرون وسطایی چون «محرابه» و «افساد فی الارض» نیز اشاره کرد.

سخنران دیگر، سیمین فهندژ گفت برخلاف تصور جمهوری اسلامی که با اعدام می‌تواند باورها را از بین ببرد و سکوت را جانشین کند، ما امروز اینجا هستیم و آن صداها نه تنها خاموش نشدند، بلکه رساتر هم شده‌اند.

پیام اخوان حقوقدان بین‌المللی و عضو دائمی دادگاه داوری در لاهه گفت «۴۰ سال پیش آنها را کشتند، ولی ما امروز اینجا هستیم چون قربانی شدن آنها الهام‌بخش هزاران نفر دیگر شد که امروز با صدائی رساتر خواهان عدالت هستند.»

امید جلیلی پیرو دیانت بهائی و کم‌دین ایرانی- بریتانیائی نیز از دیگر سخنرانان بود. البته در این مراسم برخی از ترانه‌هایی که برای این کارزار ساخته شده‌اند نیز اجرا شدند. همزمان با آغاز کارزار «داستان ما یکيست» که یک سال ادامه پیدا خواهد کرد، از هنرمندان ایرانی و خارجی در زمینه‌های مختلف، از موسیقی تا نقاشی و از مجسمه‌سازی تا ادبیات خواسته شده که آثاری را به همین مناسبت خلق کنند و تا کنون بسیاری در این زمینه همکاری کرده‌اند.

پدیده ثابتی سخنگوی جامعه بهائی در بریتانیا در اشاره به کارزار «داست ما یکيست» به کیهان لندن می‌گوید «جامعه بهائی همیشه بخشی از جامعه ایرانی بوده و در حدی که اجازه و امکان داشته در سطوح مختلف نقش فعالی را ایفا کرده است.» او می‌افزاید «ما در گفتگوهای داخلی جامعه بهائی و در تماس‌هایی با دیگر اجزای جامعه ایرانی و با توجه به آنچه امروز در داخل کشور شاهد آن هستیم به این نتیجه رسیدیم که شجاعت امروز زنان و مردان در ایران بی‌رباطه با این ده زن بهائی که ۴۰ سال پیش اعدام شدند نیست. داستان ما یکيست و داستانی است که سرنوشت همه ما را به یکدیگر گره زده است.»

۲۸ خرداد ۱۳۸۲ در میدان چوگان شیراز، به دستور حاکم شرع وقت ده زنان بهائی که سن آنها بین ۱۷ تا ۵۷ سال بود، یکی پس از دیگری، پس از ۶ ماه شکنجه، اعدام شدند. دو روز قبل از آن ۶ مرد بهائی در همان محل اعدام شده بودند. خانواده‌های آنها هرگز ندانستند که پیکر عزیزانشان در کجا دفن شده است. احتمالاً آنها را در گورهای بی نام و نشانی در گورستان بهائیان شیراز دفن کردند. آرامستانی که در بهار ۱۳۹۳ تخریب شد و بر ویرانه‌های آن بعدها یک مجتمع فرهنگی- ورزشی ساختند.

مونا محمودنژاد (۲۷ ساله)، رویا اشراقی (۲۳ ساله) و مادرش عزت جانی (۵۷ ساله)، سیمین صابری (۲۴ ساله)، شهین دالوند (۲۷ ساله)، اختر ثابت (۲۵ ساله) زین مقیمی ابانه (۲۹ ساله) طاهره ارجمند (۳۰ ساله) و نصرت غفرانی (۴۶ ساله) ده زن بهائی هستند که چهل سال پیش در برابر چشم همدیگر به چوبه دار سپرده شدند.

را شناسایی کنیم و اکنون اکثریت قریب به اتفاق حملات خنثی می‌شوند.»

وی بطور مشخص به حمله سایبری علیه موسسه فناوری تکنیون- اسرائیل توسط دو گروه مرتبط با وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی اشاره کرد. این حملات از سوی باج‌افزار انجام شده بود. هکرها برای لغو آن ۸۰ بیت کوین (۶/۱ میلیون دلار) درخواست کرده بودند.

پورتنوی می‌افزاید رژیم ایران اهداف غیرنظامی را در «بسیاری از کشورها مانند ترکیه، عربستان سعودی، مصر، مراکش، هند، عمان، بحرین، کویت و غیره» هدف قرار می‌دهد و توضیح داد جامعه امنیتی اسرائیل «زیر و بم فعالیت‌های سایبری ایران را می‌شناسد و به روش‌های مختلف برای مختل کردن آن تلاش می‌کند.»

وی خواستار همکاری‌های بین‌المللی بیشتر علیه فعالیت‌های سایبری جمهوری اسلامی شد و از ایالات متحده به دلیل اعمال تحریم‌ها علیه مجتبی مصطفوی و فرزین کریمی دو نفر از عوامل سایبری جمهوری اسلامی وابسته به وزارت اطلاعات قدردانی کرد.

پورتنوی به تشریح برخی پروژه‌های مشترک امنیتی اداره سایبری اسرائیل در سال گذشته از جمله مشارکت با امارات متحده عربی برای ایجاد یک «پلتفرم همکاری سایبری چندملیتی» پرداخت.

وی همچنین به توسعه پروژه «گنبد سایبری» اسرائیل اشاره کرد که بر اساس هوش مصنوعی برنامه‌ریزی شده است. این مقام امنیتی اسرائیل پیش از این فاش کرده بود که مقامات دفاع سایبری اسرائیل بیش از هزار حمله رادفیع کرده‌اند که به گفته وی می‌توانستند اقتصاد اسرائیل را فلج کنند. او توضیح داد: «در دنیای مبارزه با تروریسم و بازی‌های جاسوسی، عموم مردم عمدتاً از حملاتی که متوقف شده‌اند بی‌اطلاع هستند. وظیفه ما جلوگیری از حملاتی است که اگر موفق باشند، خسارات میلیونی به اقتصاد و کشور وارد خواهد کرد.»

وی تأکید نمود: «هرکسی که علیه شهروندان اسرائیلی حملات سایبری انجام می‌دهد باید بهایی را که می‌پردازد در نظر بگیرد.»

● وزارت دفاع اسرائیل اعلام کرد در یک «عملیات بی‌سابقه» میلیون‌ها دلار ارز دیجیتال را که برای حزب‌الله لبنان و نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در نظر گرفته شده بود توقیف کرده است. این رمزارزها مصادره و به اسرائیل منتقل شده‌اند.

● همزمان گابی پورتنوی رئیس اداره سایبری اسرائیل در یک سخنرانی در دانشگاه تل‌آویو اعلام کرد که این کشور توانایی‌های خود را در زمینه شناسایی حملات سایبری افزایش داده و لایه‌های محافظتی را تقویت و سطح بالایی از خرابکاری‌ها به ویژه از سوی رژیم ایران را شناسایی و اکثریت قریب به اتفاق حملات را خنثی کرده است.

● پورتنوی همچنین به تشریح برخی پروژه‌های مشترک امنیتی اداره سایبری اسرائیل در سال گذشته از جمله مشارکت با امارات متحده عربی برای ایجاد یک «پلتفرم همکاری سایبری چندملیتی» پرداخت.

● پورتنوی می‌افزاید رژیم ایران اهداف غیرنظامی را در «بسیاری از کشورها مانند ترکیه، عربستان سعودی، مصر، مراکش، هند، عمان، بحرین، کویت و غیره» هدف قرار می‌دهد.

جنگ سایه میان جمهوری اسلامی و اسرائیل در ابعاد مختلف شدت گرفته است. وزارت دفاع اسرائیل اعلام کرد در یک «عملیات بی‌سابقه» میلیون‌ها دلار ارز دیجیتال را که برای حزب‌الله لبنان و نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در نظر گرفته شده بود، توقیف کرده است. این رمزارزها مصادره و به اسرائیل منتقل شده‌اند.

وزارت دفاع اسرائیل گفته است که از ابتدای سال ۲۰۲۳ حزب‌الله، «سپاه قدس» و گروه‌های فعال در سوریه از ارزهای دیجیتال (رمزارز) در تبادلات خود بیشترین استفاده را کرده‌اند. همزمان گابی پورتنوی رئیس اداره سایبری اسرائیل روز سه‌شنبه ۲۷ ژوئن (ششم تیرماه) در یک سخنرانی در دانشگاه تل‌آویو گفت: «سال گذشته ما سخت تلاش کردیم تا با افزایش انعطاف‌پذیری و توانایی‌های خود در زمینه شناسایی حملات سایبری، لایه‌های محافظتی را تقویت کرده و سطح بالایی از خرابکاری‌ها، به ویژه از سوی رژیم ایران

## ائتلاف ملی برای نجات ایران



ایران را قبول داشتید، آنوقت به موضوع دموکراسی و حقوق بشر هم برای این ملت خواهید رسید. شکل نظام در صف سوم قرار دارد. اگر ملت و مملکت متحد و دموکراسی و حقوق بشر را پذیرفتیم، یا ادعا داریم که پذیرفته ایم، می‌بایست به رأی و انتخاب آزاد و دموکراتیک این ملت هم گردن بگذاریم.

### ائتلاف ملی علیه فاشیسم مذهبی

اما ما هنوز با یک فاشیسم مذهبی و سرکوبگر روبرو هستیم! انقلاب ملی ایران در دوران گرم کردن خود و انباشت نیرو برای یک خیزش دیگر بسر می‌برد. بنا بر شواهد، زمینه برای شکل گرفتن یک ائتلاف دموکراتیک به ابتکار جریان‌های ملی‌گرا و ایران‌دوست اعم از چپ و راست و طرفدار جمهوری و پادشاهی مناسب است.

منظور از ملی‌گرایان، آن جریان‌های فکری هستند که معتقد به جذب حداکثری‌اند و نجات ایران در صدر همه اهداف دیگرشان قرار دارد و می‌توانند و مایل‌اند نمایندگی فردی یا گروهی در یک ائتلاف ملی داشته باشند.

ائتلاف، همکاری موقت جریان‌های همسو اما مختلف و متفاوت برای رسیدن به هدف یا اهداف مشترک در یک دوره موقت است. تشکیل دولت‌های ائتلافی در دموکراسی‌ها و جبهه‌های ائتلافی در دیکتاتوری‌ها از همین پرنسیپ پیروی می‌کند.

برای تشکیل ائتلافی جهت نجات ایران نه تنها لازم نیست دیدگاه‌های مشترک در گذشته یا حال و آینده داشت بلکه اساسا نباید به چنین مباحثی پرداخت چون مضمون ائتلاف نیستند! گذشته و حال و آینده‌ی مشترک نیروهای یک ائتلاف ملی و دموکراتیک در شرایط امروز یک چیز است: نجات ایران!

این ائتلاف می‌بایست پاسخ مساعد و مناسب به همبستگی ملی عملا موجود در ایران و پیام‌هایی باشد که سال‌هاست مردم در اعتراضات و تجمعات خود به صورت شعار فریاد می‌زنند و حاصل جمع همه آنها چیزی جز جایگزینی جمهوری اسلامی با یک حکومت ملی که آزادی و

به این پرسش که رأی شما چه خواهد بود بگوید: این یا آن! دوم درباره پادشاهی‌خواهان که مانند جریان‌های دیگر طیفی از میانه‌رو و منطقی و خردمند تا افراطی را در بر می‌گیرند و ملی‌گرایی به عنوان وجه شاخص و بدیهی آنها عنوان می‌شود باید گفت این جریان نیز زمانی واقعا ملی‌گراست که منادی حقوق همه ملت از هر تعلق اجتماعی و سیاسی از جمله چپ و راست و جمهوریخواه باشد یعنی همان ملی‌گرایی که ولیعهد ایران همواره به آن پایبند بوده است.

### سه صف‌بندی

سوم موضوع صف‌بندی‌هاست.

صف‌بندی اول با قبول ملت ایران و مملکت ایران شکل می‌گیرد.

همه اقوام و پیروان مذاهب اعم از زن و مرد که بی‌تردید در همه جای جهان، هویت‌های مختلف‌شان به عنوان انسان چندوجهی در هم تداخل پیدا می‌کند، یک هویت طبیعی و اولیه دارند که فلسفه سیاسی آن را دارای حقوق طبیعی و اولیه می‌داند: انسان! انسان ایرانی هویت دیگری جدا از همه انسان‌های جهان ندارد. انسانی که خود را بطور تاریخی در قلمرو سرزمینی ایران متحد و چارچوب سیاسی ملت متحد تعریف می‌کند.

ملی‌گرایی ایرانی یا ایران‌گرایی به دلیل سرشت خود دست به حذف از پیکره ملی و آنچه ملت را با همه اختلافات و تنوع‌اش می‌سازد نمی‌زند. ملی‌گرایی به معنی دفاع از یک ملت یک شکل و یک‌دست و بی‌عیب و خطا و بی‌اختلاف نیست! اختلافات درونی یک ملت، در صورتی که دست خارجی هم در کار نباشد، ممکن است به مرز مناقشه و جدال نیز برسد اما راه غلبه بر آن، هدایت اختلافات به مجرای حقوقی و قانونی است. نه قانون حذف‌کننده و سرکوبگر بلکه قوانین متکی بر اصول دموکراسی و حقوق بشر. صف‌بندی دوم همینجا شکل می‌گیرد: با دموکراسی و حقوق بشر. اما تا صف اول مشخص نشود، به صف دوم نمی‌رسیم: پس از آنکه شما ایران و ملت ایران و مملکت

درباره پادشاهی‌خواهان که مانند جریان‌های دیگر طیفی از میانه‌رو و منطقی و خردمند تا افراطی را در بر می‌گیرند و ملی‌گرایی به عنوان وجه شاخص و بدیهی آنها عنوان می‌شود باید گفت این جریان نیز زمانی واقعا ملی‌گراست که منادی حقوق همه ملت از هر تعلق اجتماعی و سیاسی از جمله چپ و راست و جمهوریخواه باشد یعنی همان ملی‌گرایی که ولیعهد ایران همواره به آن پایبند بوده است.

برای تشکیل ائتلافی جهت نجات ایران نه تنها لازم نیست دیدگاه‌های مشترک در گذشته یا حال و آینده داشت بلکه اساسا نباید به چنین مباحثی پرداخت چون مضمون ائتلاف نیستند! گذشته و حال و آینده‌ی مشترک نیروهای یک ائتلاف ملی و دموکراتیک در شرایط امروز یک چیز است: نجات ایران!

این ائتلاف، حرکت و مشارکت داوطلبانه و مسئولانه جریان‌های سیاسی و فکری خواهد بود که می‌خواهند فراتر از نشست و گفتگو، برای نجات ایران اقدام کنند و پاسخ عملی به خواست مردم بدهند!

رهبری این ائتلاف که شفافیت و صراحت نیز می‌بایست راهنمای آن باشد، در شرایط کنونی، با کسی جز شاهزاده رضا پهلوی نمی‌تواند باشد. کسی که پیشینه خانوادگی و زندگی و تلاش خود وی اثبات کرده به شهرت و ثروت و مقام نیازی ندارد و مدرن و بدون کینه‌جوییست! هیچ فرد و نهادی در سپهر سیاسی ایران دارای چنین ویژگی‌هایی برای جلب اعتماد عمومی نیست.

ائتلاف ملی باید بازتاب آشتی ملی عملا موجود در میان خود مردم باشد که در دستگاه فربه کشوری و لشکری ایران حضور دارند... ملی‌گرایان و ایران‌دوستان می‌توانند این افتخار را داشته باشند که بر چرخه خشونت که توسط جمهوری اسلامی به یک امر روزانه و عادی تبدیل شده نقطه پایان بگذارند و خشم و نفرتی را که در جامعه علیه رژیم و عوامل آن انباشته شده در مجرای حقوقی و راهکارهای قانونی مبتنی بر استانداردهای بین‌المللی هدایت کنند.

بدون نجات ایران، هیچ نظر و عقیده و هدفی برای آینده، محلی از اعراب ندارد و این نجات در گرو یک ائتلاف سراسری ملی و دموکراتیک است. ملی‌گرایان می‌توانند پیشگام چنین ائتلاف و چنین فرهنگی باشند.

الاهه بقرات - این مطلب پس از دعوت «اندیشکده کوروش بزرگ» تهیه شد و فشرده‌ای از آن به صورت گفتار ویدئویی در اختیار این اندیشکده قرار گرفت و در نشست شنبه ۲۴ ژوئن ۲۰۲۳ در دانشگاه کالیفرنیا لس‌آنجلس برگزار شد پخش شد.

\*\*\*\*\*

چون موضوع به «گفتمان پادشاهی‌خواهان» مربوط است، اول از همه بگویم که هرگز خود را در چارچوب این یا آن نظام محدود نکرده‌ام اما به دلایل تاریخی، فرهنگی، تجربی و منطقه‌ای، نظام پادشاهی پارلمانی را برای ایران کارآمدتر می‌دانم. با اینهمه، تا زمانی که کسی در شرایط واقعی و عینی انتخاب قرار نگرفته باشد و نداند چه افراد و جریان‌های کارآمد یا ناکارآمدی هر یک از دو نظام را نمایندگی می‌کنند، از عقل و منطقی و دانش به دور است که پیشاپیش



➔ امنیت و رفاه و زندگی عادی آنها را تأمین کند نیست.

## نامه ایرانی تبارهای آمریکا به رئیس کمیته روابط خارجی کنگره: رابت مالی را به دلیل سیاست مماشات با رژیم ایران احضار کنید



رابت مالی

به ویژه در پرونده هسته‌ای ایران است و شرکت‌کنندگان در این جلسه به ویژه درباره اهمیت دور نگه داشتن کنگره در صورت توافق آمریکا با جمهوری اسلامی گفتگو می‌کنند. به باور نویسندگان این نامه، این کار (جلسه مورد اشاره) نشانه خطرناکی است که می‌تواند امنیت ملی آمریکا را تضعیف کند و به رژیم جمهوری اسلامی جسارت بیشتری می‌دهد.

بعضی از امضاکنندگان نامه، به دلیل نگرانی از واکنش ناخوشایند برخی از مقامات یا گروه‌های مستقر در ایالات متحده که از نزدیک شدن به جمهوری اسلامی حمایت می‌کنند، اسامی‌شان را فاش نکرده‌اند.

امین سوفیامهر استاد علوم سیاسی در دانشگاه ایندیانا، رضا بهروز پزشکی و استاد دانشگاه تگزاس، یاس علیزاده استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه نیویورک، ساسان نعمت‌بخش وکیل مستقر در آتلانتا، شیما بزرگی محقق حقوقی مستقر در واشنگتن دی‌سی و سارا اسحاقی از گروه «اقدام برای ایران» مستقر در کالیفرنیا از جمله امضاکنندگان این نامه هستند.

تأکید ایرانیان مخالف حکومت این است که با توجه به سوابق دموکرات‌های آمریکا در زدوبندهای پنهانی با رژیم ایران نظیر آنچه در توافق اتمی سال ۲۰۱۵ انجام شد دستگاه‌های نظارتی ایالات متحده و دولت این کشور کنترل بیشتری بر عملکرد مقامات آمریکایی مرتبط با مسائل ایران داشته باشند.

مایکل مک‌کال رئیس روابط خارجه کنگره آمریکا از حزب جمهوریخواه، چند روز پیش نامه‌ای به جو بایدن فرستاد و از وی خواست که به «رفتارهای بد» جمهوری اسلامی پادشاه ندهد. وی با انتقاد از «تصمیم احتمالی» رئیس جمهوری آمریکا برای مذاکره با جمهوری اسلامی تأکید کرده که عدم شفافیت دولت وی با کنگره آمریکا درباره ایران، نامیدکننده است. مک کال همچنین گفته است که وزارت خارجه آمریکا به درخواست کنگره مبنی بر (احضار) رابت مالی و ادای توضیحات درباره جمهوری اسلامی ایران عمل نکرده است.

اخیراً ۲۵ نماینده کنگره از دو حزب جمهوریخواه و دموکرات نیز با امضای نامه‌ای از بایدن خواسته‌اند تا مانع دستیابی جمهوری اسلامی ایران به سلاح هسته‌ای شود.

● بیش از ۲۰۰ شهروند آمریکایی ایرانی‌تبار در نامه‌ای به مایکل مک‌کال رئیس کمیته روابط خارجه کنگره آمریکا، از وی درخواست کرده‌اند تا رابت مالی نماینده ویژه آمریکا در امور ایران را به کنگره احضار کند و از وی بخواهد تا خلاصه‌ای از توافقات دولت جو بایدن با رژیم ایران را ارائه کند.

● امضاکنندگان این نامه که تعداد آنها ۲۱۱ نفر است به نمایندگی از جامعه ایرانی‌آمریکایی و با هدف تقویت صدای مردم آزادیخواه ایران درخواست کرده‌اند که رابت مالی نماینده دولت بایدن در مذاکرات اتمی با جمهوری اسلامی توضیح دهد چه امتیازاتی را به حکومت ایران داده است.

● در بخشی از این نامه آمده: «آقای مالی، غافل از سرکوب وحشیانه معترضان ایرانی از سوی رژیم، از جمله قتل بیش از ۵۰۰ نفر شامل ۶۵ کودک و زندانی کردن حدود ۲۰ هزار نفر دیگر، به تعامل با رژیم برای احیای سیاست مماشات و مدارای دوران اوپاما ادامه داده است. تمامی این فعالیت‌ها به صورت مخفیانه و به دور از چشم کنگره صورت گرفته است. آقای مالی همچنین روابط خود با رژیم را از جامعه ایرانی‌آمریکایی و افکار عمومی آمریکا پنهان نگاه داشته است.»

بیش از ۲۰۰ شهروند آمریکایی ایرانی‌تبار در نامه‌ای به مایکل مک‌کال رئیس کمیته روابط خارجه کنگره آمریکا، از وی درخواست کرده‌اند تا رابت مالی نماینده ویژه آمریکا در امور ایران را به کنگره احضار کند و از وی بخواهد تا خلاصه‌ای از توافقات دولت جو بایدن با رژیم ایران را ارائه کند.

امضاکنندگان این نامه که تعداد آنها ۲۱۱ نفر است به نمایندگی از جامعه ایرانی‌آمریکایی و با هدف تقویت صدای مردم آزادیخواه ایران درخواست کرده‌اند که رابت مالی نماینده دولت بایدن در مذاکرات اتمی با جمهوری اسلامی توضیح دهد چه امتیازاتی را به حکومت ایران داده است.

این نامه در شرایطی به کنگره ارسال شده که کمیته روابط خارجی در کنگره آمریکا از تصویب طرح دائمی شدن تحریم‌های این کشور علیه جمهوری اسلامی خبر داده و قرار است به زودی در صحن علنی مجلس نمایندگان رای‌گیری شود. به گزارش «اُپک تایمز» در این نامه آمده جامعه ایرانی‌آمریکایی به خاطر سابقه مماشات محرمانه رابت مالی با مقامات ارشد جمهوری اسلامی ایران، مخالف انتصاب وی به این سمت بود.

امضاکنندگان نامه می‌گویند: «آقای مالی، غافل از سرکوب وحشیانه معترضان ایرانی از سوی رژیم، از جمله قتل بیش از ۵۰۰ نفر شامل ۶۵ کودک و زندانی کردن حدود ۲۰ هزار نفر دیگر، به تعامل با رژیم برای احیای سیاست مماشات و مدارای دوران اوپاما ادامه داده است. تمامی این فعالیت‌ها به صورت مخفیانه و به دور از چشم کنگره صورت گرفته است. آقای مالی همچنین روابط خود با رژیم را از جامعه ایرانی‌آمریکایی و افکار عمومی آمریکا پنهان نگاه داشته است.»

آنها در ادامه با اشاره به جلسه نماینده ویژه آمریکا در امور ایران با طرفداران جمهوری اسلامی در ماه مارس ۲۰۲۳ افزودند: «در این جلسه آقای مالی در حال بحث با طرفداران شناخته شده جمهوری اسلامی در مورد راه‌های بازگشت ایالات متحده به سیاست مماشات و مدارا با جمهوری اسلامی،

### نیروها و رهبری ائتلاف ملی

این ائتلاف، حرکت و مشارکت داوطلبانه و مسئولانه جریان‌های سیاسی و فکری خواهد بود که می‌خواهند فراتر از نشست و گفتگو، برای نجات ایران اقدام کنند و پاسخ عملی به خواست مردم بدهند!

چنین ائتلافی نباید به عقاید سیاسی افرادی که به عنوان نماینده از سوی چپ و راست و جمهوری و پادشاهی در آن شرکت می‌کنند، گره زده شود بلکه باید مانند آغاز یک دو امدادی عمل کند که قرار است ملت را از یک دوره تاریخی عبور دهد تا مرحله بعد را به نقش‌آفرینان دیگر در دوره انتقالی و سپس آنها به بازیگران دوران ثبات تحویل دهند. شکست یا پیروزی این ائتلاف را نیز مانند «گروه منشور» مردم و افکار عمومی رقم می‌زنند. هراندازه حرکتی به تمایلات آنها نزدیک باشد، احتمال پیروزی بیشتر خواهد بود. از همین رو این ائتلاف ملی برعکس «گروه منشور» و یا ترفندی که اکنون دوباره برای «همبستگی» تقلبی در داخل به راه افتاده، نه رو به خارج و برای غایب به غربی‌ها، بلکه می‌بایست رو به داخل داشته باشد! حمایت مردم از یک ائتلاف ملی، غربی‌ها را نیز به تمکین و اخواهد داشت.

رهبری این ائتلاف که شفافیت و صراحت نیز می‌بایست راهنمای آن باشد، در شرایط کنونی، با کسی جز شاهزاده رضا پهلوی نمی‌تواند باشد. کسی که پیشینه خانوادگی و زندگی و تلاش خود وی اثبات کرده به شهرت و ثروت و مقام نیازی ندارد و مدرن و بدون کینه‌جوییست! هیچ فرد و نهادی در سپهر سیاسی ایران دارای چنین ویژگی‌هایی برای جلب اعتماد عمومی نیست.

### ائتلاف و آشتی ملی

نکته‌ی مهم دیگری که باید به آن توجه ویژه داشت، آشتی ملی است. ائتلاف ملی باید بازتاب آشتی ملی عملاً موجود در میان خود مردم باشد که در دستگاه فربه کشوری و لشکری ایران حضور دارند. حساب آنانکه دستشان به جرائم جنایی (اعم از اقتصادی و سیاسی) و حقوق بشری آلوده است به روند دادخواهی مربوط می‌شود.

ملی‌گرایان و ایراندوستان می‌توانند این افتخار را داشته باشند که بر چرخه خشونت که توسط جمهوری اسلامی به یک امر روزانه و عادی تبدیل شده نقطه پایان بگذارند و خشم و نفرتی را که در جامعه علیه رژیم و عوامل آن انباشته شده در مجرای حقوقی و راهکارهای قانونی مبتنی بر استانداردهای بین‌المللی هدایت کنند.

تغییر رژیم در ایران قطعاً صورت خواهد گرفت. چه بهتر که آگاهانه و با هدایت یک ائتلاف ملی سراسری با جذب حداکثری باشد. پادشاهی‌خواهان که از همان بهمین ۵۷ همواره به دنبال تغییر رژیم بوده‌اند، و بسیاری از جوانترهاشان اتفاقاً جزو کسانی هستند که با همین نظام نیز همراهی داشته‌اند، می‌توانند برای تشکیل ائتلاف ملی بین خودشان و جریان‌های جمهوریخواه اعم از چپ و راست پیشقدم شده و مدافعان دموکراسی را قانع کنند که نجات ایران در صدر همه عقاید و منافع سیاسی فردی و گروهی قرار دارد. تا ایران از شر جمهوری اسلامی نجات پیدا نکند همه ادعاها درباره دموکراسی و حقوق بشر و آزادی و امنیت و رفاه جز حرف نیست.

بدون نجات ایران، هیچ نظر و عقیده و هدفی برای آینده، محلی از اعراب ندارد و این نجات در گرو یک ائتلاف سراسری ملی و دموکراتیک است. ملی‌گرایان می‌توانند پیشگام چنین ائتلاف و چنین فرهنگی باشند.

## پیمان نیروهای ایرانگرا در پشتیبانی یکپارچه از پیکار ملی ایرانیان



طرح از کیهان لندن / امرداد ۱۴۰۰

باشد و از آنها حمایت‌های لازم را به عمل آورد. تامین نیازهای اولیه و بنیادین اقشار تنگدست جامعه و حمایت از آنان دیگر وظیفه‌ی مسلم دولت مطلوب ما است. در حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی و امور خصوصی، شهروندان برخوردار از آزادی‌های بنیادین هستند تا بتوانند خلاقیت و سبک زندگی مطلوب خویش را، بدون دخالت دولت، پی گیرند؛ تنها وظیفه دولت در این حوزه پاسداری از این آزادی‌های بنیادین و مبارزه با نیروهای ارتجاعی است. بدون تردید، نخستین گام در دستیابی به چنین ایرانی، از میان برداشتن نظام ضدملی مستقر، یعنی جمهوری اسلامی است. از میان برداشتن جمهوری اسلامی نیز، نیاز به سازماندهی دارد. اما این سازماندهی بدون نقشه راه پیروزی ممکن نیست. نقشه راهی که ما آن را چنین ترسیم می‌کنیم:

### در ضرورت اقتدار و مرجعیت سیاسی

پیروزی بر جمهوری اسلامی و رسیدن به جامعه مطلوب در گرو شکل‌گیری اقتدار و مرجعیت سیاسی در قالب یک کل ارگانیک است که عناصر آن در همکاری با یکدیگر به سوی یک هدف مشخص حرکت کنند. این اقتدار و مرجعیت سیاسی بایستی چشم‌اندازی روشن از آینده بدون جمهوری اسلامی را برای ملت ترسیم کند. این چشم‌انداز روشن در پناه تدوین یک استراتژی و سازماندهی، جنبه‌های عملی می‌یابد و شور لازم را در ضرورت تغییر کلان میان حاملان انقلاب ملی بر می‌انگیزاند. این به نوبه خود پیش‌درآمدی است به برهم زدن توازن نیرو به سود انقلاب ملی و ملتی که در خیابان‌های کشور بار سنگین مبارزه را در تقابل با دستگاه سرکوب به دوش می‌کشند. بدیهی است بخش قابل توجهی از این فرایند که انقلاب ملی را در مقام یک مجموعه بهم پیوسته استحکام می‌بخشد، نیازمند وجود رهبری است. هیچ انقلابی بدون رهبری پیروز نمی‌شود. رهبری انقلاب را مردم در جریان خیزش‌ها فرا می‌خوانند. با تداوم این فراخوان ملی در یک بازه زمانی طولانی و در پهنه‌ای سراسری، رهبری انقلاب تثبیت می‌شود.

برای پایه‌ریزی این اقتدار سیاسی و همچنین اِعمال آن در میدان تا در تداوم منطقی خود، بتواند توازن نیروها را به نفع ملت تغییر دهد، تشکیل یک سازمان مبارزه ضروری است. این سازمان مبارزه می‌تواند بر اساس ائتلاف گروه‌های

اصول بنیادین این همگرایی بر پایه وفاداری به اصول بنیادین زیر شکل می‌گیرد:

- ایران، سرزمین و کشور ملت ایران است، و یکپارچه و تجزیه‌ناپذیر است. ملت ایران ملتی تاریخی، واحد، کهن و طبیعی است. این ملت، سرگذشت، سرنوشت و تاریخ مشترک دارد.

- ملت ایران برخوردار از گنجینه‌ای گرانها از میراث فکری و معنوی است که یک سرمایه پرافتخار ملی را شکل می‌دهد. در درون این ملت، گوناگونی زبانی، مذهبی و فرهنگی وجود دارد که موجب غنای تمدن ایرانی شده است.
- زبان فارسی زبان ملی، میانجی، دیوانی و میراث مشترک همه ایرانیان است. آموزش دیگر زبان‌های موجود در کشور آزاد است. همچنین دولت‌های آینده موظف به پشتیبانی از زبان‌هایی هستند که در معرض نابودی قرار دارند.

- پرچم ایران، پرچم سه رنگ سبز، سفید، سرخ با نشان شیروخوشید است. بنیانگذاران مشروطیت در ایران نیز در قانون مشروطه بر این امر صحت گذاشتند.

- هدف غایی کنش سیاسی ما تامین منافع ملی و گسترش رفاه و خیر همگانی ایرانیان بر پایه‌ی برابری حقوقی کامل همه شهروندان ایران است.

- بالاترین اراده، اراده ملی است که در محدوده حاکمیت قانون بازتاب یافته و عمل می‌کند. بر این اساس یگانه مرجع مشروع و برحق تعیین شکل نظام و قوانین کشور، رضایت عمومی است که از طریق نمایندگان منتخب آنان ابراز می‌شود.
- نظام سیاسی ایده‌آل ما برای ایران آینده نظامی بر پایه سکولاریزم، دموکراسی، و مبتنی بر حقوق بنیادین بشر است. دموکراسی را حکمرانی بر پایه رأی اکثریت و پاسداری از حقوق اقلیت می‌دانیم.

بر پایه اصول بالا، جامعه مطلوب از نظر ما جامعه‌ای است که در آن توسعه به صورت پایدار و با مشارکت گسترده مردمی پیش رود. در هر طرح توسعه‌محور که از سوی نهادهای حکومتی و خصوصی ارائه می‌شود، مدیریت اصولی منابع آب و حفاظت از محیط زیست می‌بایست در اولویت باشد. در کنار تاکید بر دو اصل اقتصاد بازار آزاد و مالکیت خصوصی و پاسداری از این دو مولفه، دولت موظف است تسهیل‌کننده‌ی فعالیت‌های اقتصادی مولد

- نخستین گام برای حل بحران‌های کنونی ایران، پیکار ملی علیه جمهوری اسلامی با هدف احیای حاکمیت ملی برای تحقق حقوق شهروندی همه ایرانیان فارغ از نوع گویش، زبان، جنسیت، دین و سایر ویژگی‌ها و تنوع شهروندان است.

- نظر به ضرورت تقویت جبهه مردم به منظور تغییر توازن قوا به نفع ملت ایران، نیاز به همگرایی پایدار ایرانگرایان بیش از پیش احساس می‌شود؛ همگرایی میان نیروهای مترقی و گروه‌های گوناگونی که بر سر اعتلا و خوشبختی کشور و مردم و تداوم حیات ملی ایران توافق بنیادین دارند. این نیروها و گروه‌ها می‌توانند در چارچوب اصولی ملی و فراتشکیلاتی، حول یکدیگر گرد آیند و با تکیه بر آن اصول، سازماندهی مناسب را ایجاد و در مسیر پیروزی، به ملت ایران یاری لازم را برسانند.

- تمام تلاش ما برای رسیدن به آن مرحله تاریخی است که ملت ایران بتواند بار دیگر سرنوشت و حاکمیت ملی خود را به دست بگیرد.

### دیبچه

از بحرانی که از سال ۵۷ آغاز شد ۴۴ سال گذشته است؛ بحرانی ناشی از پیگیری نیروهای ضدایرانی و کوشش آنان برای حذف ملت ایران به نفع توهمات ایدئولوژیک، که همه‌ی وجوه حیات ملت ما را دچار سیر قهقرایی کرده است. نخستین گام برای حل بحران‌های کنونی ایران، پیکار ملی علیه جمهوری اسلامی با هدف احیای حاکمیت ملی برای تحقق حقوق شهروندی همه ایرانیان فارغ از نوع گویش، زبان، جنسیت، دین و سایر ویژگی‌ها و تنوع شهروندان است. در این پیکار ملی، نبرد میان دو جبهه در جریان است: نخست جبهه‌ی نیروهایی که رفاه و آزادی را از رهگذر حذف جمهوری اسلامی و در چارچوب دولت-ملت ایران پی می‌گیرند؛ و دیگری صف کسانی که برای ادامه‌ی حیات نظام ضدملی می‌کوشند یا همچنان در امتداد ۵۷ می‌اندیشند ولی اینبار بجای «امت» تلاش می‌کنند با توسل به دیگر ایدئولوژی‌های موهوم، با دولت-ملت ایران بستیزند. این پیکار پس از چهار دهه، از دی‌ماه ۱۳۹۶ با گسست سیاسی-گفتمانی از تمام رویکردهای وفادار به ۵۷، در قالب انقلاب ملی مسیر خود را ادامه داد؛ گسستی که به روشنی در شعارهایی چون «رضاشاه روحت شاد» و «اصلاح‌طلب اصولگرا / دیگه هومه ماجرا» بازتاب یافت و به علت ویژگی ایرانگرایانه‌ی خود به سرعت ابعادی سراسری و ملی به خود گرفت.

این انقلاب ملی از آن زمان تا کنون در قالب خیزش‌های پیاپی تداوم یافته است، که واپسین نمونه آن خیزشی بود که از شهریور ۱۴۰۱ پس از قتل حکومتی جاویدنام مهسا امینی- «دختر ایران»- رخ داد.

نظر به ضرورت تقویت جبهه مردم به منظور تغییر توازن قوا به نفع ملت ایران، نیاز به همگرایی پایدار ایرانگرایان بیش از پیش احساس می‌شود؛ همگرایی میان نیروهای مترقی و گروه‌های گوناگونی که بر سر اعتلا و خوشبختی کشور و مردم و تداوم حیات ملی ایران توافق بنیادین دارند. این نیروها و گروه‌ها می‌توانند در چارچوب اصولی ملی و فراتشکیلاتی، حول یکدیگر گرد آیند و با تکیه بر آن اصول، سازماندهی مناسب را ایجاد و در مسیر پیروزی، به ملت ایران یاری لازم را برسانند.

بازنشر

## مدیر نمونه!

(کیهان لندن شماره ۱۰۰۳) اردیبهشت ۱۳۸۳

خیراندیش (احمد احرار)



از حمایت او دست نکشید.

آیت‌الله خمینی هم اگر قرار می‌بود نشان عدالت بر سینه کسی بیاویزد و مدیر نمونه انتخاب کند، کسی را بر آیت‌الله خلخالی ترجیح می‌داد.

الارواح جنود مجنّده. کور کور را می‌جوید، آب گودال را. حکومت‌های استبدادی به کارگزارانی نیاز دارند که وقتی دستور می‌رسد کلاه بیاورند سر می‌برند. چون و چرا و اما و اگر هم الفاظی است که این گونه خدمتگزاران صدیق و چاکران درگاه با آن آشنا نیستند.

یکی از عموهای ناصرالدین‌شاه هر وقت فرصتی می‌یافت به او توصیه می‌کرد به‌جای نوکران بله بله قربان‌گوی درباری برای اداره امور مملکت از تحصیلکرده‌ها و فرنگ‌رفته‌ها استفاده کند که دنیای جدید را می‌شناسند و مقتضیات زمان را درک می‌کنند.

ناصرالدین‌شاه این نصایح را از این گوش می‌شنید و از آن گوش درمی‌کرد. چون توصیه‌ها مکرر شد، روزی در حضور شاهزاده عمو یکی از آن بله‌بله قربان‌گوه‌های شکم‌گنده را که منصب مهمی داشت، پیش طلبید و گفت فلان روز ناهار مهمان تو خواهیم بود و اراده کرده‌ایم که بلجیک پلو بخوریم. سفارش کن بلجیک‌پلوی مفصلی بپزند که تشریف فرما شویم و تناول کنیم.

آن شخصیت عالی‌مقام تعظیمی کرد و گفت اطاعت می‌شود، قدم مبارک روی چشم!

وقتی رفت، ناصرالدین‌شاه به‌عموی خود گفت:

— سزاده عمو! ما نوکر می‌خواهیم که وقتی می‌گوییم بلجیک‌پلو، سؤال و جواب نکنند و جز اطاعت امر چیزی به خاطرش نخلد. در حالی که به هر ک دام از تحصیلکرده‌ها و فرنگ‌رفته‌ها می‌گفتم هوس بلجیک‌پلو کرده‌ایم، حالت استفهام به خود می‌گرفت و می‌ایستاد و برای من موعظه می‌کرد که بلجیک نام کشور است در اقالیم فرنگ و اهل آن مملکت پلو نمی‌خورند و چیزی به‌نام بلجیک پلو وجود ندارد!

دانشمندی را پرسیدند بهترین مرد تاریخ کیست؟ گفت فرق می‌کند، از نظر خوارج عبدالرحمن بن ملجم!

هیچ تعجب ندارد که قوه قضائیه جمهوری اسلامی سعید مرتضوی را به‌عنوان مدیر نمونه کشور شناخته و مستوجب دریافت لوح تقدیر دانسته است. در حکومت یزید هم اگر می‌خواستند قاضی نمونه انتخاب کنند این عنوان به شریح قاضی می‌رسید و هرگاه می‌خواستند نشان لیاقت بر سینه صاحب‌منصبی بیاویزند از شمرین ذی‌الجوشن کسی را شایسته‌تر نمی‌یافتند.

همین چند هفته، خاطرات آیت‌الله حاج شیخ صادق خلخالی را در صفحه «خاطرات و تاریخ» کیهان خوانده‌اید. می‌فرمایند: «حضرت امام، دو یا سه روز پس از به‌ثمر رسیدن انقلاب، اینجانب را فرا خواند و نوشته‌ای را نشان داد و گفت این حکم را به‌نام شما نوشته‌ام. وقتی که به نوشته نگاه کردم دیدم که ایشان قضاوت شرع و دادگاه‌های انقلاب را با خط خویش به‌نام اینجانب نوشته است. عرض کردم متشکرم، اما این حکم سنگین است. حضرت امام فرمود برای شما سنگین نیست. گفتم خون دارد و می‌ترسم چهره‌ام در تاریخ انقلاب، خونین جلوه‌گر شود و دشمنان اسلام علیه من تبلیغ کنند. امام فرمودند من پشتیبان شما هستم و بالاخره این حکم را به کی بدهم که به او اطمینان داشته باشم؟»

وقتی شیخ صادق خلخالی آستین‌ها را بالا زد و سلاخی را آغاز کرد، حواریون حضرت امام از مکلا و معمم، از صحابه قم و نجف تا صحابه فرنگ، خدمت ایشان مشرف شدند و تأثیر نامطلوب عملیات حاکم شرع یا جلال انقلاب را در افکار و انتظار جهانیان یادآور شدند و انتظار داشتند امام امر به توقف محاکمات و اعدام‌های وحشیانه بدهد اما آن بزرگوار همان وقت که حکم به‌نام خلخالی می‌نوشت می‌دانست چه کسی را برای چه کاری مأمور و منصوب می‌کند. بنابراین گوش به حرف احدی نداد و به وعده خود عمل کرد و همانطور که خلخالی در خاطراتش نوشته است،

همسو، که بر سر اصول بنیادین مورد اشاره در بالا توافق دارند، شکل بگیرد. مهم‌ترین فعالیت‌هایی که این سازمان مبارزه با ایستی در روند مبارزه عملی پی بگیرد، بطور کلی در موارد زیر، قابل اشاره است. بدیهی است چگونگی اجرای هر کدام از این موارد می‌بایست توسط خود گروه‌ها و با توجه به مختصات زمانی و مکانی مورد بحث قرار گرفته و اجرا شود. به عبارت دیگر، این موارد، پیشنهادهاتی ناشی از تجارب عملی و مشاهدات عینی هستند که در اینجا ارائه می‌شوند:

- هدف از مبارزه نیروهای ملی ناممکن کردن تداوم حکمرانی جمهوری اسلامی است از جمله با از کار انداختن دستگاه سرکوب. از این رو، تاکتیک‌هایی مانند برپا کردن اعتراضات محله‌محور، پیوند اعتراضات محلات به یکدیگر، کمک به تشکیل «میدان میلیونی» و در نهایت فتح خیابان‌ها، راه‌هایی برای رسیدن به این هدف هستند.
- تلاش برای تغییر نگرش، ریزش، جلب اعتماد و در نهایت هموارسازی زمینه برای پیوستن نیروهای نظامی و اداری به انقلاب ملی

- کمک به شکل‌گیری اعتصابات صنفی اعم از کارگری و اداری و پشتیبانی همه‌جانبه از این اعتصابات
- کمک به تأمین اینترنت آزاد و امن برای درهم شکستن فضای سانسور درون کشور و کمک به گردش آزاد اطلاعات
- از میان بردن امکان دسترسی جمهوری اسلامی در تأمین ابزارهای سرکوب از بازارهای جهانی
- ارائه چشم‌اندازی روشن از آینده‌ی بدون جمهوری اسلامی برای همه ایرانیان از طریق نقشه راه چگونگی تأمین امنیت و ثبات و مقدمات بازسازی کشور

- سازماندهی ایرانیان خارج کشور برای برگزاری تجمعات گسترده و دیگر کنش‌های ممکن برای کمک به بازتاب مبارزات درون کشور، و نیز رایزنی و ارتباط با دولت‌ها و رسانه‌های خارجی برای آگاه ساختن آنها از ماهیت و اهداف پیکار ملی ایرانیان

پس از پیروزی در پیکار ملی علیه جمهوری اسلامی، و به پشتوانه همبستگی فراگیر، بایسته است تا سازمان مبارزه نقشی موثر در کمک به دولت موقت برای اداره امور مردم در دوران گذار بازی کند؛ این نقش موثر می‌تواند در مسائلی چون رفع نیازهای ضروری جامعه، تأمین امنیت کشور، و هموارسازی زمینه‌های حقوقی مناسب و لازم برای پشت سر گذاشتن موفق دوران انتقال، نمود پیدا کند.

تمام تلاش ما برای رسیدن به آن مرحله تاریخی است که ملت ایران بتواند بار دیگر سرنوشت و حاکمیت ملی خود را به دست بگیرد.

پاینده ایران - شنبه ۳ تیرماه ۱۴۰۲ / ۲۴ ژوئن ۲۰۲۳

امضا کنندگان:

روشنک آسترکی

عبدالرضا احمدی

محمود ابطحی

الهه بقراط

لیلی بازرگان

مهدی حاجتی

امین سوفیامهر

بابک شکرآبی

حامد شبیبانی‌راد

سعید قاسمی‌نژاد

حجت کلاشی

علیرضا کیانی

پهزاد مهرانی

فرخنده مدرس

شاهین نجفی

## پیام رادیو - تلویزیونی شاه چگونه و توسط

## چه کسانی تهیه شد

وقتی پیام شاه را به شاپور بختیار رساندم گفت او ۲۵ سال صبر کرد، بگذار چند روز دیگر هم انتظار بکشد!

(تاریخ نشر در کیهان لندن: از آذر ۱۳۸۳ تا شهریور ۱۳۸۴ - از شماره ۱۰۳۳ تا ۱۰۷۱)

بازنش

آخرین روزها  
پایان سلطنت و  
درگذشت شاه  
(۱۹)



دکتر هوشنگ نهاوندی

اساس رویدادها و حوادث واقعی زندگی انسانها نوشته می‌شود. برای نوشتن این کتاب، نویسنده از کمکهای بی دریغ و سخاوتمندانه اردشیر زاهدی، دکتر اصلاص افشار، شجاع‌الدین شفا، پروفیسور عباس صفویان و دکتر داریوش شیروانی بهره‌مند بوده است. این شخصیتها که در ماههای آخر سلطنت محمدرضا شاه تماس روزانه با او داشتند، اطلاعات، خاطرها و به‌یادمانده‌های خود را در اختیار نویسنده قرار داده‌اند. نویسنده ضمناً از دکتر هادی هدایتی، دکتر کاظم ودیعی و بیژن خلیلی مدیر شرکت کتاب سپاسگزاری کرده است. کتاب «آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه» دارای ۱۵ فصل است و با یک پی‌نوشت کوتاه و احساسی به‌پایان می‌رسد. کیهان بخشهایی از این کتاب را با موافقت نویسنده و ناشر، از این شماره به‌چاپ می‌رساند.

فردا صبح، به دیدارتان بیایم. برای من راه رفتن دشوار است، اما می‌تونیم دوتایی گفتگو کنیم.

— فردا جمعه است. برای پیک‌نیک به کرج می‌روم. شتابی در کار نیست.

— آیا می‌توانم اصرار کنم؟ می‌توانم در هر ساعتی که بگویید به نزدتان بیایم.

— او! وقت زیاد است. او (شاه) بیست و پنج سال صبر کرد، بگذار چند روز دیگر هم انتظار بکشد.

به‌نظم عصبی آمد. بعدها دریافتم که در حقیقت، او از ماه سپتامبر با شهبانو در گفتگو بوده است. شاید گمان داشت راهی که شهبانو در پیش گرفته، با موافقت شاه بوده است، و درک می‌کرد که پس چرا او، مرا پیام‌آور خود کرده. و اما شهبانو، احتمالاً هنگامی که به من تلفن کرد، کاری را انجام می‌داد که شوهرش از او خواسته بود، بی آن که نزد او اعتراف کند که خودش نیز تصمیماتی گرفته و کارهایی کرده است. روش او دوجانبه بود.

پس از گفتگوی ناامیدکننده، به داریوش فروهر که در آن زمان رهبر شماره سه «جبهه ملی» بود، تلفن کردم.

باید تأکید کنم که از میان آن سه تن، فروهر کسی بود که در بیست و پنج سال گذشته مورد اشاره بختیار، بیش از همه سختی کشیده بود. با این حال به سخنان من توجه کرد و سپس گفت:

— نگرانی شاهانه را درک می‌کنم. اما وضعیت کنونی، نتیجه اشتباهات اعلیحضرت است.

— مخالفتی با سخن شما ندارم.

— با این حال می‌خواهم به شما بگویم که می‌تونم کاری سودبخش انجام دهم. به شرطی که آقایان بختیار و سنجابی موافقت کنند. در آن صورت من نیز موافق خواهم بود. اما آقای بختیار هر پیشنهادی را نخواهد پذیرفت. او اکنون از جبهه ملی فاصله گرفته است. می‌دانید، او چیزی در سر دارد که هیچ کس نمی‌داند.

و پس از چند اظهار نظر درباره این و آن، ادامه داد چرا نمی‌کوشید موافقت اصلی آقای بختیار را به‌دست آورید؟

— چاره‌ای نداشتم جز آن که بار دیگر به بختیار تلفن

سر کلاس می‌رفت و هیچگاه کار تدریس را رها نکرد و به‌مدد همین سوابق دانشگاهی بود که پس از مهاجرت به فرانسه ۱۷ سال به‌عنوان استاد در دانشگاه پاریس تدریس کرد.

نهاوندی در سالهای ۱۳۵۰ گروه بررسی مسایل ایران را بنیان گذاشت به امید آنکه پیشنهادات این گروه راهگشای اصلاحاتی در ساختار آموزشی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی ایران شود. نهاوندی برای جمع‌آوری مطالب کتاب پانصد صفحه‌ای خود، مختصری از حافظه معروفش و مقدار زیادی از یادداشتهای روزانه یا شبانه‌اش سود جسته است.

کتاب از آغاز تا پایان، سرشار است از حوادث پرهیجان و اخبار دست اول که بیشتر اوقات نویسنده شخصاً درگیر آن بوده است و به همین دلیل محتوای کتاب شبیه رمانهای جذابی است که بر

ترجمه فارسی کتاب «آخرین روزها، پایان سلطنت و درگذشت شاه» نوشته دکتر هوشنگ نهاوندی از سوی شرکت کتاب در لس‌آنجلس منتشر شده است.

پهروز صوراسرافیل و مریم سیحون مترجمان این کتاب، به‌خوبی از عهده برگرداندن آن از زبان فرانسه به فارسی برآمده‌اند.

دکتر نهاوندی در دوران سلطنت محمدرضا شاه پهلوی وزارت آبادانی و مسکن و علوم و آموزش عالی و ریاست دانشگاههای پهلوی و تهران را به‌عهده داشت. وی مدتی نیز رئیس دفتر علیاحضرت شهبانو و چندی رئیس هیأت مدیره انجمن آثار ملی بود. اما در تمام این سالها وی بیشتر با محافل روشنفکری، علمی و دانشگاهی نشست و برخاست داشت تا با دولتیان. نهاوندی در دوران ریاستش بر دانشگاههای پهلوی و تهران هفته‌ای چند ساعت

## دعوت از اپوزیسیون

پنجشنبه ۲ نوامبر، ساعت هفت و نیم شب، به‌علت درد ستون فقرات در تخت خوابیده بودم که شهبانو تلفن کرد: «اعلیحضرت در کنار من‌اند و به گفتگویمان گوش می‌دهند. بنا بر آخرین گزارشها، هواداران خمینی خیال دارند روز سه‌شنبه هفتم نوامبر، در تهران شورش بزرگی به‌راه اندازند. آنان خواهند کوشید سینماها را به‌آتش بکشند، بانکها را غارت کنند و پیرامون دانشگاه کشتاری به‌راه اندازند. آنان، با این کارها می‌خواهند موقعیتی به‌کلی انقلابی به‌وجود آورند. برخی از اعضای سازمان امنیت که سرنخشان به دست کسانی غیر ایرانی است، دیگر قابل اعتماد نیستند. بنابراین، پیش از سه‌شنبه آینده، باید دولتی که مورد اعتماد مخالفان باشد، تشکیل شود تا بتوان از لحاظ سیاسی این دسیسه را خنثی کرد.»

از این تحلیل، شگفت‌زده شدم. با دادن امتیازات بیشتر، نمی‌شد نظم را برقرار کرد. ولی گفتنش دشوار بود. آنان موضع مرا می‌دانستند. توضیح دادم که وضعیت را درک می‌کنم، اما در تخت بیماری هستم و نمی‌توانم حرکت کنم، نمی‌توانم جایی بروم.

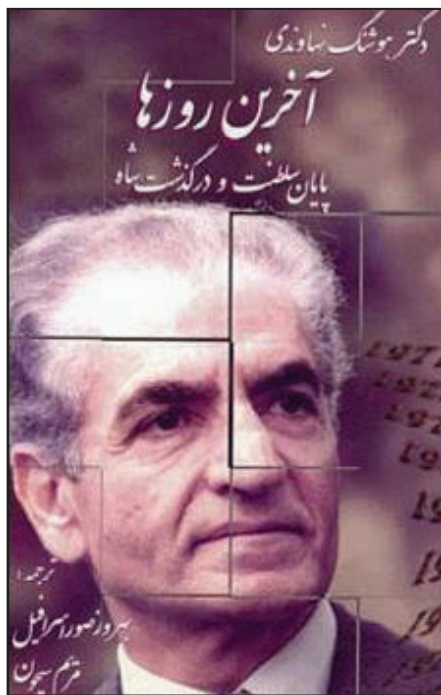
— ولی می‌توانید به رهبران اپوزیسیون تلفن کنید و از آنان بخواهید یک دولت وحدت ملی تشکیل دهند.

— ولی اعلیحضرت، می‌دانید که آنچه ده روز پیش امکان‌پذیر بود، امروز نیست...

— به‌ویژه به آنها تأکید کنید که اعلیحضرت، شخصی را که آنان برای نخست‌وزیری در نظر دارند، می‌پذیرند.

دشواری موقعیت و اهمیت کاری که می‌بایست از روی تخت خود انجام دهم — چون نمی‌توانستم جا به‌جا شوم — آنقدر زیاد بود که به‌نظر رسید باید شاهدانی داشته باشم. از عبدالکریم لاهیجی یکی از رهبران مخالفان و دوستم دکتر ضیاء امامی اهری که از نزدیکان آیت‌الله طالقانی بود، خواستم که به منزل ما بیایند.

در حضور آنان، نخست به شاپور بختیار تلفن کردم و با او گفتگوی تندی داشتم که دقیقاً چهل و پنج دقیقه



به‌درازا کشید. او اندکی شگفت‌زده بود که دلایل آن را دیرتر دریافتم. در پاسخ من، آغاز به برشمردن همه انتقادات خود از شاه، با همه ریزه‌کاریهاش کرد و از برکنار ماندن بیست و پنج‌ساله‌اش وسیله اعلیحضرت، تا بازویش که در جریان یک تظاهرات به وسیله «تحریک‌گران ساواک» شکسته شده بود، سخن به میان آورد. گفت: «شاه بیست و پنج سال وقت ما را تلف کرد، و مانع از شرکت ما در زندگی سیاسی کشور شد و حالا می‌خواهد که فوراً تصمیم بگیریم. ممکن نیست. آقای سنجابی در پاریس سرگرم گفتگو با خمینی است. من نمی‌توانم فقط با فروهر، تصمیمی بگیرم...»

پس از رد و بدل کردن سخنان گاه زمخت، به او گفتم: — من فقط پیامی را به شما دادم. اگر بخواهید می‌توانم

من گفت: «حتی افرادم را در اتومبیل‌های عملیاتی نشانده و دستور ماموریت هر گروه را به آنان داده بودم.» در باغشاه واحدهای هوانیروز خسرو داد فوراً به حالت آماده باش درآمدند. هر یک از افسران مسئول می‌دانست چه باید بکنند. گارد شاهنشاهی با وجود آن که در عملیات شرکت نداشت، در حالت آماده باش کامل قرار گرفت.

ناگهان به نظر رسید که محمدرضا شاه تغییر عقیده داده است. سفیران آمریکا و انگلیس را احضار کرد و با وجود سرمای استخوان سوز، اندکی در باغ قدم زد. انتظاری پراشتاب و پایان ناپذیر آغاز شد. کمتر از یک ساعت بعد، سفیران به کاخ آمدند. پیش از آن، شاه مدتی دراز با شهبانو به گفتگو نشست. آن سه دیدار که پایان یافت، شاه، باز رئیس کل تشریفات را احضار کرد، تصمیم خود را به او ابلاغ کرد و گفت که می‌خواهد تیمسار غلامرضا ازهراری، رئیس ستاد کل ارتش را مسئول تشکیل دولت تازه کند.

اصلاح افشار پرسید پس او ایسی چه می‌شود؟ شاه پاسخ داد: «به او تلفن کنید و بگویید مرخص است.» هنگامی که افسران ارشد و امرای ارتش این خبر را شنیدند، چنان خشکشان زد که گویی برق آنها را گرفته است. اصلاح افشار می‌نویسد: «ظاهراً سفیران آمریکا و انگلستان با شاه گفتگو کرده بودند و از او خواسته بودند او ایسی را که با قدرت و استواری مسائل را حل می‌کرد کنار بگذارید زیرا آمریکاییها و انگلیسیها می‌خواستند چنین شود... به گاه تبعید در مراکش، اعلیحضرت به من گفت: سفیران انگلیس و

و اجساد غرقه در خون. برای واقعی و نامود کردن فیلم، در بخشی شیبانی رئیس دانشگاه را نشان دادند. در پشت در بزرگ دانشگاه دیرانه به دانشجویان التماس می‌کرد که در آن خوشنوها شرکت نکنند. چندی بعد ثابت شد فیلمی که به نمایش درآمد، از بهم چسباندن تکه‌هایی از فیلم خبری خارجی ساخته شده است.

در کاخ، شاه که از کرختی درآمده بود، مرتباً از راه تلفن گزارشهایی پیرامون وضع پایتخت به دست می‌آورد. دستورهایش صریح بود: «به روی مردم شلیک نکنید. مطلقاً خونی ریخته نشود. سربازان فقط هنگامی اجازه تیراندازی دارند که مستقیماً مورد حمله قرار گیرند.»

او، شریف امامی را که بی‌خبر آمده بود تا استعفايش را تقدیم کند، به حضور پذیرفت و فوراً با آن موافقت کرد. به این ترتیب دومین دولت شریف امامی همانند نخستینش در سالهای شصت، به وسیله مردم کوچک و خیابان بیرون رانده شد. این بار اما، دولت عملاً مدتها بود که وجود خارجی نداشت و توهمی بیش نبود. شرفیابی کوتاه بود. نخست وزیر به شاه گفت: «من برهیچ چیز مسلط نیستم و نمی‌دانم چه کنم.»

چندین افسر بلند پایه با مقامهای مهم، خشمگین و درهم ریخته از مشاهده اوضاع، نمی‌توانستند بپذیرند که ارتش به سطحی پایین آمده که دست روی دست بگذارد تا کشور تکه پاره شود و پایتخت بسوزد. آنان در تالارهای گوناگون نزدیک دفتر شاه گردآمده بودند و به رئیس کل تشریفات

کنم. اما پاسخ او همان بود. يك «نه» تقریباً عصبی. حدود ساعت ده شب، نتیجه را به آگاهی کاخ رساندم. در این سالها، در تهران چندین کتاب سانسور شده، و در نتیجه ناگزیر بریده بریده و جانبدارانه، رویدادهای آن روزها را بر اساس گواهی برخی افراد یا از روی اوراق بازجویی چند تنی از چهره‌های صاحب نام آن دوران در زندانها روایت کرده‌اند. در این روایات، شاه، به دورویی متهم شده و گفته‌اند که او با پیشنهاد تشکیل دولت وحدت، می‌خواست سر مخالفان را گرم کند و مقدمات يك کودتا را فراهم آورد. اما این ادعاها به هیچ روی درست نیست. شاه که روحیه خود را باخته بود، رهنمودهایی می‌داد و ابتکاراتی را آغاز می‌کرد، ولی آنها را به سرانجام نمی‌رساند. او هرگز به راستی به ارتش روی نیاورد. بی‌هیچ تردید مأموریتی که به او ایسی محول کرده بود، همانند آنی که از من خواسته بود، فقط جنبه آزمایشی داشت. او دیگر نمی‌دانست چه کند. عنان کارها از دستش بیرون رفته بود، و برخلاف سالهای ۴۶-۴۵ تا ۱۹۶۴ یا ۱۹۶۳ مردان نیرومندی که بتوانند به یاری‌اش بشتابند، در کنار خود نداشت. مردی فرسوده و از نفس افتاده بود که فقط به‌خاطر انجام وظیفه، سر پا ایستاده بود. «میشل پونیا توفسکی» که در طول آن ماههای سرنوشت‌ساز سه بار با او دیدار و گفتگو کرد، و یا «کنت دو مانش» نیز این موضوع را دریافته بودند. فقط شهبانو از وضع جسمانی محمدرضا شاه خبر داشت. او نیز تصمیماتی گرفت که بی‌نتیجه بود.

رویدادهای روز ۷ نوامبر که شاه از آنها بیم داشت، در حال نطفه بستن بود.

روزهای سوم و چهارم نوامبر، آشوب در تهران ادامه یافت. هواداران خمینی، یکشنبه پنجم نوامبر تظاهراتی را که کاخ سلطنتی هشدارش را داده بود، انجام دادند. بی‌بی‌سی خبرش را از پیش داده بود. ماجرا، صبح و از درون پردیس مرکزی دانشگاه تهران آغاز شد. همه خبرنگاران خارجی حاضر در تهران دعوت شده و آنجا حاضر بودند.

نه تنها شاه صریحاً از نیروهای انتظامی خواسته بود که از سلاحهای خود استفاده نکنند، بلکه نیروهای پلیس و سربازان به هیچ اقدامی برای تقسیم شهر به نواحی گوناگون به منظور مهار جمعیت دست نزدند. جماعت از دانشگاه تهران بیرون آمدند و در صفوفی متراکم به طرف مرکز شهر سرازیر شدند. هیچ سدی در برابرشان نبود. مشاهده می‌شد که در میان آنان، گروههایی که به وسیله رزمندگان - که بسیاری از آنان فلسطینی بودند - اداره می‌شدند، مسلح و مجهز به وسایل مورد نیاز، ماموریت ویران کردن و آتش زدن دارند. هزاران شیشه هتلهای، رستورانها، فروشگاهها خورد شد. بانکها، موسسات بازرگانی و دفترهای کار، سینماها، وزارتخانه‌ها و دیگر بناهای دولتی به آتش کشیده شد.

نیروهای نظامی از سفارت آمریکا محافظت می‌کردند، ولی وزارت اطلاعات و جهانگردی و ساختمان کنسولگری انگلستان زیر و رو شد. چنگیز خان و طایفه‌اش بازگشته بودند. اسلام گریبان، بدون هیچ محدودیت، روش ویرانگری کورکورانه را به کار گرفتند و هدفشان به وحشت افکندن مردم بود. شامگاه آن یکشنبه، تهران چهره هولناک شهری ویران شده از آتش سوزی را داشت که خاموش شدن شعله‌هایش تا فردا طول کشید. کمی پیش از ساعت هشت شب، ناگهان روشنایی چراغها به شهر بازگشت در حالی که معمولاً اعتصاب کارگران برق تا ساعت ده شب پایتخت را در تاریکی فرو می‌برد.

در بخش اصلی اخبار شب تلویزیون، فیلم سرهم بندی شده از رویدادهای روز پخش شد. فیلم صحنه‌های سرکوبی مردم را نشان می‌داد. سربازانی که روی مردم شلیک می‌کردند



شاپور بختیار

آمریکا گمان می‌کردند که او ایسی به نیرومندی عمل خواهد کرد و وضع بدتر خواهد شد. باید برای آرام کردن مردم، کسی میانه روتر برگزیده شود... اطمینان دارم که آنها (آمریکاییها و انگلیسیها) خواستار رفتن من بودند.»

موضع گیری شهبانو که شواهد نشان می‌داد مخالف انتخاب او ایسی بود که مشی «تندرانه» داشت، کمتر قابل توضیح است. در دربار و در میان اطرافیان ایشان، برخی بیم آن را داشتند یا می‌گفتند بیم آن دارند که ماجرای پاکستان در ایران روی دهد. مگر ژنرال ایوب خان و بعدها ضیاءالحق از موقعیت هرج و مرج برای در دست گرفتن قدرت سود نجسته بودند؟ آنان وفاداری بی‌چون و چرای ارتش به فرمانده خود و رئیس قانونی کشور را به فراموشی

تقریباً التماس می‌کردند به پادشاه بگوید که از او «تصمیمی قاطع و نهایی» می‌خواهند. اصلاح افشار این پیام را داد. اندکی پیش از ساعت شش بعدازظهر، شاه او را احضار کرد و در حالی که بسیار هیجان زده به نظر می‌رسید و تلفن خود را از دست نمی‌نهاد از وی خواست: به او ایسی بگوئید آماده باشد، در دفترش بماند و در انتظار تلفن کاخ باشد.» اصلاح افشار که در جریان بود، معنای آن دستور را دریافت و بلافاصله آن را انجام داد: «خبر را به افسران بلند پایه دادم. بسیار شادمان شدند.»

بسیاری از آنان فوراً با واحدهای خود تماس گرفتند و به معاونانشان دستور همی‌کردن تدارکات طرح «خاش» را دادند. بعدها، فرمانده نیروهای ویژه مستقر در لویزان به

# نشست «گفتمان پادشاهی ایرانی و تغییر رژیم» برگزار شد؛ تلاش برای پشتیبانی عملی از انقلاب ملی ایران

ولی حفظ پیروزی از آن به مراتب مهم‌تر است و نیاز داریم در بخش نظری نیز زمینه‌های لازم را برای پیروزی خود و حفظ آن فراهم کنیم.

● عرفان قانعی فرد: کسانی که به پادشاهی‌خواهان برجسب «راست افراطی» می‌زنند چیزی برای عرضه به تمدن ایرانی ندارند، یک روز با پرچم ایران مبارزه کردن، یک روز با فریاد ایران‌دوستی نسل جدید مبارزه کردن، یک روز به شهریار ایران اهانت کردن و...

فیروزه نوردستروم - به کوشش اندیشکده کوروش بزرگ سومین نشست از سلسله نشست‌های گفتمان پادشاهی‌خواهی با موضوع «گفتمان پادشاهی ایرانی و تغییر رژیم» روز شنبه ۲۴ ژوئن در دانشگاه یوسی‌ال‌ای لس‌آنجلس برگزار شد.

مجری و گرداننده این نشست پانته‌آ مدیری در ابتدا هدف از چنین نشست‌هایی را بحث در مورد راه‌بردها و به اشتراک‌گذاری ایده‌ها و تعریف جایگاه گفتمان‌های پادشاهی‌خواهان، ایران‌گرایان و مسئولیت وطن‌پرستان واقعی

● امیر طاهری: جامعه چون از خلاء می‌ترسد برای تغییر رژیم نمی‌توان گفت رژیم را تغییر دهیم ولی ندانیم که چه چیزی جایگزینش می‌شود. برای اینکه این پرش به سمت ناشناخته صورت نگیرد باید مشروطه پادشاهی را برای دوران انتقال پیشنهاد کنیم.

● ال‌ا‌هه بقراط: ملی‌گرایان می‌توانند افتخار این را داشته باشند که نقطه پایان بر چرخه خشونت‌ی بگذارند که جمهوری اسلامی چهار دهه به اشکال مختلف برای جامعه عادی‌نمایی کرده است. تغییر رژیم در ایران قطعاً صورت خواهد گرفت پس چه بهتر که این تغییر بر اساس یک ائتلاف سراسری و یکپارچه و ملی‌گرا و با جذب حداکثری و آگاهانه پیش برود. نجات ایران در صدر همه عقاید سیاسی و گروهی و فردی و تعلقات مختلف قرار دارد و تا وقتی از شر جمهوری اسلامی راحت نشویم تمامی این گفتگوها و نشست‌ها فقط حرف خواهد بود.

● شایان سمیعی: به نتیجه رساندن این خیزش انقلابی مردم ایران و تغییر رژیم منحوس نیازمند مدیریت واقع‌بین، خردمند، و بدون جاه‌طلبی است که باید پایبند به دموکراسی

→ سپرده بودند. اما این وفاداری در تمام دوران بحران، و معادلات داخلی ایرانیان حفظ شد. اخیراً شهبانو در زندگینامه مجازش که به چاپ رسیده، آن رویدادها را شرح داده و براین پا می‌فشارد که «همواره جانبدار راه حل محتاطانه بوده است». تاریخ را همیشه می‌توان دوباره ساخت. اما بسیاری کسان بودند، و از آن زمان به بعد اندیشیده، گفته و نوشته‌اند که گرفتن موضع استوار و نیرومندان، می‌توانست کشور را از فاجعه نجات دهد و از قربانی شدن هزاران نفر و تبعید گزیدن انبوه نخبگان جامعه ایران پیش‌گیری کند.

## دولت‌آزاری

انتخاب ارتشبد ازهارای شب هنگام به آگاهی او رسید. تیمسار که از بیماری قلبی رنج می‌برد و بالاتر از حد سنی ۶۵ سال در مقام خود مانده بود و هیچ جاه‌طلبی سیاسی نداشت، به شاه گفت که چندان تمایلی به نخست‌وزیری ندارد. «من مرد این موقعیت نیستم.» پاسخ شاه جای هیچ تردیدی نگذاشت: «من از شما نمی‌خواهم، به شما دستور می‌دهم.» سرباز سالخورده فرمانبردار دیگر واژه‌ای نگفت و فرمان را گردن نهاد.

فردای آن روز، ۶ نوامبر، رسماً انتصاب او اعلام شد. طرح «خاش» طبیعتاً به دست فراموشی سپرده شد. در پایان آن روز فرساینده، شاه به پیراوانش گفت: «فردا با ملت سخن خواهیم گفت» و رفت.

روز دوشنبه ۶ نوامبر، محمد رضا شاه سرساعت ده صبح به دفترش آمد، کوتاه زمانی وزیر دربار شاهنشاهی را پذیرفت. سپس رئیس تشریفات کشیک منوچهر صانعی را فرا خواند و به او گفت: «گروه رادیو - تلویزیون ملی قرار است به زودی برسد.» صانعی پاسخ داد: «اینجا هستند. قربان.»

شاه، خشمگین در دفتر کار پنهان خود گام می‌زد و انتظار می‌کشید. در راهروها همه از خویش می‌پرسیدند چه کسی متن سخنرانی او را تهیه کرده زیرا معمولاً شجاع‌الدین شفا، مشاور فرهنگی پادشاه این کار را برعهده می‌گرفت. اما در آن هنگام، وی در ماموریتی در خارج از کشور به سر می‌برد. سه دقیقه بعد باز صانعی را فرا خواند: «رضا قطبی قرار است نوشته را بیاورد. کجاست؟»

صانعی نمی‌دانست، اما گفت که خواهد رفت و خواهد پرسید. چند دقیقه بعد، بازگشت و به شاه گفت که رضا قطبی به همراه حسین نصر رئیس دفتر شهبانو، در حضور شهبانو هستند. پادشاه سخت برآشفته و گفت: «نزد شهبانو چه می‌کنند؟ این پیام من است.»

اصلاح افشار رئیس کل تشریفات، به شهبانو تلفن کرد و سخن شاه را بر او بازگفت. چند دقیقه‌ای دیگر هم گذشت تا سرانجام شهبانو، قطبی و نصر با نوشته آمدند و وارد دفتر شاه شدند. افشار هم حضور داشت. او همه چیز را یادداشت کرد و بعداً به چاپ رساند. داستان آن روز به روایت او چنین است: «پادشاه نوشته را برداشت. آن را خواند. «نه! مطلقاً نباید چنین چیزهایی بگویم.» اما رضا قطبی پاسخ داد: «نه اعلیحضرت. دیگر هنگام آن فرا رسیده که شما هم درکنار ملت قرار بگیرید و سخنهایی بگوئید که او بیسندد.» شهبانو و نصر هم همین نظر را داشتند. شاه گروه رادیو - تلویزیون را احضار کرد و کوچکترین نگاهی به نوشته نینداخت. بعدها در مکزیك به من گفت که در دفترش نشسته و پیام را ضبط کرده است: در حال خستگی مفرط، با گلوبی که بغضی از اندوه و احساسات آن را پر کرده بود... حتی يك واژه آن را تغییر ندادم، زیرا درین بست قرارگرفته بودم.» افشار در ادامه نوشته است: بعدها به شدت از آن کار پشیمان شد. (ادامه دارد)



امیر طاهری

در انقلاب ملی ایران عنوان کرد. وی مخاطب اصلی این نشست‌ها را نسل آگاه و فهیم در داخل خیابان‌های ایران دانست که دوران آشوب و حساسی را برای به ثمر نشاندن این انقلاب ملی طی می‌کنند.

امیر طاهری روزنامه‌نگار بین‌المللی و تحلیلگر سیاسی مقیم لندن نخستین سخنران این نشست بود که ویدئوی سخنان وی برای حاضران پخش شد.

به گفته وی، مردم ما در تاریخ معاصر خود دو نوع نظام را تجربه کردند یکی نظام مشروطه پادشاهی که بعد از دوران سلطنت مطلقه شکل گرفت و طی دوران رضاشاه کبیر و محمدرضا شاه که با زیر و بم‌های مختلف موفق ←

سکولار مبتنی بر حقوق بشر، برابری جنسی و جنسیتی، یکپارچگی و حق مردم برای تعیین شکل نظام سیاسی از طریق انتخابات آزاد باشد.

● امین سوفیامهر: برتری نسبی پادشاهی‌های خاورمیانه بر جمهوری‌های آن تصادفی نیست، و شایسته درنگ و تأمل است. در میان سررشته‌داران و پژوهشگران خاورمیانه این پرسش ماندگار مطرح است که چرا نظام‌های پادشاهی در خاورمیانه از نظام‌های جمهوری باثبات‌تر و اصلاح‌پذیرترند.

● بابک شکرابی: در سال ۵۷ از نظر تئوریک شکست خوردیم و کشورمان را در ۴۴ سال گذشته به نیروهای اهریمنی ۵۷ باختیم بنابراین پس گرفتن ایران بسیار مهم است

آمده و حرف آخر و نقطه پایان همه این سیه‌روزی‌ها رفتن جمهوری ننگین کودک‌کش اسلامی است اضافه کرد: «در این بزنگاه تاریخی که شباهت غریبی به صدر مشروطیت دارد، درنگ جایز نیست و امروز نسلی که هرگز روی آرامش و آسایش و سربلندی سرزمین‌مان را ندیده با ایثار جان خود چون ستارخان و باقرخان به جنگ رو در رو با دشمن برآمده، تا بار دیگر حکومت قانون را در سرزمینی که خود مهد قانون، سربلندی و عدالت بود به آن بازگرداند.»

وی خلع مشروعیّت بین المللی از جمهوری اسلامی را مستلزم تشکیل یک مجمع واحد متکثر با هدف اخذ شناسایی سیاسی و حقوقی از مجامع بین المللی دانست و تأکید کرد: «این طرح ابتدا در ژانویه ۲۰۲۲ از طرف اندیشکده آوای آزادی تهیه شده بود.»

سخنران سوم این نشست الهه بقراط روزنامه‌نگار و سردبیر کیهان لندن بود که ویدئوی سخنان وی پخش شد. وی نظام پادشاهی را به دلایل تاریخی، فرهنگی، منطقه‌ای و تجربی برای ایران کارآمدتر دانست و افزود: «تا وقتی در شرایط واقعی عینی انتخاب قرار نگیریم دور از عقل و منطق است که پیشاپیش به این یا آن نظام آری یا نه گفت بدون اینکه بدانیم چه افراد یا جریان‌هایی هر نظام را نمایندگی می‌کنند.» وی به سه صفت‌بندی شکل گرفته در ایران اشاره کرد و افزود: «هر فرد در سراسر جهان هویت‌های مختلفی دارد، منتها یک هویت اولیه دارد که بر اساس آن اولین تعلق اجتماعی را پیدا می‌کند و آن موطن است. در صفت‌بندی دوم موضع ما نسبت به دموکراسی و حقوق بشر است. اول باید توضیح بدهیم این دو را برای کجا می‌خواهیم: برای انسجام بیشتر این ملت و مملکت و یا برای تکه پاره کردنش! صفت‌بندی سوم بر اساس

انتقال پیشنهاد کنیم. در این دوران پس از تثبیت اوضاع، احیای اقتصاد ایران، با بازگرداندن اعتماد به نفس و اعاده حیثیت به ملت ایران و با بازسازی نیروهای دفاعی و امنیتی ایران همه مردم می‌توانند در زمینه نوع نظام آینده ایران تصمیم بگیرند.» به گفته این تحلیلگر سیاسی، نظام مشروطه، نظام باز و ارگانیکی است که تغییر کرده و تغییر را خواهد پذیرفت، گفتمان مشروعه و تسلط دین بر زندگی مردم رو به افول است از این فرصت استفاده کنیم با همه مخالفان و موافقان خود صحبت کنیم، سازماندهی کنیم، به مردم ایران بگویم این تغییر به هیچ وجه خلاءای ایجاد نخواهد کرد، قمار بزرگی نیست، چیز است که می‌شناسید و خودتان آن را ساختید.

امیر حمیدی کارشناس حوزه «تروویسم بین‌المللی» سخنران دیگر این نشست بود که به صورت حضوری سخنان خود را با عبارت «کوروش، شاه شاهان و شاه سرزمین‌های پهناور» آغاز کرد و گفت: «آنچه کوروش را از قلب تاریخ بیرون می‌کشد و از دیگر بزرگان متمایز می‌کند تنها فرمانروایی‌اش بر بزرگترین امپراتوری کهن نیست بلکه او بیش از هر چیز به کرامت انسانی شهرت دارد. بخشندگی و احترام به باور و اهمیت به فرهنگ و آیین مردمان آزاد شده به فرمانش که از اخلاق و ذات‌والایش نشأت می‌گرفت»

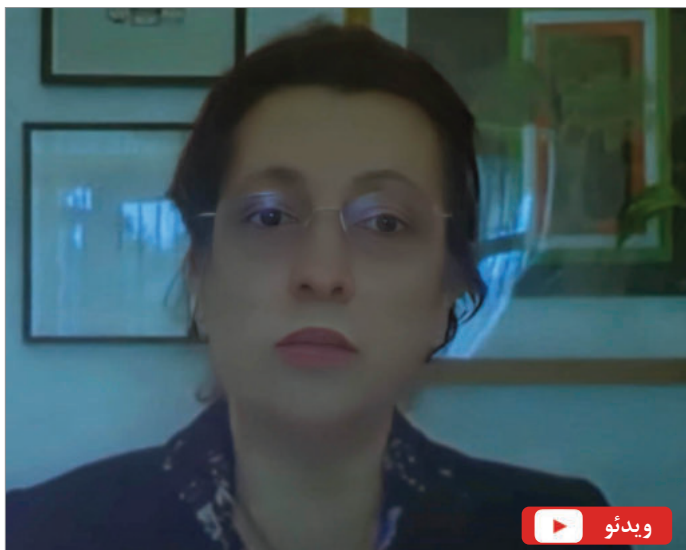
به گفته وی، پادشاهی کوروش و حکومت‌مداری وی متفاوت و از جنس دیگری بود؛ او را هیچگاه دیکتاتوری بی‌بندوبار نخواندند بلکه وی پادشاهی شورامدار بود که دیدگاه‌های شورای مشاوران را ارج نهاد و قدرتش برگرفته از احترام مردمان بود، این آن شیوه حکومت‌داری است که رییس جمهور ایالات متحده درباره آن گفته پادشاهی در شورا است اگرچه برای مدتی کوتاه باشد. او در زمانه‌ای که بسیاری حتی

شد ایران را وارد دنیای امروز بکند و زیربنای جامعه پیشرفته‌ای را بسازد. از طرف دیگر مردم ایران دوران مشروعه فقهاتی را هم تجربه کرده‌اند بنابراین می‌تواند بین این دو مقایسه کنند و تصمیم بگیرند کدام یک از این دو شیوه زندگی سیاسی به نفع‌شان است.

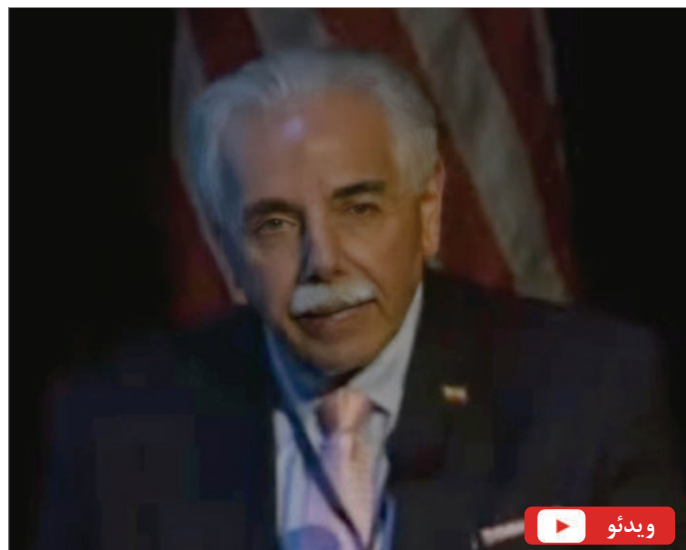
طاهری اضافه کرد: «مشروطه برخلاف مشروعه مردم را از دید دینی ترسیم نمی‌کند، در مشروطه برعکس، مردم ایران شهروندان متساوی‌الحقوق هستند، همه در حاکمیت ملی شرکت دارند، آنچه در کشور می‌گذرد باید با اجازه و تأیید آنها انجام شود، در این نظام، مردم هستند که در صورتی که لازم بدانند این نظام را تصحیح یا بخش‌هایی از آن را تغییر می‌دهند.»

وی ادامه داد: «بنابراین نظامی که مردم ایران تجربه کرده‌اند نظام مشروطه با همه کاستی‌هایش تنها نظامی بود که به ایرانیان برای اولین بار امکان می‌داد که تضادهای اجتناب‌ناپذیر در جامعه مثل تضاد منافع، مذاهب، عقاید و آرمان‌ها را از طریق سیاسی حل کند نه از طریق جنگ مذهبی و جنگ‌های قبیله‌ای و طبقاتی یا جنگ‌های قومی. اکثریت مردم به این نتیجه رسیده‌اند که مشروعه ولایت فقیه به بن‌بست رسیده و پایگاه مردمی خود را از دست داده و به دشمن ملت تبدیل شده؛ در چنین زمانی چطور ایران خود را از وضع کنونی به وضعیت دیگری منتقل کند؟»

این تحلیلگر سیاسی در پاسخ به این پرسش توضیح داد: «مشروطه پادشاهی می‌تواند بهترین چارچوب برای چنین انتقالی باشد چون چارچوب کلی برای این اتفاق وجود دارد، بنابراین کم‌هزینه‌ترین راه برای انتقال وضعیت ایران به یک وضعیت دیگر، مشروطه پادشاهی است، مردم آن را



الهه بقراط



امیر حمیدی

این دو صفت‌بندی تشکیل می‌شود به این ترتیب که وقتی ملت و مملکتی داشتیم، به اصول دموکراسی و حقوق بشر هم پایبند بودیم آنوقت می‌بایست به انتخاب آزادانه مردم و حق انتخاب آنها هم گردن بگذاریم و وقتی آنها در آینده این امکان را پیدا کردند که شکل نظام برای حکمرانی ملی را خودشان انتخاب کنند، باید این امکان را داشته باشند که درباره آن تصمیم بگیرند و باید به نتیجه آن انتخاب

چون امروز کوروش را افسانه می‌پنداشتند از خود میراثی بجا نهاده که نه تنها سرفرازی ایران را تا امروز برایمان به دنبال داشته بلکه در جای جای جهان برای استناد به قوانین عدالتخواهانه‌شان فرمان کوروش را به شهادت می‌گیرند و اینست بزرگی و خصلت پادشاهی که شاه شاهانش می‌دانند و قانونش حرف آخر را می‌زند. حمیدی با بیان اینکه امروز زمان زبان استعاره سیاسی بسر

می‌شناسند تجربه کرده‌اند، آثار و بقایای آن را در سراسر کشور می‌بینند خاطرات و فرهنگش هنوز موجود است، خانواده‌ها یادشان می‌آید که چگونه زندگی می‌کردند و به نسل‌های جدید انتقال می‌دهند اما جامعه چون از خلاء می‌ترسد برای تغییر رژیم نمی‌توان گفت رژیم را تغییر دهیم ولی ندانیم که چه چیزی جایگزینش می‌شود. برای اینکه این پرش به سمت ناشناخته صورت نگیرد باید مشروطه پادشاهی را برای دوران

➔ آزادانه و آگاهانه گردن گذاشت.

بقرات سپس به این مسئله که اما در حال حاضر «فاشیسم مذهبی» بر ایران حاکم است و نخست باید آن را از سر راه برداشت اشاره کرد و توضیح داد: «ملت و مملکتی وجود دارند که تحت سلطه این فاشیسم است. ما در مقام و مرحله اجرای دموکراسی و حقوق بشر نیستیم، در مرحله انتخاب نظام هم نیستیم بنابراین اول از همه باید این سد را از راه برداشت، موضوعی که از سال‌ها پیش به آن معتقد بوده و درباره آن نوشته‌ام تشکیل یک ائتلاف بزرگ از جریان‌های ملی مختلف است که بازتاب جریانات سیاسی عملاً موجود در ایران و مبتنی بر خواست‌ها و تمایلات مردم باشد.»

به گفته این روزنامه‌نگار خواست‌ها و تمایلات مردم را از اعتراضات و شعارهای آنها می‌توان پیدا کرد، آن ائتلاف هم می‌بایست چنان فراگیر باشد که همه جریانات را در بر بگیرد، ائتلافی که در آن همه افرادی که جای خود را در آن سه صف‌بندی مشخص کرده‌اند بتوانند در آن شرکت داشته باشند؛ این ائتلاف نباید به هیچ‌کس نه بگوید بلکه درها را باز بگذارد تا کسانی که به آن صف‌بندی‌ها اعتقادی ندارند و یا در صف‌بندی‌های دیگری قرار می‌گیرند، خودشان به این ائتلاف نه بگویند. این ائتلاف یک هدف باید داشته باشد: نجات ایران! اینکه نیروهایی که این ائتلاف را تشکیل می‌دهند درباره گذشته و حال و آینده نقاط مشترکی دارند یا نه، اصلاً اهمیتی ندارد و نباید مطرح شود، چون مضمون این ائتلاف نیست! شما اصلاً کشور و ملتی ندارید که بر سر اینکه حالا کشور و ملت چگونه اداره شود بخواهید بحث کنید! و هم‌زمان این امکان به جمهوری اسلامی داده شود که بر اساس همین موضوعات انحرافی در میان نیروهای متحد مردم و میان ملت

در این ائتلاف نباید نقش بازی کند، چون مسئله بر سر نجات ایران است.»

به گفته سردبیر کیهان لندن، روی این ائتلاف نباید به سوی کشورهای خارجی باشد که بیایند و آن را قبول کنند! بلکه باید به روی مردم باشد! اگر مردم ایران این ائتلاف را قبول کردند، خارجی‌ها مجبور به تمکین خواهند شد. رهبری این ائتلاف که باید با شفافیت و صراحت همراه باشد نیز در شرایط کنونی کسی جز شاهزاده رضا پهلوی نمی‌تواند باشد، پیشینه، تجربه و عملکرد او نشان داده دنبال شهرت، مال، مطرح شدن و مقام و موقعیت نیست و تنها کسی است که بر اساس این عملکرد و پیشینه می‌تواند اعتماد عمومی مردم ایران را جلب کند.

وی همچنین اضافه کرد: «ملی‌گرایان می‌توانند افتخار این را داشته باشند که نقطه پایان بر چرخه خشونت‌های بگذرانند که جمهوری اسلامی چهار دهه به اشکال مختلف برای جامعه عادی‌نمایی کرده است. تغییر رژیم در ایران قطعاً صورت خواهد گرفت پس چه بهتر که این تغییر بر اساس یک ائتلاف سراسری و یکپارچه و ملی‌گرا و با جذب حداکثری و آگاهانه پیش برود. نجات ایران در صدر همه عقاید سیاسی و گروهی و فردی و تعلقات مختلف قرار دارد و تا وقتی از شر جمهوری اسلامی راحت نشویم تمامی این گفتگوها و نشست‌ها فقط حرف خواهد بود.»

به گفته الهه بقرات، «اگر ائتلافی که در برگرفته تمامی نیروهای میهن‌دوست، ایران‌دوست و ملی‌گرایی که نجات ایران را در صدر اهداف خود قرار داده‌اند بتواند تشکیل شود مطمئن هستم مورد حمایت مردم ایران هم قرار خواهد گرفت و خواست ملت ایران را به غریب‌ها و کشورهای خارجی تحمیل خواهد کرد، البته نیاز به حمایت خارجی همواره وجود

به گفته وی مبنای فکری و اندیشه ما از اوست. او با یاد کردن از کوروش، شاه شاهان جهان که اندیشه زرتشت را همراه با فرزندان و جامعه‌اش شکل داد از فردوسی نام برد که زبان فارسی را زنده کرد.

به گفته کاویانی، امروز آنچه داریم زبان است هرچند شوربختانه این زبان مغشوش شد و فرهنگ‌مان به شبه‌فرهنگ تبدیل شده است.

کاویانی در ادامه با یادکردن از رضاشاه بزرگ و محمدعلی فروغی اضافه کرد: «فروغی بود که طرح و برنامه پادشاهی ایرانی را جلوی رضا شاه گذاشت همراه با انجمن ایران جوان، علی‌اکبر سیاسی، داور، تیمورتاش و غیره.

او شاهزاده رضا پهلوی را به عنوان شهريار ایران عنوان کرد و توضیح داد: «بدون ایشان انقلاب به پیروزی نخواهد رسید و اگر برسد به کج راه خواهد رفت.»

وی با اشاره به اینکه گفتمان اسلامی با زور جزیه و کشتار توانست خود را حقنه و تحمیل کند و هنوز هم درگیر همان تفکر و اندیشه اسلامی هستیم ادامه داد: «حتی در زمان مشروطه افرادی مثل ملک‌خان و ناظم‌الاسلام و کرمانی در صدر بودند که بگویند اسلام بهترین دین است و آن گفتمان را بر جامعه غالب کردند آیا امروز هم همچنان می‌خواهیم گفتمان غلطی داشته باشیم؟ آیا زمان این نرسیده که بدانیم اندیشه ایرانی چیست و این اندیشه را چگونه می‌توانیم به زبان ساده مثل اندیشه زرتشت بیان کنیم؟ اگر نتوانیم این اندیشه را به زبان ساده توضیح دهیم نمی‌توانیم اندیشه پادشاهی ایرانی را توضیح دهیم.»

دکتر آویده مطمئنی فر از سخنرانان پنل دوم بود که سخنرانی خود را به زبان انگلیسی ارائه کرد. وی در سخنان خود به



اردوان خوشنود



مهريار کاویانی

اقدامات مخرب جمهوری اسلامی در منطقه از جمله آمریکای جنوبی و کوبا اشاره کرد و همچنین بر اهمیت تروریستی اعلام شدن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تأکید کرد.

این پزشک همچنین گزینه شاهزاده رضا پهلوی برای رهبری انقلاب ملی ایران را تنها گزینه مطرح برای اپوزیسیون دانست. شایان سمیعی استاد علوم سیاسی و امنیت ملی در دانشگاه واشنگتن سخنران بعدی پنل دوم این نشست بود که از طریق ویدئو ایده‌های خود را ابراز داشت. وی با بیان اینکه جمهوری اسلامی در وضعیت انتقالی و تغییر قرار گرفته و طی ماه‌های آینده روند کنونی بحران، به جهت نابسامانی اقتصادی و مدنی، سرعت بیشتری می‌گیرد گفت: «به نتیجه

دارد اما نه اینکه اساس را بر این حمایت گذاشت! اساس، پذیرفتن ائتلاف از سوی مردم است و مردم ایران با آگاهی و توانایی که دارند دارند، از ائتلافی که مورد اعتماد آنهاست و رهبری و برنامه مشخصی برای نجات ایران دارد پشتیبانی خواهند کرد. نکته آخری که باید تأکید کنم این است که شما به دیگران نه نگویند! بگذارید دیگران بگویند صف ما از شما ملی‌گرایان و مردم ایران جداست و آنها به شما نه بگویند!»

مهريار کاویانی پژوهشگر تاریخ پادشاهی ایران و از فعالان صنعت نفت سخنران بعدی این نشست بود که به شکل حضوری در این نشست شرکت داشت. وی سخنرانی خود را با درود به اشوزرتشت به عنوان بزرگ آموزگار ایران آغاز کرد که

تفرقه بیندازد.»

وی با تأکید بر اینکه نقطه مشترک این ائتلاف چیزی جز «نجات ایران» نیست به ضرورت طرح «آشتی ملی» پرداخت و ادامه داد: «این ائتلاف می‌بایست بازتاب تمایلات اعتراضات و شعارهای مردم باشد و می‌بایست بازتاب آشتی ملی عملاً موجود در میان مردم هم باشد؛ همان آشتی ملی که در تظاهرات مردم از کردستان تا زاهدان از گیلان و مازندران تا خوزستان و خراسان و اصفهان و فارس شاهد بودیم. دستگاه فربه لشکری و کشوری در ایران که هموطنان ما در آنها مشغول به کار هستند می‌بایست بازتاب نجات و آینده خود را در این ائتلاف ببینند، هیچ‌یک از عقاید سیاسی افراد و گروه‌ها



این معنا که نه فقط خواهان سرنگونی و براندازی جمهوری اسلامی هستیم بلکه خواهان برقراری یک نظام شاهنشاهی در ایران می‌باشیم. ما نیاز به رهبری و سازماندهی گسترده داریم و تمام تمرکزمان را بر روی این بگذاریم که جمهوری اسلامی را از یک تعادل پایدار به تعادل ناپایدار برسانیم.»

وی در ارتباط با تغییر نظام از جمهوری اسلامی به یک نظام شاهنشاهی، مروری کوتاه داشت بر اقدامات پنجاه سال پادشاهی دودمان پهلوی و نوسازی و رشد اقتصادی، حفاظت از فرهنگی قابل توجه، اصلاحات فراوان در امور پزشکی و آموزشی، تقویت وحدت ملی و بالا بودن جایگاه ایران بین دولت‌های بین المللی. خوشنود نتیجه گرفت: «بر اساس این واقعیت‌ها پادشاهی برای ایران ثبات تداوم و تقویت وحدت ملی ایجاد خواهد کرد. موروثی بودن پادشاهی انتقال آرام و بی‌درد قدرت را تضمین خواهد کرد.»

در پایان سومین نشست اندیشکده کوروش بزرگ، نوبت به پرسش و پاسخ رسید که با حضور پانته آمدیری، بابک شکرابی عضو این اندیشکده و عرفان قانعی فرد پژوهشگر و تحلیلگر ایرانی مقیم آمریکا برگزار شد.

بابک شکرابی هدف اصلی بحث درباره گفت‌وگوها را ایجاد یک پایگاه نظری عنوان کرد و گفت: «پایگاه نظری که در واقع وجود داشته و باید آن را قوت ببخشیم. این پایگاه نظری همان زمین سفتی می‌شود که بر اساس آن سازماندهی صورت می‌گیرد و ما را به نقطه‌ای می‌رساند که کشورمان را پس بگیریم؛ پیش از این در سال ۵۷ از نظر تئوریک شکست خوردیم و کشورمان را در ۴۴ سال گذشته به نیروهای اهریمنی ۵۷ باختیم بنابراین پس گرفتن ایران بسیار مهم است ولی حفظ پیروزی از آن به مراتب مهم‌تر است و نیاز داریم

در خاورمیانه بزرگنمایی کنیم، بایسته است تا بنهیم که ایران هم ویژگی‌هایی دارد که آن را از دیگر کشورهای خاورمیانه متمایز می‌کند و هم دارای مختصاتی است که از موقعیت خاورمیانه‌ای آن سرچشمه می‌گیرد. این ویژگی‌های جداساز از یکسو و همسان از سوی دیگر هم سویه‌های فرهنگی دارد و هم سویه ژئوپولیتیک که نقش تعیین کننده در برگزیدن رژیم سیاسی مطلوب و پایداری آن برای ایران آینده دارد.»

وی به نظام‌های پادشاهی خاورمیانه اشاره کرد و افزود: «این نظام‌ها هم آزادی‌گستر هستند و هم ثبات بیشتری دارند و هم اصلاح‌پذیرتر از جمهوری‌های منطقه هستند. برتری نسبی پادشاهی‌های خاورمیانه بر جمهوری‌های آن تصادفی نیست، و شایسته درنگ و تأمل است. در میان سرشته‌داران و پژوهشگران خاورمیانه این پرسش ماندگار مطرح است که چرا نظام‌های پادشاهی در خاورمیانه از نظام‌های جمهوری باثبات‌تر و اصلاح‌پذیرترند. در پرتو تأملات و ملاحظات دانشورانه پژوهشگران خاورمیانه و همچنین تجربیات تاریخی ایران، باور دارم که پادشاهی مشروطه وراثتی نمونه مناسبی برای ایران، با ویژگی‌های سرسخت ژئوپولیتیک خاورمیانه‌ای است.»

به گفته وی، شیوه اصلاح شده نهاد پادشاهی در ایران آینده می‌تواند این نقش تعادل‌بخش را میان نهاد مذهب و نهاد ارتش و نیروهای نظامی ایفا کند. به جمهوری‌ها نگاه کنید در خاورمیانه این نظامیان هستند که به ضرب زور، اپوزیسیون و تمام نیروهای مخالف را سرکوب می‌کنند و ثبات سیاسی را در سرکوب سیاسی می‌دانند اما با احیای نهاد پادشاهی اصلاح شده هم می‌توانیم یک دولت قدرتمند داشته باشیم که به توسعه ایران کمک کند هم می‌تواند سربووشی بگذارد

→ رساندن این خیزش انقلابی مردم ایران و تغییر رژیم منحوس نیازمند مدیریت واقع‌بین، خردمند، و بدون جاه‌طلبی است که باید پایبند به دموکراسی سکولار مبتنی بر حقوق بشر، برابری جنسی و جنسیتی، یکپارچگی و حق مردم برای تعیین شکل نظام سیاسی از طریق انتخابات آزاد باشد.»

سمیعی این رژیم را به اسب بازنده‌ای تشبیه کرد که شرط‌بندی بر روی آن اشتباه است. وی افزود: «اعتراضات اخیر ایران که نه تنها علیه رنج اقتصادی و فساد دولتی، بلکه بر ضد ماهیت رژیم اسلامیت جدی‌تر از هر زمان دیگری است. اما جمهوری اسلامی تلاش دارد با پیروی از راهکار «از این ستون به آن ستون فرج است» با به بازی گرفتن دولت‌های غربی و تظاهر به همکاری در زمینه پرونده هسته‌ای، از فشار آنها کاسته و به صورت پنهانی به غنی‌سازی اورانیوم ادامه دهد. تفاهم هسته‌ای به جمهوری اسلامی اجازه می‌دهد که حمله احتمالی نظامی را در اذهان عمومی بین المللی بد جلوه دهد و راه نجات اقتصادی برای خود به وجود آورد. بدین ترتیب می‌تواند از شدت اعتراضات بکاهد.»

وی با بیان اینکه تلنگر فروپاشی حکومت اسلامی به یک کارزار جمعی مستمر نیاز دارد تا بخش‌هایی از نخبگان، قشر خاکستری و نیروهای سرکوبگر به مردم پیوندند ادامه داد: «این جنبش به آینده‌نگری و بالاتر از همه به اعتماد مردم نیاز دارد. تغییر بدون پیوستن نیروهای نظامی، شبه‌نظامی و انتظامی، دشوار خواهد بود. گام نخست چشم‌انداز براندازی، اذعان به اشتباهات گذشته است. در یک طیف از اپوزیسیون ما کم و بیش دیدیم که کاستی‌های سیستم پیشین ایران را بیان می‌کنند و سعی در آموختن از آن دارند. ولی برای برخی دست اندرکاران اقتضاح ۵۷ اقرار به اشتباه سخت است. بسیار



شایان سمیعی



آبوید مطمئنی فر

در بخش نظری نیز زمینه‌های لازم را برای پیروزی خود و حفظ آن فراهم کنیم.»

عرفان قانعی فرد در مورد نقش شه‌ریار در توسعه فرهنگ گفت: «آیین شه‌ریار، نشانه فرهنگ و تمدن ماست و آنچه به یادگار در تاریخ ایران داریم ایران و شه‌ریاری است. برای حفظ ایران، این فرهنگ و تمدن را باید در نظر بگیریم، شه‌ریار هم حافظ قانون و عدالت و مجری قانون است و در آیین شه‌ریاری و پادشاهی ایرانی هم سیاست مبتنی بر فرهنگ است.»

شکرابی مهمترین چشم‌انداز بین پادشاهی‌خواهان را موضوع ریزش نیروهای طرفدار جمهوری اسلامی ←

بر جاه‌طلبی نظامیان که الان ما دچار سپاه پاسداران هستیم و در ایران آینده نباید شاهد حضور آن باشیم. همچنین نهاد پادشاهی اصلاح شده می‌تواند با توجه به رشد فرهنگی میان نسل جوان کمک کند دین را به یک موضوع خصوصی تبدیل کنیم. این درسی است که ما از کامیابی نظام‌های پادشاهی در خاورمیانه می‌گیریم امیدوارم روزی فرا برسد که با کمک یکدیگر این توان را پیدا کنیم که این مزیت بزرگ موجود در تاریخ ما را در قالب ایران آینده احیا بکنیم.

اردوان خوشنود پزشک ساکن سوئد سخنان دیگر این نشست بود که به صورت ویدئویی سخنان خود را ایراد کرد. وی به موضوع تغییر رژیم اشاره کرد و گفت: «تغییر رژیم به

واضح است که این افراد در ضمن خودمحموری، دل در گرو ایران نیز ندارند.»

امین سوفیا مهر پژوهشگر فلسفه سیاسی از دانشگاه ایندیانا سخنان دیگر حاضر در این نشست بود. وی با اشاره به ویژگی‌های منحصر به فرد ایران در میان کشورهای خاورمیانه گفت: «برخی ویژگی‌های پایدار برآمده از موقعیت ژئوپولیتیک خاورمیانه‌ای میهن ماست. از این رو، هرگونه بحثی درباره نوع رژیم سیاسی برای آینده ایران به ناچار باید به موقعیت خاورمیانه‌ای ایران و درس‌هایی که از تجربیات دیگر کشورهای خاورمیانه و رژیم‌های سیاسی‌شان می‌توان آموخت، بپردازد. بدون اینکه بخواهیم درباره ایران به مثابه استثنائی

➔ دانست و گفت: «چه در بخش نظامی و چه ایدئولوژیک در چند سال اخیر رویش نیروهای آنها به صفر رسیده، بنابراین فروپاشی جمهوری اسلامی حتمی است ولی آنچه ما به دنبال آن هستیم سرنگونی جمهوری اسلامی است تا نیروهای خود را سازماندهی کنیم. بیشترین جذب نیروها را داشته باشیم با کمترین هزینه برای ایران و تنها شخصی که می‌تواند این نقش بسیار حیاتی را در جذب تمام نیروها داشته باشد شخص شاهزاده رضا پهلوی است به واسطه مواضعی که ایشان داشته‌اند و به واسطه اهمیت ایشان به عنوان نماد پادشاهی.»

قانعی فرد در پاسخ به پرسش «راست افراطی» برای پادشاهی‌خواهان که از سوی برخی جریان‌های سیاسی برای منزوی کردن آنها تکرار می‌شود، توضیح داد: «این افراد چیزی برای عرضه به تمدن ایرانی ندارند، یک روز با پرچم ایران مبارزه کردن، یک روز با فریاد ایران دوستی نسل جدید مبارزه کردن، یک روز به شهriار ایران اهانت کردن و دگرروز به مادر میهن شهبانو فرح پهلوی اهانت کردن، اینها ره به ناکجا آباد می‌برند، جایگاه و پایگاهی ندارند، در حقارت خود غرق هستند.»

شکرابی در مورد موج تخریب پادشاهی‌خواهی، نفوذ نیروهای مخرب درون پادشاهی‌خواهان را نگران کننده دانست و افزود: «اینها بیشترین ضربه را به ما خواهند زد، آنها می‌خواهند گفتمان ذلیل شود و هیچوقت نتواند از سطح ۴۴ سال گذشته فراتر رود. در این روزها باید نگران افراد نفوذی باشیم که در بین پادشاهی‌خواهان هستند و بزرگترین مشخصه آنها جلوگیری از اقدامات عملی است.»

شکرابی در پاسخ به گزینه حمله نظامی به ایران گفت:



یکی از پنل‌های نشست اندیشکده کوروش / دانشگاه کالیفرنیا / لس آنجلس / شنبه ۳ تیر ۱۴۰۲

جنگی صورت بگیرد نیروهایی رها می‌شوند که از کنترل ما خارج می‌شوند و شرایط غیرقابل پیش بینی ایجاد می‌کنند و تاریخ دو دهه خاورمیانه شاهد این موضوع است.»

وی ادامه داد: «اگر جمهوری اسلامی از طریق جنگ سرنگون شود هیچکدام از بحران‌ها چون بحران آب و محیط زیست قابل رسیدگی نیستند، تبعات و تاثیرات این حمله می‌تواند ایران را تکه تکه کند؛ بنابراین اراده ملی ما باید به تغییر رژیم منجر شود و تنها دولت‌های خارجی حمایت خود را از جمهوری اسلامی قطع کنند.»

کردم، مبارزات غیرمتمرکز که بتواند پراکندگی جغرافیایی داشته باشد و توانایی سرکوب رژیم را به شدت کاهش دهد. بعد از وقایع اخیر نیازمند یک آسیب‌شناسی هستیم؛ با تجربیات کسب شده در بخش نظری و مبارزاتی نیاز داریم قوی‌تر حاضر شویم. اتفاقات ماه‌های اخیر در داخل ایران نشان داد که یک تفکر واحد برای گذار از جمهوری اسلامی در میان مردم معترض وجود داشته ولی در خارج کشور تلاش شد مرتباً تصاویر مختلف به داخل ایران منعکس شود که باعث سردرگمی و ناامیدی می‌شد چون آینده مشخصی



ویدیوی کامل نشست



عرفان قانعی فرد و بابک شکرابی

به ملت ایران نشان نمی‌داد. در بخش مبارزاتی در حال انجام کارهایی هستیم، اندیشکده هم در بخش نظری زمینه‌هایی ایجاد می‌کند که به سازماندهی تبدیل شود.»

شکرابی در مورد برنامه عملی در اندیشکده کوروش برای آینده ایران توضیح داد: «این بخشی است که قبل از عضویت در اندیشکده بر روی آن در پوشش خیزش محله‌محور کار

«به حمله نظامی اعتقاد ندارم، این اراده ملی ماست که باید سرنوشت ما را تعیین کند، از دولت‌های خارجی می‌خواهیم که حمایت خود را از جمهوری اسلامی قطع کنند، وقتی

**Boloh** مشاوران سازمان کمک‌دهنده

با تسلط به زبان مادری شما، همواره آماده همکاری و کمک به متقاضیان بزرگسال پناهندگی در بریتانیا هستند.

لطفاً با شماره تلفن:

**۰۸۰۰۱۵۱۲۶۰۵**

تماس بگیرید.

Believe in children  
Barnardo's

## دادستانی آلبانی ۶ نفر از اعضای مجاهدین را به «تحریک به جنگ» متهم کرد



درگیری مجاهدین و پلیس آلبانی در «اشرف ۳» / شهر بندری دوروس / آلبانی / ۳۰ خرداد ۱۴۰۲

سه گروه در ایران از سوی قوه قضائیه جمهوری اسلامی، که مدعی شدند در «اشرف ۳» دوره دیده‌اند، دولت تیرانا تهدیدهای شفاهی از تهران دریافت کرده که به نگرانی‌های جدی در این کشور بالکان دامن زده است.

منابع قضائی در تیرانا می‌گویند فعالیت‌های مجاهدین نباید و نمی‌تواند امنیت این کشور و شهروندان را به خطر بیندازد و آلبانی مجاهدین را به دلایل بشردوستانه میزبانی می‌کند و حاضر نیست کشورش به محلی برای اقدامات خصمانه و خشونت‌آمیز علیه کشور دیگری تبدیل شود. در حکم بازرسی از «اشرف ۳» به فعالیت‌های مجاهدین در ارتباط با نقل و انتقال ارز دیجیتال نیز اشاره شده است. دادستانی «مبارزه با فساد و جرائم سازمان یافته» معتقد است که هدف این فعالیت‌ها روشن نیست و می‌تواند در زمینه حمایت مالی از اقدامات مسلحانه در خاک ایران باشد.

در حال حاضر پلیس ویژه «مبارزه با فساد و جرائم سازمان یافته» در حال بررسی محتوای ۹۶ کامپیوتر، ۴۹ لپ‌تاپ و سه کارت حافظه و صدها صفحه مدارک مکتوبی است که از «اشرف ۳» ضبط و خارج کرده است. بررسی این مدارک که عمدتاً به زبان فارسی هستند، به گفته مقامات قضائی آلبانی می‌تواند هفته‌ها به طول بیانجامد. اگر در بررسی این مدارک شواهدی مبنی بر فعالیت‌های نظامی و مشابه آن یافت شود، نه تنها برخی از رهبران مجاهدین در آلبانی می‌توانند به زندان محکوم شوند، بلکه باید شاهد افزایش محدودیت‌ها بر فعالیت‌های مجاهدین در این کشور بود. در حال حاضر از ۳۰۰۰ نفری که از عراق به آلبانی منتقل شدند ۲۵۵۰ نفر در این شهرک که آلبانیایی‌ها آنرا «مانزا» می‌خوانند زندگی می‌کنند. ۴۵۰ نفر در این سال‌ها «اشرف ۳» را ترک کردند. صد نفر از آنان به صورت قانونی از آلبانی خارج شدند، ۳۰۰ نفر دیگر از راه‌های غیرقانونی روانه دیگر کشورهای اروپائی شدند و پنجاه نفر دیگر نیز در تیرانا و دیگر شهرها زندگی می‌کنند.

در جریان ورود اخیر نیروهای پلیس آلبانی به «اشرف ۳»، علی مستشاری از فرماندهای عملیات «مرصاد» یا «فروغ جاودان» به دلایلی که هنوز مشخص نشده است جان سپرد و شماری نیز جروح شدند. بر پایه تازه‌ترین اخبار ۲۱ نفر از مصدومین از ساکنان «اشرف ۳» و ۱۵ نفر نیز از مأمورین پلیس بودند.

با وجود تلاش‌های سازمان مجاهدین، دولت‌های اروپائی و آمریکانه تنها اقدام پلیس «مبارزه با فساد و جرائم سازمان یافته» و «نیروی ویژه مبارزه با تروریسم» را محکوم نکردند، بلکه برخی از آنها چون سفیر آمریکا در تیرانا از این اقدام مقامات آلبانی پشتیبانی نیز کرده و ورود به شهرک «اشرف ۳» جهت بازرسی با حکم دادگاه را کاملاً قانونی و موجه دانستند. مجاهدین در تازه‌ترین بیانیه خود می‌نویسند «همه شاهد بودند که مجاهدین در ابتدای ورود پلیس با آنها کاملاً محترمانه و دوستانه رفتار کردند». گوئی قرار بود از همان ابتدا از ورود پلیس آلبانی به شهرکی که در خاک این کشور قرار دارد جلوگیری کرده و غیرمحترمانه رفتار کنند! نیروهای پلیس آلبانی با حکم دادگاه به «اشرف ۳» که بخشی از خاک این کشور است و از هیچ مصونیت قانونی برخوردار نیست، وارد شدند و طبق قانون می‌توانستند از تمام ساختمان‌ها بازرسی کنند و هرآنچه را مشکوک باشد با خود ببرند. چنانکه پلیس فدرال آمریکا به خانه دونالد ترامپ، رئیس جمهور سابق این کشور در فلوریدا رفته و مدارک بسیاری را با حکم قضائی ضبط کرده است.

گنس یوگاتائی وکیل سازمان مجاهدین در آلبانی می‌گوید سرگرم بررسی امکان شکایت از عملکرد دولت تیرانا به دادگاه حقوق بشر اروپا هستند. شهروندان اروپائی که سازمان مجاهدین خلق در آلبانی حاضر به گفتگو با رسانه‌ها نیست و سکوت اختیار کرده است. یکی از اتهاماتی که به ۶ نفر از اعضای رهبری مستقر در شهرک «اشرف ۳» وارد شده، «تحریک به جنگ» است. این اتهام در صورت اثبات می‌تواند برای این افراد محکومیت به ۱۵ سال زندان یا بیشتر داشته باشد. در بند ۲۱۱ قانون کیفری آلبانی هر فرد یا گروهی که با اقداماتی این کشور را در معرض جنگ با مداخله یک کشور و قدرت خارجی قرار دهد مرتکب جرمی شده است که مجازات آن حداقل ۱۵ سال زندان است.

در توافقی که در سال ۲۰۱۳ در حضور نمایندگان آمریکا و سازمان ملل متحد بین دولت وقت آلبانی و مجاهدین خلق به امضا رسید، این سازمان متعهد شد که در خاک این کشور بالکان هیچگونه فعالیت نظامی و تخصصی نداشته باشد و به فعالیت‌های سیاسی نیز با برخی محدودیت‌ها ادامه دهد. آلبانی از سال گذشته دوباره مورد حمله ارتش سایبری جمهوری اسلامی قرار گرفته و اخیراً در پی اعلام دستگیری

● دادستانی آلبانی با حکمی که با شماره ۱۳۰ ثبت شده است ۶ نفر از اعضای مجاهدین را متهم به جرمی چون «مقاومت در مقابل پلیس»، «تخریب اموال عمومی»، «ممانعت از اجرای حکم قضائی» و «تحریک به جنگ» کرده است.

● دولت‌های اروپائی و آمریکا نه تنها اقدام پلیس «مبارزه با فساد و جرائم سازمان یافته» و «نیروی ویژه مبارزه با تروریسم» را محکوم نکردند، بلکه برخی از آنها چون سفیر آمریکا در تیرانا از این اقدام مقامات آلبانی پشتیبانی نیز کرده و ورود به شهرک «اشرف ۳» جهت بازرسی با حکم دادگاه را کاملاً قانونی و موجه دانستند.

● یکی از اتهاماتی که به ۶ نفر از اعضای مجاهدین وارد شده، «تحریک به جنگ» است. در بند ۲۱۱ قانون کیفری آلبانی هر فرد یا گروهی که با اقداماتی این کشور را در معرض جنگ با مداخله یک کشور و قدرت خارجی قرار دهد مرتکب جرمی شده است که مجازات آن حداقل ۱۵ سال زندان است.

● دولت تیرانا در پی دستگیری سه گروه که به ادعای قوه قضائیه جمهوری اسلامی در آلبانی دوره دیده‌اند، تهدیدهای شفاهی از تهران دریافت کرده که به نگرانی‌های جدی در این کشور بالکان دامن زده است.

احمد رأفت - تحقیقات دادستانی «مبارزه با فساد و جرائم سازمان یافته» آلبانی در ارتباط با فعالیت‌های سازمان مجاهدین خلق که ماه‌ها پیش آغاز شده بود، همچنان ادامه دارد. مقامات دادستانی این کشور بالکان، در دو روز گذشته از ده نفر از اعضای سازمان مجاهدین که در شهرک «اشرف ۳»، در حومه شهر بندری دوروس سکونت دارند بازجویی کردند.

دادستانی آلبانی با حکمی که با شماره ۱۳۰ ثبت شده است ۶ نفر از آنها را متهم به جرمی چون «مقاومت در مقابل پلیس»، «تخریب اموال عمومی»، «ممانعت از اجرای حکم قضائی» و «تحریک به جنگ» کرده است. مقامات آلبانی نام این افراد را اعلام نکرده‌اند و تنها با حروف اول اسم و فامیل (ن.ه.م.ب.ب.الف.الف.ب.سین.الف.الف.دال.ف) از آنها نام می‌برند و در بیانیه‌ای که منتشر شده می‌افزایند که هر ۶ نفر از مسئولان رده بالای مجاهدین در شهرک «اشرف ۳» هستند و بین ۶۱ تا ۷۳ سال سن دارند.

# مفهوم تعهدات جهانی و مواضع جمهوری اسلامی

## «تعهدات جهانی» در رویه‌های قضایی (بخش سوم)



● از آنجا که همه کشورها خواهان یک هدف هستند، حقوق بین‌الملل مرزهای خود را در راستای قوانین مبتنی بر عمل متقابل گسترش می‌دهد. پس آیا می‌توان کشورها را به هر قانونی بدون رضایت آنها متعهد ساخت؟ پاسخ این پرسش بطور بدیهی منفی است. اراده و رضایت کشورها تنها منبع الزام‌آور بودن تعهدات آنهاست.

● با پایان جنگ جهانی دوم و گشودن افق هنجاری جدید برای ترغیب کشورها در پذیرش نظم هنجاری جدید بین‌المللی، موضوع تعیین «تعهدات جهانی» برای نظارت بر رفتار کشورها می‌توانست گامی موثر در جهت منافع جامعه بین‌المللی باشد. به عنوان مثال، پذیرش این قاعده عرفی بین‌المللی که هیچ کشوری نباید به هیچ وجه سیاست‌ها و اقداماتی برای نسل‌کشی انجام دهد، از اقدامات مهمی بین‌المللی در جهت تثبیت قاعده مهم «تعهدات جهانی» نسبت به تمام جامعه بشری است.

**محمود مسائلی - حقوق بین‌الملل همواره اصل رضایت کشورها را در حکم زیربنای حقوق حاکم بر روابط بین‌الملل دانسته است.**

### بخش سوم

این هنجار سخت مبتنی بر اراده آزاد کشورها در حقوق بین‌الملل از زمان صلح وستفالی (۱۶۴۸) تا اواسط دوران جنگ سرد بر روابط بین‌الملل به گونه‌ای انحصاری حاکم بود. یک مثال می‌تواند این موضوع را توضیح دهد. در قضیه کارلیای شرقی [۱] در سال ۱۹۲۳ توسط دادگاه دائمی دادگستری بین‌المللی، مفهوم رضایت دولت را به عنوان مبنای حقوق بین‌الملل مورد تأیید قرار گرفت. در این رابطه شورای جامعه ملل از دادگاه دائمی دادگستری بین‌المللی درخواست کرده بود تا در مورد مواد ۱۰ و ۱۱ معاهده صلح بین فنلاند و روسیه که در ۱۴ اکتبر ۱۹۲۰ در دورپات امضا شده است [۲] و مایه‌های اختلافاتی میان این دو کشور را به وجود آورده است، نظر مشورتی ارائه دهد. شورا پرسیده بود که آیا مواد مربوطه «می‌تواند شامل تعهدات بین‌المللی باشد که روسیه را در قبال فنلاند نسبت به اجرای مقررات مندرج در آن متعهد سازد؟» نظر مشورتی دادگاه منفی بود زیرا اصل رضایت کشورها را به عنوان مبنای رفتارها و تعهدات آنان در نظر گرفت.

اختلاف بین دو کشور برای حل و فصل موضوع طبق روش‌های پیش‌بینی شده در میثاق، تنها با رضایت آنها امکان‌پذیر است. با این حال، روسیه هرگز چنین رضایتی را نداده است. برعکس، روسیه در چندین نوبت به صراحت اعلام کرده است که هیچ مداخله‌ای از سوی جامعه ملل در مناقشه با فنلاند را نمی‌پذیرد [۳].

بطور مشابه، دادگاه در قضیه سانحه کشتی لوتوس در سال ۱۹۲۷، حاکمیت و رضایت کشورها را به عنوان مبنای حقوق بین‌الملل تعیین کرد. این پرونده در مورد اختلاف ناشی از برخورد ۲ اوت ۱۹۲۶ میان یک کشتی بخار فرانسوی و یک کشتی ترکیه‌ای بود. ماموریت دادگاه این بود که برای «تعیین اینکه آیا یک قاعده حقوق بین‌الملل وجود دارد که آزادی کشورها را برای گسترش صلاحیت کیفری دادگاه‌های خود به وضعیتی که در قضیه دیده می‌شود، تعریف کند

ارائه کرد و طی آن اصل رضایت کشورها را به عنوان مبنای تعهدات بین‌المللی به چالش کشید. در پاسخ به درخواست کشورهای فرانسه، بریتانیا، ایتالیا و رومانی، شورای جامعه ملل در ۹ دسامبر ۱۹۲۶ از دادگاه درخواست کرد تا نظر مشورتی خود را در مورد اختلاف ایجاد شده درباره کمیسیون رودخانه دانوب اعلام کند. دادگاه در نظر مشورتی خود، صلاحیت تنظیم مقررات بندری را به مقامات سرزمینی خود، واگذار کرد. اما اعلام کرد که «حق نظارت بر تضمین آزادی دریانوردی و رفتار برابر با همه کشورهای صاحب پرچم را نمی‌توان در اختیار آن مقامات ملی قرار داد. این صلاحیت در اختیار کمیسیون می‌باشد.» [۶] این تغییر نشان‌دهنده تمایل جامعه بین‌المللی برای تعدیل اصل آزادی اراده و حاکمیت کشورها بود.

در حقیقت، حقوق بین‌الملل همواره در مورد دستیابی به اصول همزیستی مسالمت‌آمیزی که در جهت منافع همه اعضای جامعه بین‌المللی باشد، تلاش کرده است. به همین دلیل است که با وجود تمایل به در نظر گرفتن اصل رضایت کشورها به عنوان مبنای تعهدات بین‌المللی، حقوق بین‌الملل به تدریج به سمت موضعی فراتر از رضایت کشورها حرکت کرده است.

این دیدگاه جایگزین به وضوح توسط دادگاه بین‌المللی دادگستری در قضیه شرکت برق بارسلونا در سال ۱۹۷۰ بیان شده است. در این قضیه دادگاه توضیح می‌دهد که به ویژه، باید بین تعهدات یک کشور در قبال جامعه بین‌المللی به عنوان یک کل، و تعهداتی که در قبال دولت دیگر در زمینه حمایت دیپلماتیک دارد، تمایز اساسی در نظر گرفته شود. به دلیل ماهیت خود، اولی دغدغه خاطر همه کشورهاست. می‌تواند در حمایت از آنها منافع قانونی داشته باشند. آنها «تعهدات جهانی» هستند. [۷]

دادگاه در نظریه خود به نمونه‌هایی از تعهدات جهانی شامل وظیفه کشورها برای خودداری از جنگ ←

یا «خیر»، دادگاه صلاحیت هر کشوری را بر قلمرو خود و بر اساس همان اصل اراده کشورها به عنوان منبع تعهدات بین‌المللی تأیید کرد.

حقوق بین‌الملل بر روابط بین کشورهای مستقل حاکم است. بنابراین قواعد حقوقی الزام‌آور برای کشورها از اراده آزاد آنها سرچشمه می‌گیرد، همانطور که در مقاله‌نامه‌ها یا با استفاده‌هایی که عموماً به عنوان بیان‌کننده اصول حقوقی پذیرفته شده هستند، و به منظور تنظیم روابط میان این جوامع مستقل با هدف دستیابی به موفقیت وضع شده است. از اهداف مشترک بنابراین نمی‌توان محدودیت‌هایی را بر استقلال کشورها فرض کرد. [۴]

موارد فوق منعکس‌کننده ماهیت واقع‌گرایانه حقوق بین‌الملل در حمایت از اصل رضایت کشورها به عنوان مبنای تعهدات بین‌المللی آنان است. به همین طریق، شوارتزنگر مدافع بزرگ سیاست قدرت در حقوق بین‌الملل، همواره تأکید کرده است که حقوق بین‌الملل از اراده کشورها حاصل می‌شود، بنابراین همیشه موضوع و تابعی از سیاست قدرت است. «کشورها در روابط خود با یکدیگر، نوع افراطی از جامعه را به وجود می‌آورند که در آن پیوندی که آنها را در کنار یکدیگر نگه می‌دارد، هدف مشترک یا ارزش‌های معنوی نیست، بلکه همانا قدرت است.» [۵] قدرت هدف اصلی هر کشوری برای حفظ خود است. حقوق بین‌الملل تضمین‌کننده این واقعیت حفاظت از خود است. با این حال، از آنجا که همه کشورها خواهان یک هدف هستند، حقوق بین‌الملل مرزهای خود را در راستای قوانین مبتنی بر عمل متقابل گسترش می‌دهد. پس آیا می‌توان کشورها را به هر قانونی بدون رضایت آنها متعهد ساخت؟ پاسخ این پرسش بطور بدیهی منفی است. اراده و رضایت کشورها تنها منبع الزام‌آور بودن تعهدات آنهاست.

برخلاف موارد بالا و با وجود پذیرش اصل رضایت کشورها به عنوان منابع تعهداتی آنها، دادگاه دائمی دادگستری بین‌المللی در پرونده رودخانه دانوب نظر مشورتی مهمی

تجاهمی علیه کشور مستقل دیگر تاکید کرده است. علاوه بر این، دادگاه بر تعهد کشورها برای خودداری از نقض اصول عدم تبعیض و الزام به محکوم کردن اقدامات نسل‌کشی اشاره می‌کند. برخی از حقوق مربوط به حمایت در مجموعه حقوق بین‌الملل عمومی وارد شده است [۸] در حالی که برخی دیگر توسط اسناد بین‌المللی با ویژگی جهانشمول یا شبه‌جهانشمول به وجود آمده‌اند.

به همین ترتیب، در قضیه تیمور شرقی، دادگاه «تعهدات جهانی» را اصل اساسی در حقوق بین‌الملل معاصر دانست که با قاعده رضایت کشورها متفاوت است. موضوع در این قضیه به مناقشه بین استرالیا و پرتغال در مورد تعیین سرنوشت مردم تیمور شرقی مربوط می‌شد. از نظر پرتغال، حقوق تعیین سرنوشت دارای خصلت «تعهدات جهانی» بود زیرا نیروی الزام‌آور آنها توسط منشور سازمان ملل و رویه قضایی دادگاه بین‌المللی دادگستری درباره پیامدهای قانونی مربوط به وضعیت حضور مستمر آفریقای جنوبی در نامیبیا به رسمیت شناخته شده بود. دادگاه تفاوت‌های اساسی میان ویژگی «تعهدات جهانی» یک هنجار و قاعده رضایت کشورها به عنوان مبنای تعهدات آنها قائل شد. به نظر دادگاه اینها دو مقوله متفاوت تعهدات بین‌المللی برای کشورها هستند. «ماهیت تعهدات مورد استناد هرچه باشد، دادگاه نمی‌تواند درباره قانونی بودن رفتار یک کشور تصمیم بگیرد، در صورتی که حکم آن متضمن ارزیابی قانونی بودن رفتار دولت دیگری باشد که طرف پرونده نیست». دادگاه تاکید کرد «در جایی که چنین شرایطی برقرار است، دادگاه نمی‌تواند هیچ اقدامی به عمل آورد، حتی اگر حق مورد بحث مربوط به تعهدات جهانی باشد» [۹]. اهمیت این قضیه در این است که دادگاه یکبار دیگر در نظریه خود بر ماهیت اساسی «تعهدات جهانی» در حقوق بین‌الملل معاصر تاکید کرده است.

همان تمایلات در جهت شناسایی «تعهدات جهانی» توسط دادگاه در نظر مشورتی خود در مورد پیامدهای حقوقی ساخت دیوار در سرزمین اشغالی فلسطین تکرار شد. مجمع عمومی در قطعنامه (۲۵) ۲۶۲۵ خود خواستار نظر مشورتی دادگاه در مورد شهرک‌سازی‌های ایجاد شده توسط اسرائیل در سرزمین‌های اشغالی فلسطین شد. بحث این بود که ساخت دیوار مانع اعمال حق تعیین سرنوشت مردم فلسطین می‌شود. این اقدام اسرائیل حقوق بشر فلسطینی‌ها را نقض می‌کند، و بنابراین همه کشورها موظفند وضعیت غیرقانونی ناشی از ساخت دیوار را به رسمیت بشناسند. دادگاه تشخیص داد تعهداتی که توسط اسرائیل نقض شده است همان ماهیت «تعهدات جهانی» را دارد. [۱۰] دادگاه ادامه می‌دهد همانطور که در قضیه برق بارسلونا اشاره شده است، «چنین تعهداتی به دلیل ماهیت خود «مورد همه کشورها» است و «با توجه به اهمیت حقوق آن، همه کشورها می‌توانند در حمایت از آنها منافع قانونی داشته باشند» بر این اساس، از نظر دادگاه، «تعهدات جهانی که توسط اسرائیل نقض می‌شود، تعهد به احترام به حق تعیین سرنوشت ملت فلسطین و برخی تعهدات آن بر اساس حقوق بین‌الملل بشردوستانه است». دادگاه همچنین قطعنامه (۲۵) ۲۶۲۵ مجمع عمومی را یادآور می‌شود که: هر کشوری موظف است از طریق اقدام مشترک و جداگانه، تحقق اصل حقوق برابر و تعیین سرنوشت مردمان را مطابق با مفاد منشور ارتقا دهد و به سازمان ملل در انجام مسئولیت‌ها کمک کند. منشور در مورد اجرای اصل به آن سپرده شده است.

بدیهی است که با پایان جنگ جهانی دوم و گشودن افق هنجاری جدید برای ترغیب کشورها در پذیرش نظم

هنجاری جدید بین‌المللی، موضوع تعیین «تعهدات جهانی» برای نظارت بر رفتار کشورها می‌توانست گامی موثر در جهت منافع جامعه بین‌المللی باشد. به عنوان مثال، پذیرش این قاعده عرفی بین‌المللی که هیچ کشوری نباید به هیچ وجه سیاست‌ها و اقداماتی برای نسل‌کشی انجام دهد، از اقدامات مهمی بین‌المللی در جهت تثبیت قاعده مهم «تعهدات جهانی» نسبت به تمام جامعه بشری است. ایندسته از تعهدات در قضیه جمهوری دموکراتیک کنگو علیه رواندا بار دیگر در تصمیم دادگاه بین‌المللی دادگستری نمودار شد. دادگاه چنین تعهدی را به عنوان عالی‌ترین هنجار حقوق بین‌الملل که در اسناد حقوقی بین‌المللی منعکس شده است، به رسمیت شناخت.

مقاله‌نامه نسل‌کشی نیز در ماده ۱ چنین وظیفه‌ای را برای کشورها به رسمیت می‌شناسد. به موجب این مقاله‌نامه، طرفین متعهد تأیید می‌کنند که نسل‌کشی، چه در زمان صلح و چه در زمان جنگ، جنایتی بر اساس قوانین بین‌المللی است، و آنها به پیشگیری و مجازات آن متعهد می‌باشند. [۱۱] از نظر دادگاه، مقاله‌نامه شامل تعهداتی جهانی است که هیچگونه انحرافی از آنها مجاز نیست. دادگاه بار دیگر تأیید کرد که «اصول زیربنایی مقاله‌نامه [نسل‌کشی] اصولی هستند که توسط کشورهای متمدن به عنوان تعهدی الزام‌آور برای کشورها، حتی بدون هیچگونه وظیفه قراردادی و معاهداتی، به رسمیت شناخته شده‌اند». [۱۲] این تأیید مجدد بر اهمیت و اعتبار تعهدات جهانی را می‌توان در امتداد نظریه مشورتی دادگاه در قضیه نامیبیا نیز یکبار دیگر مورد توجه قرار داد. اما تفاوت نظر دادگاه در مورد قضیه جمهوری دموکراتیک کنگو علیه رواندا در مقایسه با قضیه نامیبیا این است که در مورد اخیر، دیوان آن اصول الزام‌آور را به حقوق ملت‌ها در ادبیات کلاسیک حقوقی پیوند می‌زند تا خصلت جهانشمولی تعهدات جهانی را اثبات کند. در این نظریه دادگاه، تعهدات جهانی هم به عنوان قاعده عالی حقوق بین‌الملل و هم به عنوان اصلی جهانی که هیچگونه انحرافی از آن مجاز نیست، مورد تأیید قرار گرفته است.

در راستای همین تحولات مربوط به شناسایی و تثبیت صلاحیت جهانی، دادگاه رای مهمی را در ۲۰ ژوئیه ۲۰۱۲ در قضیه بلژیک علیه سنگال صادر کرد. این قضیه بر این سؤال متمرکز بود که آیا کشورها موظفند عاملان جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی و شکنجه را تحت تعقیب قرار داده یا آنها را برای پیگرد قانونی به کشور دیگری تحویل دهند. نقطه مرجع پیگرد قانونی مورد نظر مربوط به هینسن هابره بود که بین سال‌های ۱۹۸۲ و ۱۹۹۰ رئیس جمهور چاد بود. در این دوره، نقض گسترده حقوق بشر از جمله شکنجه و ناپدید شدن اجباری صورت می‌گرفت. پس از سرنگونی وی در سال ۱۹۹۰، هابره توسط دولت سنگال پناهندگی سیاسی دریافت کرد و پس از آن زندگی عادی خود را در داکار را آغاز کرد. پس از برکناری وی از ریاست جمهوری، چندین شکایت در دادگاه‌های بلژیک و سنگال علیه هابره به اتهام نقض قوانین بین‌المللی بشردوستانه مطرح شد. در نتیجه، در سال ۲۰۰۶، بلژیک حکم بازداشت وی را صادر و درخواست استرداد هابره از سنگال را نمود. دادگاه سنگال این درخواست را رد کرد. متعاقباً، قضیه مورد اختلاف به دادگاه بین‌المللی دادگستری ارجاع شد. دادگاه در رأی خود به این نتیجه رسید که کشورها به رعایت تعهدات جهانی ملزم هستند. دادگاه اعلام کرد که سنگال موظف است هابره را تحت تعقیب قرار دهد یا وی را به کشوری که قادر و مایل به محاکمه او باشد، تحویل دهد. دادگاه همچنین در ادامه تاکید کرد که همه کشورها موظف به انجام تعهدات جهانی هستند. [۱۳]

نکته جالب در این حکم این است که دادگاه بر تعهداتی که «هر کشور عضو معاهده نسبت به اعضای دیگر معاهده دارد»، تاکید کرده و یادآوری می‌کند که الزام‌آور بودن این تعهدات غیرقابل تردید است. این به معنی آن است که در مورد یادشده، کشورهای متعاقد مقاله‌نامه منع شکنجه، موظف به اعدام یا استرداد مجرمانی هستند که مفاد آن مقاله‌نامه را نادیده گرفته‌اند. در عین حال، تعهدات جهانی کشورهای عضو مقاله‌نامه شکنجه یک تعهدی در قبال «جامعه بین‌المللی به عنوان یک کل» است که می‌بایست بدون هر تردیدی انجام شود. الزام به استرداد یا پیگرد قانونی جنایتکار یک اصل کلی پذیرفته شده حقوق بین‌الملل بوده و هست. تعهداتی که «هر کشور عضو معاهده نسبت به اعضای دیگر معاهده دارد»،

اینگونه است که هر کشور عضو مقاله‌نامه نسل‌کشی به «تعهدات جهانی» ملزم می‌شود. در اینجا الزام‌آور بودن «تعهدات جهانی» مطابق با ملاحظات قراردادی نیز تثبیت شده است. این حکمی بدیع از سوی دادگاه بود، زیرا الزام‌آور بودن تعهد به استرداد و یا محاکمه جنایتکار را در پیوند میان تعهدات قراردادی و تعهدات جهانی نسبت به کلیت جامعه بین‌المللی قرار داد. با این حال، «تعهدات جهانی» خواه از مفروضات قراردادی حاصل شود، و خواه مربوط به منافع جامعه بین‌المللی باشد، هم‌اکنون یکی از افق‌های نوین انسان‌گرایانه در حقوق بین‌الملل معاصر است که اصل رضایت و حاکمیت کشورها را به نفع منافع مشترک همه افراد خانواده بشری محدود می‌سازد.

در یکی از جدیدترین تصمیمات خود، در ۲۳ ژانویه ۲۰۲۰، دادگاه بار دیگر ماهیت الزام‌آور «تعهدات جهانی» برای کشورها را مورد تأیید قرار داد. این تصمیم دادگاه در رابطه با قضیه‌ای است که توسط گامبیا در رابطه با اقداماتی که توسط دولت میانمار علیه اعضای گروه روهینا، اتخاذ کرده بود، به دیوان بین‌المللی دادگستری ارجاع داده شد. [۱۴] اقدامات میانمار در نقض آشکار مقاله‌نامه سال ۱۹۴۸ در مورد جلوگیری و مجازات جنایت نسل‌کشی است. در تعیین صلاحیت خود، دادگاه به این نتیجه رسید که در ابتدا بر اساس ماده ۹ مقاله‌نامه علیه نسل‌کشی صلاحیت رسیدگی به موضوع را دارد. در رسیدگی به قضیه در این مرحله، دادگاه اعلام می‌کند که «در پرتو آرمان‌های عالی که الهام‌بخش مقاله‌نامه بوده‌اند، و با توجه به ارزش‌های مشترک آنها، همه کشورهای عضو مقاله‌نامه نسل‌کشی دارای منافع مشترک هستند. برای اطمینان از اینکه از نسل‌کشی جلوگیری شود، و در صورتی که اتفاق افتد، عاملان آنها از مجازات مصون نخواهند بود «هر کشور عضو مقاله‌نامه نسل‌کشی، و نه فقط کشوری که به ویژه تحت تأثیر اینگونه جنایت قرار گرفته است، می‌تواند مسئولیت کشور دیگر عضو مقاله‌نامه را به منظور اطمینان از عدم پایبندی به تعهدات خود مورد استناد قرار دهد». بر اساس این فرضیات حقوقی، دادگاه صلاحیت خود برای رسیدگی به قضیه را اعلام نمود.

این آخرین نظریه دادگاه در مورد «تعهدات جهانی»، موضع جامعه بین‌المللی برای پایان دادن به قاعده رضایت کشورها به عنوان مبنای تعهدات آنها را تأیید می‌کند. هیچ کشوری نمی‌تواند «بایست‌ها» یا تعهدات در قبال جامعه بین‌المللی را تحت لوای حاکمیت ملی خود نادیده بگیرد، حتی اگر رضایتی برای این تعهد وجود نداشته باشد. هرگاه کشورها اقدامات نادرستی علیه منافع جامعه بین‌المللی آغاز کنند، در قبال اقدامات خلاف خود مسئول هستند. در قضیه نسل‌کشی توسط میانمار، دادگاه تأیید کرد که با وجود نبود روابط میان دو کشور گامبیا و میانمار، با

## روسیه و مزدورانش، شورش و معامله‌ای سریع؛ چرا اصلاح‌طلبان نگران «واگنرهای وطنی» شده‌اند!

● ستون‌های نظامی «مزدوران واگنر» به ۲۰۰ کیلومتری مسکو رسیده بود که با وساطت الکساندر لوکاشنکو رئیس جمهوری بلاروس، معروف به «آخرین دیکتاتور اروپا»، بین پوتین و رئیس مزدوران، یوگنی پریگوزین، توافق شد.

● روزنامه «واشنگتن پست» می‌نویسد این شورش، آسیب‌پذیری‌ها در میان نیروهای دولتی روسیه را بیش از پیش آشکار کرد، بطوری که سربازان گروه واگنر بدون مانع وارد شهر روستوف روسیه شدند و توانستند صدها کیلومتر به سمت مسکو پیشروی کنند.

● امیرعبداللہیان وزیر خارجه جمهوری اسلامی بعد از ۲۴ ساعت سکوت وقتی زمامداران نظام مطمئن شدند که جدال به پایان رسیده خودی نشان داد و در تماس تلفنی با سرگئی لاوروف گفت «شرایط داخلی روسیه یک موضوع کاملاً داخلی تلقی می‌شود»، وی ابراز اطمینان کرد که کشور روسیه از این مرحله عبور می‌کند.

● اصلاح‌طلبان و کارشناسان حکومتی مدافع سازش با غرب از فرصت استفاده کرده و با نیش و کنایه غیرمستقیم در مورد تهدیدات پیش‌بینی نشده از سوی خودی‌های مسلح به نظام هشدار می‌دهند.

● احمدزیدآبادی در یادداشتی در روزنامه «هم‌میهن» ایستادن پریگوزین در برابر پوتین را «طغیان علیه ولی نعمت» خوانده است.

● عباس عبدی تحلیلگر سیاسی در روزنامه «اعتقاد» نوشت: «در نظام‌هایی که گفتگو و آزادی بیان و اظهار علنی احساسات ممکن نباشد، همین می‌شود که حاکم از شناخت جامعه خود نیز غافل می‌گردد و به یکباره با وضعی مواجه می‌شود که ذهن و روان او از آن غافل بوده است.»

● الهه کولایی استاد روابط بین‌الملل دانشگاه تهران به روزنامه اصلاح‌طلب «هم‌میهن» وابسته به حزب کارگزاران گفته «باید مراقب باشیم!» وی گفته «قصه واگنرها هشدار به ایران است.»

● اشاره هشدارآمیز اصلاح‌طلبان به سپاه پاسداران و بطور ویژه «سپاه قدس» است که از بعضی جهات مأموریت‌هایی شبیه «مزدوران واگنر» دارد. اما اصلاح‌طلبان در حالی نگران «واگنرهای وطنی» شده‌اند که با آنها همواره در مأموریت‌ها شریک بوده‌اند. تمام سهام شرکت هواپیمایی «ماهان ایر» متعلق به مؤسسه خیریه «مولی‌الموحدين» از بزرگترین بنگاه‌های اقتصادی ایران است که اعضای ارشد حزب «کارگزاران سازندگی» و باند اکبر هاشمی رفسنجانی آن را اداره می‌کنند. شرکت هواپیمایی ماهان نیز امور لجستیک و تدارکاتی سپاه پاسداران در جنگ سوریه و مأموریت عراق را به عهده داشته است. علاوه بر

دادگاه بین‌المللی دادگستری، بلکه توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد نیز پذیرفته شده است. کمیسیون در طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال اقدامات خلاف خود، بیان می‌کند که چنین اقدامات خلافی مسئولیت بین‌المللی به دنبال دارد. کمیسیون مسئولیت‌های ناشی از تعهدات قراردادی را از تعهداتی که کشورها باید در قبال جامعه بین‌المللی همه متمایز می‌سازد. «هر کشوری به واسطه عضویت خود در جامعه بین‌المللی، در حمایت از برخی حقوق اساسی و اجرای برخی تعهدات اساسی، منافع قانونی دارد.» [۱۶] اینها شامل حقوق اساسی مردم برای زندگی مسالمت‌آمیز و عدم تبعیض نژادی، شکنجه، بردگی یا تحت سیاست‌های نسل‌کشی قرار نگرفت، و یا رنج بردن از پیامدهای مرگبار و ویرانگر جنگ‌های تهاجمی می‌شوند.

با توجه به این تحولات نوین در حقوق بین‌الملل، دیدگاه‌ها و همچنین رویه‌های قضایی، و نیز تفسیرهای کمیسیون حقوق بین‌الملل، امروزه «تعهدات جهانی» به یک هنجار اساسی رفتاری تبدیل شده‌اند که هیچگونه انحرافی از آنها مجاز شمرده نمی‌شود. در حکم دادگاه درباره تیمور شرقی، این قاعده نوظهور تعهد جهانی به صراحت مورد تأیید قرار گرفته است: «غیرقانونی کردن اعمال تجاوزکارانه، و نسل‌کشی، و همچنین... اصول و قواعد مربوط به حقوق ذاتی افراد بشر، شامل حمایت آنها در مقابل بردگی و تبعیض نژادی، همه باید به عنوان نمونه‌هایی از «تعهدات جهانی» در نظر گرفته شوند.» [۱۷] «تعهدات جهانی» در قبال همه، نشان‌دهنده تمایل جامعه بین‌المللی برای تحمل نکردن اقدامات نادرستی است که باعث آسیب به ارزش‌ها و منافع جامعه بین‌المللی می‌شود.

Judgment of June 30, 1995, para. 229  
[۱۰] Case Concerning East Timor (Portugal vs. Australia), International Court of Justice, Judgment of June 30, 1995, para. 229  
[۱۱] Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide Approved and proposed for signature and ratification or accession by General Assembly resolution 260 A (III) of 9 December 1948 Entry into force: 12 January 1951, in accordance with article XIII  
[۱۲] Case concerning Armed Activities on Territory of Congo, New Application: 2002) (Democratic Republic of the Congo v. Rwanda), Jurisdiction of the Court and Admissibility of the Application Summary of the Judgment of 3 February 2006, p. 12  
[۱۳] Questions Relating to the Obligation to Prosecute or Extradite (Belgium v. Senegal), International Court of Justice, overview of the case  
[۱۴] Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide (The Gambia v. Myanmar), Application instituting proceedings and Request for the indication of provisional measures, 11 November 2019  
[۱۵] Ibid. para. 156  
[۱۶] Draft articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, with comments, 2001, p. 33  
[۱۷] نگاه کنید به زیرنویس شماره ۳۷

→ توجه به ارزش‌های مشترک بشریت، همه کشورهای عضو مقاله‌نامه نسل‌کشی باید اطمینان حاصل کنند که از اینگونه اقدامات جنایتکارانه جلوگیری می‌شود. در پرتو این رویه‌های قضایی می‌توان به درستی یادآوری کرد که هرچند «تعهدات جهانی» هنوز به عنوان هنجاری قاطع در حقوق بین‌الملل تثبیت نشده‌اند، با این حال اینگونه تعهدات هنجار نوظهوری هستند که کشورها را ملزم می‌کنند تا در قبال منافع و ارزش‌های جامعه بین‌المللی مسئول اقدامات خود باشند.

هر کشوری موظف است از طریق اقدامات مشترک و یا جداگانه، تحقق اصل حقوق برابر و تعیین سرنوشت مردمان خود را مطابق با مفاد منشور ارتقا بخشیده و به سازمان ملل متحد در انجام مسئولیت‌هایی که منشور به آن سپرده شده است، یاری رساند. [۱۵]

امروزه تعهدات جهانی در حال تبدیل شدن به هنجاری نوین و در حال ظهور در حقوق بین‌الملل هستند. درواقع اینگونه تعهدات برآمده از عقلانیتی مشترک است که همه کشورها را در قبال اقدامات خود مسئول نگه می‌دارد. به عبارت دیگر، گسترش روابط و همکاری‌های بین‌المللی میان کشورها، همراه با قراردادن بازیگران غیردولتی و جامعه مدنی در صحنه بین‌المللی، این ضرورت را ایجاد می‌کند تا هنجارهای الزام‌آوری بر رفتار کشورها نظارت داشته باشند. ویژگی‌های جامعه بین‌المللی امروزی اینجاست که سلسله مراتب حقوقی با درجات متفاوتی از تعهدات برای کشورها در نظر گرفته شود که در بالاترین جایگاه آن «تعهدات جهانی» قرار گرفته و کشورها را در قبال اقدامات خود مسئول نگه دارد.

ظهور هنجار نوین تعهدات جهانی، نه تنها در رویه

\*دکتر محمود مسائل بنیانگذار و دبیرکل افتخاری اندیشکده بین‌المللی نظریه‌های بدیل؛ با مقام مشورتی نزد سازمان ملل متحد؛ بنیانگذار و مدیر مرکز مطالعات عالی حقوق بشر و توسعه دموکراتیک؛ اتاوا؛ کانادا

[۱] The Status of the Eastern Karelia, Advisory Opinion, 1923 P.C.I.J. (ser. B) No. 5 (July 23)

[۲] Treaty of Peace between Finland and Russia, signed at Dorpat on October 14th, 1920

[۳] همان منبع

[۴] The Case of the S.S. Lotus, Collection of Judgments, the ICJ, Series A, No. 10, September 07, 1927, p. 21

[۵] Tallinn, G.P.R. (1965). Book Review – The Frontiers of International Law By George Schwarzenegger. Manitoba Law Journal, p. 112

[۶] Jurisdiction of the European Commission of the Danube between Galatz and Braila. Advisory Opinion of 8 December 1927 (Series B, No. 14). Fourth Annual Report of the Permanent Court of International Justice

[۷] Case Concerning the Barcelona Traction, Light and Power Company, Limited, the ICJ, Judgment of 05 February 1970, para. 33

[۸] Reservations to the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide, Advisory Opinion, I.C.J. Reports 1951, para. 23

[۹] Case Concerning East Timor (Portugal vs. Australia), International Court of Justice,

عباس عبدی تحلیلگر سیاسی در روزنامه «اعتماد» نوشت: «در نظام‌هایی که گفتگو و آزادی بیان و اظهار علنی احساسات ممکن نباشد، همین می‌شود که حاکم از شناخت جامعه خود نیز غافل می‌گردد و به یکباره با وضعی مواجه می‌شود که ذهن و روان او از آن غافل بوده است.»

وی گفته «در ساختاری که سرآشپز خود را به فرماندهی یک نیروی غیررسمی و جنایتکار منصوب کنند، نتیجه‌ای از این بهتر که آن نیرو امروز تهمرد نماید، نصیب آن ساختار نخواهد بود.» الهه کولایی استاد روابط بین‌الملل دانشگاه تهران به روزنامه اصلاح‌طلب «هم‌میهن» وابسته به حزب کارگزاران سازندگی گفته «باید مراقب باشیم!» وی گفته «قصه واگتزا هشدار به ایران است.» کولایی همچنین توضیح داده این رویدادها «می‌تواند زنگ خطر را برای تصمیم‌گیرندگان کشور به صدا درآورد، تا به الزام‌های برآمده از ژئوپلیتیک ایران تن دهند.» وی محتاطانه افزوده است این رویدادها نیاز به «موازنه‌گرایی» را نشان می‌دهد که بجای اتکا بر شرق، تلاش برای گسترش روابط با «غرب» و «شرق» مورد توجه قرار گیرد. یعنی بجای تبدیل شدن به «کارت بازی روسیه»، از تعارض منافع شرق و غرب «برای بهبود جایگاه

جمهوری اسلامی در توییتهی نوشته بود «اقدامات گروه واگت با توجه به درگیر بودن روسیه در جنگ اوکراین می‌تواند آثار روانی مخربی را به دنبال داشته باشد.» با این حال پیش‌بینی کرده بود این گروه «فاقد حداقل توان لازم برای به چالش کشاندن ارتش روسیه است.»

ساعاتی بعد وقتی مزدوران واگت به مسکو نزدیک شدند، «نور نیوز» تغییر موضع داد و به «برنامه جدید غرب برای ایجاد جبهه جدیدی از درون روسیه توسط واگت برای تضعیف انسجام ملی و به زانو درآوردن مسکو در جنگ اوکراین» اشاره کرد. با اینکه بر اساس خبرهای منتشر شده در شبکه‌های اجتماعی، به رسانه‌های داخلی هشدار داده شده بود در ارتباط با رویدادهای روسیه می‌بایست حواس‌شان باشد که هر چیزی را منتشر نکنند و دولت پوتین را ضعیف نشان ندهند، اما به روشنی پیداست که این اتفاقات تهران را به شدت نگران کرده است. «نور نیوز» هم در نهایت بعد از معامله پریگوژین با پوتین در توییتهی نوشت «شتاب پیشروی رسانه‌های غربی و برخی تحلیلگران آبرکارشناس داخلی و رسانه‌های هم‌فکر برای فتح مسکو و ساقط کردن دولت روسیه به حدی بود که گروه واگت را هم دچار نگرانی و اضطراب کرد و ترجیح دادند فعلاً

اینها، حتا بخشی از مأموریت‌های سپاه «قدس» و شبه‌نظامیان مرتبط با جمهوری اسلامی در مناطقی از سوریه با مزدوران واگت مشترک و در همکاری با آنها بود. شورش مسلحانه «مزدوران واگت» علیه فرماندهان ارشد ارتش روسیه کمتر از ۲۴ ساعت پس از آنکه یوگنی پریگوژین رئیس ۶۲ ساله این گروه به سمت مسکو ستون‌کشی کرد با وساطت الکساندر لوکاشنکو رئیس جمهوری بلاروس، معروف به «آخرین دیکتاتور اروپا»، متوقف شد.

شبه‌نظامیان واگت با عبور از شهرهای روستوف و ورونژ به ۲۰۰ کیلومتری مسکو رسیده بودند که گفته شد پریگوژین قبول کرده به بلاروس برود و در ازای آن مزدوران واگت نیز از اتهام خیانت و سرکشی مبرا شوند.

قرار شد آن عده از نیروهای واگت نیز که در جریان این شورش از گروه جدا شدند به استخدام ارتش روسیه درآیند. ویدئوهای زیادی منتشر شده که نیروهای واگت را در حال خروج از روستوف نشان می‌دهد آنهم در حالی که مردم هم موقع ورود از آنها استقبال کردند و هم هنگام خروج به بدرقه آنها رفته‌اند. روزنامه «واشنگتن‌پست» می‌نویسد این شورش، آسیب‌پذیری‌ها در میان نیروهای دولتی روسیه



سلفی اهالی روستوف با یوگنی پریگوژین رئیس مزدوران واگت

منطقه‌ای و بین‌المللی خود استفاده کنیم.» روزنامه «جوان» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در واکنش به این مواضع نوشته «اصلاح‌طلبان حافظ منافع گروه واگت در ایران» هستند! اشاره هشدارآمیز اصلاح‌طلبان به سپاه پاسداران و بطور ویژه «سپاه قدس» است که از بعضی جهات مأموریت‌هایی شبیه «مزدوران واگت» دارد. اما اصلاح‌طلبان در حالی نگران «واگت‌های وطنی» شده‌اند که با آنها همواره در مأموریت‌ها شریک بوده‌اند. تمام سهام شرکت هواپیمایی «ماهان ایر» متعلق به مؤسسه خبریه «مولی‌الموحدين» از بزرگترین بنگاه‌های اقتصادی ایران است که اعضای ارشد حزب «کارگزاران سازندگی» و باند اکبر هاشمی رفسنجانی آن را اداره می‌کنند. شرکت هواپیمایی ماهان نیز امور لجستیک و تدارکاتی سپاه پاسداران در جنگ سوریه و مأموریت عراق را به عهده داشته است. علاوه بر اینها، حتا بخشی از مأموریت‌های سپاه «قدس» و شبه‌نظامیان مرتبط با جمهوری اسلامی در مناطقی از سوریه با مزدوران واگت مشترک و در همکاری با آنها بود.

به اردوگاه‌هایشان برگردند!» وزیر خارجه جمهوری اسلامی بعد از ۲۴ ساعت سکوت وقتی زمامداران مطمئن شدند که جدال به پایان رسیده، خودی نشان داد و در تماس تلفنی با سرگئی لاوروف با حمایت از دولت روسیه به عنوان «کشور همسایه و دوست» با رد هرگونه دخالت خارجی در امور داخلی کشورها گفت: «شرایط داخلی روسیه یک موضوع کاملاً داخلی تلقی می‌شود.» وی ابراز اطمینان کرد که کشور روسیه از این مرحله عبور می‌کند.

### زنگ خطر: هشدار به جمهوری اسلامی

در این میان، اصلاح‌طلبان و کارشناسان حکومتی مدافع سازش با غرب از فرصت استفاده کرده و با نیش و کنایه غیرمستقیم در مورد تهدیدات پیش‌بینی نشده از سوی خودی‌های مسلح به نظام هشدار می‌دهند. احمدزیدآبادی در یادداشتی در روزنامه «هم‌میهن» ایستادن پریگوژین در برابر پوتین را «طغیان علیه ولی نعمت» خوانده است.

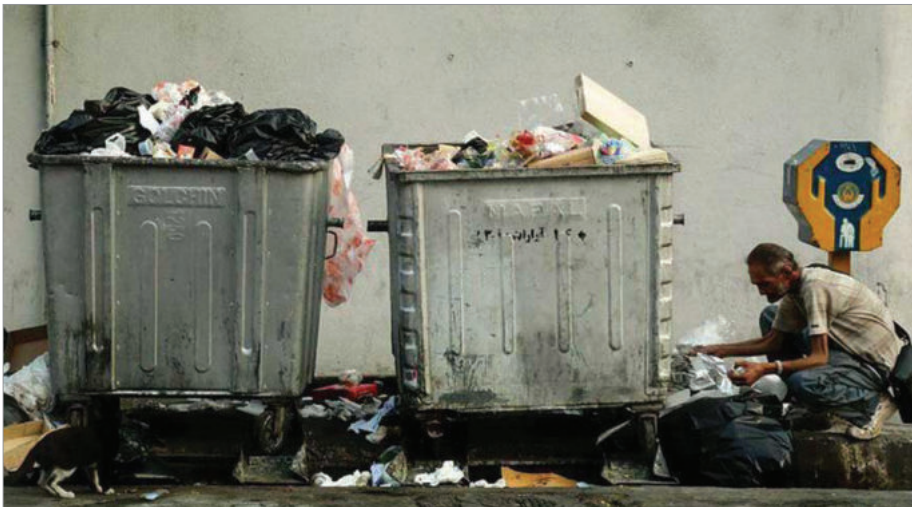
را بیش از پیش آشکار کرد، بطوری که سربازان گروه واگت توانستند بدون مانع وارد شهر روستوف روسیه شوند و صدها کیلومتر به سمت مسکو پیشروی کنند.

چند مقام آمریکایی ادعا کردند سازمان‌های جاسوسی ایالات متحده اطلاعاتی به دست آورده بودند که نشان می‌داد پریگوژین در حال برنامه‌ریزی برای اقدام مسلحانه علیه ارتش روسیه است. آنها این موضوع را فوراً به کاخ سفید و سایر سازمان‌های دولتی آمریکا اطلاع داده بودند.

به گفته این مقامات، ماهیت و زمان دقیق برنامه‌های پریگوژین تا مدت کوتاهی قبل از حرکت به سمت مسکو در روزهای جمعه و شنبه مشخص نبود، اما یکی از آنها گفته است علائم کافی وجود داشت تا بتوانیم بگوییم که «خبری در راه است.» این مقام گفته که نگرانی آمریکا بیش از همه متوجه سرنوشت زرادخانه هسته‌ای روسیه بوده است و اینکه ممکن است چه سرنوشتی پیدا کند.

واکنش جمهوری اسلامی: ترس و تملق  
پیشتر «نور نیوز» وابسته به شورای عالی امنیت ملی

# پرت و پلاگویی مصباحی مقدم؛ از کدام اقتصاد پویا صحبت می‌کند؟!



به‌طور کامل لغو کرده و از اعضای خود می‌خواهد اقدامات موثر مقابله‌ای را مطابق توصیه‌ها به اجرا درآورند.» بنابر اعلام وبگاه گروه ویژه اقدام مالی، ایران در فهرست سیاه این گروه باقی می‌ماند تا برنامه اقدام تکمیل شود. چنانچه ایران مقررات پالرمو و کنوانسیون تأمین مالی تروریسم را به تصویب برساند، افای‌تی‌اف درباره اقدامات بعدی، از جمله اینکه آیا اقدامات مقابله‌ای لغو شوند، تصمیم‌گیری خواهد کرد.

غلامرضا مصباحی مقدم در حالیکه مشخص نیست آمارها و شاخص‌های اقتصاد کدام کشور را با ایران اشتباه گرفته که از بهبود شرایط سخن گفته، در بخش دیگری از گفتگوش انگشت اتهام را به سوی مردم دراز کرده است.

تورم فزاینده یکی از اساسی‌ترین مشکلات اقتصادی در کشور است که از یکسو تولید و صنعت و خدمات را فلج کرده و از سوی دیگر قدرت خرید خانوار را به شدت کاهش داده، سفره مردم را کوچک کرده و بر جمعیت فقرا در کشور افزوده است.

غلامرضا مصباحی مقدم اما گفته علت اصلی تورم فعلی؛ انتظارات تورمی مردم است!

عضو مجلس خبرگان رهبری مدعی شده که عوامل تورم و اقتصادی و بخشی عوامل غیراقتصادی است. آن میزانی که عوامل اقتصادی است دولت تلاش کرده در مدت دو سال مهار کند.

او در ادامه گفته که «مردم انتظار تورم بالاتر را دارند. خود این امر عامل افزایش تورم می‌شود.»

وی همچنین درباره فقر و گرانی هم مردم را مقصر دانسته که چرا تنها یک وعده غذا در شبانه‌روز نمی‌خورند: «جمعیت چین قانع است، جمعیتی که به دوعده یا یک وعده غذا در شبانه روز اکتفا می‌کند. این فرهنگ کاملاً متفاوتی است. مردم ما اینگونه نیستند.»

آخوندهای دیگری نیز در جمهوری اسلامی مردم را محکوم به خوردن یک وعده غذا در شبانه‌روز کرده بودند. از جمله احمد جنتی پیشتر گفته بود که «چه اشکال دارد مردم روزی یک وعده غذا بخورند؟!»

احمد علم‌الهدی امام جمعه مشهد و پدر همسر ابراهیم رئیسی نیز گفته بود که «به جای مرغ یک چیز دیگر بخورید، مگر اشکنه پیازداغ یادتان رفته، مگر قرار است برنامه همان باشد که قبلاً بوده است؟!»

همه این ادعاها بر اساس گزارش‌ها و آمارهای حکومتی «غیرواقعی» هستند. از سال گذشته صدها هزار میلیارد تومان کسری بودجه روی دست دولت مانده و لایحه بودجه ۱۴۰۲ نیز با کسری عملیاتی بسته شد. بر اساس اعلام یکی از مقامات سازمان برنامه و بودجه، رقم کسری بودجه در حال حاضر ۷۹۴ هزار میلیارد تومان برآورد می‌شود.

جمهوری اسلامی اگر بخواهد صرفاً کسری بودجه سال ۱۴۰۲ را جبران کند باید بر اساس پیش‌بینی لایحه بودجه روزانه یک میلیون و ۴۰۰ هزار بشکه نفت را به بهای بشکه‌ای ۳۵۲ دلار بفروشد!

حجم نقدینگی در کشور نشان از افزوده شدن روزانه چهار هزار میلیارد تومان بر نقدینگی دارد که ریشه آن در تلاش‌های جمهوری اسلامی با خزانه خالی، برای جبران کسری بودجه و تأمین هزینه‌های جاری است.

بدهی دولت به نیز به شدت افزایش یافته و بر اساس آخرین آمارهای حکومتی به رقم ۳۰۰۰ هزار میلیارد تومان رسیده که معادل ۳۱ درصد تولید ناخالص داخلی است.

در زمینه بهبود روابط خارجی نیز سفر کردن مقامات با بودجه عمومی از این کشور به آن کشور به معنای گشایش یا بهبود روابط نیست. جمهوری اسلامی در برابر مهم‌ترین شرکای اقتصادی‌اش، چین و هند و روسیه، بطور مداوم در حال امتیاز دهی است و البته امتیاز متقابل هم دریافت نمی‌کند. مقامات دولت در سفر به دیگر کشورها هم هر چند درباره تفاهم‌نامه‌هایی «مذاکره» می‌کنند اما اجرایی شدن همه آنها مشروط به روشن شدن تکلیف مذاکرات هسته‌ای و خروج ایران از فهرست سیاه FATF است.

در همین حال روز گذشته اعلام شد که ایران همچون چند سال گذشته در فهرست سیاه FATF باقی مانده است. گروه ویژه اقدام مالی (FATF) در بیانیه‌ای با بیان اینکه ایران نتوانسته است مقررات پالرمو و کنوانسیون تأمین مالی تروریسم را به تصویب برساند، در فهرست سیاه این گروه باقی می‌ماند.

در بیانیه گروه ویژه اقدام مالی آمده که با توجه به اینکه ایران نتوانسته است مقررات پالرمو و کنوانسیون تأمین مالی تروریسم را مطابق استانداردهای افای‌تی‌اف به تصویب برساند، گروه ویژه اقدام مالی تعلیق اقدامات مقابله‌ای را

● غلامرضا مصباحی مقدم گفته علت اصلی تورم فعلی، انتظارات تورمی مردم است!

● عضو مجمع تشخیص مصبحت نظام درباره فقر و گرانی هم مردم را مقصر دانسته که چرا تنها یک وعده غذا در شبانه‌روز نمی‌خورند.

● با وجود انتقادات زیادی که نسبت به متوهمانه بودن برنامه هفتم توسعه که از سوی دولت رئیسی تدوین شده مطرح است، غلامرضا مصباحی مقدم از این برنامه دفاع کرده و گفته رسیدن به رشد هشت درصدی عجیب نیست!

غلامرضا مصباحی مقدم در سخنانی عجیب درباره وضعیت اقتصادی کشور گفته ابراهیم رئیسی طبق برنامه پیش رفته و تا کنون به وعده‌هایش عمل کرده است! او مردم را مقصر تورم و گرانی دانسته و آنها را متهم کرده که چرا فقط یک وعده غذا در شبانه‌روز نمی‌خورند!

غلامرضا مصباحی مقدم عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام و عضو مجلس خبرگان رهبری در گفتگو با وبسایت «جماران» که متعلق به خانواده روح‌الله خمینی است توضیحاتی غیرواقعی از وضعیت اقتصادی کشور ارائه کرده و با دفاع از عملکرد اقتصادی دولت رئیسی، مردم را متهم تورم و گرانی دانسته است.

رئیس پیشین مرکز تحقیقات اسلامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مدعی شده که ابراهیم رئیسی تا کنون بر اساس برنامه‌ها و وعده‌هایش پیش رفته و در مواردی مانند تشدید موانع کسب و کار، ابلاغیه‌ها و اقدامات هیئت دولت کارآمد بوده اما بدنه مدیران دولتی که از دوره‌های قبل در سازمانها و ادارات هستند، با هیئت دولت همکاری لازم را ندارند.

با وجود انتقادات زیادی که نسبت به متوهمانه بودن برنامه هفتم توسعه که از سوی دولت رئیسی تدوین شده مطرح است، غلامرضا مصباحی مقدم از این برنامه دفاع کرده است. یکی از موارد گنجانده شده در برنامه هفتم توسعه، رشد اقتصادی هشت درصدی است که مصباحی مقدم رسیدن به چنین رشدی را عجیب نمی‌داند.

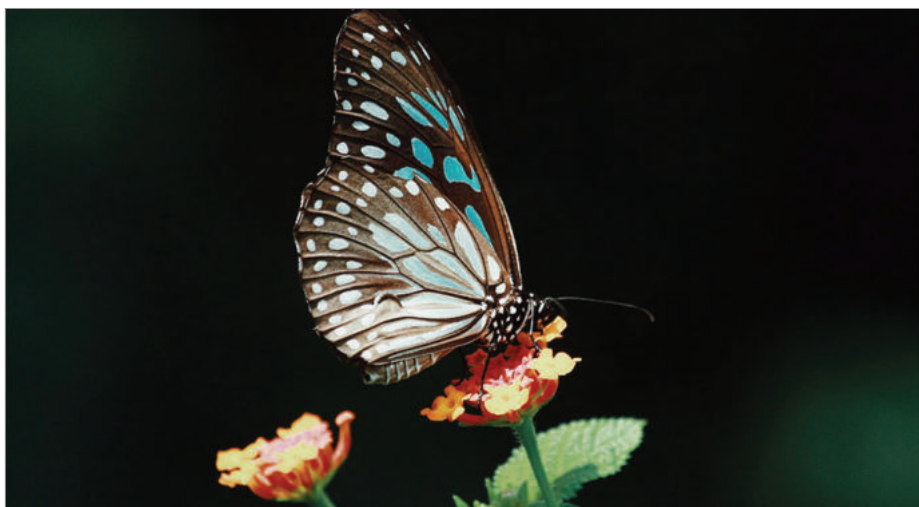
او گفته که «رشد ۸ درصد انتظار عجیبی نیست و دائماً در برنامه‌های ۵ ساله رشد ۸ درصد مورد تأکید قرار گرفته است. اینطور نیست که برای اولین بار باشد. برنامه ششم را نگاه کنید رشد ۸ درصد است، برنامه پنجم هم همینطور بوده است.»

این در حالیست که جمهوری اسلامی در برنامه پنجم و ششم توسعه هم نتوانست به رشد ۸ درصدی دست پیدا کند و همواره از هدفگذاری‌های رشد اقتصادی عقب بوده است!

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام در بخش دیگری از این گفتگو مدعی شده که «در قضیه پرداخت بدهی‌های دولت مطابق اوراقی که توزیع کرده بودند، خوب عمل کردیم. در قضیه جبران کسری بودجه سال ۱۴۰۰ صد درصد خوب عمل کردیم. در استقراض نکردن از بانک مرکزی بسیار موفق عمل کردیم. در توسعه روابط خارجی خصوصاً نسبت به همسایگان بسیار موفق عمل کرد و ما مرتب هر هفته شاهد سفر رئیس‌جمهور به کشورهای دیگر هستیم یا سفر روسای جمهور کشورهای دیگر به کشور هستیم. صادرات ما افزایش یافته است، درآمد ما افزایش یافته است.»



## درد دگردیسی؛ مقاله هفتم: محیط ما و موضوع براندازی



می‌شود و با این کار از پیدایش یک رقیب قدرتمند برای باقی کشورهای این منطقه جلوگیری می‌کند و از سوی دیگر برای استمرار حاکمیتش جلوی آشوب، هرج و مرج و ایجاد موج‌های پناهندگی به سمت مرزهای کشورهای همسایه را می‌گیرد. در واقع، استمرار یک جمهوری اسلامی ضعیف کم‌هزینه‌ترین و پرسودترین گزینه برای رقیبا و دشمنان ایران است.

اگر ایران صاحب یک حکومت توانا، پیشرفته، کارآمد، خوشنام و گشوده به جهان آزاد شود، نه تنها می‌تواند نظم منطقه خاورمیانه را برای همیشه دگرگون کند بلکه ممکن است که موجب شود که فیل اتباع باقی کشورهای استبدادزده این منطقه یاد هندوستان آزادی و دموکراسی کند. کشوری با ظرفیت‌های یک ایران پیشرفته، بدون شک همه عرصه‌های رقابت را در منطقه خاورمیانه به راحتی فتح خواهد کرد و هژمونی سیاسی- اقتصادی‌اش را به سادگی در این منطقه به باقی دولت‌ها خواهد قبولاند. چنین وضعیتی به هیچ عنوان مطلوب حکومت‌هایی که طی چهل و اندی سال از صدقه سر اوضاع ناهموار ایران به آلف و الوف رسیده‌اند نیست.

طبیعی است که دولت‌های منطقه در عین اینکه علاقه‌ای به قدرت گرفتن جمهوری اسلامی ندارند اما از فروپاشی این حکومت هم حمایت نمی‌کنند. از این منظر، فروپاشی یا به هرج و مرج می‌رسد و موجب رشد تروریسم و موج آوارگان می‌شود یا به حکومتی بهتر از جمهوری اسلامی ختم می‌شود و قدرت ایران را افزایش می‌دهد. هیچیک از این سناریوها مطلوب رقیبای ایران و قدرت‌های جهان نیست. پرواضح است که شبه‌رسانه‌ها و بوق‌های تبلیغاتی که بودجه و امکاناتشان از دولت‌های خارجی تأمین می‌شود راهی جز پیروی از سیاست‌های صاحب آخورشان ندارند.

خیزش ۱۴۰۱ نشان داد که میل و امید به تغییر، در بالاترین حد ممکن، جامعه ایران را در بر گرفته است. بسیاری از ایرانیان از هر طبقه و نسل چنان به این تغییر امید بسته‌اند که حتی زیست‌روزمه‌شان نیز دچار دگرگونی‌های اساسی شده است. با این حال، هر قدر که جامعه ایران آماده دگردیسی است، محیط و جغرافیای سیاسی منطقه خاورمیانه پذیرای این دگردیسی نیست. یکی از مهمترین وظایف کوشندگان سیاسی و چهره‌های اثرگذار ایرانی در اپوزیسیون، تلاش برای آماده کردن محیط و اقلان قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی برای پذیرش عملی گفتمان براندازی حکومت تبهکار جمهوری اسلامی و شاید کمک به براندازی آن است.

مستبد، عملگرا و جهان‌پندیده که همواره با قدرت‌های شرق و غرب عالم برای حفاظت از منافع‌شان متحد می‌شوند. همین همسایگان ثروتمند و عملگرا، مثل هر حکومت توانمندی، از پول و روابطشان برای نفوذ در همسایگان نابرخوردار و بی‌ثباتشان بهره می‌برند. سیاست خارجی این حکومت‌ها مبتنی بر حفظ نظم منطقه‌ای شکننده موجود است. این سیاست از طریق جلب حمایت قدرت‌های جهانی و تضعیف رقیبای همسایه از یکسو و کنترل درگیری‌های منطقه‌ای در چارچوب مرزهای همسایگان بی‌ثبات از سوی دیگر، تأمین می‌شود.

این همسایگان محترم، طی سال‌ها تقابل و رقابت با حکومت جمهوری اسلامی آموخته‌اند که برای طولانی‌مدت، هیچ شکلی از مسالمت و همزیستی با گانگستهای شیعه حاکم بر ایران ممکن نیست و این شیعیان پاکیزه برای ارضاء امیال و توهمات آخرالزمانی‌شان هر از چند گاهی عزم دخالت و شُرانگیزی در قلمرو همسایگان رقیب می‌کنند. بنا بر این تجربه ناخوشایند، طبیعی است که این حکومت‌های همسایه نیز برای کنترل صدور انقلاب تروریست‌های شیعه‌گرا به درون مرزهای کشورشان از کلیه اهرم‌های فشاری که در اختیار دارند استفاده کنند. برای نمونه می‌شود به مقابله به مثل در تربیت و اجاره نیروهای نیابتی خرابکار و تروریست، تأسیس بنگاه‌های طاق و جفت شبه‌خبری برای پروپاگاندا و جنگ رسانه‌ای، تأمین مالی هم‌مذهبان اقلیت در داخل ایران، تقویت و باد زدن آتش خصومت دیگر همسایگان با جمهوری اسلامی و... اشاره کرد.

در ایام اوج گرفتن خیزش سراسری ۱۴۰۱، این گمان در برخی از معترضان و تحلیلگران برانداز به وجود آمد که رقیبای منطقه‌ای جمهوری اسلامی از این فرصت برای تغییر رژیم در ایران استفاده خواهند کرد. رفتار شبه‌رسانه‌ی لندن که با دلارهای سعودی اداره می‌شد و می‌شود نیز بر این گمان دامن می‌زد که ارباب این شبه‌رسانه دل در گرو براندازی نظام جمهوری اسلامی از طریق حمایت از خیزش سراسری دارد. واقعیت اما یکسره متفاوت از این گمان خام بود و هست.

واقعیت این است که نفع و صرفه هیچیک از همسایگان معارض ایران و البته هیچکدام از قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی در براندازی حکومت تبهکار جمهوری اسلامی نیست. آنچه مطلوب تمامی این دولت‌ها و حکومت‌هاست، وجود یک حکومت ضعیف، منزوی، پندام و واپس‌گرا در ایران است. چنین حکومتی، از یکسو با سرکوب بخش بزرگی از ناراضیان مانع رشد و شکوفایی منابع مادی و انسانی جامعه ایران

● میهن ما در محاصره کشورهای است که همگی تعارض منافع شدیدی با منافع ملی ما دارند. برخی از این همسایگان محترم، کشورهای ثروتمند هستند با رهبرانی مستبد، عملگرا و جهان‌پندیده که همواره با قدرت‌های شرق و غرب عالم برای حفاظت از منافع‌شان متحد می‌شوند. همین همسایگان ثروتمند و عملگرا، مثل هر حکومت توانمندی، از پول و روابطشان برای نفوذ در همسایگان نابرخوردار و بی‌ثباتشان بهره می‌برند. سیاست خارجی این حکومت‌ها مبتنی بر حفظ نظم منطقه‌ای شکننده موجود است.

● در ایام اوج گرفتن خیزش سراسری ۱۴۰۱، این گمان در برخی از معترضان و تحلیلگران برانداز به وجود آمد که رقیبای منطقه‌ای جمهوری اسلامی از این فرصت برای تغییر رژیم در ایران استفاده خواهند کرد. رفتار شبه‌رسانه‌ی لندن که با دلارهای سعودی اداره می‌شد و می‌شود نیز بر این گمان دامن می‌زد که ارباب این شبه‌رسانه دل در گرو براندازی نظام جمهوری اسلامی از طریق حمایت از خیزش سراسری دارد. واقعیت اما یکسره متفاوت از این گمان خام بود و هست.

● هر قدر که جامعه ایران آماده دگردیسی است، محیط و جغرافیای سیاسی منطقه خاورمیانه پذیرای این دگردیسی نیست. یکی از مهمترین وظایف کوشندگان سیاسی و چهره‌های اثرگذار ایرانی در اپوزیسیون، تلاش برای آماده کردن محیط و اقلان قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی برای پذیرش عملی گفتمان براندازی حکومت تبهکار جمهوری اسلامی و شاید کمک به براندازی آن است.

یوسف مصدقی- دگردیسی، راه بقا و دروازه تکامل است. جاندارانی که برای بقا و تکامل راه دگردیسی را در پیش می‌گیرند، برای چنین طی‌طریقی، جدا از توانایی‌های ذاتی و قوای درونی نیاز به محیط مناسب دارند. پر واضح است که هیچ تحول و تغییری بدون شرایط محیطی مناسب به سرانجام نمی‌رسد. کرم ابریشم در مسیر دگردیسی در مناسب‌ترین محیط و در بهترین وضعیت مکانی و جوئی، به دور خود پیله می‌تند تا امکان پروانه‌شدنش به نهایت برسد. حال اگر این شرایط محیطی مناسب پس از در پیله شدن او تغییر کند، مثلا دمای محیط به طرز چشمگیری سرد یا گرما شود یا باد و توفان و تگرگ و وضعیت جوئی را به هم بریزند یا جانوران مودی و رقیبای طبیعی به پیله و موجود در حال تحول درونش آسیب بزنند، بدیهی است که سیر دگردیسی متوقف می‌شود و موجود درون پیله نابود می‌شود.

جوامع در حال دگردیسی گرفتار استبداد نیز برای به سرانجام رساندن این تحول، محتاج وضعیت محیطی مناسب هستند. مشکلاتی چون دخالت و تهدید خارجی یا بدتر از آن حمایت قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی از نیروی مستبد و سرکوبگر داخلی از عوامی هستند که می‌توانند دگردیسی این جوامع را به فاجعه تبدیل کنند. جغرافیای خاورمیانه در صد سال اخیر، با استمرار شگفت‌آور، شاهد نمونه‌های فراوانی از چنین فاجعه‌هایی بوده، به حدی که تا هنوز، خاک این منطقه از دنیا از زخم‌های عمیق حاصل از این فجاجیخ خون‌آلود است. بیش از چهار دهه زمامداری نابخردانه و تبهکارانه نظام جمهوری اسلامی باعث شده که چنین خطراتی، جامعه‌ی در حال دگردیسی ایران را هم تهدید کند.

بنا به جبر جغرافیایی، میهن ما در محاصره کشورهای است که همگی تعارض شدیدی با منافع ملی ما دارند. برخی از این همسایگان محترم، کشورهای ثروتمند هستند با رهبرانی

## موج بازداشت مشروطه خواهان در هفته های اخیر؛ تشدید فشار بر زندانیان مشروطه خواه



فعالان مشروطه خواه نقش برجسته ای در مبارزات درون کشور داشته اند. حضور و سازماندهی در اعتراضات خیابانی، شعارنویسی و برافراشتن پرچم شیروخورشید از جمله اقدامات میدانی آنها است.

به بیمارستان «خمینی» منتقل اما بار دیگر به زندان بازگردانده شد. بر اساس گزارشها با نظر پزشکان قرار است سمانه نوروز مرادی بار دیگر در روز یکشنبه چهارم تیرماه به بیمارستان منتقل شود. لوپوس مفصلی مزمن، دیابت، آرتروز آرنجها و شانه، سنگ کلیه، چربی خون بالا از دیگر بیماریهای او است.

او پیشتر در شهریور ۱۳۹۷ توسط اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (ساس) بازداشت و در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران به ۸ سال حبس تعزیری محکوم شد. این حکم در دادگاه تجدید نظر، به ۳ سال و ۹ ماه حبس کاهش یافت. او در پرونده دیگری به دلیل انتشار ویدئوی سپاسگزاری از مردم و بانو یاسمین پهلوی نیز به پانزده ماه زندان محکوم شد.

سمانه نوروز مرادی اواخر سال گذشته با پایان مدت حبس از زندان آزاد شده بود اما بار دیگر بازداشت شده است. رضا محمدحسینی دیگر فعال مشروطه خواه است که تنها چند هفته پس از آزادی بار دیگر بازداشت شد. رضا محمدحسینی اواخر سال گذشته در پی ادعای عفو زندانیان سیاسی در حالی که پایان حکم زندانش نزدیک بود آزاد شد. رضا محمدحسینی فعال سیاسی مشروطه خواه، صبح روز دوشنبه ۱۱ اردیبهشت و دو ماه پس از آزادی بار دیگر بازداشت شد. او طی دو ماهی که بیرون از زندان بود بارها به دیدار خانواده زندانیان سیاسی رفته و از آنها دلجویی کرده بود. بازداشت او چند روز پس از آن صورت گرفت که در ویدئویی از قرار گرفتن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست گروه های تروریستی حمایت کرده بود.

رضا محمدحسینی پیش از این در پنجم خرداد ۱۳۹۸ به همراه خالد پیرزاده و در حال شعارنویسی توسط نیروهای سازمان اطلاعات سپاه (ساس) بازداشت شد. او مدت سه ماه در بازداشتگاه سپاه در زندان اوین موسوم به بند

نخستین کمپین دادخواهی به ثبت رسیده است. او اردیبهشت ۱۴۰۰ به سه سال و نیم حبس، دو سال و نیم تبعید و دو سال ممنوعیت خروج از کشور محکوم شد. هفته گذشته نیز اشکان منفرد برادر شکیلا منفرد زندانی سیاسی مشروطه خواه از صدور قرار وثیقه ۱۰ میلیارد تومانی برای موافقت با معاینه پزشکی جهت تشخیص جراحی خبر داد. وی در صفحه توئیتری خود نوشت که نیروهای قضایی برای دادن حق درمان به خواهرش ۱۰ میلیارد تومان وثیقه خواسته اند و این زندانی پادشاهی خواه باید تحت تدابیر امنیتی و پابند برای تشخیص نیاز به جراحی کیسه صفرا به مراکز درمانی خارج از زندان اعزام شود و بدون مرخصی درمانی به زندان بازگردد.

پزشکی قانونی دو بار طی چند ماه گذشته تأیید کرده است که شکیلا منفرد به جراحی نیاز دارد. وی شهریور ۱۳۹۹ هنگام خروج از خانه توسط نیروهای امنیتی دستگیر و به اتهام فعالیت علیه نظام و توهین به مقدسات، به چهار سال و دو ماه حبس محکوم شد.

محبوبه رضایی، رضا محمدحسینی، رضا نوروزی، سمانه نوروز مرادی، یاشار تبریزی، احسان شاددل و حمیده زارعی از جمله فعالان مشروطه خواه هستند که در هفته های گذشته بازداشت شدند.

سمانه نوروز مرادی پس از یک ماه و نیم بازداشت در دادسرای اوین تفهیم اتهام شد. «اجتماع و تبانی علیه نظام» از طریق مدیریت کانال تلگرامی «کارزار بازگشت شاهزاده» و «تبلیغ علیه نظام» اتهامات این فعال مشروطه خواه است. او چهارم اردیبهشت امسال توسط ماموران امنیتی جمهوری اسلامی در خانه اش واقع در غرب تهران بازداشت و در ۱۶ اردیبهشت به بند زنان زندان اوین منتقل شد.

این زندانی سیاسی به بیماری سرطان مبتلاست و در پی وخامت وضعیت جسمی بعد از ظهر سه شنبه ۳۰ خردادماه

● محبوبه رضایی، رضا محمدحسینی، رضا نوروزی، سمانه نوروز مرادی، یاشار تبریزی، احسان شاددل و حمیده زارعی از جمله فعالان مشروطه خواه هستند که در هفته های گذشته بازداشت شدند.

● سارا عباسی همسر منوچهر بختیاری زندانی سیاسی مشروطه خواه، محبوس در زندان «چوبیندر» قزوین در ویدئویی از وخامت وضعیت جسمی و عدم انتقال همسرش به بیمارستان خبر داد.

● برای انتقال شکیلا منفرد به بیمارستان قرار وثیقه ۱۰ میلیارد تومانی صادر شده است.

فشار بر فعالان مشروطه خواه درون ایران افزایش یافته و در هفته های گذشته شماری از فعالان مشروطه خواه بازداشت شده و با اتهامات سنگین روبرو شدند. زندانیان مشروطه خواه نیز مانند بسیاری از زندانیان سیاسی دیگر از حقوقی چون حق استفاده از مرخصی درمانی محروم هستند.

در هفته های گذشته فشار بر فعالان مشروطه خواه در ایران افزایش یافته است. شماری از فعالان مشروطه خواه بازداشت شده و با پرونده هایی سنگین روبرو هستند. برخی زندانیان مشروطه خواه که نیازمند به درمان فوری هستند نیز از حق مرخصی درمانی محروم شده و حتی مراحل درمان در درون زندان نیز برای آنها انجام نمی شود.

این در حالیست که فعالان مشروطه خواه نقش مهمی در مبارزات برای آزادی و دادخواهی دارند. حضور و سازماندهی در اعتراضات خیابانی، شعارنویسی و برافراشتن پرچم شیروخورشید از جمله اقدامات میدانی آنهاست.

سارا عباسی همسر منوچهر بختیاری زندانی سیاسی مشروطه خواه، محبوس در زندان «چوبیندر» قزوین در ویدئویی که روز چهارشنبه ۳۱ خرداد منتشر کرد از وخامت وضعیت جسمی و عدم انتقال همسرش به بیمارستان خبر داد.

او با اعلام اینکه بر اساس نظر پزشکی قانونی، همسرش توان تحمل حبس را ندارد، خطاب به حسن مددی، دادستان عمومی و انقلاب کرج پرسید: «آیا مشکل شخصی با منوچهر بختیاری دارید؟ آیا دادخواهی فرزند و وطن پرستی جرم است؟»

سارا عباسی همچنین به خبرنگاری «هرانا» گفته که «ساعت یک بامداد روز سه شنبه سی ام خردادماه، منوچهر بختیاری با درد شدید شکم و انسداد ادرار بیهوش شده که او را با ویلچر به بهداری زندان منتقل کردند. اما بهداری زندان تنها به تزریق یک سرم و نصب سوند اکتفا کرده و او را مجدداً با شرایط نامساعد جسمی به سلول انفرادی بازگرداندند.»

سارا عباسی با تأکید بر اینکه «منوچهر بختیاری در داخل زندان توان راه رفتن ندارد» گفته که «علیرغم اعلام پزشک معالج وی مبنی بر نیاز به بستری شدن در بیمارستان خارج از زندان، تاکنون هیچ اقدامی صورت نگرفته است. دادستان کرج، آقای مددی از آزادی و اعزام وی به بیمارستان تخصصی و اعطای مرخصی درمانی ممانعت به عمل آورده است.»

منوچهر بختیاری، پدر پویا بختیاری، از جانبختگان اعتراضات آبان ۹۸ و از خانواده دادخواهان ایران و بنیانگذار

۲الف محبوس بود.

محبوبه رضایی در ویدئویی پاسخ او را داد و همزمان خبرگزاری «فارس» وابسته به سپاه پاسداران به پرونده‌سازی علیه محبوبه رضایی پرداخت. خبرگزاری فارس بلافاصله پس از بازداشت محبوبه رضایی مدعی شد که «یک منبع آگاه به فارس گفته عامل اصلی گروه‌های سلطنت طلب که با پشتیبانی رسانه‌های معاند، هدایت اقدامات یک «شبکه

او بازداشت شدند و برای مدت طولانی همسرش با وجود داشتن یک فرزند دو ساله و یک نوزاد شیرخوار زیر فشارهای سنگین امنیتی و در سلول انفرادی نگهداری می‌شد. پیش از این رضا نوروزی یکبار در منطقه فلکه دوم گوهردشت کرج در سال ۱۳۹۶ و یکبار هم در محوطه آرامگاه کوروش در پاسارگاد بازداشت شده بود.

این فعال سیاسی در دادگاه انقلاب تهران دادگاه شعبه ۲۹ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی محمدرضا عموزاد به اتهام اجتماع و تبانی به ۷ سال حبس، اتهام توهین به رهبری ۳ سال حبس، تهاج خروج و ورود غیرقانونی از مرز به ۳ و ۲ حبس و از بابت اتهام تهدید از دستور مأموران به یک سال و



یاشار تبریزی



رضا نوروزی



رضا محمدحسینی

زندان» در زندان‌های کشور را به عهده داشت، توسط اطلاعات سپاه در بوشهر دستگیر شد.»

محبوبه رضایی در این پیام ویدئویی گفته بود که «خطاب به همه مزدوران جمهوری اسلامی درون مرز و برون مرزی اعلام می‌کنم، ما مردم ایران برای بدست آوردن هویت‌مون و حفظ این و آب و خاک داریم مبارزه می‌کنیم.

مردم ایران گدا نیستند که با وعده پول یا مثل سال (پنجاه هفت وعده آب و برق مجانی) انقلاب کنند، فرزندان ایران آگاه هستند و کسی نمی‌تونه آنها را با عکس در ماه دیدن فریب دهد. سال‌ها زندانیان سیاسی مشروطه‌خواه توسط رسانه‌های انحصاری گلوبالیسم‌ها سانسور شدند، توسط بیدادگاه‌های این حکومت حکم‌های سنگین گرفتند، و همیشه در سکوت خبری بودند، در زندان جان سپردند.»

یاشار تبریزی دیگر فعال مشروطه‌خواه نیز روز شنبه ۲۰ خرداد در خانه‌اش در شهریار بازداشت شد. این فعال مشروطه‌خواه روز شنبه ۲۷ خرداد در تماس کوتاهی به خانواده‌اش اطلاع داد که در بند ۲۰۹ زندان اوین به سر می‌برد.

این تنها تماس یاشار تبریزی از روز بازداشت بوده و هنوز از نهاد بازداشت‌کننده و اتهامات یاشار تبریزی اطلاعاتی در دست نیست.

حمیده زارعی (شیمین) فعال مدنی مشروطه‌خواه که پاییز گذشته در مراسم چهلم حدیث نجفی از جانب‌اختگان انقلاب ملی بازداشت و در بهمن‌ماه آزاد شده بود اواخر اردیبهشت‌ماه بار دیگر توسط مامورین اطلاعات سپاه در منزلش با اتهام تبلیغ علیه نظام بازداشت شد.

احسان شاددل شهروند ساکن مشهد شامگاه پنجشنبه ۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۲ به همراه همسر و دو فرزند خردسالش بازداشت شدند. این خانواده در حمایت از جوانان محکوم به اعدام پرونده «خانه اصفهان» پرچم شیروخورشید و درفش کاویانی را مقابل استانداری خراسان رضوی برافراشته بودند.



سمانه نوروز مرادی

محبوبه رضایی دیگر فعال مشروطه‌خواه است که بازداشت و با اتهامات جدید روبرو شده است. محبوبه رضایی اول خردادماه بازداشت و به زندان اوین منتقل شد. بر اساس گزارش‌ها اتهامات او «اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی» و «تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی» است.

محبوبه رضایی پیشتر «ارباب، شکنجه، تهدید، تعرض، و تجاوز» به زندانیان و بازداشت شدگان افشاگری کرده بود. بازداشت محبوبه رضایی پس از آن صورت گرفت که کاربری حامی مسیح علینژاد و حامد اسماعیلیون به نام علی ابراهیم‌زاده در توییتر به دروغ نوشت که فعالان پادشاهی‌خواه با پرداخت پول به زندانیان فقیر برای شاهزاده رضا پهلوی حمایت می‌خرند.

نیم حبس و در مجموع به ۱۶ سال و نیم حبس محکوم شد که هفت سال آن قابل اجرا بود.

او در یک پیام نوروزی مشترک با ۱۰ فعال مشروطه‌خواه دیگر نیز وضعیت نابسامان امروز ایرانیان را «نتیجه افکار، روش‌ها و اهدافی» دانسته بود که «با انقلاب ۵۷ و به کج‌راهه رفتن مشروطیت، در نبرد میان مشروطه‌خواهان و مشروعه‌خواهان» ایجاد شده است.

آرشام رضایی، کنشگر مشروطه‌خواه نیز هفته گذشته از احضار رضا نوروزی زندانی سیاسی سابق و کنشگر مشروطه‌خواه به دادسرای اوین خبر داد.

آرشام رضایی نوشته که «روز گذشته طی ابلاغیه و تماسی که از دادسرای مقدس اوین با خانواده رضا نوروزی داشته‌اند، به خانواده این زندانی سیاسی سابق اعلام کرده‌اند که ظرف ۲۴ ساعت خود را به دادسرای «ناحیه ۳۳» مقدس معرفی کنند، در غیر این صورت حکم جلب او صادر خواهد شد.»

بر اساس گزارش‌ها برای رضا نوروزی پرونده‌ای جدید با اتهام «توهین به مقدسات» گشوده شده است. رضا نوروزی در حالی با پرونده جدیدی روبرو شده که ششم خردادماه امسال پس از تحمل دو سال و یک ماه حبس از زندان تهران بزرگ (فشافویه) آزاد شده بود!

رضا نوروزی اسبق‌رانی معروف به رضا نوروزی اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۰ با همسر و دو فرزند خردسالش در تهران و در اوج اخبار ایرانفروشی جمهوری اسلامی به چین با قرارداد ۲۵ ساله، در یکی از میادین تهران اتومبیل خود را به آتش کشید و طی سخنانی از مردم خواست به جمهوری اسلامی «نه» بگویند.

او در این اقدام اعتراضی فریاد می‌کشید که «برای این سرزمین می‌جنگم. برای بازگشت شاهزاده رضا پهلوی می‌جنگم». همسر جوانش نیز در حالی که دست پسر دو ساله‌اش را گرفته و پسر چند ماهه‌اش را در آغوش داشت، در کنار وی حضور داشت.

همسر و دو فرزند خردسال رضا نوروزی نیز به همراه

## فصل جدید «سرگذشت ندیمه» در جمهوری اسلامی: برخوردهای پلیسی-امنیتی برای فرزندآوری! شناسایی و رصد «محلّه محور» زنان باردار!



علی خامنه‌ای سپس در مهر ماه سال ۱۳۹۱ نیز سیاست دهه هفتاد برای کنترل جمعیت را خطا خواند و افزود: «یکی از خطاهایی که خود ما کردیم این بوده که تحدید نسل از اواسط دهه ۷۰ به این طرف باید متوقف می‌شد. مسئولان در این باره اشتباه کردند و خودم هم سهیم هستم.»

هر چند جمهوری اسلامی تلاش کرده با اقدامات پلیسی و قضایی مردم را مجبور به فرزندآوری کند اما همچنان مسیرهایی غیررسمی برای پایان دادن به بارداری‌های ناخواسته وجود دارد و آمارهای سقط جنین افزایش یافته است. مخالفت با سقط جنین فقط سبب رونق کاسبی ماماها و پزشکانی شده که در مطلب و گاهی بدون امکانات لازم اقدام به سقط جنین می‌کنند.

اکنون مقامات دولتی با «امنیتی» کردن عدم تمایل خانوارها به فرزندآوری، تلاش دارند زمینه‌های برخوردهای پلیسی با زنان بارداری را که تمایل به پایان خودخواسته بارداری و سقط جنین در چارچوب قوانین پزشکی رایج در جوامع باز دارند، فراهم کنند.

در همین رابطه حسین فرشی‌دی با اشاره به تأکید رهبر جمهوری اسلامی به فرزندآوری گفته که «برخی افراد، راهی را می‌روند که دیدگان برای ما طراحی کرده‌اند و آن مسیر هم، طرز فکر، فرهنگ و خانواده ما را نشانه گرفته بنابراین، مهم‌ترین ابزار مقابله با این جنگ نرم و رسانه‌ای دشمنان، اجرای صحیح فرامین مقام معظم رهبری است.»

معاون وزارت بهداشت گفته که «با وجود اینکه هنوز در ابتدای اجرای این طرح هستیم ولی سم پاشی‌ها و حاشیه سازی‌ها در فضای مجازی توسط دشمنان شروع شده است.»

بجز طرح «نفس» که شناسایی و کنترل مداوم زنان باردار به صورت «محلّه محور» را در دستور کار دارد، وزیر بهداشت نیز مدتی پیش از ثبت مشخصات زنان باردار در سامانه این وزارتخانه و رصد آنها تا زایمان خبر داد.

بهرام عین‌اللهی وزیر بهداشت جمهوری اسلامی روز جمعه دوازدهم خردادماه گفت که «مشخصات زنانی که آزمایش بارداری آن‌ها مثبت می‌شود تا زمان زایمان در

ممنوعیت عرضه لوازم جلوگیری از بارداری در خانه‌های بهداشت و محدودسازی سقط جنین در کشور، آمارهای سقط مخفیانه به شدت افزایش یافته است.

حسین فرشی‌دی معاون وزارت بهداشت روز گذشته و در دومین همایش کشوری توانمندسازی و شبکه‌سازی مراکز «نفس» سراسر کشور گفت که «حدود هشت هزار ماما وارد سیستم بهداشتی کشور شده‌اند که باید به صورت محلّه محور، مادران باردار را شناسایی و از لحاظ بهداشتی و درمانی حمایت کنند.»

به گفته حسین فرشی‌دی «در این طرح باید تمامی سازمان‌ها و نهادها از جمله وزارت بهداشت، آموزش و پرورش، صدا و سیما و سایر نهادهای مرتبط وارد شوند و در افزایش جمعیت و فرزندآوری وظایف خود را به درستی انجام دهند.»

معاون وزارت بهداشت گفته طرح نجات فرزندان سقط که به اختصار «نفس» نامیده می‌شود مبتنی بر ارائه مشاوره به زوجینی است که به دلایل مختلفی قصد ختم بارداری و سقط جنین را دارند؛ در این طرح تلاش می‌شود که با ارائه مشاوره‌های صحیح و متناسب، زوجین از اقدام به سقط جنین منصرف شوند.

بر اساس توضیحات حسین فرشی‌دی تا کنون هشت هزار ماما در این طرح فعال شدند که وظیفه دارند «به صورت محلّه محور، مادران باردار را شناسایی و از لحاظ بهداشتی و درمانی آن‌ها را حمایت کنند». معاون وزارت بهداشت مدعی شده که این طرح در سال گذشته سبب افزایش دو هزار نفری جمعیت کشور شده است.

علی خامنه‌ای از مرداد سال ۱۳۹۰ بطور مکرر خواهان افزایش جمعیت ایران به دستکم ۱۵۰ میلیون نفر شده است. او در همین سال طی سخنانی گفت: «معتقدم کشور ما با امکاناتی که داریم، می‌تواند ۱۵۰ میلیون نفر جمعیت داشته باشد و هر اقدام و تدبیری که می‌خواهد برای متوقف کردن رشد جمعیت انجام بگیرد، بعد از ۱۵۰ میلیون نفری شدن کشور انجام بگیرد.»

● شرایط پلیسی و سرکوبگرانه برای افزایش جمعیت کشور که یادآور کتاب و سریال معروف «سرگذشت ندیمه» است، از مدت‌ها پیش در دستور کار دولت قرار گرفته است. در یکی از تازه‌ترین طرح‌های به اجرا درآمده توسط وزارت بهداشت دولت سیزدهم طرحی با عنوان «نفس» زنان باردار را به صورت «محلّه محور» شناسایی و تحت مراقبت قرار می‌دهد!

● مهم‌ترین انگیزه اجرای طرح «نفس» که کوتاه‌شده «نجات فرزندان سقط» است، مانیتور زنان باردار برای جلوگیری از سقط جنین اعلام شده است.

● وزیر بهداشت نیز مدتی پیش از ثبت مشخصات زنان باردار در سامانه این وزارتخانه و رصد آنها تا زایمان خبر داد.

● اکنون مقامات دولتی با «امنیتی» کردن عدم تمایل خانوارها به فرزندآوری، تلاش دارند زمینه‌های برخوردهای پلیسی با زنان بارداری را که تمایل به پایان خودخواسته بارداری و سقط جنین در چارچوب قوانین پزشکی رایج در جوامع باز دارند، فراهم کنند.

وزارت بهداشت طرحی با عنوان «نفس» را برای شناسایی «محلّه محور» زنان باردار جلوگیری از سقط جنین در دستور کار قرار داده است. بر اساس ادعای معاون این وزارتخانه اجرای طرح «نفس» سبب افزایش دو هزار نفری جمعیت در کشور شده است.

شرایط پلیسی و سرکوبگرانه برای افزایش جمعیت کشور که یادآور کتاب و سریال معروف «سرگذشت ندیمه» است، از مدت‌ها پیش در دستور کار دولت قرار گرفته است. در یکی از تازه‌ترین طرح‌های به اجرا درآمده توسط وزارت بهداشت دولت سیزدهم طرحی با عنوان «نفس» زنان باردار را به صورت «محلّه محور» شناسایی و تحت مراقبت قرار می‌دهند.

مهم‌ترین انگیزه اجرای این طرح که کوتاه‌شده «نجات فرزندان سقط» است، مانیتور زنان باردار برای جلوگیری از سقط جنین اعلام شده است. این در حالیست که با

→ سامانه‌ای ثبت می‌شود.

## تلفات سنگین مصرف مشروبات الکلی قلبی اینبار در رابط کریم و رامسر: مردم می‌گویند مشکوک است!



بر اساس اعلام سازمان جهانی بهداشت، ایران جزو ۱۰ کشور نخست مصرف الکل در دنیا قرار دارد

همچنین بر اساس گزارش‌ها، الکی که باعث مسمومیت افراد شده بسیار سمی‌تر از نمونه‌های قبلی است. در همین ارتباط فرماندار رابط کریم توضیح داده «معمولاً مسمومیت الکی بین ۱۲ تا ۱۸ ساعت بروز می‌دهد [می‌کند] اما بررسی‌ها نشان می‌دهد الکل‌هایی که باعث فوت این ۶ نفر شده در کمتر از ۶ ساعت آنها را زمینگیر کرده است.»

متهاب قربانی فعال حقوق بشر در توییتهای خبر داده که یکی از بستگانش را در کرج به دلیل مصرف الکل مسموم از دست داده است. وی هشدار می‌دهد که مردم در ایران مراقب باشند. مسمومیت‌های زنجیره‌ای ناشی از مصرف الکل قلبی به استان مازندران و هرمزگان نیز رسیده است. رئیس شبکه بهداشت و درمان رامسر گفته «دومینوی فوت ناشی از مصرف مشروبات الکلی در کشور با مرگ دو جوان رامسری به مازندران رسید.»

در موردی دیگر رئیس اورژانس دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان از مسموم شدن ۱۱ نفر بر اثر مصرف مشروب الکلی دست‌ساز در حاجی آباد خبر داد.

مقامات انتظامی و قضایی از بازداشت تعدادی افراد مرتبط با ساخت و توزیع مشروبات قلبی خبر داده‌اند اما مردم می‌گویند این رویداد مرگبار نیز «عمدی» است. استدلال آنها از یکسو این است که مواد اولیه تولید مشروبات را اغلب کارگاه‌هایی توزیع می‌کنند که پروانه‌دار هستند و از سوی دیگر سرخ تولید و توزیع این مشروبات نیز به ارگان‌های حکومتی می‌رسد. در توییتهای کاربران با هشتگ «#مسمومیت\_الکل» نظرات خود را در این مورد بیان می‌کنند. بسیاری می‌گویند مقصر تلفات سنگین ناشی از مسمومیت‌های الکی حکومت است. برخی نوشته‌اند این مسمومیت‌ها مشکوک است. اشاره آنها به پراکندگی گسترده و موارد زیاد مسمومیت‌هاست در فاصله زمانی بسیار اندک است.

احتمالاً شمار واقعی مسمومیت‌ها بیش از تعدادیست که به صورت رسمی از سوی مقامات اعلام شده چرا که بسیاری از مردم به دلیل پیامدهای قضایی مربوط به تولید و مصرف مشروبات الکلی که در جمهوری اسلامی ممنوع است و مجازات شلاق و حتا اعدام پس از سه بار ارتکاب دارد، می‌ترسند به بیمارستان مراجعه کنند.

● کمتر از یک هفته پس از آنکه به علت مصرف مشروبات الکلی مسموم در کرج ۱۷ نفر جان خود را از دست داده و ۱۴۰ نفر مسموم شدند و ۴ نفر بینایی خود را از دست دادند، موردی مشابه در رابط کریم در جنوب تهران و رامسر تکرار شد.

● در رابط کریم دست‌کم ۷ نفر به دلیل مصرف الکل قلبی جان خود را از دست دادند و ۲۲ نفر دیگر هم مسموم شدند. در رامسر نیز دو نفر به همین علت فوت کردند.

● الکی که باعث مسمومیت افراد شده بسیار سمی‌تر از نمونه‌های قبلی است. در همین ارتباط فرماندار رابط کریم توضیح داده «معمولاً مسمومیت الکی بین ۱۲ تا ۱۸ ساعت بروز می‌دهد اما بررسی‌ها نشان می‌دهد الکل‌هایی که باعث فوت این ۶ نفر شده در کمتر از ۶ ساعت آنها را زمینگیر کرده است.»

● در توییتهای کاربران با هشتگ «#مسمومیت\_الکل» نظرات خود را در این مورد بیان می‌کنند. بسیاری می‌گویند مقصر تلفات سنگین ناشی از مسمومیت‌های الکی حکومت است. برخی نوشته‌اند این مسمومیت‌ها مشکوک است. اشاره آنها به پراکندگی گسترده و موارد زیاد مسمومیت‌هاست در فاصله زمانی بسیار اندک است.

در شرایطی که هنوز پشت پرده مسمومیت‌های زنجیره‌ای به ویژه علیه دانش‌آموزان دختر در مدارس ایران پنهان مانده، رویداد زنجیره‌ای جدیدی در ارتباط با مسمومیت‌ها ناشی از مصرف مشروبات الکلی قلبی توجه افکار عمومی را به خود جلب کرده است. کمتر از یک هفته پس از آنکه به علت مصرف مشروبات الکلی مسموم در کرج ۱۷ نفر جان خود را از دست داده و ۱۴۰ نفر مسموم شدند و ۴ نفر نیز بینایی خود را از دست دادند، موردی مشابه در رابط کریم در جنوب تهران و رامسر تکرار شده است. فرماندار شهرستان رابط کریم می‌گوید طی چهار روز شش نفر به دلیل مصرف الکل قلبی جان باخته و دست‌کم ۲۲ نفر مسموم شدند. برخی منابع گزارش دادند این تعداد بیش از این است.

تعدادی از افرادی که مسموم و یا فوت شده‌اند ساکن رابط کریم بوده‌اند و تعدادی ساکن پرند، حصار مهتر، منجیل آباد و شهرستان‌های دیگر. این نشان می‌دهد دایره توزیع مشروبات مسموم گسترده است.

وزیر بهداشت جمهوری اسلامی همچنین تأکید کرد که «سقط به دلایل متقن نیاز دارد، هر کسی اقدام به سقط غیرقانونی کند با او برخورد خواهد شد، برای فرزندآوری باید مشوق‌های متعددی در نظر گرفته شود.»

سامانه‌ای که وزیر بهداشت از آن برای ثبت مشخصات زنان باردار نام برده «سامانه جامع بارداری» است که تیرماه سال گذشته راه‌اندازی شد. وزارت بهداشت پیش از آن «قرارگاه جوانی جمعیت و فرزندآوری» را پیرو تأکید ویژه علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی برای افزایش جمعیت کشور راه‌اندازی کرد.

وزیر بهداشت جمهوری اسلامی در حالی بار دیگر بر سقط جنین به عنوان اقدامی مجرمانه تأکید کرده که با برخوردهای قضایی همراه خواهد بود، که پیش از این وزارت بهداشت انجام آزمایش غربالگری را از پوشش بیمه درمانی خارج کرد و همچنین سازوکار انجام سقط جنین برای جنین‌های ناقص و ناسالم را تغییر داد.

صابر جابری رئیس «اداره جوانی جمعیت» وزارت بهداشت سال گذشته درباره تغییرات روند قانونی سقط جنین گفته بود: «در گذشته بنابر تشخیص پزشک و گواهی پزشک قانونی، فرایند سقط جنین ناسالم اجرایی می‌شد. در شرایط فعلی براساس ماده ۵۶ قانون جوانی جمعیت این اختیار از پزشک سلب شده است و پس از طی کردن یک فرایند اجرایی، اجازه سقط جنین ناسالم با حکم قاضی صادر می‌شود.»

جمهوری اسلامی همچنین بسته‌های تشویقی برای فرزندآوری را در کنار برخوردهای امنیتی و پلیسی طراحی کرده که این بسته‌ها ناکارآمد بوده و صرفاً جنبه تبلیغاتی دارند. بر اساس مصوبه دولت به کودکانی که از اول فروردین ۱۴۰۰ متولد شده باشند وام بانکی تعلق می‌گیرد. این وام بانکی یکی از محوری‌ترین برنامه‌های جمهوری اسلامی برای تشویق به فرزندآوری و پیشبرد هدف افزایش جمعیت کشور است.

بر اساس مصوبات دولتی مبلغ وام فرزندآوری برای فرزند اول خانواده ۳۰ میلیون تومان است و این رقم برای فرزندان بعدی به صورت پلکانی افزایش پیدا کرده و برای فرزند پنجم یا بیشتر به ۱۵۰ میلیون تومان می‌رسد.

آمارهای بانک مرکزی از تعداد متقاضیان وام فرزندآوری و تعداد دریافت‌کنندگان این وام نشان می‌دهد بیش از ۲۰۰ سال طول می‌کشد که آخرین نفر در صف وام فرزندآوری بانک «اقتصاد نوین» به وام خود برسد! این مدت برای بانک «سامان» ۲۲ سال و بانک صادرات بیش از ۶ سال است.

دو هفته مرخصی اجباری تشویقی برای مردان در کنار ۹ ماه مرخصی زایمان برای زنان از دیگر اقدامات تشویقی برای فرزندآوری بوده که به گفته فعالان حوزه کار، در بی‌اعتنایی دولت و نبود نهادهای نظارتی اعطای این مرخصی از سوی کارفرمایان نادیده گرفته می‌شود.

محمد مهدی لیبی‌بی جامعه شناس و پژوهشگر حوزه خانواده معتقد است که در ایران سیاست‌های افزایش جمعیت بارش‌ها و اهداف هماهنگی ندارد بطوریکه کمیت مصوبات فرزندآوری در کشورمان به شدت می‌لنگد و در سیاستگذاری‌ها مصلحت فردی اعضای جامعه دیده نمی‌شود و فقط مصلحت جمعی مورد نظر سیاستگذاران است. دکتر خلیل علی محمدزاده رئیس اندیشکده سلامت جمعیت و خانواده نیز هفته گذشته با اعلام آمار تازه‌ای از کاهش نرخ باروری در ایران گفته که در ۱۲ سال اخیر نرخ ازدواج ۴۰ درصد کاهش، و در هفت سال گذشته فرزندآوری ۳۵ درصد کاهش داشته است.

# نشست مشترک مقامات اطلاعاتی و امنیتی در مشهد بدون حضور فرمانده ارتش؛ اعتراف بودار علی خامنه‌ای به «عدم تفاهم» در دستگاه اطلاعاتی!

که این تفاهم در همه رده‌ها پیاده بشود. امروز اگرچه در رأس این دو دستگاه تفاهم بطور جدی وجود دارد، اما مجاهدت واقعی این است که این همکاری و تفاهم را در همه سطوح پیاده کنند.»

## ضرورت «اشتراک‌گذاری» اطلاعات

اسماعیل خطیب وزیر اطلاعات در این جلسه گفت «ما وظیفه داریم با ارتقاء توانمان، با اشتراک‌گذاری‌ها، با همسویی‌هایمان، با یک وحدت رویه جدی در جهت مقابله با جنگ ترکیبی استکبار و بنای یک مجموعه اطلاعاتی مردم‌پایه و مؤثر و تلاش در جهت مقابله با تمام آنچه را که خاستگاه و برنامه‌ریزی منسجم و گسترده دشمنان علیه این نظام و انقلاب است، به کار گیریم.»

منظور خطیب از «مجموعه اطلاعاتی مردم‌پایه» یعنی آحاد جامعه علیه دشمنان نظام به دستگاه‌های اطلاعاتی کمک و علیه هم جاسوسی و خرابچینی کنند!

وی با اشاره به هشدار خامنه‌ای مبنی بر «تصمیم دشمن برای تغییر ماهیت جمهوری اسلامی» تأکید کرده «اگر دو دستگاه اطلاعاتی بتواند در تمام زمینه‌ها و فعالیت‌های

موقعی مأموریت‌های آنها به بخشی از سیستم یا منافع مردم ضربه نیز می‌زند. زمینه‌سازی برای «القاء عدم هماهنگی بین نیروهای نظامی و امنیتی» دست رژیم را برای لاپوشانی اشتباهات سهوی یا توجیه و لاپوشانی «مأموریت‌های خسارت‌بار سازمان‌یافته» باز می‌گذارد همچنانکه در قضیه شلیک موشک به هواپیمای «اوکراین اینترنشنال» نیز این رویه تکرار شد.

وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی و سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با هدف اجرای دستور علی خامنه‌ای مبنی بر «هم‌افزایی و همگرایی بین دو نهاد انقلابی در مقابله با توطئه‌های دشمنان انقلاب اسلامی» روز ۲۵ خرداد ۱۴۰۲ در شهر مشهد نشست مشترک برگزار کردند. گزارش‌ها درباره این جلسه و محتوای آن با حدود یک هفته تأخیر اول تیرماه در رسانه‌های داخلی منتشر شد.

محمد محمدی گلپایگانی رئیس دفتر علی خامنه‌ای، اسماعیل خطیب وزیر اطلاعات، سردار پاسدار محمد شیرازی رئیس دفتر نظامی خامنه‌ای، حسین سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، علی‌اکبر احمدیان دبیر شورای عالی امنیت ملی، سردار محمد کاظمی رئیس سازمان

محمد محمدی گلپایگانی رئیس دفتر علی خامنه‌ای، اسماعیل خطیب وزیر اطلاعات، سردار پاسدار محمد شیرازی رئیس دفتر نظامی خامنه‌ای، حسین سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، علی‌اکبر احمدیان دبیر شورای عالی امنیت ملی، سردار محمد کاظمی رئیس سازمان اطلاعات سپاه و سردار احمد وحیدی وزیر کشور به همراه فرماندهان و مدیران ارشد چند واحد اطلاعاتی حکومت در این جلسه حضور داشتند.

علی خامنه‌ای در پیامی به این نشست گفته «یکی از ضعف‌های ما در دستگاه‌های اطلاعاتی، عدم تفاهم بین این مجموعه‌هاست.»

خطیب وزیر اطلاعات در این جلسه گفت «ما وظیفه داریم با یک وحدت رویه جدی با جنگ ترکیبی استکبار مقابله کنیم.»

حسین سلامی فرمانده سپاه پاسداران می‌گوید «نظام سیاسی برای دیدن دو چشم نیاز دارد. من معتقدم وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه همین دو چشم هستند که باید یک تصویر ارائه دهند تا نظام دچار آستیگماتیسم سیاسی نشود.»



اسماعیل خطیب وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی در نشست مشترک نهادهای امنیتی / مشهد خرداد ۱۴۰۲



حسین سلامی در جلسه نهادهای اطلاعاتی و امنیتی

مختلف و شرایط جغرافیایی و موضوعی به یک انسجام واحد برسند، قطعاً در تحقق ایران قوی، مهار تورم و رشد تولید و ایجاد امید و نشاط در کشور و خواسته‌های نظام و آنچه را که حکمرانی برای ارتقاء قدرت خودش به آن نیاز دارد، موفقیت‌های بیشتری حاصل خواهد شد.»

## نظام دچار «آستیگماتیسم» سیاسی نشود!

حسین سلامی در سخنانی گفت که «نظام سیاسی برای دیدن دو چشم نیاز دارد. من معتقدم وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه همین دو چشم هستند که باید یک تصویر ارائه دهند تا نظام دچار آستیگماتیسم سیاسی نشود. اگر بخواهیم کارهایمان برکت داشته باشد، راه باید

اطلاعات سپاه و سردار احمد وحیدی وزیر کشور به همراه فرماندهان و مدیران ارشد چند واحد اطلاعاتی حکومت در این جلسه حضور داشتند.

پیام علی خامنه‌ای به این نشست در ابتدای جلسه قرائت شد. پیامی بودار که حکایت از وجود اختلاف در رده‌های میانی دو نهاد اصلی اطلاعاتی رژیم دارد. رهبر جمهوری اسلامی با اشاره به اینکه مسئله اطلاعات یکی از مسائل مهم کشور است گفته «یکی از ضعف‌های ما در ارتباط با دستگاه‌های اطلاعاتی، عدم تفاهم بین این مجموعه‌هاست.»

وی خطاب به دستگاه‌های امنیتی گفته «اگر آقایان می‌خواهند در راه خدا مجاهدت کنند، جهاد آنها این است

کاظمی رئیس سازمان اطلاعات سپاه نیز اظهار داشت «برای انسجام و وحدت بین نهادهای اطلاعاتی اقدام مشترک، مأموریت مشترک، کیس مشترک و تشکیل قرارگاه عملیاتی مشترک لازم است.»

علی‌اکبر احمدیان دبیر شورای عالی امنیت ملی با اشاره به اینکه «وحدت بین نیروهای اطلاعاتی دو مقدمه لازم دارد: اول استراتژی واحد، دوم نظامات پیونددهنده و یکپارچه‌کننده» افزود «یکی از لوازم رسیدن به استراتژی واحد شناخت یکسان است. ما به شناخت واحد نیاز داریم تا بتوانیم به استراتژی واحد دست پیدا کنیم.»

تجربه نشان داده رژیم‌های سرکوبگر به دلایل مختلف مجبور به ایجاد نهادهای اطلاعاتی موازی می‌شوند که در

روزنامه «الجریده» کویت:

## جمهوری اسلامی ایران ۱۵ هزار پهپاد انتحاری به جمهوری خلق چین می‌فروشد



نمایش پهپادهای «شاهد ۱۳۶» که در جنگ اوکراین استفاده شده‌اند

و با پرداخت بلندمدت به چینی‌ها می‌فروشد، این سلاح‌ها قرار است به صورت نقدی فروخته شوند. در این قرارداد مقرر شده که ایران نیمی از بهای این تسلیحات را پیشاپیش دریافت کند و نیمی دیگر را چین پس از دریافت پرداخت کند.

کارشناسان ایرانی بر این باورند که بازار فروش پهپادها ممکن است بتواند بازار فروش نفت را پوشش دهد و ایران ممکن است به سطحی برسد که بتواند به سودی معادل یا شاید بیشتر از سود صادرات نفت دست یابد!

همزمان شورای اتحادیه اروپا جمعه ۲۳ ژوئن (۲ تیرماه) یازدهمین بسته تحریمی علیه روسیه را به تصویب رساند. در فهرست تحریم‌های جدید چهار شرکت ایرانی به دلیل ارسال پهپاد به روسیه تحریم شده‌اند.

پیش از این آمریکا، بریتانیا، فرانسه، اوکراین و آلبانی در بیانیه‌ای مشترک در شورای امنیت سازمان ملل با هشدار نسبت به استفاده رو به افزایش روسیه از پهپادهای ساخت جمهوری اسلامی در جنگ علیه اوکراین، خواستار تحقیق و تفحص سازمان ملل در این زمینه شدند.

در بیانیه‌ای که لیندا توماس گرینفیلد سفیر آمریکا در سازمان ملل آن را ارائه داده آمده است: «روسیه در جنگ علیه اوکراین نه تنها با نقض قطعنامه شورای امنیت صدها پهپاد مهاجر و شاهد از ایران دریافت کرده، بلکه با کمک جمهوری اسلامی در تلاش است این پهپادها را در خاک روسیه نیز تولید کند.»

در این بیانیه همچنین آمده که «روسیه در هفته‌های اخیر با این پهپادها به کی‌یف و زیرساخت‌های اوکراین حمله کرده و به کشتار مردم اوکراین و وحشت‌افکنی در میان آنها اقدام کرده است.»

نماینده‌ی جمهوری اسلامی در سازمان ملل متحد این بیانیه را «نمایش سیاسی برای بدنام کردن ایران در جنگ اوکراین» خوانده است.

● روزنامه «الجریده» چاپ کویت به نقل از یک منبع آگاه در وزارت دفاع جمهوری اسلامی مدعی شد که چین ۳۰ هزار پهپاد از جمهوری اسلامی خریداری می‌کند.

● منبعی که الجریده با آن صحبت کرده مدعی شده «ایران در حال بررسی درخواست چین برای خرید زیردریایی‌ها و قایق‌های تندرو انتحاری است.»

● بر اساس این گزارش، برخلاف نفت که ایران با تخفیف و با پرداخت بلندمدت به چینی‌ها می‌فروشد، این سلاح‌ها قرار است به صورت نقدی فروخته شوند. در این قرارداد مقرر شده که ایران نیمی از بهای این تسلیحات را پیشاپیش دریافت کند و نیمی دیگر را چین پس از دریافت پرداخت کند.

با وجود تحریم‌های آمریکا روزنامه «الجریده» چاپ کویت به نقل از یک منبع آگاه در وزارت دفاع جمهوری اسلامی مدعی شد که چین ۳۰ هزار پهپاد از جمهوری اسلامی ایران خریداری می‌کند.

این منبع توضیح داد که «چین پیش از برای خرید ۱۵ هزار پهپاد ایرانی قراردادی امضا کرد و چند روز پیش نیز قرارداد مشابهی با همین تعداد امضا کرده است.»

وی افزوده «پهپادهای مورد درخواست پکن از نوع شاهد ۱۳۶ است. همچنین انواع پهپادهای جاسوسی و انتحاری نیز جزو این قرارداد هستند.»

منبعی که الجریده با آن صحبت کرده مدعی شده «ایران در حال بررسی درخواست چین برای خرید زیردریایی‌ها و قایق‌های تندرو انتحاری است.»

این منبع آگاه در وزارت دفاع جمهوری اسلامی تأیید کرد که حضور پهپادهای ایرانی در جنگ اوکراین منجر به تقاضای بالای این هواپیماها در بازارهای بین‌المللی شده است.

بر اساس این گزارش، برخلاف نفت که ایران با تخفیف

دشمن با تمام توان علیه نظام قیام کرده

شیرازی رئیس‌دفتر نظامی علی خامنه‌ای نیز توضیح داد که «ساختار اطلاعاتی متناسب با نیاز کشور شکل گرفته است. امروز همچنانکه دشمن با تمام توان و ابزار و تدبیر و ائتلاف با دیگر کشورها علیه جمهوری اسلامی قیام کرده است ما هم با بسیج و به‌کارگیری همه توان و انگیزه و همدلی سازمانی و مردمی برای پیشگیری از هر توطئه و فتنه دشمن، پای کار آماده‌ایم. این پیشگیری با اشراف اطلاعاتی و ایجاد آمادگی لازم و اقدام به‌موقع باید به صورت کامل عملیاتی شود.»

ضرورت تشکیل «قرارگاه عملیاتی مشترک»

کاظمی رئیس سازمان اطلاعات سپاه که اخیراً در یک مصاحبه گفت ۲۰ کشور مستقیم و غیرمستقیم ۲۰ کشور در «اغتشاشات» نقش داشتند گفت: «امروز انسجام و وحدت و کارآمدی یکی از نقاط اقتدار ماست. هر گامی که در جهت تضعیف این نگاه برداشته شود، اگر خدایی نکرده آگاهانه باشد، آگاهانه جا پای دشمن گذاشته‌ایم و اگر ناآگاهانه باشد، غفلتاً جا پای دشمن گذاشته‌ایم.»

وی تأکید کرد: «نسبت به تعامل و همکاری با یکدیگر، نگاهمان رسالت و تکلیف شرعی می‌باشد. ما باید از حوزه تعامل و هم‌افزایی عبور کنیم آن کف کار است. ما باید به سقف مورد نظر برسیم و آن اقدام مشترک، مأموریت مشترک، کیس مشترک و تشکیل قرارگاه عملیاتی مشترک است.»

وحدت اطلاعاتی‌ها لوازم می‌خواهد

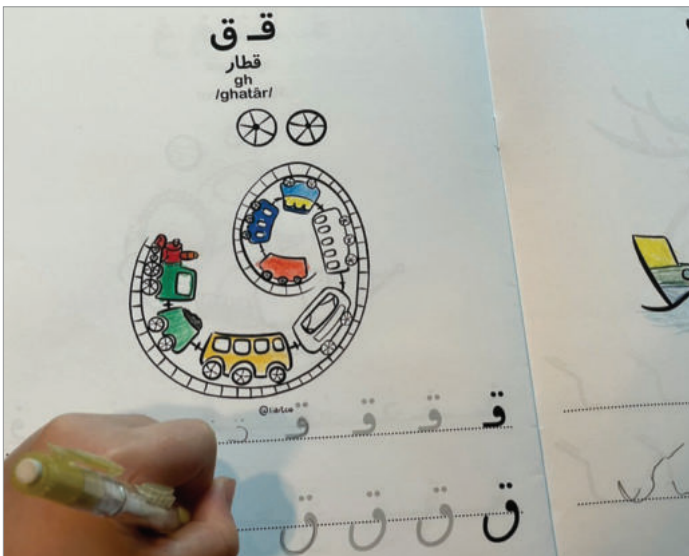
اما علی‌اکبر احمدیان دبیر شورای عالی امنیت ملی که به تازگی جایگزین علی شمخانی شده گفته وحدت بین نیروهای اطلاعاتی دو مقدمه لازم دارد: اول استراتژی واحد، دوم نظامات پیونددهنده و یکپارچه‌کننده. وی تأکید کرد «یکی از لوازم رسیدن به استراتژی واحد شناخت یکسان است. ما به شناخت واحد نیاز داریم تا بتوانیم به استراتژی واحد دست پیدا کنیم.»

وی در پایان هشدار داده «ما فرصت پرداختن به خطاهای احتمالی یکدیگر را نداریم. ما باید بسیج شویم و بتوانیم انشاءالله یک استراتژی واحد ایجاد کنیم.»

اشاره به وجود اختلاف یا موازی‌کاری در بین نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی موضوع تازه‌ای نیست اما مطرح شدن آن تا این حد علنی از سوی رهبری نظام و مقامات مسئول می‌تواند حاکی از افزایش و تأثیر پیامدهای آن علیه حکومت باشد. به ویژه آنکه خامنه‌ای در پیام خود اشاره می‌کند که «یکی از ضعف‌های ما در دستگاه‌های اطلاعاتی، عدم تفاهم بین این مجموعه‌هاست.» اما در عین حال این نیز ساده‌انگارانه است که پذیرفت رهبر جمهوری اسلامی و مقامات ارشد امنیتی نظام نادانسته به وجود ضعف‌های خود از جمله نبودن «وحدت» و «استراتژی مشترک» یا عدم تفاهم اعتراف می‌کنند.

تجربه نشان داده رژیم‌های سرکوبگر به دلایل مختلف مجبور به ایجاد نهادهای اطلاعاتی موازی می‌شوند که در مواقعی مأموریت‌های آنها به بخشی از سیستم یا منافع مردم ضربه نیز می‌زند. زمینه‌سازی برای «القاء عدم هماهنگی بین نیروهای نظامی و امنیتی» دست رژیم را برای لاپوشانی اشتباهات سهوی یا توجیه و لاپوشانی «مأموریت‌های خسارت‌بار سازمان‌یافته» باز می‌گذارد همچنانکه در قضیه شلیک موشک به هواپیمای «اوکراین اینترنشنال» نیز این رویه تکرار شد.

# محصولات ابتکاری و پیشرو آموزش فارسی به کودکان در گفتگو با لیا خاجیکیان



را برای زبان فارسی انجام می‌دهم زیرا مخاطب فارسی چنین محصولات بسیار بیشتری است. بازخوردی که سپس گرفتیم این گفته را تایید می‌کرد.

با توجه به پرانگندگی جامعه ایرانی در آمریکا و اروپا خواستم که فروش آنها را به صورت آنلاین انجام بدهم. حالا فروشگاه آنلاین خودم را هم دارم و در آمازون و فروشگاه اینترنتی ایتزی نیز محصولاتم را ارائه می‌کنم.

بعد از این کار ایده‌های جدیدی پیدا کردم و پازل الفبای ارمنی را انجام دادم که بچه‌ها همزمان با بازی فکری و سرگرم شدن الفبا و به ویژه ترتیب حروف را یاد می‌گیرند. بعدها هم یک بازی حافظه درست کردم.

● **لطفاً درباره جنبه‌های سرگرمی این نوع آموزش بیشتر توضیح بدهید.**

-اصلاً شعار ما این است که «ما ضمن بازی، یاد می‌گیریم.» یعنی زمانی که کودک با بازی وقت با کیفیت و گرانبهایی را با خانواده می‌گذراند همزمان بتواند الفبا و زبان را فرا گیرد. بچه‌هایی آمریکایی حتی قبل از اینکه به کودکستان بروند در میان وسایل زیادی در خانه و بیرون از خانه، مانند پوستر، پازل، جورچین، دفتر رنگ‌آمیزی حتی فرش الفبا... احاطه شده‌اند که الفبای انگلیسی را نشان می‌دهد و آنها از همان سنین پایین الفبا را یاد می‌گیرند. همین اتفاق می‌تواند برای الفبای فارسی برای کودکان خانواده‌های فارسی‌زبان بیفتد.

بسیاری از دوستان فارسی‌زبان من تاکید داشتند که فرزندان خانواده‌های مهاجر به زودی زبان فارسی یادشان می‌رود و زبان انگلیسی جایگزین آن می‌شود. من در مقابل مثال ارمانه در ایران و جوامع مهاجر را می‌آوردم. نسل‌های متمادی ارمانه که خارج از ارمنستان زیسته‌اند نه تنها زبان ارمنی را فرا گرفته‌اند (به آن تکلم دارند و آنرا می‌خوانند و می‌نویسند) بلکه از دل همان جوامع مهاجر نویسندگان ارمنی ظاهر شده‌اند و تولید ادبیات کردند که مخاطب آنها کل جامعه ارمنی سراسر دنیا بوده است.

زیربنای فراگیری زبان تنها تکلم به آن زبان نیست بلکه خواندن است. با خواندن است که گنجینه واژگان غنی‌تر می‌شود و دستور زبان ارتقا می‌یابد.

این رشته کار کرده بودم و گرافیک برایم جذاب بود. قبل از دوره فوق لیسانس، عضو شورای کتاب کودک بودم، در بنیاد پژوهش تاریخ ادبیات کودکان ایران کار کرده بودم و نیز در پروژه‌های فرهنگنامه کودکان ایران شرکت داشتم. علاوه بر این، سه تجربه تهیه محصولات الفبا و زبان آموزی داشتم. اولی یک بسته زبان و الفباآموز برای کودکان و دومی فارسی‌آموز برای بزرگسالان برای موسسه دهخدا وابسته به دانشگاه تهران بود. این مجموعه آموزشی اخیر به خصوص برای دانشجویانی بود که برای تحصیل و فراگیری زبان و ادبیات فارسی به ایران می‌آمدند. برای این دانشجویان گام اول کسب توانایی خواندن و نوشتن به زبان فارسی بود. این پروژه یک نوع E-Learning بود که در آن زمان موضوع جدیدی نه فقط در ایران بلکه در کل دنیا بود. من مسئول هنری این پروژه بودم. سال‌ها گذشت و خودم مادر شدم و خواستم به پسر دو ساله‌ام الفبای ارمنی را یاد بدهم. برای همین یک پوستر شامل الفبای تصویری درست کردم که در دو هفته‌نامه فارسی-ارمنی هویس، که در آنجا مدیر هنری بودم، چاپ شد. یک شماره مجله هدیه‌ای بود به کودکان شامل همین پوستر در داخل آن.

● **فعالیت‌های آموزشی با گرافیک را در خارج کشور از کی در پیش گرفتید؟ چه شرایطی در اینجا انگیزه‌ی شما برای تولید محصولات جدید آموزشی به زبان‌های ارمنی و فارسی برای کودکان شد؟**

-من مدتی در اینجا در مجلات آمریکایی کار کردم. با آغاز همه‌گیری کرونا و خانه‌نشینی شدن بچه‌ها مجدداً شروع کردم به آموزش زبان و الفبای ارمنی به پسر همراه با بازی و سرگرمی. به این دلیل که می‌خواستم یک کار جدید بکنم. دوم اینکه زبان ارمنی دو نوع نگارش دارد. ما در ایران از نحوه نگارش کلاسیک ارمنی استفاده می‌کردیم در حالی که در مدارس اینجا بیشتر از شیوه نگارش جدید (مطابق با نگارش ارمنستان) استفاده می‌شود. می‌خواستم پسر با استانداردها اینجا ارمنی را یاد بگیرد. آن زمان پسر تازه نوشتن را می‌آموخت بنابراین دو نسخه تهیه کردم. یک نسخه نحوی نگارش و یک نسخه‌ی الفبای تصویری. وقتی این کار را تولید و منتشر کردم دوستان فارسی‌زبان من گفتند که چرا این کار

● «شعار ما این است که «ما ضمن بازی، یاد می‌گیریم.» یعنی زمانی که کودک با بازی وقت با کیفیت و گرانبهایی را با خانواده می‌گذراند همزمان بتواند الفبا و زبان را فرا گیرد. بچه‌هایی آمریکایی حتی قبل از اینکه به کودکستان بروند در میان وسایل زیادی در خانه و بیرون از خانه، مانند پوستر، پازل، جورچین، دفتر رنگ‌آمیزی حتی فرش الفبا... احاطه شده‌اند که الفبای انگلیسی را نشان می‌دهد و آنها از همان سنین پایین الفبا را یاد می‌گیرند. همین اتفاق می‌تواند برای الفبای فارسی برای کودکان خانواده‌های فارسی‌زبان بیفتد.»

● «در تمام کشورهای دنیا با آمدن تلویزیون میزان کتابخوانی در میان کودکان کمتر شد. در آمریکا هم اینطور شد. ولی مسئولین آموزشی در اینجا برای مقابله با آن و ترغیب کودکان به خواندن، کارهای ابتکاری بسیاری انجام دادند. از جمله با همان دایره محدود لغات کودکان، کتاب‌هایی را تهیه کردند که اتفاقاً میزان تخیل در آنها آنقدر بالا بود که بعدها به زبان‌های دیگر هم ترجمه شد. فلسفه این کار آن بود که بچه‌ای که قرار است خواندن یاد بگیرد این کار باید برایش بسیار جالب و سرگرم کننده باشد.»

لیا خاجیکیان گرافیست است و چند پروژه برای آموزش الفبای فارسی و نیز ارمنی به کودکان در ایران و بعد از مهاجرت در آمریکا انجام داده است. اخیراً او مجموعه‌ای شامل پوستر الفبای فارسی، بسته دوتایی (پوستر تصویری و پوستر نحوی نگارش)، بازی حافظه الفبای فارسی و یک کتاب رنگ‌آمیزی الفبای فارسی منتشر ساخته که هم ایده و هم محتوا و شیوه‌های آموزشی و هم گرافیک آن کار خودش است. در این رابطه گفتگویی با این هنرمند داشتیم.

● **از سابقه تحصیلاتی خودتان برای ما بگویید. چه انگیزه‌هایی باعث شد که به گرافیک روی بیاورید؟**

-من لیسانس فیزیک هستم ولی در رشته گرافیک و تصویرسازی کتاب کودک در ایران کار کردم. با تغییراتی در نظام آموزش عالی در ایران که دیگر با هر لیسانسی می‌توانستیم در هر رشته‌ای که به آن علاقمند هستیم ادامه تحصیل دهیم، برای فوق لیسانس من رشته گرافیک را انتخاب کردم زیرا در



## صدور ویزا برای شهردار سرکوبگر تهران به بحران جدی برای دولت بلژیک تبدیل شده است



حاجا لهیب وزیر خارجه بلژیک

نخست وزیر بلژیک هفته گذشته تلاش کرد تا به پارلمان اطمینان دهد که «این مسئله حل و فصل شده است».

برای شرکای ائتلاف دی کرو، موضوع دیگر صدور ویزا برای هیأت جمهوری اسلامی نیست، بلکه نحوه مدیریت نادرست لهیب است.

البته عذرخواهی روی کاغذ توسط وزیر خارجه این کشور برای عبور از این بحران کافی به نظر می‌رسد. اما همین نیز برای رئیس حزبی که لهیب به آن تعلق دارد، ژرژ لوئیس بوش، یک شکست به شمار می‌رود زیرا او ادعا کرده بود که هم‌حزبی وی در مقام وزیر خارجه هیچ اشتباهی مرتکب نشده است.

در حالی که اکثر احزاب حاکم می‌خواهند از درگیری با ائتلاف فعلی دولت اجتناب کنند، اما همچنان احساس می‌کنند که با تغییر وضعیت نیز بازگشت به حالت عادی غیرممکن است. یکی دیگر از مقامات بلژیک گفته است: «ما به نوعی پیشنهاد صلح از طرف لهیب نیاز داریم».

یک مقام بلژیکی می‌گوید لهیب حتماً باید از عذرخواهی فراتر برود و دست‌کم به این فکر کند که آیا او همچنان می‌تواند به عنوان وزیر خارجه فعالیت کند یا نه. این مقام گفت: «مسئله اعتبار زمانی که شما وزیر خارجه هستید، از اصلی‌ترین اصول است».

استعفای احتمالی وزیر خارجه یا سقوط دولت بلژیک پیامدهایی برای اتحادیه اروپا نیز خواهد داشت. وضعیتی که لهیب در آن گرفتار شده به عنوان هم‌وزیر خارجه، هم‌وزیر اتحادیه اروپا و هم‌وزیر تجارت، برای ریاست بلژیک بر شورای اتحادیه اروپا در نیمه اول سال ۲۰۲۴ کلیدی به شمار می‌رود.

معرفی وزیر جدید برای وزارت خارجه و کمیسیون‌ها نیز ماه‌ها زمان می‌برد که مقامات بلژیکی امیدوارند درگیر این مسئله نشوند.

دریا صفایی نماینده ایرانی‌تبار پارلمان بلژیک یکی از کسانی است که خواستار استعفای وزیر خارجه این کشور شده است.

دو مقام مسئول یعنی نخست‌وزیر و وزیر خارجه بلژیک هستند که در مجلس این کشور درباره رسوایی صدور ویزا برای هیأت جمهوری اسلامی مرتب مورد سؤال قرار می‌گیرند.

دی کرو و لهیب گفتند که نمی‌خواهند در آستانه آزادی واند کاستیل و سه اروپایی دیگر، با درگیری دیپلماتیک با رژیم ایران وضعیت آنها را به خطر بیندازند، اما قانونگذاران مخالف و احزاب ائتلافی به شدت آنها را تحت فشار گذاشته‌اند.

● پایگاه خبری «پولیتیکو» گزارش داد بلژیک در خطر شروع یک دوره دیگر از آشفتگی سیاسی قرار گرفته و وضعیت حاجا لهیب وزیر خارجه بلژیک می‌تواند اوضاع را بهم بریزد.

● برخی از شرکای ائتلاف وزیر خارجه انتظار دارند که به خاطر نحوه برخورد وزارت خارجه با هیأت جمهوری اسلامی که به بروکسل دعوت شده بودند، عذرخواهی کند. اگر این اتفاق نیفتد، پیامدهایی فراتر از استعفا برای وی در بر خواهد داشت. ● یک مقام بلژیکی که نخواست نامش فاش شود، گفت: «بقای لهیب مسئله بقای دولت است».

● استعفای احتمالی وزیر خارجه یا سقوط دولت بلژیک پیامدهایی برای اتحادیه اروپا نیز خواهد داشت. وضعیتی که لهیب در آن گرفتار شده به عنوان هم‌وزیر خارجه، هم‌وزیر اتحادیه اروپا و هم‌وزیر تجارت، برای ریاست بلژیک بر شورای اتحادیه اروپا در نیمه اول سال ۲۰۲۴ کلیدی به شمار می‌رود.

پیامدهای صدور ویزا برای علیرضا زاکانی شهردار سرکوبگر تهران به یک دردسر بزرگ برای دولت بلژیک تبدیل شده است.

پایگاه خبری «پولیتیکو» دوشنبه ۲۶ ژوئیه (۵ تیرماه) گزارش داد بلژیک در خطر شروع یک دوره دیگر از آشفتگی سیاسی قرار گرفته و وضعیت حاجا لهیب وزیر خارجه بلژیک می‌تواند اوضاع را بهم بریزد.

لهیب و حزب او تحت فشار سایر احزاب و نمایندگان پارلمان قرار گرفته است و قانونگذاران بلژیکی قرار است وی را مورد مؤاخذه قرار دهند.

برخی از شرکای ائتلاف وزیر خارجه انتظار دارند که به خاطر نحوه برخورد وزارت خارجه با هیأت جمهوری اسلامی که به بروکسل دعوت شده بودند، عذرخواهی کند. اگر این اتفاق نیفتد، پیامدهایی فراتر از استعفا برای وی در بر خواهد داشت.

یک مقام بلژیکی که نخواست نامش فاش شود، گفته است: «بقای لهیب مسئله بقای دولت است».

لهیب به خاطر صدور ویزا برای ۱۴ مقام ایرانی جهت شرکت در اجلاس شهری بروکسل «متروپولیس» توسط وزارتخانه تحت مسئولیتش مورد انتقاد قرار گرفته است. این مجادله پیش از این به استعفای پاسکال اسمیت از معاون امور بین‌الملل شهرداری بروکسل منجر شد.

حضور قبلی لهیب در پارلمان بلژیک، اعضای مخالف و برخی از شرکای ائتلاف را متقاعد نکرده است اگرچه الکساندر دی‌کرو

خواندن هم‌زیربنایش فراگیری الفباست. برای همین از همان ابتدای راه باید الفبا را برای بچه‌ها جذاب کرد.

● به نظر می‌رسد شما می‌خواهید با این کار یک هماهنگی بین آموزش کودکان مهاجر و شیوه‌های آموزشی کشورهای میزبان به وجود بیاورید...

- ببینید، من برای اولین بار وقتی در فصلنامه هاندس (جنگ ادبی- هنری به زبان ارمنی که در تهران منتشر می‌شد) مدیر هنری بودم، دیدم که با زبان ارمنی می‌شود وارد حوزه ادبیات مدرن شد. برای من و بسیاری دیگر محتوای درسی زبان ارمنی و هرآنچه به عنوان مواد خواندنی در اختیار ما قرار می‌گرفت متعلق به نیمه دوم قرن نوزده و اوایل قرن بیستم بود. هرچیزی که نشان از غم و اندوه و مشکلات زندگی داشت تو گویی جایش در متون کتاب‌های درسی ارمنی بود. داستان‌هایی که برای ما کودکان در این کتب گذاشته بودند داستان‌های غمناک و بدبینانه بود که ما را دچار اندوه می‌کرد. داستانی که با نگاهی مثبت و سازنده به زندگی نگاه کند و قهرمان داستان به موفقیت هم برسد در این کتاب‌ها نبود. همین موضوع من و بسیاری از هم‌نسلان مرا از یادگیری و دنبال کردن زبان ارمنی دلزده می‌کرد.

با داشتن این تجربه من دیدم راهی نیست جز اینکه مواد آموزش زبان مادری در کشورهای غربی در میان فارسی‌زبانان به پای مواد آموزشی پیشرفته‌ی زبان جامعه میزبان برسد تا کودک دو زبانه با اشتیاق سرگرم یادگیری زبان مادری شود.

برای اینکه یک زبان و ادبیات اقلیت مهاجر در کشور میزبان زنده بماند یکی از شاخصه‌های آن است که خواندن و نوشتن در آن زبان به زندگی ما اضافه شود. اینهم با زور و بار اخلاقی نهادن بر دوش کودکان که این زبان هویت ملی شماست، اتفاق نمی‌افتد و برای کودک اصلاً قابل درک نیست. باید محتوایی که تولید می‌شود آنقدر جذاب و گیرا باشد که بتواند با محصولات آموزش زبان اصلی کشور میزبان هم از نظر محتوایی، بصری، کیفی و حتی استاندارد ایمنی برابری کند تا به فروش برسد.

در تمام کشورهای دنیا با آمدن تلویزیون میزان کتابخوانی در میان کودکان کمتر شد. در آمریکا هم اینطور شد. ولی مسئولین آموزشی در اینجا برای مقابله با آن و ترغیب کودکان به خواندن، کارهای ابتکاری بسیاری انجام دادند. از جمله با همان دایره محدود لغات کودکان، کتاب‌هایی را تهیه کردند که اتفاقاً میزان تخیل در آنها آنقدر بالا بود که بعدها به زبان‌های دیگر هم ترجمه شد. فلسفه این کار آن بود که بچه‌ای که قرار است خواندن یاد بگیرد این کار باید برایش بسیار جالب و سرگرم کننده باشد. در این مسیر تنها با بیست کلمه و به وسیله تصویرسازی‌های جذاب و پیشرو کتاب‌هایی تهیه شد. با چنین کارهای جذابی می‌توان آموزش زبان مادری را خوشایند کرد. با تلفیق آموزش و تفریح و بازیگوشی همراه با کودکان به این هدف می‌رسیم.

● برخی ممکن است بپرسند که اساساً آموزش زبان مادری و حفظ هویت چرا اینقدر باید اهمیت داشته باشد؟!

- به نظر من دلیل اول آن چیزی بسیار دورنی و عاطفی است. ما از دوران کودکی تمام کلمات شیرین، لالایی‌ها و قربان صدقه‌هایی که می‌شنویم به زبان مادری است. بنابراین پیوندی عاطفی با آنها داریم. یعنی عاطفی‌ترین روابطی که انسان در دوره‌ی اول زندگی‌اش ایجاد می‌کند به زبان مادری است. برای همین حفظ رابطه با این زبان بسیار اهمیت دارد. درواقع این زبان هم هویت فرهنگی آن شخص و هم هویت عاطفی اوست. حفظ این زبان به سلامت عاطفی آن شخص کمک کند. اگر او بتواند به آن زبان احساسات عاطفی خود را بیان کند با یک بخش مهمی از وجودش پیوند تنگاتنگ دارد که به سلامتی او نیز کمک می‌کند.

# انقلابی‌ها به دنبال «معامله پنهان» دیگر با غرب جمهوری اسلامی به «تفاهم موقت با اغماض» هم راضی است



می‌شد و احیاناً آن‌موقع ایران هزینه‌های کمتری را پرداخت می‌کرد و دستاوردهای بیشتری هم داشت. ولی خب نشد.» وی با این توضیحات پیش‌بینی کرده «طرفین یک توافق نانوشته خواهند کرد. طرفین می‌دانند دیگر برجام قابل احیا نیست. از طرفی ایران هم در مقابل هزینه کلانی داده و برنامه هسته‌ای‌اش را به این سطح رسانده، طبیعتاً دیگر حاضر نیست به سطح پایین‌تر برگردد. در طرف مقابل دولت بایدن نیز به شدت تحت فشار افکار عمومی در رقابت‌های انتخاباتی داخل آمریکا هست و به برجام برمی‌گردد. پس احتمالاً تا اطلاع ثانوی ایران و آمریکا تنها توافقی نانوشته کنند.»

فلاح‌پیشه تأکید می‌کند «طرفین به یک توافق موقت می‌رسند اما به هیچ وجه این امکان فراهم نیست که توافق پایداری بشود. بنابراین یک توافق جدید مبتنی بر اغماض. یعنی آمریکایی‌ها سیاست فشار حداکثری را دنبال نکرده و بر روی یکسری مرادوات انرژی و آزاد شدن منابع مسکوت ایران اغماض خواهند کرد.»

وی امتیازی را که جمهوری اسلامی در این توافق نانوشته با آمریکا و غرب کسب خواهد کرد، فراتر از طرح‌هایی مثل نفت در برابر غذا و دارو می‌داند و تأکید می‌کند: «احتمالاً ایران بتواند بخش قابل ملاحظه‌ای مثل حداقل یک میلیون بشکه نفت بفروشد.»

بر اساس آنچه فلاح‌پیشه تشریح کرده است جمهوری اسلامی و آمریکا مدت‌هاست به چنین «تفاهمی» رسیده‌اند زیرا در عمل اجرای بخشی از تحریم‌ها توسط آمریکا نادیده گرفته شده است. از جمله فروش نفت ایران تا یک میلیون و ۲۰۰ هزار بشکه در روز به چین هرچند با حراج و زیر نرخ اصلی در بازار نفت انجام می‌شود.

از سوی دیگر، گفته می‌شود در پشت صحنه آلمان و بریتانیا نیز برای شکل‌گیری چنین توافقی در تلاش‌اند. دو کشوری که پس از خیزش ضدحکومتی در ایران وعده داده بودند حامی مردم باشند.

به نظر می‌رسد رژیم ایران به کمترین امتیازات

«برجام جایگزین ندارد.» شماری از مقامات جمهوری اسلامی و روسیه و حتا مقاماتی از سه کشور اروپایی عضو برجام نیز پس از اینکه مدت‌ها تکرار می‌کردند برجام همین امروز و فردا احیا می‌شود، همین حرف را تکرار می‌کردند. اما حالا همه آنها به این نتیجه رسیده‌اند که «برجام مُرده» و مسئله



دیدار علی باقری‌کنی و انریکه مورا در دوحه / تیرماه ۱۴۰۲

اساسی آنها اکنون بر سر مفاد جدیدی برای «تفاهم» است.

## توافق نانوشته با اغماض

حشمت‌الله فلاح‌پیشه رئیس پیشین کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی به «خبرآنلاین» می‌گوید: «دوران برجام سپری شده، زیرساخت‌های هسته‌ای تقویت شده و ایران برای رساندن غنی‌سازی ۲۰ درصد به ۶۰ درصد، هزینه‌های زیادی را متقبل شده. دو سال پیش ممکن بود برجام در حالت جدیدش یعنی توافق گام به گام، احیا

● برخی منابع می‌گویند جمهوری اسلامی و آمریکا در آستانه توافق بر سر مبادله زندانیان هستند. موازی با این گفتگوها با میانجیگری قطر، امارات و عمان مذاکرات اتمی نیز در جریان است.

● حشمت‌الله فلاح‌پیشه رئیس پیشین کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی به «خبرآنلاین» می‌گوید: «دوران برجام سپری شده، طرفین به یک توافق موقت و نانوشته می‌رسند اما به هیچ وجه این امکان فراهم نیست که توافق پایداری بشود. بنابراین یک توافق جدید مبتنی بر اغماض. یعنی آمریکایی‌ها سیاست فشار حداکثری را دنبال نکرده و بر روی یکسری مرادوات انرژی و آزاد شدن منابع مسکوت ایران اغماض خواهند کرد.»

● بیژن جبرسرای دیبرکل حزب دموکرات‌های آزاد آلمان با انتقاد از دیدار انریکه مورا معاون جوزپ بورل مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا با علی باقری‌کنی معاون وزیر خارجه جمهوری اسلامی در دوحه، سیاست اروپایی‌ها در قبال رژیم ایران را «ساده‌لوحانه و اشتباه» توصیف کرد و نوشت در این زمینه «نیاز به اتخاذ یک استراتژی جدید است نه تثبیت جمهوری اسلامی؛ این شرم‌آور است.»

● دنیس راس دیپلمات سابق آمریکایی در یک مقاله در «واشنگتن پست» با انتقاد از سیاست‌های دولت بایدن در قبال جمهوری اسلامی می‌نویسد: «ایالات متحده بجای اینکه به دنبال جلوگیری از هسته‌ای شدن [رژیم] ایران باشد، همانطور که تا کنون انجام داده است، بطور ضمنی به سمت سیاست پذیرش وضعیت هسته‌ای ایران و تکیه بر بازدارندگی تغییر خواهد کرد.»

● به نظر می‌رسد رژیم ایران به کمترین امتیازات اقتصادی در ازای توقف موقت یا صوری تهدیدات اتمی و منطقه‌ای راضی است. بسیاری می‌گویند ملاحا و سپاه پاسداران از مزایای توافق یا تفاهم بهره‌مند می‌شوند و پس از مدتی در نهایت به «تنظیمات کارخانه‌ای» بازمی‌گردند.

برخی منابع می‌گویند جمهوری اسلامی و آمریکا در آستانه توافق بر سر مبادله زندانیان هستند. موازی با این گفتگوها با میانجیگری قطر، امارات و عمان مذاکرات اتمی نیز در جریان است. همزمان دیدارهای مستقیم و غیرمستقیم مقامات جمهوری اسلامی با نمایندگان آمریکا و اتحادیه اروپا در دوحه، ابوظبی و مسقط صورت می‌گیرد.

سید بدر البوسعیدی وزیر خارجه عمان به المانی‌تور گفته جدید واشنگتن و تهران همزمان با تلاش مذاکره‌کنندگان آنها برای دستیابی به توافق بر سر پرونده هسته‌ای احساس می‌شود.

به هر روی، به نظر می‌رسد همه طرفین به یک نقطه مشترک رسیده‌اند که برجام قابل احیا نیست. همچنین جمهوری اسلامی و مقامات دولت جو بایدن نیز این واقعیت را درک کرده‌اند که کنگره آمریکا زیر بار توافق یا قراردادی شبیه برجام نخواهد رفت. حالا راهکار آنها یک «تفاهم» یا توافق نانوشته به عنوان «جایگزین موقت برجام» برای منجمد کردن فعالیت‌های اتمی جمهوری اسلامی در ازای امتیازات اقتصادی و کاهش تحریم‌هاست.

جوزپ بورل مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا می‌گفت

# رکورد افزایش مخارج نظامی دنیا در سال ۲۰۲۲ شکست

مؤسسه صلح استکهلم (SIPRI): حمله روسیه به اوکراین عامل اصلی است



نیروهای اوکراین سوار بر تانک در مقابل تهاجم نظامی روسیه که به گفته تحلیلگران بزرگترین تهاجم نظامی بعد از جنگ جهانی دوم است

افزایش قابل توجه هزینه‌های نظامی روسیه و اوکراین است، اما بسیاری از کشورهای اروپایی دیگر بودجه نظامی خود را در سال ۲۰۲۲ افزایش داده‌اند. افزایش هزینه‌ها در بخش‌هایی از آسیا و اقیانوسیه نیز به رشد جهانی در سال ۲۰۲۲ کمک کرد.

بر پایه گزارش «سپیری» در بین ۱۵ کشور اول دنیا که بالاترین مخارج نظامی را در سال ۲۰۲۲ داشتند آمریکا (۳۹٪) در رده نخست قرار دارد. پس از آن چین (۱۳٪)، روسیه (۹/۳٪)، هند (۶/۳٪)، عربستان (۳/۳)، انگلیس (۱/۳٪)، آلمان (۴/۲٪)، فرانسه (۴/۲٪)، کره جنوبی (۱/۲٪)، ژاپن (۱/۲٪)، اوکراین (۲٪)، ایتالیا (۵/۱٪)، استرالیا (۴/۱٪)، کانادا (۲/۱٪) و اسرائیل (۰/۱٪) در رتبه‌های بعدی هستند.

بودجه نظامی آمریکا از مجموع بودجه نظامی ۹ کشور بعدی خود در جهان یعنی چین (۲۹۲ میلیارد دلار)، روسیه (۴/۸۶ میلیارد دلار)، هند (۴/۸۱ میلیارد دلار)، عربستان سعودی (۷۵ میلیارد دلار)، انگلیس (۵/۶۸ میلیارد دلار)، آلمان (۸/۵۵ میلیارد دلار)، فرانسه (۶/۵۳ میلیارد دلار)، کره جنوبی (۴/۴۶ میلیارد دلار) و ژاپن (۴۶ میلیارد دلار) بیشتر است.

اوکراین (۴۴ میلیارد دلار)، ایتالیا (۵/۳۳ میلیارد دلار)، استرالیا (۳/۳۲ میلیارد دلار)، کانادا (۹/۲۶ میلیارد دلار) و اسرائیل (۴/۳۲ میلیارد دلار) در رده یازده تا پانزدهم کشورهای دارای بیشترین هزینه نظامی در سال ۲۰۲۲ هستند.

● پنج کشور آمریکا، چین، روسیه، هند و عربستان سعودی دارای بالاترین بودجه نظامی در جهان هستند. این پنج کشور بیش از ۶۳٪ کل هزینه نظامی جهان را در سال ۲۰۲۲ داشته‌اند.

● این رشد استثنایی هزینه‌های نظامی عمدتاً به دلیل افزایش قابل توجه هزینه‌های نظامی روسیه و اوکراین است، اما بسیاری از کشورهای اروپایی دیگر بودجه نظامی خود را در سال ۲۰۲۲ افزایش دادند. افزایش هزینه‌ها در بخش‌هایی از آسیا و اقیانوسیه نیز به رشد جهانی در سال ۲۰۲۲ کمک کرد.

انستیتو بین‌المللی پژوهش‌های صلح استکهلم (SIPRI) در گزارشی اعلام کرد مخارج نظامی جهان در سال ۲۰۲۲ به میزان ۷/۳ درصد نسبت به سال ۲۰۲۱ افزایش یافت و به رکورد ۲۲۴۰ میلیارد دلار رسید.

برآوردها نشان می‌دهد هزینه‌های نظامی در کشورهای دنیا طی یک دهه از سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۲ به میزان ۱۹ درصد رشد داشته است. این میزان از سال ۲۰۱۵ به صورت سالیانه افزایش یافته است.

بر اساس این گزارش، حمله نظامی روسیه به اوکراین عامل اصلی رشد هزینه‌های تسلیحاتی در سال ۲۰۲۲ بوده است. هزینه‌های نظامی در اروپا در طول سال ۲۰۲۲ معادل ۱۳ درصد افزایش یافته که بزرگترین افزایش سالانه در کل هزینه‌های نظامی اروپا در دوران پس از جنگ سرد است. این رشد استثنایی هزینه‌های نظامی عمدتاً به دلیل

اقتصادی در ازای توقف موقت یا صوری تهدیدات امنی و منطقه‌ای راضی است. بسیاری می‌گویند ملاحه و سپاه پاسداران از مزایای توافق یا تفاهم بهره‌مند می‌شوند و پس از مدتی در نهایت به «تنظیمات کارخانه‌ای» بازمی‌گردند. پیشتر نوربرت روتگن عضو کمیسیون سیاست خارجی پارلمان آلمان از دولت این کشور برای مذاکره با مقامات جمهوری اسلامی در ابوظبی انتقاد کرده بود. وی با انتشار پاسخ وزارت خارجه آلمان به پرسشی درباره این دیدار در توئیتر نوشت: «حالا می‌توان دید چرا قرار گرفت سپاه در فهرست گروه‌های تروریستی پیش نمی‌رود.»

روتگن با اشاره به اینکه وزارت خارجه آلمان دومین دیدار مدیرکل سیاسی خود را با معاون وزیر خارجه جمهوری اسلامی تأیید کرده است، نوشت: «به نظر شما وقتی سه کشور اروپایی و رژیم [ایران] کنار هم قرار می‌گیرند درباره چه صحبت می‌کنند؟ از نظر من: برنامه هسته‌ای و برجام.»

بیژن جیرسرایی دبیرکل حزب دموکرات‌های آزاد آلمان نیز با انتقاد از دیدار انریکه مورا معاون جوزپ بورل مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا با علی باقری کنی معاون وزیر خارجه جمهوری اسلامی در دوحه، سیاست اروپایی‌ها در قبال رژیم ایران را «ساده‌لوحانه و اشتباه» توصیف کرد و نوشت در این زمینه «نیاز به اتخاذ یک استراتژی جدید است نه تثبیت جمهوری اسلامی؛ این شرم‌آور است.»

دنيس راس دیپلمات سابق آمریکایی در یک مقاله در «واشنگتن پست» با انتقاد از سیاست‌های دولت بایدن در قبال جمهوری اسلامی می‌نویسد: «ایالات متحده بجای اینکه به دنبال جلوگیری از هسته‌ای شدن [رژیم] ایران باشد، همانطور که تا کنون انجام داده است، بطور ضمنی به سمت سیاست پذیرش وضعیت هسته‌ای ایران و تکیه بر بازدارندگی تغییر خواهد کرد.»

وی معتقد است: «منجمد کردن غنی‌سازی ۶۰ درصد به این معنی است که غنی‌سازی تا آن سطح قابل قبول است و این یعنی پذیرش اینکه جمهوری اسلامی فاصله کمی با ساخت بمب اتم داشته باشد.»

دنيس راس معتقد است «سیاست دولت بایدن باعث مهار فعالیت‌های امنی جمهوری اسلامی نخواهد شد و تنها تضمین‌کننده گسترش سلاح‌های هسته‌ای در سراسر خاورمیانه خواهد بود.»

علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی قبلاً گفته بود «اقتصاد کشور از مسیر برجام اروپایی درست نمی‌شود.» نماینده جمهوری اسلامی در سازمان ملل نیز اخیراً گفت که «هیچ توافق موقتی برای جایگزینی برجام در دستور کار نیست.»

شعار دولت انقلابی ابراهیم رئیسی معروف به «قاضی مرگ» یک «توافق عزتمندانه» بود اما حالا همان جریان روی همه شعارهای خود خط بطلان کشیده و به یک توافق ناپایدار با اغماض آمریکا هم راضی است. هرچند بسیاری تحلیلگران می‌گویند دستیابی به همین میزان تفاهم نیز برای رژیم ممکن نیست.

برجام که محمدجواد ظریف وزیر خارجه جمهوری اسلامی می‌گفت امضای جان کری تضمین آن است بیشتر از دو سال دوام نیاورد. بنابراین خیلی بعید به نظر می‌رسد که «تفاهم موقت» بتواند گزینه‌ای برای کنترل شرایط باشد. به ویژه آنکه هم شرایط بین‌المللی از جمله با حمله نظامی روسیه به اوکراین نسبت به گذشته دگرگون شده و هم یک خیزش انقلابی در ایران به زودی یکساله می‌شود. همه این رویدادها مذاکرات جمهوری اسلامی و غرب را مرتب تحت تأثیر مؤلفه‌های پیش‌بینی نشده قرار می‌دهد.

## سهم اعراب از دموکراسی به اندازه محرومیت آنها از آزادی!



پرچم جمهوری اسلامی ایران در دست اعضای حزب الله در جریان اعتراض در مرز لبنان و اسرائیل، ۱۴ مه ۲۰۲۱ (آشوبشیدپرس)

یافتند، ضرورت اطاعت از حاکمان را به ارث بردند و غرب که این جوامع را آماده‌ی آزادی نمی‌دانست، ما را مجبور به پذیرش سلطه کرد.

این از غرب و رفتاری که در دوره انقیاد پس از امپراتوری و خلافت عثمانی با ما داشت.

در مورد نیروهای جوان عرب، یعنی نخبگان فکری و سیاسی که خواهان مدرنیزاسیون، آزادی و دموکراسی هستند، آنها کاملاً از قدرت کنار گذاشته شده‌اند و سلطه حاکم جامعه را در باتلاق گذشته نگه داشته و مردم عرب را وادار کرده‌اند که آزادی و دموکراسی و عدالت را تنها به عنوان یک آرمان و رویایی نه برای امروز بلکه برای آینده نامعلوم در سر بپروراند.

استعمار فرانسه با دوگانه‌گرایی فرقه‌ای کمر موجودیت نهادی به نام دموکراسی را در سوریه شکست و سوریه را با هدف تقسیم به چهار کشور کوچک فرقه‌ای ویران کرد.

غرب در عمل دشمن دموکراسی و آزادی برای کشورها خاورمیانه بود و هنوز هم هست. پیشرفت غرب مستلزم نگه داشتن عرب‌ها، آفریقایی‌ها و برخی دیگر در خاورمیانه به عنوان بازاری برای مصرف است که از ماهیت سرمایه‌داری لیبرالیسم تبعیت می‌کند زیرا هیچ نوع آشتی بین «فرقه‌گرایی» و «دولت» وجود ندارد. هیچ امکانی برای موفقیت دموکراسی در پرتو تقسیمات اجتماعی، قبیله‌ای، فرقه‌ای، نژادی و غیره که غرب نسخه آن را برای جوامع ما پیچیده و می‌پیچد، وجود ندارد.

بنابراین، ایده ساختن دولت [مدرن] بر پایه‌های اجتماعی سالم وجود نداشت و نهادهایی جایگزین آن شدند که بذر خشونت را در ساختار خود دارند. آنچه امروز در کشورهای عربی بحران‌زده شاهد هستیم، نتیجه انباشت سیاست‌های فقرپرور و یا استقلال و بی‌توجهی نیست، بلکه بحران‌های ناشی از فروپاشی بافت اجتماعی آنهاست. لبنان، مدل تقسیمات غیراقتصادی است. جنگ‌های فرقه‌ای در لبنان توسط یک دولت خارجی نزدیک و چند دولت غربی حمایت می‌شود.

همراه با حکومت‌های عقب‌مانده به یک اندازه به مردم این کشورها اجازه داشتن آزادی به مفهوم واقعی را نخواهند داد. پس شما در کشورهای عربی رؤیای دموکراسی و آزادی در سر نداشته باشید که عین این است که بخواهید در حلب غوره پیدا کنید!

ما در دوران سیاه عثمانی، وابستگی بدون موجودیت مستقل و راکد و ساکت و فرمانبردار سلطه‌ی خلافتی عقیم بودیم که ۴۰۰ سال ادامه داشت. تا اینکه امپراتوری عثمانی متزلزل و به هدفی برای غرب تبدیل شد تا در جنگ جهانی به آن حمله‌ور شوند و دارایی‌هایش را تقسیم کنند و آن را به ابزار و بازار برای تولیدات خود محدود نمایند.

در این میان، ما عرب‌ها که در فرایند از هم پاشیدن عثمانی فرصت استقلال یافتیم تنها به مصرف‌کننده و وابسته تبدیل شدیم. پیش از آن هیچ دولتی برای عرب‌ها در «قلمرو» امپراتوری عثمانی وجود نداشت. خلافت اسلامی عثمانی عرب‌ها را بی‌حس و تخدیر کرده بود و دین افیونی بر همه چیز غالب بود و اگر به فقر توجه می‌شد، به عنوان نوعی عذاب و آزمون الهی محسوب می‌شد و نه محصول غارت و ثروت‌اندوزی خلافت اسلامی.

سلطان عثمانی خدای روی زمین ما بود و مجمعی متشکل از نهادهای سلطه و ارتش و روحانیت حامی او بودند. پنج قرن «دولت» عثمانی چیزی جز اقتدار و اقتصاد مبتنی بر جمع‌آوری مالیات نبود و اگر غرب ما را از دست آن خلاص نمی‌کرد شاید خلافت عثمانی همچنان می‌ماند. پس از آن، غرب دست روی خود ما گذاشت و ما را متفرق کرد. ما به موجوداتی تبدیل شده‌ایم که قیلا وجود نداشتند.

در پرتو این تغییر جهانی، موجودیت‌ها بر اساس تمایلات استعمار سلطه‌جو متولد شدند و مردم و کشورها از هم پاشیدند.

«متفکران» غربی مدعی شدند که شرایط جوامع عرب برای ساختن ساختار دولتی به سبک غرب که تحت مدیریت و قدرت موازین نظامی و اقتصادی باشد مهیا و مساعد نیست. دولت‌های عربی که از اقیانوس تا خلیج فارس گسترش

● ما در دوران سیاه عثمانی، وابستگی بدون موجودیت مستقل و راکد و ساکت و فرمانبردار سلطه‌ی خلافتی عقیم بودیم که ۴۰۰ سال ادامه داشت. تا اینکه امپراتوری عثمانی متزلزل و به هدفی برای غرب تبدیل شد تا در جنگ جهانی به آن حمله‌ور شوند و دارایی‌هایش را تقسیم کنند و آن را به ابزار و بازار برای تولیدات خود محدود نمایند.

● در مورد نیروهای جوان عرب، یعنی نخبگان فکری و سیاسی که خواهان مدرنیزاسیون، آزادی و دموکراسی هستند، آنها کاملاً از قدرت کنار گذاشته شده‌اند و سلطه حاکم جامعه را در باتلاق گذشته نگه داشته و مردم عرب را وادار کرده‌اند که آزادی و دموکراسی و عدالت را تنها به عنوان یک آرمان و رویایی نه برای امروز بلکه برای آینده نامعلوم در سر بپروراند.

● ما نتوانستیم دولت مدنی تاسیس کنیم. ما نتوانستیم دموکراسی را نهادینه کنیم. ما نتوانستیم آزادی‌ها را حفظ کنیم. ما نتوانستیم مردم خود را با گفتمان‌های انسانی آشنا کنیم، پس سزاوار اینهمه مکافات هستیم.

نصر الصایغ (علی‌الطریق) - صد سال گذشت و سهم عرب‌ها از دموکراسی همواره به اندازه محرومیت آنها از آزادی بوده است؛ یک قرن از قیاحت و زشتی که در آن فرقه‌گرایی، تعصبات دینی، دیکتاتوری و فساد در جوامع عربی ریشه دوانده و از کرانه مدیترانه تا خلیج فارس حکمفرما بود، گذشت. قرنی که صدای ظلم و ستم، موجودیت‌های اجتماعی را در قلعه‌های سکوت مردم محبوس کرده و جوامع را در پوچ‌گرایی به منبرهایی تبدیل کرده بود که بر آن تنها فضایل قدرت حاکم تبلیغ می‌شد. صد سال است که حکام عرب درگیر قدرت و درآمد‌های حاصل از آن و تلاش برای کاهش دادن نیروهای جامعه مدنی هستند.

پرسشی که مطرح است اینکه چرا سهم ما از دموکراسی اینقدر ناچیز بوده و چرا به قهقرا و واپس‌گرایی تا مرز نابودی رسیده‌ایم؟

جهان عرب در حال حاضر فاقد هرگونه وزن سیاسی در جهان است و اگر نفت نمی‌بود، اعراب در آستانه‌ی گدایی قرار می‌گرفتند. هم‌اکنون نیز جمعیت بزرگی از عرب‌ها در حال گدایی هستند؛ لبنان در صدر فهرست قرار دارد؛ سودان نیز همینطور؛ مصر مستأصل و نیازمند کمک گرفتن از دیگران است؛ سوریه در باتلاق بدبختی فرو رفته؛ عراق بسیار ثروتمند ورشکسته و گرسنه شده؛ لیبی غرق در خون غارت گشته؛ تونس از ورشکستگی رنج می‌برد و به دنبال کسی است که وام و کمکی به آن دهد. در آنسو اما امارات متحده عربی که نفت‌خیز و بسیار مرفه است به شدت از آزادی می‌ترسد در حالی که دموکراسی بدون آزادی نه ممکن و نه موجود است!

آیا ناممکن بودن دموکراسی در لبنان و جهان عرب به دلایل ساختاری یا بر اثر عملکردهای دیکتاتوری، ظلم نظامی‌های حاکم و سیاست‌های غرب است که همواره شعار آزادی سر داده و دموکراسی را موعظه می‌کند اما در مباحثات با حاکمان مستبد نظامی و نفتی ما را سرکوب می‌کند؟

خلاصه بگویم: آزادی و دموکراسی از سوی غرب اعطا نخواهد شد و قدرت‌های به ظاهر دموکراسی‌خواه غرب

## مراسم یادبود رضا قاسمی بنیانگذار «کانون ایران» در لندن



احمد وحدت خواه از خدمات فرهنگی دکتر رضا قاسمی سخن گفت

هستند، خود را مدیون این دیپلمات سابق و عشق او به زبان و ادبیات فارسی می‌دانند.

«کانون ایران» که رضا قاسمی رسماً ۳۵ سال پیش به ثبت رساند، فعالیت‌هایش را چندین سال پیشتر آغاز کرده بود. در طول عمر این کانون بیش از ۳۰۰ نفر به دعوت رضا قاسمی در این کانون در زمینه‌های مختلف، از ادبیات و هنر تا اقتصاد و سیاست صحبت کردند. افرادی از نظرات مختلف و با دیدگاه‌های متفاوت تنها به این شرط که، چنانکه یکبار این دیپلمات با سابقه گفت «حرفی برای زدن» داشته باشند.

روز جمعه دوم تیر مراسمی در کلیسائی در شهر لندن در بزرگداشت رضا قاسمی آخرین سفیر ایران قبل از انقلاب اسلامی سال ۵۷ در کویت و بنیانگذار «کانون ایران» و نخستین آموزشگاه زبان فارسی برای کودکان ایرانی در پایتخت بریتانیا، برگزار شد. رضا قاسمی ۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۲ پس از یک بیماری طولانی در ۹۱ سالگی درگذشت. نام رضا قاسمی با پاسداری از فرهنگ و هنر ایران در لندن گره خورده است. این دیپلمات سابق نقش مهمی را در روشن نگاه داشتن مشعل فرهنگ ایران ایفا کرده است. راهی که باید امیدوار بود هموندان «کانون ایران» و «دوستان و همکاران رضا قاسمی» ادامه دهند.

در این مراسم که شماری از ایرانیان ساکن لندن حضور داشتند، برخی از جمله حمید صبی و شهران طبری رشته سخن را به دست گرفتند. سه تن از شاگردان مدرسه زبان فارسی که رضا قاسمی بنیان گذاشته بود نیز از جمله کسانی بودند که یادی از او کردند. فرزندان بسیاری از مهاجران ایرانی در لندن، اگر امروز فارسی حرف می‌زنند و قادر به خواندن و نوشتن زبان مادری خود

● «کانون ایران» که رضا قاسمی رسماً ۳۵ سال پیش به ثبت رساند، فعالیت‌هایش را چندین سال پیشتر آغاز کرده بود. در طول عمر این کانون بیش از ۳۰۰ نفر به دعوت رضا قاسمی در این کانون در زمینه‌های مختلف، از ادبیات و هنر تا اقتصاد و سیاست صحبت کردند. افرادی از نظرات مختلف و با دیدگاه‌های متفاوت تنها به این شرط که، چنانکه یکبار این دیپلمات با سابقه گفت «حرفی برای زدن» داشته باشند.

روز جمعه دوم تیر مراسمی در کلیسائی در شهر لندن در بزرگداشت رضا قاسمی آخرین سفیر ایران قبل از انقلاب اسلامی سال ۵۷ در کویت و بنیانگذار «کانون ایران» و نخستین آموزشگاه زبان فارسی برای کودکان ایرانی در پایتخت بریتانیا، برگزار شد. رضا قاسمی ۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۲ پس از یک بیماری طولانی در ۹۱ سالگی درگذشت. نام رضا قاسمی با پاسداری از فرهنگ و هنر ایران در لندن گره خورده است. این دیپلمات سابق نقش مهمی را در روشن نگاه داشتن مشعل فرهنگ ایران ایفا کرده است. راهی که باید امیدوار بود هموندان «کانون ایران» و «دوستان و همکاران رضا قاسمی» ادامه دهند.

در این مراسم که شماری از ایرانیان ساکن لندن حضور داشتند، برخی از جمله حمید صبی و شهران طبری رشته سخن را به دست گرفتند. سه تن از شاگردان مدرسه زبان فارسی که رضا قاسمی بنیان گذاشته بود نیز از جمله کسانی بودند که یادی از او کردند. فرزندان بسیاری از مهاجران ایرانی در لندن، اگر امروز فارسی حرف می‌زنند و قادر به خواندن و نوشتن زبان مادری خود

خود هستند.

نهادینه شدن دولت‌توانایی که حاصل نظامی باشد که آزادی‌ها را تضمین کند و اجازه ندهد این «دولت‌ها» به دولت‌های واقعی تبدیل شوند، ممکن نیست.

ما نتوانستیم دولت مدنی تاسیس کنیم. ما نتوانستیم دموکراسی را نهادینه کنیم. ما نتوانستیم آزادی‌ها را حفظ کنیم. ما نتوانستیم مردم خود را با گفتمان‌های انسانی آشنا کنیم، پس سزاوار اینهمه مکافات هستیم.

\*منبع: وبسایت علی الطریق

\*نویسنده: دکتر نصر الصایغ نویسنده لبنانی

\*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

است؛ آنچه مجاز است اما ناپیایی است؛ ناشنوائی فضیلت است و هرج و مرج به یک فصل داهی در این کشور تبدیل شده است.

به این ترتیب، در یک جمع‌بندی سریع: انسان محکوم در جوامع عرب در حال حاضر هیچ ارزشی ندارد، چه تحت حکومت چکمه‌های نظامیان باشد و چه حکومت دارای ثروت مازاد مانند کشورهای حوزه خلیج فارس داشته باشد و چه نظام‌های مورد حمایت غرب در آنها بر سر کار باشند؛ همه آنها در حال صیق دادن بی‌عدالتی و قدرت خود بر جوامع عرب هستند.

غرب خائن به اصول ماست و عرب‌ها خائنان داهی به

پس از تضعیف حاکمیت داخلی لبنان، نهادهای برگرفته شده از غرب تحت سرکوب سیاسی همان غرب قرار گرفتند.

وقتی عثمانی شکست خورد و از منطقه محو شد، ویلسون خواستار استقرار یک نظم جهانی جدید به ریاست یک نهاد بین‌المللی که دارای اختیاراتی برای حل مشکلات بین‌المللی و تضمین آزادی تجارت و یک بانک بین‌المللی شد که بتواند پولی را که وارد و خارج می‌شود کنترل کند. ویلسون همچنین خواستار نهادینه شدن دموکراسی، تعیین سرنوشت و تحکیم آن در سطح بین‌المللی و جلوگیری از جنگ در سرزمین‌های اروپایی شد یعنی کنترل کشورها و انتقال جنگ از اروپا به کشورهای دیگر که برای آنها جایز بوده است.

این طرح به نحوی بنای مستعمرات است و چیزیست که اتفاق افتاد. صلح داخلی در اروپا در ازای هرج و مرج و جنگ در مستعمرات؛ کشورهایی هم که «آزاد» و «مستقل» شدند، در غل و زنجیر بدهی‌ها، خشونت و تهاجمات مختلف قرار گرفتند.

فقط شکل تسلط غرب بر اعراب تغییر کرد. هدف این است که منطقه عربی، از جمله لبنان، پس از خروج استعمار تبدیل به یک دست‌نشانده و نه وارث استعمار شود. بر این اساس، مسئولان واحدها به فکر تامین بازار مصرف هستند و حق ایجاد صنایع را ندارند. ماموریت استراتژیک آن هم گسترش مدارس برای آموزش همگانی و پرورش نیروی انسانی یا سرباز در نبرد برای کسب بازار است.

قدرت‌های جدیدی که انقلاب‌های فکری، مارکسیستی و ناسیونالیستی را در اروپا ساختند، نتوانستند جایگزین مناسبی باشند. دلیل ضعف در خودشان بود نه در مخالفان آنها. احزاب آن زمان آرزوهای زیادی داشتند و شکست‌های زیادی هم خوردند. بزرگترین عامل شکست‌های آنان سیاست‌های غلط آنها بود.

لبنان نسبت به دیگر کشورهای عرب از آزادی بیشتری برخوردار است چون توازن فرقه‌ای در این کشور از بروز اختلافات بزرگ بین نیروهای عملاً موجود فرقه‌ای، عرفی و مالی جلوگیری می‌کند. لبنان به جایی تبدیل شد که در آن غرب استعماری و شرق در حال فروپاشی (عثمانی) بهم می‌رسند و عرب‌ها در ظاهر پیروز می‌شوند اما شرق پس از عثمانی وارد جنگ‌های نافرجام و ستم‌های بی‌درمانی شد که تا کنون ادامه دارد.

بزرگترین تهدید برای موجودیت حکومت‌های عربی از اقبانوس تا خلیج فارس، آزادی است. به همین دلیل آزادی ممنوع است چون آزادی شرق برای غرب نیز خطر به شمار می‌رود.

اسرائیل آخرین و تنها نگرانی غرب و آمریکا است. این کشور برادر حامی و حمایت شده غرب است. اسرائیل تنها مدل دموکراتیک در میان رژیم‌های عقب‌مانده‌ایست که در آنها رای و خواست مردم هیچ ارزشی ندارد. مردم کالا و فرمانبر و نه فرمانده هستند. در میان رژیم‌های عرب نیز تنها لبنان آزادی‌های نسبتاً زیادی دارد که باعث می‌شود زندگی سیاسی به صورت جست و گریز در میان فرقه‌ها جریان داشته باشد. وجود آزادی‌ها هم به دلیل نداشتن دولت است! همانگونه که دولتی در لبنان وجود ندارد، در هیچ کشور عربی هم دولت مدرن با ساختار مشارکتی از نظر منافع، سیاست و پروژه وجود ندارد.

جامعه لبنان اکنون تکه تکه شده بطوری که ایجاد یک دولت واحد در این کشور ناممکن شده است، در این کشور که عملاً تقسیم شده، ساختن دولت غیرممکن است؛ نهادینه کردن دموکراسی در چارچوب دولت نیز غیرممکن است؛ پاسخگویی یا پیگرد افراد با نفوذ در این کشور نیز ممنوع

## در میانکاله چه خبر است؟



و جانوران آلودگی‌های زیست‌محیطی به دنبال دارند و پتروشیمی میانکاله هم از نظر ارزیابی محیط‌زیستی در رده هفتم است و نیاز به گزارش ارزیابی دارد.

کارشناسان می‌گویند که احداث این پتروشیمی نه توجیه اقتصادی دارد نه اجتماعی و نه زیست‌محیطی. موافقان اما که محدود به نهادهای استانی مازندران و نمایندگان این استان است بر اشتغالزایی و توجه به رونق اقتصادی تأکید دارند. حنیف‌رضا گلزار کارشناس ارشد خاک و آب کشور سال گذشته در گفتگو با روزنامه «ایران» درباره ساخت پتروشیمی میانکاله هشدار داده و گفته بود که تنها به نابودی میانکاله منجر نمی‌شود. حفر مسیر ۱۰ کیلومتری لوله انتقال مواد به دامغان توسط پتروشیمی به نابودی بخشی از پوشش گیاهی و درختی هیرکانی و تخریب البرز منجر می‌شود.

سهیل اولاد کارشناس محیط زیست هم گفته بود که «پتروشیمی حسین‌آباد، سالانه ۲۵ میلیون متر مکعب آب شیرین نیاز دارد، گازسوز است و نیاز گازی دارد. در حالی که نیروگاه برق نکا چند کیلومتر آن طرف‌تر ۶ ماه سال گاز ندارد و مازوت می‌سوزاند و تکلیف فروش محصول روشن نیست. از سوی دیگر نزدیک‌ترین پالایشگاه ۹۰۰ کیلومتر از اینجا فاصله دارد.»

یکی از کارشناسان سلامت هم سال گذشته به روزنامه «اعتماد» گفته بود که «پتروشیمی میانکاله برای تصفیه پساب در هر ساعت به حدود چهار هزار مترمکعب آب نیاز دارد. غلظت شوری این آب که به پساب تبدیل خواهد شد، ۳۰ تا ۴۰ درصد از غلظت شوری آب دریای خزر بیشتر است. با توجه به اینکه طرح فاقد پیوست سلامت است، مشخص نیست که این پساب کجا تخلیه می‌شود. اگر این پساب وارد محیط بسته دریای خزر شود اکوسیستم آن را تغییر می‌دهد. خزر زیستگاه انواع ماهیان است و غذای مردم را تامین می‌کند. با این میزان شوری قرار است چه اتفاقی برای آن بیفتد؟»

سرنجام بهار سال گذشته و در پی اعتراضات شدید و گسترده به ساخت پتروشیمی میانکاله، پروژه معلق شد. مسعود عالیخانی سرپرست معاونت محیط زیست سازمان حفاظت محیط زیست آخر فروردین ۱۴۰۱ از توقف

چاه آب و نهر که برای آب دادن به احشام خود استفاده می‌کردند قطع شده است.

برخی رسانه‌های محلی از رد پای نماینده مازندران در مجلس شورای اسلامی در از سرگیری ساخت این پروژه خبر می‌دهند و می‌گویند احداث پتروشیمی در میانکاله با وجود همه انتقادهای کارشناسی و همچنین منع قانونی با حمایت برخی افراد ذی‌نفع و همچنین نماینده شرق استان مازندران در مجلس شورای اسلامی دنبال می‌شود.

مجوز احداث این پتروشیمی در دولت دوازدهم در منطقه حسین‌آباد شهرستان بهشهر در ۲۰ کیلومتری تالاب میانکاله صادر شد. بیژن زنگنه وزیر نفت ابتدا همراهی عیسی کلانتری رییس سازمان محیط زیست را در این زمینه به دست آورد و سپس در اسفند ۹۹ هیات دولت در مصوبه مجوز احداث پتروشیمی در این منطقه را صادر کرد.

کلنگ ساخت کارخانه پتروشیمی در جوار میانکاله را سردار پاسدار احمد وحیدی وزیر کشور جمهوری اسلامی روز ۲۲ اسفند ۱۴۰۰ در فاصله حدود پنج کیلومتری تالاب میانکاله در استان مازندران، به عنوان «کارخانه پتروشیمی شهدای حسین‌آباد» به زمین زد.

بر اساس این طرح تولید ۱۲۰ هزارتن پروپیلن با سرمایه‌گذاری ۳۷۰ میلیون دلار در فاز اول در عرصه‌ای ۹۰ هکتاری برای این پروژه در نظر گرفته شده بود اما در نهایت قرار است ظرفیت تولید آن به ۴۷۰ هزار تن برسد.

تنها چند روز پس از کلنگ‌زنی این پروژه اعتراضات و هشدارها به ساخت آن آغاز شد. کارشناسان محیط زیست انجام این پروژه را اقدامی فاجعه‌بار برای محیط‌زیست و اکوسیستم منطقه ارزیابی کردند.

بر اساس نظرات کارشناسان به دلیل حساسیت اکوسیستم میانکاله ساخت پتروشیمی برای میانکاله سنگین و خارج از توان اکولوژیکی آن است. همچنین صنایع سنگین اجازه بارگذاری در این منطقه را ندارند و از نظر آمایش سرزمینی و در اسناد بالادست، توسعه پروژه‌های فاضلاب‌زا در این منطقه آسیب‌زا است و اجازه فعالیت آنها در این اسناد قید نشده است.

پروژه‌های پتروشیمی در ابعاد هوا، آب، خاک، گیاهان

● در پنج روز گذشته تمام اضلاع شمالی، جنوبی، غربی محوطه ۹۲ هکتاری مرتع «حسین‌آباد» و «للمرز» را محصور کرده و ضلع شرقی به سمت کانال «قره تپه» کمتر از ۶۰۰ متر باقی مانده است.

● مجوز احداث این پتروشیمی در دولت دوازدهم در منطقه حسین‌آباد شهرستان بهشهر در ۲۰ کیلومتری تالاب میانکاله صادر شد.

● کلنگ ساخت کارخانه پتروشیمی در جوار میانکاله توسط سردار پاسدار احمد وحیدی وزیر کشور جمهوری اسلامی روز ۲۲ اسفند ۱۴۰۰ زده شد.

● به نظر می‌رسد سرمایه‌گذار پروژه توانسته با استفاده از رانت و رابطه بار دیگر آن را به جریان بیاورد.

ساخت پتروشیمی میانکاله که سال گذشته در پی اخبارهای کارشناسان محیط زیست از زیانبار بودن این پروژه متوقف شد در روزهای گذشته با فنس‌کشی در اطراف مراتع حسین‌آباد بار دیگر آغاز شده است.

بر اساس گزارش‌ها، سرمایه‌گذار پتروشیمی میانکاله در روزهای گذشته پس از یک سال توقف پروژه با حکم دادستانی کل کشور، بار دیگر اقدام به احداث کارگاه و فنس‌کشی محوطه پیش‌بینی‌شده برای پتروشیمی کرده است.

در پنج روز گذشته تمام اضلاع شمالی، جنوبی، غربی محوطه ۹۲ هکتاری مرتع «حسین‌آباد» و «للمرز» را محصور کرده و ضلع شرقی به سمت کانال «قره تپه» کمتر از ۶۰۰ متر باقی مانده است.

پروژه ساخت پتروشیمی میانکاله سال گذشته متوقف شد و رئیس سازمان محیط زیست تیرماه گذشته «با قطعیت» گفته بود که «پرونده توسعه پتروشیمی در میانکاله برای همیشه بسته شد». با این وجود در روزهای گذشته سرمایه‌گذار پتروشیمی میانکاله با سرعت و بدون هیچ گونه مانعی از سوی نهادهای قانونی نظارتی فعالیت در این منطقه را آغاز کرده است.

اکنون فعالان محلی می‌گویند با کیلومترها فنس‌کشی از سوی سرمایه‌گذار این پروژه در روزهای گذشته دسترسی دامداران و مرتع داران قانونی مرتع حسین‌آباد و للمرز به

## نظرسنجی مرکز زیرمجموعه دانشگاه «امام صادق»: ۷۱ درصد مردم معتقدند برخورد تبعیض آمیز میان مردم و مسئولان وجود دارد



گفته‌اند که روش‌های قانونی برای احقاق حق در ساختار جمهوری اسلامی ناکارآمد است.

نتایج این نظرسنجی همچنین نشان از آن دارد که جامعه ایران در نتیجه‌بخش بودن مسیرهای قانونی برای احقاق حق مردد است و افراد دارای تحصیلات دانشگاهی اعتقاد کمتری نسبت به کارآمدی مسیرهای قانونی دارند.

همچنین بیش از ۶۰ درصد شرکت‌کنندگان داشتن دوست و آشنا را اصلی‌ترین عامل موثر استخدام می‌دانند. ۲۰ درصد شرکت‌کنندگان نیز معتقد هستند که داشتن رویکردهای مذهبی و سیاسی همسو یکی از عوامل اصلی «گزینش» است. از سوی دیگر تنها ۱۵ درصد مردم به شایسته‌سالاری در استخدام‌ها باور دارند.

فساد و رانت، و تسلط محافل مافیایی بر بخش‌های مختلف حکومت سبب ایجاد ساختاری شده که یک نتیجه آن آشکار شدن تبعیض و عدالت اجتماعی است که در نتایج این نظرسنجی نیز تبلور پیدا کرده است.

اگرچه بلافاصله پس از انقلاب ۵۷ «گزینش» متقاضیان کار در سازمان‌ها و ادارات مختلف با دیدگاه ایدئولوژیک جمهوری اسلامی سنجیده می‌شد و هرچه فردی از نظر ایدئولوژیک به جمهوری اسلامی نزدیک بود شانس بیشتری برای استخدام و پیشرفت شغلی پیدا می‌کرد اما پس از شکل گرفتن و تقویت مافیاهای حکومتی، روند پارتی‌بازی برای استخدام دچار تحولاتی در مسیر وابستگی به این محافل مافیایی شد.

جد از موضوع استخدام، برخورداری از فرصت‌های دیگر اقتصادی، علمی و فرهنگی در کشور نیز نیازمند برخورداری از روابط و اتصال به بخشی از بدنه مافیایی حکومت است. رنگ باختن شایسته‌سالاری در ایران ساختار حاکم بر ایران را به کاکیتوکراسی (نالایق‌سالاری یا ناشایسته‌سالاری) تبدیل کرده است.

● بیش از ۷۱ درصد شرکت‌کنندگان معتقدند نهادهای قانونی میان مردم و مسئولین برخورد تبعیض آمیز دارند و نهادهای قانونی نسبت به افرادی که مسئولیت دولتی دارند، آسان می‌گیرند.

● حدود ۴۰ درصد از شرکت‌کنندگان در این نظرسنجی گفته‌اند که روش‌های قانونی برای احقاق حق در ساختار جمهوری اسلامی ناکارآمد است.

● بیش از ۶۰ درصد شرکت‌کنندگان داشتن دوست و آشنا را اصلی‌ترین عامل موثر استخدام می‌دانند.

بر اساس آخرین نظرسنجی مرکز تحلیل اجتماعی «متا» وابسته به دانشگاه «امام صادق» ۷۱ درصد مردم معتقدند نهادهای قانونی میان مردم و مسئولین برخورد تبعیض آمیز دارند و بیش از ۶۰ درصد جامعه ایران فکر می‌کنند که داشتن دوست و آشنا، اصلی‌ترین عامل استخدام است.

مرکز تحلیل اجتماعی «متا» وابسته به دانشگاه «امام صادق» نتایج یک نظرسنجی را که در اسفند ۱۴۰۱ از طریق تماس تلفنی با ۳ هزار نفر در سراسر ایران و طرح سه پرسش درباره تبعیض اجتماعی برگزار شده منتشر کرده است.

نتایج این نظرسنجی نشان می‌دهد بیش از ۷۱ درصد شرکت‌کنندگان معتقدند نهادهای قانونی میان مردم و مسئولین برخورد تبعیض آمیز دارند و نهادهای قانونی نسبت به افرادی که مسئولیت دولتی دارند، آسان می‌گیرند و به هیچ وجه شبیه تخلفات افراد عادی با آن برخورد نمی‌کنند.

بر اساس نتایج این نظرسنجی که به صورت اینفوگرافی در رسانه‌های داخلی منتشر شده، مردم بر این باورند که «نهادهای قانونی نسبت به افرادی که مسئولیت دارند آسان برخورد می‌کنند و به هیچ وجه شبیه افراد عادی با آنها رفتار نمی‌کنند.»

حدود ۴۰ درصد از شرکت‌کنندگان در این نظرسنجی

➔ پروژه پتروشیمی میانکاله خبر داد. همزمان وزیر نفت نیز عملیاتی شدن تمام پروژه‌ها را منوط به اخذ مجوز سازمان حفاظت محیط زیست کشور دانست.

در امرداد سال گذشته نیز علی سلاجقه رئیس سازمان حفاظت محیط زیست به خبرگزاری «تسنیم» گفت که «با قطعیت می‌گویم که پرونده توسعه پتروشیمی در میانکاله برای همیشه بسته شد و دیگر شاهد چنین فعالیت‌هایی در این منطقه نخواهیم بود.»

با اینهمه به نظر می‌رسد سرمایه‌گذار پروژه توانسته با استفاده از رانت و رابطه بار دیگر آن را به جریان بیاورد. سرمایه‌گذار پروژه پتروشیمی میانکاله «شرکت البرز ایرانیان» است که سهامدار اصلی آن عبدالله عبدی است. وبسایت «رجا نیوز» سال گذشته گزارش داد که در مجموع سه شرکت سهامدار اصلی شرکت پتروشیمی میانکاله هستند.

«شرکت سیمان نائین» که با بررسی بیشتر اسم عبدالله عبدی در ریاست هیئت مدیره آن با ۲ کد ملی مختلف به چشم می‌خورد. سهامدار دیگر پتروشیمی نیز «شرکت تولیدی ساریه شمال» است که سهامدار اصلی آن عبدی است. سومین شرکت هم «شرکت مرغ امین مازندران» است که این شرکت هم به نوشته رجانیوز وابسته به عبدی است و چندین سال همسر او گیتا شوکتی به عنوان عضو هیئت مدیره در این شرکت حضور فعال داشته است!

بر اساس گزارش‌ها عبدالله عبدی به واسطه ایجاد این شرکت‌ها اقدام به دریافت تسهیلات کلان از بانک‌ها کرده است و چند وقت پیش از اعتراضات به پروژه پتروشیمی میانکاله، نام یکی از شرکتهای عبدالله عبدی، «شرکت البرز ایرانیان» در لیست ابریده‌کاران بانکی منتشر شده بود.

همچنین گفته شده که هزینه تأسیس پتروشیمی میانکاله دو برابر مجموع بودجه سال گذشته سازمان محیط زیست (۲۱۵۷ میلیارد تومان)، سازمان بهزیستی (۱۷۰۰۰ میلیارد تومان) و وزارت راه و شهرسازی (۲۰۶۰۰ میلیارد تومان) بوده است.

در چنین شرایطی باید دید آیا بار دیگر دادستانی کل کشور توان توقف پروژه پتروشیمی میانکاله را دارد یا سرمایه‌گذار پروژه با تکیه بر شبکه مافیایی و رانتی خود پروژه را ادامه خواهد داد؟

تالاب میانکاله درون شبه‌جزیره‌ای باریک به همین نام قرار دارد و از شمال به دریای مازندران، از جنوب به خلیج گرگان، از غرب به تالاب زاغمرز و از شرق به آشوراده و از طریق کانال باریکی به طول کمتر از یک کیلومتر به بندر ترکمن می‌رسد.

شبه‌جزیره میانکاله در منتهی‌الیه جنوب شرقی دریای مازندران، در ۱۲ کیلومتری شمال شهر بهشهر استان مازندران قرار گرفته است. مساحت تالاب بیش از ۶۸ هزار هکتار و ارتفاع آن بین ۱۵ تا ۲۸ متر کمتر از سطح دریای آزاد است. میانکاله از سال ۱۳۴۸ به عنوان منطقه حفاظت شده تعیین شد و حالا با عنوان پناهگاه حیات وحش، تالاب بین‌المللی و ذخیره گاه طبیعی زیست‌کره تحت حفاظت سازمان محیط زیست قرار دارد.

یکی از دلایل اهمیت میانکاله این است که در تمام سواحل جنوبی دریای مازندران هیچ منطقه‌ای جز آن وجود ندارد که محیط طبیعی آن در وضعیتی نسبتاً دست‌نخورده باقی مانده باشد. سلامتی نسبی میانکاله موجب شده تا تالاب‌ها و سواحل این منطقه علاوه بر پرندگان مهاجر، محل تخمگذاری و زیستگاه اصلی بسیاری از ماهیان دریای مازندران هم باشد؛ به ویژه کپور و کفال و ماهیان خاویاری. نزدیک به نیمی از خاویار ایران از آب‌های این منطقه صید می‌شود.

# شهر تلفیقی یا انقلاب هنر در شهر و بازگرداندن شهرها به شهروندان



اینستالیشن‌های جولیو پائولینی ۹ چون چیدمان ستایش هومر یا آثار لیکتن استاین ۱۰ را می‌توان با این نگاه نیز تفسیر کرد. ذکر این نکته ضروریست که در هنرهای معاصر و با راه یافتن مفاهیمی از دیگر حوزه‌ها چون زبان‌شناسی ۱۱، فلسفه، روانشناسی و جامعه‌شناسی به آن- مانند آنچه در رویدادهای مهم هنری چون بیناله ونیز می‌بینیم- درک و تفسیر آثار چندمحتوایی با استفاده‌ی مجرد و ایزوله از زیبایی‌شناسی، می‌تواند گمراه‌کننده باشد. در حقیقت درک تلفیق در هنر معاصر، وابسته به تلفیق ساختاری ابزارهای گوناگون شناخت از تبارشناسی تا فناوری است. ورود هنر معاصر به این قلمروهای نو در حال‌یست که در ایران هنوز تلفیق هنرهای تجسمی با ادبیات مرز مشخصی با در قید کلمه بودن اثر نیافته. نمونه‌های متبادر شده به ذهن چون پرده‌های نقاشی قهوه‌خانه‌ای یا به تعبیر درست خیالی‌نگاری‌ها، در حوزه‌ی تلفیق قرار نمی‌گیرد.

عدم توجه آکادمیک به تجربه‌های بدیع خروس‌های جنگی هنر ایران با همراهی نیما یوشیج و جلیل ضیاپور، تلاش‌های شورانگیز سهراب سپهری و منوچهر شبانی در نزدیک کردن نقاشی و شعر و یا آثار هنرمندان دیگری چون علیرضا اسپهبد و هانیبال الخاص، سبب بیگانگی هنر امروز ایران با میراث هنری ما در دهه‌های ۲۰ تا ۵۰ و در نتیجه متوقف شدن روند تلفیق بینارشته‌ای و درون‌متنی ۱۲ در هنرهای تجسمی ایران شده. اکنون بخش عمده‌ای از تجربه‌ها در تلفیق بصری و زبانی، بر دوش هنر زیرزمینی ایران و آثار برخی هنرمندان ایرانی خارج کشور است که به دلیل سانسور سیستماتیک دولتی و عدم امکان ارائه‌ی اثر در فضای سترون شده‌ی گالری‌های هنری در داخل ایران، از چشم هنرمندان و پژوهشگران علاقمند مخفی شده است.

## شهر تلفیقی

بیگانگی شهرها با انسان، یکی از بحث‌های تکرارشونده در شهرسازی و جامعه‌شناسی شهری است. جان‌مایه‌ی این بحث‌ها اشاره به این دارد که در روند توسعه‌ی ناپایدار، شهرها بدون توجه به محیط زیست و ارگانیک‌های

فلسفه، علوم اجتماعی و دین صورت گرفت. در مطالعه پیرامون تلفیق‌گرایی در هنر و فرهنگ چه در مفهوم و چه با نگاه فرمال و ساختاری، به واژه‌ی آشنای دیگری برمی‌خوریم: فیوژن ۲ که آن را بیشتر در حوزه‌ی موسیقی می‌شناسیم. این شناخت مرهون کوشش‌های مایلز دیویس ۳ موسیقیدان و نوازنده‌ی ترومپت ایالات متحده در تلفیق سبک جز و راک است. بعدها سبک‌های متعددی در موسیقی دست به خلق آثار تلفیقی زدند اما اگر به دوگانه‌ی مشهور سوئیزه و ابژه بازگردیم، شاید بتوان گفت تصویرسازی ادبی‌هایکوه‌های ژاپنی از نخستین نمونه‌های تلفیق سوئزکتیو است. با وجود این باید توجه داشت که جنبش‌های هنری سده‌ی بیستم روند تلفیق ابژکتیو و فرمال را به شکلی که امروز می‌شناسیم آغاز کردند. تلاش برخی شاعران چون ریچارد براتینگان ۴ را نیز می‌توان به تجربه‌ای بازگو‌شده از تلفیق در معنا به تلفیق در فرم تشبیه کرد. نوآوری آرتور رمبو ۵ شاعر فرانسوی و از بنیانگذاران شعر مدرن در ابداع رنگ‌واژه‌ها سبب شد تا برای نخستین بار فرم زبانی با رنگ در هم آمیزد. گیوم آپولینر ۷ دیگر شاعر فرانسوی نیز حدود ۲۰ سال پس از رمبو، فعالیت‌های تأثیرگذاری در تلفیق شعر و نقاشی داشت. آپولینر نقاشی-شعری به نام کالیگرام ۸ آفرید. گرچه وی نخستین کسی نیست که از تصویرهای فیگوراتیو در شعرهایش استفاده کرد و تاریخ استفاده از آن به چهار سده پیش از میلاد مسیح بازمی‌گردد اما واژه‌ی کالیگرام ابداع خود اوست. به گفته‌ی آپولینر ابزارهای تایپوگرافیک این مزیت را دارند که به متن، غنای تصویری بخشند. ترکیب تایپوگرافی که هنر حروف‌نگاری برای نمایش زبان است با موسیقی، نقاشی و ادبیات با بازتعریف گیوم آپولینر به مشارکت خواننده در دریافت متن منجر شد.

در دهه‌ی پایانی سده‌ی بیستم نیز هنرمندان متعددی به تجربه و خلق اثر در این زمینه دست زدند. همچنین ظهور و گسترش روش‌های نوین بیان هنری چون چیدمان (اینستالیشن) و ویدئوآرت به پیشبرد اندیشه‌ی تلفیق هنرهای تجسمی و ادبیات در فرم، کمک شایانی کرد.

● یکی از تبعات «جهانی‌سازی» که به بهانه‌ی یک‌دست کردن سازوکارهای اقتصادی دنیا بر کشورهای «جهان سوم» تحمیل می‌شود، اعمال همین سیاست است که در تقابل با هویت ملی و هویت فرهنگی شکل گرفته‌اند. نخستین اثر این سیاست‌ها در حوزه‌ی فرهنگ، متمرکز بر بدن است؛ بدن شهروندان و بدن شهر، نمود بدن در جامعه و موضوعاتی چون مد و لباس، جنسیت، سکسوالیته و کالبد شهری است.

● مقاومت گرچه گسسته اما پیوسته‌ی اندیشه و خلاقیت فرهنگی با تک‌سطحی کردن شهرها، باعث جلب توجه مردم در دهه‌ی کنونی به بدیل‌های خردمندانه‌تر بوم‌شناختی در شهر شده است. اکنون، بیش از فعالان حقوق بشر و محیط زیست و یا هنرمندان و نویسندگان با دغدغه‌های اجتماعی، بسیاری از مردم کوچه و بازار در کشورهای در حال توسعه که هنوز با تبعات اقتصادی و سلامتی ناشی از ویروس کرونا دست و پنجه نرم می‌کنند، به این فکر افتاده‌اند که با مداخله‌ی حکومت‌ها و نهادهای غیرپاسخگو چگونه می‌توان در برابر سیاست‌هایی که حیات انسان و طبیعت را به مخاطره انداخته است، موضعی سودمند و کارآمد گرفت؟

امین شاهرادی پژوهشگر حوزه‌ی عکاسی مستند و هنر این مطلب را برای پروژه ققنوس ایران تهیه کرده است.

## تلفیق در هنر

تلفیق، سنتز یا درهم‌آمیزی از اوایل سده‌ی بیستم و همراه با جنبش‌های اعتراضی دهه ۲۰ تا ۶۰ در غرب، به بیان هنری راه یافت. توجه اکسپرسیونیست‌ها به فرم‌های بدوی در نقاشی و مجسمه، تأکید پست‌مدرنیسم بر فرهنگ فولکلور و ورود موسیقی شرقی و آفریقایی به موسیقی راک و بلوز نمونه‌هایی از این دست است. اگرچه نقش پررنگ فلسفه-ی سده بیستم که بنیان‌های فکری انسان را برای همیشه دگرگون کرد، در تلفیق‌گرایی ۱ غیرقابل انکار است اما این واژه نخستین بار در اوایل سده ۱۷ میلادی به کار رفت؛ تلاشی که برای نزدیکی سوئیزه‌های متفاوت و گاه متضاد در



شهروندان در آن قادر به تجربه‌ی احساس یا کنشی مشترک باشند در تهران، مشهد، تبریز، اصفهان، شیراز و اهواز از دهه‌ی هفتاد پی گرفته شد؛ سیاستی از سوی رژیم برای تسلط بیشتر بر فضا و جداسازی شهروندان از فضاهای شهری. در شهرهای بزرگ ایران افزون بر فاصله‌ای که میان شهروندان کلانشهرها در سراسر دنیا وجود دارد، سیاست‌ها در از میان بردن بافت تاریخی محله‌ها، تخریب هویت شهری، و توسعه‌ی ناپایدار شهرها و حاشیه‌ی آنها، سبب دشواری‌های متعدد اجتماعی در برقراری ارتباط ارگانیک میان مردم شد.

پروژه‌ی بیگانه‌سازی شهروندان با شهر و محله‌های آنها، در کنار سیاست رسمی جمهوری اسلامی در گران کردن زندگی در این شهرها، مفهوم همسایگی و نقش محله به عنوان فضایی برای انباشت زمان در چند نسل را مختل کرده است. افزون بر این، کلانشهرهای ایران به دلیل عدم توازن توسعه‌یافتگی در بخش‌های مختلف خود با فقر و معضلات زیست محیطی دست به گریبان‌اند که منجر به آهیزه شدن جامعه شده است. در این حالت با وجود سطح بالای نارضایتی میان اکثریت جامعه، پیوند میان کانون‌های اعتراضی به سختی برقرار می‌شود.

از ضعف تخصصی و مدیریتی در طراحی ملبان شهری بدون توجه به نیازهای شهروندان دارای ناتوانی حرکتی تا پروژه‌های بیگانه‌سازی شهروندان با شهر توسط حکومت توتالیتر، همگی در نهایت به فشار علیه شهروندان منجر می‌شود. در شهر تلفیقی چنانکه در هنر تلفیقی دیدیم، تلفیق هم در فرم و هم در محتوا صورت می‌گیرد. در شهر تلفیقی، در پیش گرفتن راهبردهای فرهنگی و اجتماعی بر عهده‌ی شهروندانی است که اهمیت به تنوع و گوناگونی را نه بر اساس فشار رسانه‌ها که با توجه به منافع چندلایه‌ی ملی- منطقه‌ای و در همگرایی اقتصادی و فرهنگی با شهروندان و دیگر شهرها پی می‌گیرند. در شهر تلفیقی به هرگونه تبعیض به قول هانا آرنوت ۲۰ به عنوان شری مبتذل- مانند توریسم بازدید از فقر مطلق با چرخه‌های مالی باورنکردنی در حلی‌آبادهای آفریقای جنوبی و گنوهای کنیا یا معرفی فشارهای ایدئولوژیک علیه زنان در کشورهای اسلامگرا به عنوان بخشی طبیعی از فرهنگ محلی- نگاه نمی‌شود، در شهر تلفیقی چنانکه ایتالو کالوینو ۲۱ گفته گرچه شاید دشوار اما می‌توان در میان حتا دوزخ آن، آنچه و آنکه دوزخی نیست را جست و سپس در بردباری به آن فضا بخشید.

عمومی پنهان می‌شود، پس از مرحله‌ی گرفتن تدریجی حق مالکیت اختصاصی زمین از مردم محلی در پروسه‌ی نوسازی خیابان‌ها و اعیان‌سازی مراکز شهرها، منابع عمومی و مشترک چون منابع طبیعی و دارایی‌های فرهنگی نیز در انحصار دولت‌ها و شرکت‌ها قرار می‌گیرد. اما بدیل این ساز و کار صلب و به ظاهر غیرقابل تغییر چیست؟ چگونه از ایده‌ی شهر تلفیقی می‌توان به آرزوی بازگرداندن شهرها به شهروندان رسید؟

به باور آتری لوفور ۱۸ جامعه‌شناس سده‌ی ۲۰ فرانسه، جنبش‌های انقلابی امروز، یا شهری باید باشند و یا هیچ نیستند. بر همین مبنا لوفور مفهومی به نام درگشر ۱۹ را تبیین کرد؛ فضایی چند سطحی که در آن عمل، احساس و درک مردم در لحظات خودانگیختگی به زندگی روزمره، معنا می‌بخشد. در این لحظات خودانگیخته، گروه‌های مختلف جدا از هم، ناگهان و شاید تنها برای زمانی گذرا، خلق تجربه-ای جمعی را درک می‌کنند. اگر به اهمیت خودانگیختگی یعنی کنش بر اساس انگیزه‌های درونی مبتنی بر شناخت نه وابسته به محرک‌های بیرونی، در فلسفه و هنر معاصر نگاه کنیم، درمی‌یابیم مقاومت گرچه گسسته اما پیوسته‌ی اندیشه و خلاقیت فرهنگی با تک‌سطحی کردن شهرها، باعث جلب توجه مردم در دهه‌ی کنونی به بدیل‌های خردمندانه‌تر بوم‌شناختی در شهر شده است. اکنون، بیش از فعالان حقوق بشر و محیط زیست و یا هنرمندان و نویسندگان با دغدغه‌های اجتماعی، بسیاری از مردم کوچک و بازار در کشورهای در حال توسعه که هنوز با تبعات اقتصادی و سلامتی ناشی از ویروس کرونا دست و پنجه نرم می‌کنند، به این فکر افتاده‌اند که با مداخله‌ی حکومت‌ها و نهادهای غیرپاسخگو چگونه می‌توان در برابر سیاست‌هایی که حیات انسان و طبیعت را به مخاطره انداخته است، موضعی سودمند و کارآمد گرفت؟ اکنون که تب و تاب ویروس کرونا فروکش کرده و خیل صاحبان مشاغل کوچک، کارگران، حاشیه‌نشینان و اقشار کم‌درآمد، که حکومت‌ها رسیدگی به آسیب‌های اقتصادی متوجه آنان در این دوران را به آینده‌های نامعلوم موکول کرده‌اند، شروع به پرسشگری و مطالبه می‌کنند، می‌توان درباره‌ی این موضوع بیشتر سخن گفت که چگونه شهرهای تلفیقی می‌توانند به عنوان بدیل شهرهای انحصارگرا معرفی شوند.

نمونه‌ی دیگری از کارکرد سرکوبگر شهرهای انحصارگرا در خیزش‌های اعتراضی پنج سال اخیر در ایران نیز می‌توان به روشنی بررسی کرد.

تغییر کالبد شهری و تخریب یا تغییر کاربری فضاهایی که

→ وابسته به آن، به محلی برای تولید سرمایه (اقتصادی یا ایدئولوژیک) بدل شده‌اند و شهروندان به بخشی از این سرمایه. در این وضعیت، فردیت هر انسان در لایه‌های پیچیده، سخت و مبهم نظام قدرت، گم می‌شود و شهرها بجای فضایی برای زندگی شهروندان، به یک مختصات جغرافیایی برای جمع‌آوری سرمایه‌ی انسانی تغییر می‌یابند. بهره‌وری این سیستم سودمحور، یا با حذف ویژگی‌های شخصیتی، رفتاری و جنسی واحدهای مستقل انسانی و تشکیل توده‌های قابل هدایت (مانند تعریف لنینیستی- مائوئیستی از «خلق» و تعریف اسلام از «امت»)، و یا با برجسته‌کردن تفاوت‌های نژادی، زبانی و جنسیتی و ایجاد گروه‌های گسیخته شده از تاروپود هویتی (مانند روندی که امروز کمونیسم فرهنگی در اروپا و آمریکا در پیش گرفته است)، افزایش می‌یابد. استفاده‌ی طبقات قدرت از ابزارهای موثر قانون، مجازات و تبلیغات برای تربیت این توده‌های یک‌شکل شده یا جداافتاده، موضوع این نگاه‌شسته نیست اما یکی از تبعات «جهانی‌سازی» ۱۳ که به بهانه‌ی یک‌دست کردن سازوکارهای اقتصادی دنیا بر کشورهای «جهان سوم» ۱۴ تحمیل می‌شود، اعمال همین سیاست است که در تقابل با هویت ملی و هویت فرهنگی شکل گرفته‌اند. نخستین اثر این سیاست‌ها در حوزه‌ی فرهنگ، متمرکز بر بدن است؛ بدن شهروندان و بدن شهر، نمود بدن در جامعه و موضوعاتی چون مد و لباس، جنسیت، سکسوالیته و کالبد شهری است.

درباره‌ی تاثیر همگون‌سازی فرهنگی یا «آسیمیلسیون» فرهنگی بر بدن شهروند، بحث‌های روشنگرانه‌ای درگرفته اما نکته‌ی مغفول در میان این گفتگوها، راه‌حلی است که از مسیر جداسازی‌های قومیتی یا زبانی به نام هویت بخشی فرهنگی می‌گذرد. اگر مفهوم تلفیق‌گرایی در هنر را بتوان به شهر بنا به دیدگاه گئورگ زمیل ۱۵ همچون موضوعی زیباشناختی نسبت داد، می‌توان واژه‌ی «شهر تلفیقی» ۱۶ را ابداع کرد. بر اساس دیدگاه زمیل درباره‌ی دیالکتیک شهر و هنر، سلطه‌ی روح عینی بر روح ذهنی، سبب بیگانگی فرد با اجزای ارتباطی‌اش می‌شود، خواه این ارتباط با دیگران و از راه ادبیات و هنر باشد و یا با شهر که معماری و شهرسازی آن را نمایش می‌دهند. مشکلات اجتماعی و زیست محیطی توسعه‌ی سیکلویپ گونه ۱۷ و تمامیت‌خواه در شهرهایی چون شیکاگو، مپئی، ریودوژانیرو و شهرهای متعدد چین، منجر به افزایش حاشیه‌نشینی، بزهکاری ناشی از فقر و در نهایت به انزوا راندن گروه‌های مختلف شهری شده است. در این فرایند که ابعاد و تبعات آن با کمک تبلیغات از چشم افکار

۱-Syncretism جانشین فارسی تلفیق‌گرایی، پادامیزی است.

۲-Fusion

۳-Miles Davis

۴-Richard Brautigan

۵-Arthur Rimbaud

۶-رنگواکه‌ها (Voyelles) یکی از مشهورترین اشعار آرتور

رمبو ست که در سطرهای نخستین آن می‌خوانیم: «آ سیاه، «ا» سپید، «ای» سرخ، «او» سبز و «آ» آبی ست...

برخی منتقدان مکعبهای رنگی را که روی آنها حروف الفبا نوشته شده و یک اسباببازی آموزشی برای یادگیری حروف به کودکان بود، الهامبخش رمبو برای سرودن این شعر دانسته‌اند. کلود لوی استروس انسان‌شناس معاصر فرانسوی، رنگواکه‌های رمبو را ایجاد همانندی میان واژه‌ها یا مصوتها از یکسو و رنگها از سوی دیگر دانسته است.

V-Guillaume Apollinaire

۸-مونه‌ای از کالیگرام آپولینر برای بخشی از سروده‌اش با نام «شعر برای لو»



۹-Giulio Paolini

۱۰.لیکتن استاین (Roy Lichtenstein) درباره‌ی آثار خود که شبیه کارتون مجلات بود گفته: در کارتونها هرگز تلاشی برای درهم آمیختن تصویر و کلمه دیده نمی‌شود در حالی که من

نوعی یکپارچگی و وحدت را بین اجزای مختلف دنبال می‌کنم.

۱۱-Linguistic

۱۲-Intertextual

۱۳-Globalization

۱۴.مراد از کشورهای «جهان سوم» تعریفی است که از دوران جنگ سرد، به کشورهایی تعلق گرفت که به ناتو و بلوک شرق متعهد نبودند.

۱۵-Georg Simmel

۱۶-Syncretistic City

۱۷-اشاره به سیکلویپ، دیو تکچشم افسانه‌های یونان که استعاره‌ای از داشتن رفتار کوتهمبینانه‌ی عمو من خشن بدون در نظر گرفتن عواقب است.

۱۸-Henri Lefebvre

۱۹-Heterotopia

۲۰-Hannah Arendt

۲۱-Italo Calvino

## ایران همچنان در انتهای جدول رتبه‌بندی آزادی اقتصادی



اسلامی دانسته است. در این گزارش پیش‌بینی شده که در صورت توافق هسته‌ای میان رژیم ایران و غرب، جمهوری اسلامی می‌تواند با افزایش صادرات نفت و جذب سرمایه‌گذاری خارجی، میزان تجارت را افزایش دهد. اما این در حالیست که همچنان عوامل زیرساختی مانند دخالت دولت، فساد، و قوانین ناکارآمد در عدم بهبود شاخص آزادی اقتصادی موثرند.

بر همین اساس اعلام شده است که حاکمیت قانون در ایران ضعیف است و امتیاز حقوق مالکیت معنوی در ایران همراه با امتیاز اثربخشی قضایی ایران و نمره یکپارچگی دولت کمتر از میانگین جهانی است.

در بخشی از این گزارش که به تحلیل شرایط بخش خصوصی پرداخته، از نظارت و دخالت بیش از اندازه دولت در بخش خصوصی و مقررات پیچیده استخدام و بازار کار راکد نیز به عنوان عامل کاهش رتبه ایران یاد شده است.

اقتصاد نفتی، کاهش ارزش پول ملی، تورم مستمر و بالای ۴۰ درصد در سال‌های گذشته و محدودیت‌های مالی و بانکی نیز نکاتی هستند که از سوی «بنیاد هریتیج» به عنوان موانعی برای بهبود شاخص آزادی اقتصادی ایران مورد اشاره قرار گرفته است.

ایران سال‌هاست در انتهای جدول رتبه‌بندی آزادی اقتصادی قرار دارد و در سال‌های گذشته وضعیت کشور بدتر ارزیابی شده است.

در کشورهایی که درجه آزادی اقتصادی در آنها پایین است، نقش دولت‌ها در اقتصاد پررنگ است و دولت با اجبار و محدودیت بر آزادی اقتصادی، حق انتخاب را از افراد و مشاغل می‌گیرد و یا با محدود کردن فعالیت‌های اقتصادی مانع رونق کسب و کارها شده و در نهایت به

سدهی در برابر توسعه اقتصادی تبدیل می‌شود. آزادی اقتصادی در ایران در دو دهه گذشته و به ویژه پس از واگذاری اموال دولتی با هدف خصوصی‌سازی به نهادهای عمومی که به شدت فسادزا بوده است و بخش‌های مختلف تولید و صنعت را بیش از پیش فلج کرده، بیش از پیش سقوط کرد.

آزادی اقتصادی روبروست که بر اساس آخرین رتبه‌بندی «بنیاد هریتیج» هیچ پیشرفتی در این مدت در رابطه با آزادی اقتصادی نداشته است این بنیاد امتیاز آزادی اقتصادی ایران در سال ۲۰۲۳ میلادی را ۴۲/۲ برآورد کرده که نسبت به سال گذشته دو دهم واحد کاهش یافته است. بر این اساس ایران در میان ۱۷۶ کشور بررسی شده در رتبه ۱۶۹ جای گرفته است. ایران همچنین دارای رتبه چهاردهم در میان ۱۴ کشور خاورمیانه و شمال آفریقا است و در انتهای جدول قرار گرفته است. این رتبه به این معناست که ایران نه تنها نسبت به کشورهای چون امارات و قطر و عربستان دارای رتبه پایین‌تری است بلکه حتی از کشورهایی چون الجزایر و تونس هم اقتصاد بسته‌تری دارد.

در میان کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا، امارات متحده عربی در بالاترین سطح این رتبه‌بندی ایستاده و پس از آن اسرائیل و گرجستان و قطر قرار دارند.

بر اساس بررسی‌های «بنیاد هریتیج»، ایران در زمینه «حکومت قانون» وضعیت نابسامانی دارد و حق مالکیت به راحتی از سوی حکومت نقض می‌شود. همچنین در رابطه با «اندازه دولت» و «مالیات» هم بار مالیاتی در ایران برابر با ۶/۶ از کل تولید ناخالص داخلی است و بدهی دولت نیز ۴۲/۴ درصد از تولید ناخالص داخلی است.

اقتصاد دستوری و مداخله دولت در بخش‌های مختلف اقتصاد از دیگر مواردی است که سبب سقوط رتبه ایران شده است. بر اساس بررسی‌های «بنیاد هریتیج» در رابطه با تنظیم مناسبات نیز اقدامات دولت به گونه‌ای است که بخش خصوصی را به شدت محدود می‌کند و این موضوع سبب کاهش شدید رقم شاخص آزادی کسب و کار در کشور شده است.

فساد و رانت در ساختار کشور نیز از موانع آزادی‌های اقتصادی در اقتصاد است. در رابطه با بازار آزاد هم آزادی سرمایه‌گذاری وجود ندارد و حکومت بطور کامل سرمایه‌گذاری و توسعه اقتصادی را با انواع موانع روبرو کرده است. این گزارش وضعیت آزادی اقتصادی در دوران ابراهیم رئیسی را بدتر از دوران رؤسای جمهوری پیشین حکومت

● امتیاز آزادی اقتصادی ایران در سال ۲۰۲۳ میلادی ۴۲/۲ برآورد شده که نسبت به سال گذشته دو دهم واحد کاهش یافته و در میان ۱۷۶ کشور بررسی شده در رتبه ۱۶۹ قرار گرفته است.

● اقتصاد دستوری، مداخله دولت در بخش‌های مختلف اقتصاد، ضعف قوانین، فساد و رانت، اقتصاد نفتی، کاهش ارزش پول ملی، تورم مستمر و بالای ۴۰ درصد از دلایل ماندن ایران در انتهای جدول این رتبه‌بندی است.

● حتی در صورت توافق هسته‌ای و افزایش فروش نفت و حجم تجارت، باز هم عوامل زیرساختی مانند دخالت دولت، فساد، و قوانین ناکارآمد در عدم بهبود شاخص آزادی اقتصادی موثر است.

رتبه ایران در زمینه آزادی اقتصادی در جهان ۱۶۹ و در میان ۱۴ کشور خاورمیانه و شمال آفریقا در جایگاه آخر قرار گرفته است.

آخرین رتبه‌بندی کشورها بر اساس آزادی اقتصادی که از سوی «بنیاد هریتیج» صورت گرفته نشان می‌دهد ایران به برکت حکومت جمهوری اسلامی همچنان در انتهای جدول قرار دارد.

شاخص آزادی اقتصادی یک فهرست و رتبه‌بندی سالانه است که در سال ۱۹۹۵ توسط «بنیاد هریتیج» برای اندازه‌گیری میزان آزادی اقتصادی در کشورهای جهان ایجاد شده است. شاخص اقتصادی «هریتیج» از حدود ۵۰ متغیر مستقل اقتصادی که در ۱۰ شاخص دسته‌بندی شده‌اند محاسبه و ارائه می‌شود.

آزادی داشتن ملک، قوانین و دادرسی عادلانه در زمینه اقتصادی، شفافیت در ساختار حکومت، مالیات، میزان دخالت حکومت در هزینه‌های کشور، هزینه دولت‌ها برای رفاه مردم، آزادی در ثبت و اداره شرکت‌ها، قوانین حمایتی از کارگران، آزادی گردش پول در جامعه، آزادی در بورس و سرمایه‌گذاری مواردی هستند که از سوی این بنیاد برای استخراج رتبه آزادی اقتصادی کشورها مورد بررسی قرار می‌گیرند. ایران در حالی سال‌هاست با وضعیت نامناسبی در زمینه

## تأثیر تهرّد نظامی در روسیه بر استراتژی چین نسبت به تایوان



غیرنظامی آن کشور که به دلیل تحمیل سانسور شدید بر رسانه‌های روسیه امکان بروز نمی‌یافت. مخالفت سران نظامی ارتش روسیه با گروه واگنر (و بیش از ده ارتش خصوصی دیگر که پوتین آنها را اجیر کرده) این شکاف را آشکار کرده است. در مورد شکاف میان نظامیان و دولت غیرنظامی هم برخی ناظران بر این عقیده‌اند که نظامیان روسیه حمله به اوکراین را یک فاجعه می‌بینند و آن را حکمی می‌دانند که از طرف حاکمان غیر نظامی بر نظامیان تحمیل شده است.

بروز این شکافها زنگ خطری است برای دولت چین چرا که از آغاز رئیس جمهوری شی جین‌پینگ در سال ۲۰۱۳ تشدید کنترل حکومت او بر ارتش چین (مثل کنترل ولادیمیر پوتین بر ارتش روسیه) مداوم و فزاینده بوده است؛ از آن جمله است دستور او به ارتش چین در سال ۲۰۱۷ که «باید بی‌محابا از رهبری مطلق حزب کمونیست پیروی کند... و همیشه برای منافع حزب ارجحیت قائل باشد»؛ یعنی تابع دستورات حزب کمونیست باشد. پرسشی که اکنون می‌تواند برای حکومت چین پیش آمده باشد این است که آیا گزینه ارسال نیروهای عظیم نظامی به جبهه جنگ در تایوان در صورت نرسیدن به پیروزی آنی، به ایجاد شکاف در میان نظامیان چین نیز چنانکه در روسیه دیده می‌شود، منجر نخواهد شد؟

جواب حکومت چین به این پرسش‌ها می‌تواند دورنگرانه باشد و از حمله نظامی به تایوان، حداقل در آینده نزدیک جلوگیری کند. در عین حال می‌تواند جاه طلبانه باشد و چین را درگیر حمله‌ای به تایوان کند که مثل جنگ روسیه در اوکراین به شکاف در ارتش منجر شود. این را که از این دو روایت کدام بر استراتژی چین غالب خواهد شد، آینده نشان خواهد داد. اما با آنکه حکومت‌های استبدادی در نهایت توسل به زور را در هر تنگنایی گزینه نهایی می‌دانند، عواقب تهرّد نظامیان روسیه و تأثیر منفی آن بر روحیه ارتش روسیه می‌تواند چین را اندک اندک از اندیشه حمله نظامی به تایوان دور و به قبول وضع موجود در تایوان و احتمالاً کمک به پایان جنگ در اوکراین نزدیک کند.

\*عباس فیض کارشناس بین‌المللی حقوق بشر در رابطه با آسیای جنوبی و چین

و بگویند که رسانه‌ها و سیاستمداران غربی قصد تخریب شخصیت او را دارند، چنان که در گزارشی آمده است: «در ابتدا برخی مقامات غربی با دقت از هرگونه اظهار نظر مستقیم در باره آنچه عده‌ای تأکید داشتند به امور داخلی روسیه بر می‌گردد خودداری کردند، اما اکنون آشکارا قدرت پرزیدنت ولادیمیر پوتین را زیر سؤال می‌برند، که انعکاسی است از تلاش درازمدت آنها برای بدنام کردن دولت روسیه». اما حالا نیز با اینکه به نظر می‌رسد بعد از تصمیم فرمانده گروه واگنر به عقب‌نشینی از تسخیر مسکو و پناهجویی او در دیکتاتوری بلاروس، پوتین به ظاهر بر اوضاع مسلط شده، رهبری چین همچنان نگران عواقب اثرات آن بر وضعیت پوتین و حتی بر نظامیان خود چین است.

برای چین، حمله نظامی روسیه به اوکراین حکم آزمونی را داشته است تا در آن عواقب شعارهای خود مبنی بر اعمال قدرت نظامی برای تسخیر تایوان «در صورت لزوم» را ارزیابی کند. در این کار تا کنون تمرکز چین بر واکنش‌های تدافعی آمریکا و اروپا در حمایت از اوکراین، و تأثیر آن بر جنگ در آن کشور بوده است. مثلاً اگر این حمایت به شکست پوتین بیانجامد، می‌تواند مقامات چینی را وادارد که در رابطه با تایوان بیشتر به دیپلماسی متکی باشند تا به نیروی نظامی. اما اگر پوتین برخلاف این حمایت‌ها پیروز شود، ممکن است سران چین را تشویق کند که برای تسخیر تایوان به حمله نظامی متوسل شوند. با اینکه به نظر می‌رسد دولت چین (مثل پوتین) پی برده است که انتظار پیروزی آنی در حمله روسیه به اوکراین بر تحلیلی غلط و تخیلی استوار بوده، مقامات چینی هنوز عدم شکست روسیه و تداوم جنگ را به شیوهی نه برد و نه باخت، شاهی بر تأیید استراتژی نظامی خود برای تسخیر تایوان از راه نظامی «در صورت لزوم» می‌دانند.

تا قبل از تهرّد گروه واگنر، چین با اعتماد بر شعار تسخیر تایوان با توسل به زور پافشاری داشت و ممکن است این شعار را به زودی رها نکند. اما پیشامد مقابله واگنر، پارامتری را در این معادله آشکار کرده که از دید پوتین و چین پنهان مانده بود، و آن عمق شکافی است که از یکطرف میان نیروهای نظامی روسیه، و از طرفی دیگر میان نیروهای نظامی و حاکمان

● یک نکته در روزنامه‌های چینی این است که هرگونه اظهار نظر رسانه‌های غربی را در انتقاد از پوتین و دولت او دخالت در امور روسیه معرفی می‌کنند اما اظهار نظرهای مقامات چین و ارگان‌های رسمی حکومت چین را در دفاع از پوتین و حمایت جانبی آنان از تجاوز نظامی پوتین به اوکراین را هرگز دخالت در امور یک کشور دیگر نمی‌دانند. ● تا قبل از تهرّد گروه واگنر، چین با اعتماد بر شعار تسخیر تایوان با توسل به زور پافشاری داشت و ممکن است این شعار را به زودی رها نکند. اما پیشامد مقابله واگنر، پارامتری را در این معادله آشکار کرده که از دید پوتین و چین پنهان مانده بود، و آن عمق شکافی است که از یکطرف میان نیروهای نظامی روسیه، و از طرفی دیگر میان نیروهای نظامی و حاکمان غیرنظامی آن کشور که به دلیل تحمیل سانسور شدید بر رسانه‌های روسیه امکان بروز نمی‌یافت.

عباس فیض - تهرّد کوتاه رئیس گروه «واگنر»، یوگنی پریگوژین، با سران ارتش و در نتیجه با ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه هر عواقبی که در نهایت برای این دو تن داشته باشد، ناگزیر زنگ خطری است گوشخراش برای مقتدرترین متحد حکومت روسیه یعنی چین. این مقاله نگاهی دارد بر نحوه برخورد چین با تهرّد گروه واگنر در روسیه و نگرانی این کشور از امکان بالقوه روی دادن چنین واقعه‌ای در چین. ولادیمیر پوتین و شی جین‌پینگ / مسکو / ۲۱ مارس ۲۰۲۳ بازتاب این تهرّد در روزنامه‌های جمهوری خلق چین از همان ابتدا انعکاس این نگرانی را در خود داشت. مثلاً در شرایطی که گروه واگنر هنوز به سمت مسکو در حرکت بود، روزنامه «گلوبال تایمز» که مواضع رسمی حکومت چین را منعکس می‌کند در مقاله‌ای در روز شنبه ۲۴ ژوئن نوشت: «پوتین قول اقدامی قاطع علیه شورشیان واگنر می‌دهد؛ یا «پوتین قول می‌دهد از کشورش در مقابل خائنان داخلی دفاع کند»؛ و اینکه «درگیری گروه واگنر در یک نزاع داخلی، خود آن گروه را از صحنه خارج خواهد کرد اما تأثیری بر وضعیت کنونی روسیه- اوکراین نخواهد داشت»؛ و نیز اینکه اگر گروه واگنر آتش جنگ داخلی را برافروزد به توان نظامی روسیه آسیب خواهد زد؛ در نتیجه پوتین باید فوراً بر اوضاع مسلط شود تا نیروهای خارجی از آن بهره نبرند.

روزنامه‌های چین کامکان این نکات را از زبان «کارشناسان» بازگو می‌کنند و موضوع را در مجموع بی‌اهمیت جلوه می‌دهند. اما بسیاری از چینی‌ها می‌دانند به دلیل سانسور شدیدی که حکومت بر رسانه‌ها تحمیل می‌کند، تنها نظریاتی پوشش پیدا می‌کنند که قاطعانه با موضع حکومت همسو باشند. از همین رو شهروندان چین به دنبال کسب اطلاعات از راه‌های دیگرند، مثلاً در رسانه‌های اجتماعی مردم تهرّد نظامیان روسیه را خیلی جدی گرفته‌اند به گونه‌ای که خبر این تهرّد در ردیف‌های بسیار بالای جستجو در ویبو (پلتفرم مجاز در حکومت چین بجای گوگل) بوده است.

نکته دیگر در روزنامه‌های چینی این است که هرگونه اظهار نظر رسانه‌های غربی را در انتقاد از پوتین و دولت او دخالت در امور روسیه معرفی می‌کنند اما اظهار نظرهای مقامات چین و ارگان‌های رسمی حکومت چین را در دفاع از پوتین و حمایت جانبی آنان از تجاوز نظامی پوتین به اوکراین را هرگز دخالت در امور یک کشور دیگر نمی‌دانند. و نکته دیگر این است که روزنامه‌های جمهوری خلق چین سعی دارند که ولادیمیر پوتین را فرد شایسته‌ای معرفی کنند

## در جستجوی پناه؛ فاجعه مهاجرت ایرانیان از کشور



در بخش دیگری از این گزارش تأکید شده که روند نزولی جمعیت پناهجویان ایرانی متوقف شده و آماده اوجگیری مجدد است. یکی از مهمترین نشانه‌های اوجگیری مجدد، افزایش چشمگیر تعداد درخواست‌های جدید پناهجویی توسط ایرانیان در خارج از کشور است که از تراز ۲۰ هزار به تراز ۳۰ هزار نزدیک شده و رشد ۴۳ درصدی را نشان می‌دهد.

به نظر می‌رسد وضعیت تشدیدشونده مهاجرت‌های اجباری و به‌خصوص مهاجرت‌های پناهجویی ایران و افغانستان همچنان بر مدار افزایش خواهد بود تا زمانی که جامعه بین‌المللی برای این مشکل مشترک به صورت جدی و اساسی یک راه حل پایدار در نظر بگیرد.

بر اساس آخرین آمار کمیساری عالی پناهندگان سازمان ملل، در سال ۲۰۲۲ میلادی، جمعیت ایرانیان در وضعیت پناهجویی در جهان ۶۹ هزار و ۲۳۷ نفر بوده است که نسبت به جمعیت ۶۸ هزار و ۹۴۰ نفری سال قبل، افزایش یافته است. نمودار زیر روند ده ساله جمعیت پناهجویان ایرانی در بازه سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۲ را نمایش می‌دهد. جمعیت ایرانیان پناهجو در سال ۲۰۱۳ از تراز ۳۰ هزار نفر به تراز ۹۰ هزار نفر در سال ۲۰۱۶ افزایش یافته که این میزان بیشترین تعداد ایرانیان در وضعیت پناهجویی در ده سال اخیر بوده است که این افزایش قابل توجه را می‌توان با شروع بحران پناهجویی در سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ مرتبط دانست؛ وضعیتی که با افزایش پناهجویان سوری در این سال، موجب همراهی ایرانیان با این موج شد. اگرچه در سال ۲۰۱۷ جمعیت پناهجویان به تراز ۷۰ هزار نفر تنزل پیدا کرد و به سرعت در بازه زمانی ۲۰۱۸ اما با این حال مجدداً به تراز ۸۰ هزار نفر افزایش یافته است و ۲۰۱۹ مجدداً در سال ۲۰۲۰ اما با شیوع همه‌گیری ویروس

گزارش‌های منتشر شده از وضعیت پناهندگان کشورهای مختلف در پشت مرزهای اتحادیه اروپا نشان می‌دهد خطراتی از جمله غرق شدن در عبور غیرقانونی از مرزهای آبی و گذراندن سال‌های طولانی در کمپ‌های نامناسب در کمین این مهاجران است.

رصدخانه مهاجرت ایرانیان در این گزارش نوشته که «در کنار مهاجرت‌های اختیاری اعم از کاری و تحصیلی، مهاجرت‌های اجباری و پناهجویی نشانگرهای بسیار واقعی‌تر و در عین حال تلخ‌تر از میزان ظرفیت کشور موطن برای حفظ انسان‌هایی است که در آن سرزمین چشم به دنیا گشوده و پرورش یافته‌اند و نیاز به زیستن همراه با امید، آسایش و امنیت دارند.»

بریتانیا یکی از مقاصد ایرانیان مهاجر است؛ بر اساس آمار «هوم آفیس» از مهاجران غیرقانونی وارد شده با قایق به بریتانیا، حدود ۸۹ هزار مهاجر غیرقانونی در ۵ سال در تلاش برای ورود به خاک بریتانیا بودند.

همچنین سهم ایرانیان از مهاجران غیرقانونی وارد شده به بریتانیا در سال ۲۰۱۸ شامل ۸۰ درصد از کل مهاجران غیرقانونی وارد شده به این کشور بوده است. در دوره مورد اشاره کشورهای آلبانی، عراق، افغانستان، سوریه و اریتره به ترتیب در رتبه‌های بعدی عبور از کانال مانس قرار دارند.

در سال ۲۰۲۲ میلادی، ورود مهاجران با قایق‌های کوچک به سواحل جنوبی بریتانیا به رکورد جدیدی رسید بطوری که بیش از ۴۵ هزار تن از این طریق خود را به بریتانیا رساندند که رشدی ۵۰۰ درصدی را در دو سال گذشته نشان می‌دهد. گزارش رصدخانه مهاجرتی ایران نشان می‌دهد در سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۱ سالانه حدود ۸۶ هزار ویزا یا مجوز اقامت غیرتوریستی برای ایرانیان در اروپا، آمریکای شمالی و استرالیا، ترکیه و سایر کشورها صادر شده است.

● از سال ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۳ ایرانیان با ۱۸ هزار و ۳۱۸ مهاجر غیرقانونی، بیشترین شمار را در عبور غیرقانونی با قایق در کانال مانس دارند.

● در سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۱ سالانه حدود ۸۶ هزار ویزا یا مجوز اقامت غیرتوریستی برای ایرانیان در اروپا، آمریکای شمالی و استرالیا، ترکیه و سایر کشورها صادر شده است.

● در گزارش «رصدخانه مهاجرت ایران» تأکید شده که روند نزولی جمعیت پناهجویان ایرانی متوقف شده و آماده اوج گرفتن مجدد است.

موج مهاجرت ایرانیان به اشکال مختلف شغلی، تحصیلی، سرمایه‌گذاری و پناهندگی در حال افزایش است. بر اساس جدیدترین گزارش «رصدخانه مهاجرت ایرانیان» در حال حاضر ۳۴۷۰ مهاجر غیرقانونی ایرانی در مرزهای اتحادیه اروپا، در صدد ورود به کشورهای اروپایی هستند.

رصدخانه مهاجرت ایران در گزارشی با عنوان «در جستجوی پناه» از آمار تکانه‌دهنده ایرانیانی که به صورت غیرقانونی اقدام به مهاجرت به سوی اروپا کرده خبر داده است. این گزارش به مناسبت ۲۰ ژوئن «روز جهانی پناهندگان» منتشر شده است.

بر اساس آمار اعلام شده از سوی رصدخانه مهاجرت ایرانیان در حال حاضر ۳۴۷۰ مهاجر غیرقانونی ایرانی در مرزهای اتحادیه اروپا، در صدد ورود به کشورهای اروپایی هستند. این گزارش افزوده که از سال ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۳ ایرانیان با ۱۸ هزار و ۳۱۸ مهاجر غیرقانونی، بیشترین شمار را در عبور غیرقانونی با قایق در کانال مانس دارند.

این رصدخانه یکی از دلایل اصلی مهاجرت ایرانیان را نوع حکمرانی جمهوری اسلامی و شدت گرفتن بحران اقتصادی عنوان کرده است.

## حمله مأموران به خانه پدری مجاهد کورکور؛ نگار کورکور کجاست؟



آوردند، از خواهرم نگار اطلاعی نداریم و مسئولیت سلامت خواهرم با حکومت و نیروهای امنیتی است.»  
در توضیحات خواهر مجاهد کورکور دقیقاً مشخص نیست آیا مأموران امنیتی نگار کورکور را با خود برده‌اند یا او در ساعات بعد از حمله «ناپدید» شد... است.

نگار کورکوری، خواهر مجاهد، ۳۰ خرداد در اینستاگرامش اعلام کرده بود که وکیل انتخابی پرونده برادرش اجازه ملاقات پیدا نکرده است. او افزوده بود که «ضمن ابراز نگرانی از وضعیت سلامتی برادرم، مسئولیت هرگونه اعتراف اجباری زیر شکنجه از برادرم با ضابطین و مأموران امنیتی است.»  
مجاهد کورکور یکی از قربانیان سناریوسازی نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی است. در پی کشته شدن شماری از شهروندان ایده با شلیک مستقیم مأموران جمهوری اسلامی در شامگاه ۲۵ آبان ۱۴۰۱ نهادهای امنیتی این تیراندازی را تروریستی خواندند. کیان پیرفلک کودک ۹ ساله از جمله جانباختگان سرکوب مردم در شامگاه ۲۵ آبان سال گذشته است. در این حمله دستکم ۱۰ شهروند کشته شده و بیش از ۱۰ تن از جمله پدر کیان مجروح شدند.

نهادهای امنیتی در ادامه سناریوی حمله تروریستی پرونده‌ای تشکیل و چند نفر را در ارتباط با این پرونده بازداشت کردند که مجاهد کورکور و بهمن بهمنی متهمان اصلی این پرونده عنوان شدند.  
خبرگزاری «میزان» خبرگزاری رسمی قوه قضاییه جمهوری اسلامی روز ۱۸ فروردین خبر داد که برای متهم اصلی در پرونده تیراندازی ۲۵ آبان به معترضان در ایده و کشته شدن هفت نفر از جمله کیان پیرفلک، حکم اعدام صادر شده است.

پرونده ساختگی علیه مجاهد کورکور در شعبه اول دادگاه انقلاب اهواز با سه اتهام «محاربه»، «افساد فی الارض و کشتن ۷ نفر از شهروندان ایده ای از جمله کیان پیرفلک» و «بغی و سردستگی قیام مسلحانه» بررسی و منتهی

● مأموران در جریان یورش به خانه خانواده کورکور ضمن تفتیش خانه و برخورد‌های خشونت‌آمیز با اعضای این خانواده، برخی وسایل شخصی از جمله گوشی موبایل نگار کورکور را توقیف کردند.

● مجاهد کورکور از قربانیان سناریوسازی نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی است که در پی سرکوب خونین مردم در ایده توسط جمهوری اسلامی، بازداشت و به اتهام واهی حمله تروریستی به اعدام محکوم شده است.

● خانواده پیرفلک و شمار دیگری از جانباختگان شامگاه ۲۵ آبان ایده بارها اعلام کرده‌اند که مجاهد کورکور نقشی در قتل فرزندان‌شان نداشته است.

نیروهای امنیتی با یورش به خانه پدری عباس (مجاهد) کورکور ضمن تفتیش خانه به همراه فیلمبرداری، نگار خواهر این زندانی را با خود بردند.  
گزارش‌ها حاکی از آنست که نگار کورکور، خواهر مجاهد، زندانی محکوم به اعدام پس از حمله مأموران امنیتی به منزل این خانواده بازداشت شده است.

بر اساس گزارش‌های منتشر شده در شبکه‌های اجتماعی مأموران امنیتی شامگاه چهارشنبه ۳۱ خرداد ۱۴۰۲ به خانه پدری عباس (مجاهد) کورکور در شهر ایده حمله کردند.  
مأموران در جریان یورش به خانه خانواده کورکور ضمن تفتیش خانه و برخورد‌های خشونت‌آمیز با اعضای این خانواده، برخی وسایل شخصی از جمله گوشی موبایل نگار کورکور را توقیف کردند.

همچنین در مدت حضور مأموران در خانه خانواده کورکور و برخورد‌های خشن با اعضای خانواده اقدام به فیلمبرداری کرده و در نهایت نگار کورکور را برای صبح روز پنجشنبه به دادسرای ایده احضار کردند.

یسن کورکور دیگر خواهر مجاهد کورکور با اعلام این خبر در صفحه اینستاگرامش نوشته که «از دیشب که نیروهای حکومتی به طرز وحشیانه‌ای به خانه پدری من یورش

→ کرونا جمعیت پناهجویان ایرانی با روندی کاهشی مجدداً به تراز ۷۰ هزار نفر رسید و در سال‌های ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲ نیز در همین تراز باقی ماند.

بر اساس آمار کمیساریای عالی پناهندگان، در سال ۲۰۲۲ تعداد ایرانیان در وضعیت پناهندگی در جهان ۱۲۲ هزار و ۲۲۴ نفر بوده که نسبت به سال قبل، تقریباً ۱۴ درصد کاهش یافته است. همچنین تعداد ایرانیان در وضعیت پناهندگی در جهان از تراز ۷۵ هزار در سال ۲۰۱۳ به تراز ۱۴۰ هزار در سال ۲۰۲۱ رسیده است؛ وضعیتی که حکایت از افزایش تقریباً دو برابری جمعیت ایرانیان در وضعیت پناهندگی دارد. این روند در سال ۲۰۲۲ با کاهش ۱۴ درصدی همراه و به تراز ۱۲۰ هزار نفر نزدیک شد؛ کاهشی که می‌توان آن را با افزایش تعداد دریافت تابعیت کشور مقصد مرتبط دانست.

بطور کلی سه مسیر در برابر افراد در وضعیت پناهندگی قرار دارد: اخذ تابعیت کشور مقصد، بازگشت به کشور مبدأ، و اسکان مجدد، بر این اساس در سال ۲۰۲۲ تعداد ایرانیان در وضعیت پناهندگی که تابعیت کشور مقصد را دریافت کرده‌اند، افزایش چشمگیری یافته است. بطوری که در سال ۲۰۲۲ تعداد ایرانیانی که در وضعیت پناهندگی بوده‌اند و تابعیت کشور مقصد را دریافت کرده‌اند ۳/۷ برابر شده و به عدد سه هزار و ۳۱۶ نفر رسیده است.

کشورهای آلمان و ترکیه به عنوان دو مقصد اصلی برای ثبت درخواست جدید پناهندگی توسط ایرانیان در مقاطع زمانی ۲۰۱۲ و ۲۰۱۷ بود و در سال ۲۰۲۲ نیز این آمار مربوط به کشورهای بریتانیا و آلمان است؛ بطوری که مجموع درخواست‌های جدید پناهندگی در این دو کشور از کل درخواست‌های جدید پناهندگی توسط ایرانیان در ده کشور اول بیشتر شده است. یکی از آمارهای مهم در این میان، وضعیت ترکیه است؛ این کشور در سال ۲۰۲۲ به رتبه پنجم در مقاصد اصلی تنزل یافته، در حالی که ایرانیان در سال ۲۰۱۷ در ترکیه بیشترین درخواست جدید پناهندگی را ثبت کرده بوده‌اند؛ درواقع تعداد درخواست‌های جدید پناهندگی توسط ایرانیان در ترکیه در سال ۲۰۲۲ نسبت به سال ۲۰۱۷، نزدیک به ۹۰ درصد کاهش یافته و این کشور در بازه زمانی ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۲ مانند گذشته سهم پررنگی از مقاصد اصلی پناهجویان ایرانی نداشته است.

همسو افزایش تعداد پناهجویان ایرانی در سال ۲۰۲۲، تعداد کل درخواست‌های جدید پناهندگی ایرانیان در سال ۲۰۲۲ افزایش یافته و به عدد ۲۹ هزار و ۵۵۸ نفر رسیده است. از سوی دیگر تعداد درخواست‌های جدید پناهندگی توسط ایرانیان در سال ۲۰۱۳ از تراز ۲۰ هزار نفر به بالاترین حد خود در سال ۲۰۱۶ و در تراز ۶۰ هزار نفر قرار گرفت؛ تراز که علت آن را می‌توان با موج پناهجویی در جهان در سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ مرتبط دانست. پس از سال ۲۰۱۶ اما تعداد درخواست‌های جدید ایرانیان کاهش می‌یابد و در سال‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ به علت شیوع ویروس کرونا به کمترین حد خود می‌رسد، نهایتاً در سال ۲۰۲۲ تعداد درخواست‌های جدید پناهندگی ایرانیان افزایشی ۴۳/۵ درصدی را تجربه می‌کند. سهم درخواست‌های جدید ایرانیان از کل درخواست‌ها نیز روندی مشابه با تعداد درخواست‌های جدید داشته است؛ بطوری که در سال ۲۰۱۶ به بالاترین حد خود یعنی ۳/۲ درصد می‌رسد، سپس تا سال ۲۰۲۱ کاهش و در سال ۲۰۲۲ افزایش قابل توجهی می‌یابد و بار دیگر رقم ۲/۷ درصد را تجربه می‌کند.

خانواده پیرفلک و شمار دیگری از جانب‌باختگان شامگاه ۲۵ آبان ایذه بارها اعلام کرده‌اند که مجاهد کورکور نقشی در قتل فرزندان‌شان نداشته است. شاهدانی که شب کشته شدن کیان پیرفلک آنجا حضور داشتند گفته‌اند «هیچ اثری از مجاهد کورکور» آن جا نبوده «و به چشم دیده‌اند که مأمورهای جمهوری اسلامی» به کیان شلیک کرده‌اند.

پس از اعلام خبر صدور حکم اعدام برای مجاهد کورکوری، زینب مولایی‌راد با انتشار تصویری از خود در کنار مادر مجاهد در اینستاگرام نوشت: «هر دو از یکجا زخم می‌خوریم... یارب رومادر که باز خونی بی‌گناه ریخته شود.» خواهر میلاد سعیدیان‌جو، یکی دیگر از کشته‌شدگان روز ۲۵ آبان در ایذه هم با انتشار عکسی از آقای کورکور نوشته بود: «مجاهد کورکور قاتل هیچ یک از عزیزان ۲۵ آبان در ایذه نیست. دستتان برای مردم رو شده است و با این کار تیشه به ریشه‌ی متزلزل خود می‌زنید.»

زینب مولایی‌راد مادر کیان پیرفلک پیشتر نیز در واکنش به متهم کردن بهمن بهمنی به قتل کیان از سوی مسئولان جمهوری اسلامی، در اینستاگرام نوشته بود: «بهمن برادر منه. من مادر کیان، هر کس از همشهریانم را که به عنوان قاتل معرفی کنید هرگز نمی‌پذیرم. چرا که می‌خواهید طایفه‌ها رو به جان هم بندازید.»

او همچنین به طعنه نوشته بود «حالا خوبه که دو ساعت بعد از اتفاق تروریست‌ها رو در مرز ماکو که ۲۴ ساعت با ایذه فاصله داره گرفته بودید!»

زینب مولایی‌راد چند روز پیش از انتشار این متن نیز تصویری از دیدار خودش با مادر مجاهد کورکور را منتشر کرده بود که حاوی این پیام بود که از دید خانواده پیرفلک مجاهد قاتل فرزندان‌شان نیست.

همچنین با درخواست خانواده پیرفلک، داوود شاه‌ولی وکیل پایه یک دادگستری که وکالت خانواده کیان پیرفلک را بر عهده دارد، وکالت مجاهد کورکور، شهروند اهل ایذه محکوم به اعدام در پرونده حکومتی قتل کیان را نیز بر عهده گرفت. داوود شاه ولی هفتم اسفندماه در مورد آخرین وضعیت پرونده کیان گفته بود: «اراده‌ای وجود دارد که قتل مرحوم کیان پیرفلک به دستگیرشدگان آن درگیری منتسب شود. من به عنوان یک وکیل به خانواده مرحوم اعلام کردم که نه مانع طرح شکایت آنان می‌شوم و نه آنها را به نتیجه پیگیری امیدوار می‌کنم.»

داوود شاه‌ولی فروردین امسال هم گزارش داد که «با تصمیم شعبه دوم بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب ایذه مبنی بر صلاحیت دادسرای نظامی استان خوزستان در رسیدگی به پرونده کیان پیرفلک، پرونده جهت ثبت و رسیدگی به دادسرای نظامی مرکز استان ارسال خواهد شد. با توجه به روند طی شده پرونده و برخورد قانونی دادرها و دادگاه‌های نظامی با تخلفات ضابطین قضایی و وجود دلائل عدیده که بر توجه اتهام قتل کیان به ضابطین قضایی دلالت دارد، همچنان به کشف حقیقت امیدواریم.»

ارجاع پرونده قتل کیان پیرفلک به دادگاه نظامی به معنای پذیرش احتمال شلیک مأموران حکومتی به اوست؛ موضوعی که پیشتر از سوی جمهوری اسلامی تکذیب و حتی چند شهروند را با اتهام قتل کیان و با اهداف تروریستی بازداشت کرده بود.

با وجود شاهدان عینی که بیگناهی مجاهد کورکور و بهمن بهمنی را ثابت و شلیک به کیان و دیگر شهروندان از سوی نیروهای حکومتی را تأیید می‌کند، همانطور که وکیل خانواده پیرفلک عنوان کرده «اراده‌ای» از سوی حکومت به دنبال دستکاری این پرونده است.

از جمله آنکه دادسرای ایذه بخش‌های از فیلم دوربین مداربسته دوربین‌های محل تیراندازی در شامگاه ۲۵ آبان و دقایقی بعد از تیراندازی را به نمایش درآورده اما ویدئوی صحنه تیراندازی که توسط دوربین‌ها ضبط شده را نمایش نداده است!

سجاد پیرفلک از اظهار بی‌اطلاعی دادستانی از ویدئوهای شب حادثه خبر داده و نوشته است: «در پرونده‌ای که برای شب خونین ایذه در ۲۵ آبان ماه ۱۴۰۱ ساخته شده، برای محکومیت برخی از معترضین به دوربین‌های مسلط بر صحنه قتل کیان، در زمان‌های قبل و بعد از قتل استناد شده است اما دادستانی از وجود فیلم در زمان قتل کیان اظهار بی‌اطلاعی کرده است.»

در روزهای گذشته خانواده کیان پیرفلک نیز با تشدید فشارهای امنیتی و قضایی روبرو شده‌اند. پویا مولایی‌راد پسر عموی ماه‌منیر مولایی‌راد روز یکشنبه ۲۱ خردادماه همزمان با مراسم یادبود تولد کیان پیرفلک با شلیک مأموران انتظامی کشته شد.

مقامات جمهوری اسلامی مدعی هستند ۲۱ خردادماه پویا مولایی‌راد در حالی که با اتومبیلش به مراسم یادبود کیان می‌رفته با نیروهای انتظامی و امنیتی که در نزدیکی ایست‌بازرسی روستای پرچستان ایذه کمین کرده بودند برخورد کرده و در این تصادف یک مأمور انتظامی به نام «محمد قنبری» کشته شده است.

پس از این برخورد در حالی که پویا از اتومبیل پیاده شده توسط مأموران حاضر در صحنه به رگبار بسته شده است. برخی روایت‌ها حاکی از آن است که پویا حتی دستانش را به تسلیم بلند کرده اما مأموران جمهوری اسلامی به سوی او تیراندازی کرده‌اند.

سناریوسازی جمهوری اسلامی با کشتن پویا شدت گرفته است؛ رسانه‌های حکومتی با کمک سازمان اطلاعات سپاه پاسداران (ساس) این «تصادف جاده‌ای» را «عملیات ترویستی» جلوه داده و خانواده کیان به ویژه مادر او را مسئول و سازمانده آن عنوان می‌کنند.

روزنامه «کیهان» چاپ تهران در مطلبی نوشت که «مادر کیان پیرفلک آنچنان غرق رسانه‌های دشمن بود که برای خونخواهی فرزندش به دامن قاتلان او پناه برد و وقتی قاتل اصلی کیان را شناسایی کردند این زن مدعی بی‌گناهی او شد و او را مظهر شرافت دانست!»

در ادامه این مطلب آمده بود: «نفرت‌پراکنی این زن علیه جمهوری اسلامی با حمایت شبکه گسترده رسانه‌ای دشمن در تمام این مدت ادامه داشت تا اینکه به مناسبت سالروز تولد کیان پیرفلک، رسانه‌های معاند نسبت به انتشار فراخوان تجمع در محل آرامگاه وی در روستای پرچستان ایذه اقدام و عده‌ای در این مکان تجمع کردند.»

سجاد پیرفلک عموی کیان پیرفلک نیز روز شنبه ۲۷ خرداد ۱۴۰۲ در شهر ایذه و در همان خیابانی که کیان مورد اصابت گلوله مأموران جمهوری اسلامی قرار گرفته بود بازداشت شد. همزمان با بازداشت سجاد پیرفلک اکانت توئیتری او از دسترس خارج شده که به نظر می‌رسد مأموران موبایل او را در اختیار دارند.

از نهاد امنیتی بازداشت‌کننده سجاد پیرفلک و محل نگهداری او تا زمان تنظیم این گزارش خبری در دست نیست. ماه‌منیر مولایی‌راد نیز روز یکشنبه ۲۸ خردادماه به وزارت اطلاعات احضار شد و همزمان صفحه اینستاگرام او از دسترس خارج شده است.

شهروندان در ایذه گزارش داده‌اند که شیشه سنگ مزار کیان پیرفلک نیز در روز شنبه ۲۷ خردادماه شکسته و خرد شده است.

## رمزیابی از «بوف کور» صادق هدایت در سخنرانی آلفرد مانانیان



صادق هدایت

● «صادق هدایت همه‌ی جوانب فرهنگی، فولکلوریک (که در این حوزه در زمان خودش کسی به سطح او تا امروز نرسیده است)، تاریخی و مدنی ایران را مورد پژوهش عمیق قرار داده بود.»

● «در حوزه پژوهش‌های ادبی هم، به‌خصوص «ترانه‌های خیام» او با دقت زیادی رباعیاتی را که می‌شود اثر خود خیام دانست و تعداد آنها به ۱۴۲ یا ۱۴۶ می‌رسد، به درستی از رباعیاتی که بعدها به آنها اضافه شده‌اند غربال کرده است. برای این کار با برخوردی سیستماتیک زبان تاریخی زمان خیام و فلسفه‌ی خیام را عمیقاً مطالعه کرده است.»

● «برای درک هدایت باید با دانش وسیع خارج از متن آثار او را مورد بررسی قرار داد... تم اصلی «بوف کور» تقابل بین فرهنگ ایران و فرهنگ عرب و اسلام است... هدایت بر این باور بوده که با تهاجم اعراب به ایران، فرهنگ بالنده ایران از تکامل و پیشرفت باز ماند و سیر طبیعی خود را دیگر طی نکرده و به زعم او فرهنگ ایران زنده زنده دفن شده است.»

● «هدایت از آن ناسیونالیست‌های افراطی نیست که همه‌ی اجزاء فرهنگ ایران را مثبت و پیشرو و کامل بدانند. به همین دلیل است که به سراغ تحقیق در زمینه‌ی فولکلور ایران رفته و مطالعه عمیقی از آن کرده زیرا باور داشته که در فرهنگ فولکلور عوامل فرهنگی دست نخورده باقی می‌مانند و از دریچه‌ی بررسی آن می‌توان به کنه فرهنگ دست یافت. یعنی با شناخت عمیق فرهنگ ایران پیش از اسلام و فرهنگ فولکلور یا عامه می‌توان مآداهای «بوف کور» را رمزبانی کرد.»

فعالیت گروه ادبی انجمن ایرانیان ارمنی در شهر گلندل لس‌آنجلس بطور عمده بر ادبیات ارمنی متمرکز است ولی در زمینه‌ی ادبیات فارسی و ادبیات جهانی نیز هر از چند گاهی برنامه‌های عمومی برگزار می‌کند. جلسه ماه



می‌گیرد را باید در نظر گرفت. خود هدایت به رمزبایی‌های سمبلیک در فرهنگ ایران در مقدمه کتاب «ویس و رامین» که یکی دیگر از تحقیقات اوست، پرداخته است. او در آنجا بطور مشخص به رنگ کیوبه به عنوان نمادی از مرگ در فرهنگ ایران اشاره می‌کند و در «بوف کور» هم در جایی ابتدا به نیلوفر آبی و بعد از مرگ زن اثری به نیلوفر کیوبه اشاره می‌کند. خلاصه اینکه برای درک هدایت باید با دانش وسیع خارج از متن آثار او را مورد بررسی قرار داد. مانانیاں افزود که بخش مهم رمزبایی‌های «بوف کور» کار چند کارشناس از جمله دکتر سعید هنرمند استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کلمبیا است. دکتر هنرمند در کتابی تحت عنوان «پیرامون مسئله زبان در داستان‌های فارسی»، این بررسی را انجام داده است. مانانیاں افزود که دکتر هنرمند در مقاله‌ای در کتاب دیگری تحت عنوان «ادبیات از دریچه نظریه» راجع به «بوف کور» در مورد همان نیلوفر آبی و کوزه راغ یا راغه این موضوع را توضیح می‌دهد. راغ همان ری است. شهر ری هم از قدیمی‌ترین مراکز شهرنشینی دنیاست که قدمت آن به ۸ هزار سال می‌رسد و آثاری که از آن به دست آمده این ادعا را ثابت می‌کند. شهر ری اسم‌های مختلفی نیز داشته. یکی از اسم‌های آن «ارشکیه» است که همان اشکانی به زبان ارمنی است. ری، راغ و رازی هم به آن مربوط است. زن اثری را هم که در همانجا دفن می‌کنند، درواقع زنده است و چشم‌هایش به ناگهان باز می‌شود که این استعاره‌ای از زنده بگور کردن فرهنگ ایران است. بنابراین، تم اصلی «بوف کور» تقابل بین فرهنگ ایران و فرهنگ عرب و اسلام است.

دیگر آنکه باید نگرش هدایت را به مسائل اجتماعی و تاریخی در نظر بگیریم. گفتیم که بخشی از داستان‌های هدایت به صورت طنز مسائل اجتماعی را بررسی می‌کند که در برخی، مانند «علویه خانم» داستان نمایش چهل و عقب‌ماندگی است. هدایت بر این باور بوده که با تهاجم اعراب به ایران، فرهنگ بالنده ایران از تکامل و پیشرفت باز ماند و سیر طبیعی خود را دیگر طی نکرده و به زعم او فرهنگ ایران زنده زنده دفن شده است. به یادهم داشته باشیم که هدایت از آن ناسیونالیست‌های افراطی نیست که همه‌ی اجزاء فرهنگ ایران را مثبت و پیشرو و کامل بداند. به همین دلیل است که به سراغ تحقیق در زمینه فولکلور ایران رفته و مطالعه عمیقی از آن کرده زیرا باور داشته که در فرهنگ فولکلور عوامل فرهنگی دست نخورده باقی می‌مانند و از دریچه‌ی بررسی آن می‌توان به کنه فرهنگ دست یافت. یعنی با شناخت عمیق فرهنگ ایران پیش از اسلام و فرهنگ فولکلور یا عامه می‌توان نمادهای «بوف کور» را رمزبایی کرد. شخصیت‌ها در «بوف کور» هیچکدام اسم ندارند. علاوه بر آن، فقط دو مکان است که با اسم خاص مشخص می‌شوند، یعنی شهر ری و بنارس هند. جالب است که از زبان راوی، به این مکان شهر ری گفته می‌شود ولی وقتی زن اثری را می‌خواهند در آنجا دفن کنند، از زبان پیرمرد خنزر پنزری یا پیرمرد قوزی، آن مکان می‌شود «شاه عبدالعظیم» که اسم عربی و اسلامی است.

در حین دفن کردن، چشم‌های زن اثری باز می‌شود؛ این به صورت نمادین نشانگر دفن فرهنگ ایران کهن به دست اعراب مسلمان و از بین رفتن آنست. در حین دفن کوزه راغه- از شهر ری- که نماد ایران پیش از اسلام است را پیدا می‌کنند. بخش بعدی داستان به اینصورت تکرار می‌شود که در عالم واقعیت راوی داستان زن خود، لکاته، را می‌کشد و در آخر که به اتاق یا غار خود پناه می‌برد متوجه می‌شود که پیرمرد قوزی، کوزه راغه را می‌ریاید ولی او توان پس گرفتن‌اش را ندارد. به عبارتی دیگر، فرهنگ کهن ایران به صورت زنده زنده دفن شده و بقایای آنهم به تاراج رفته است.

می‌گویند؛ دلیل آنهم اینست که سبک نوشتاری و روایی، ساختار داستانی، شخصیت‌پردازی و تکنیک‌هایی که در آثار این نویسندگان ایرانی به کار رفته، از ساختار روایی تک‌خطی آن تا شخصیت‌پردازی، در حوزه و منطق ادبیات کلاسیک قرار می‌گیرد. از جمله برخی داستان‌های صادق هدایت مانند «حاجی آقا»، «سگ ولگرد»، «علویه خانم» که رنگ و فضای رئالیستی دارند، و مانند «یکی بود یکی نبود» جمالزاده و «عزاداران بیل» ساعدی و «کلیدر» محمد دولت آبادی هستند. سخنران ادامه داد که در ادبیات غرب پسا «اولیس» جیمز جویس- که نقطه عطفی در ادبیات جهان شمرده می‌شود- ساختار روایی داستان دیگر تک‌خطی نیست و در محور زمان به صورت سیال می‌تواند به جلو و عقب نوسان داشته باشد، شخصیت‌پردازی می‌تواند سیال باشد و شخصیت‌ها به همدیگر تبدیل شوند یا مرز مشخصی آنها را از هم جدا نکند؛ حتی می‌تواند دارای روایت‌های موازی بدون ارتباط با هم باشند و عامل زمان هم خارج از منطق رئالیستی باشد. مانانیاں ادامه داد که بدون شک هدایت «اولیس» جیمز جویس را خوانده و از آن تأثیر پذیرفته بود. به یقین در سال‌هایی که «اولیس» ابتدا در فرانسه و سپس در ایرلند انتشار یافت صادق هدایت در فرانسه بوده است. تأثیری که صادق هدایت از این داستان و ادبیات مشابه گرفت منجر به آفرینش شاهکارهایی مانند «بوف کور» و «زنده بگور» شد.

سخنران در اینجا پرازنزی باز کرد و گفت گفتمانی که در کل ادبیات داستانی ایران مشترک است، تضاد بین پیشرفت و توسعه‌یافتگی و عقب‌ماندگی و در بخشی دیگر، یعنی ادبیات رئالیسم سوسیالیستی ایرانی، گفتمان غالب رستگاری است. البته باید در نظر داشته باشیم که مکتب غالب ادبی در ایران رئالیسم اجتماعی بوده است. داستان کلاسیک «حاجی آقا» و «علویه خانم» صادق هدایت هم نمونه‌ای است از همین شیوه با همین گفتمان غالب. مانانیاں افزود که آثاری مانند «بین بوف کور»، «زنده بگور» و «آینه شکسته» را می‌توان مبداء داستان‌نویسی مدرن ایران دانست.

اما برای فهم «بوف کور» باید در نظر گرفت که صادق هدایت همه‌ی جوانب فرهنگی، فولکلوریک (که در این حوزه در زمان خودش کسی به سطح او تا امروز نرسیده است)، تاریخی و مدنی ایران را مورد پژوهش عمیق قرار داده بود. به راستی که در دوره‌ی خودش، حتی اساتیدی که گرسی دانشگاهی داشتند و از طرف دولت هم حمایت می‌شدند، حجم و کیفیت کارشان به حد پژوهش‌های صادق هدایت نمی‌رسد. کار هدایت در ترجمه‌ی متون اوستایی هم کاری بزرگی بوده است. افزون بر اینها، هدایت رمان‌های مدرن غربی را عمیقاً مطالعه کرده و علاوه بر «اولیس» جیمز جویس، آثار ویرجینیا وولف و فرانتس کافکا و ویلیام فالکنر را خوانده و تکنیک‌های آنها به خوبی درک کرده و به کار برده است. در حوزه پژوهش‌های ادبی هم، به‌خصوص «ترانه‌های خیام» او با دقت زیادی رباعیاتی را که می‌شود اثر خود خیام دانست و تعداد آنها به ۱۴۲ یا ۱۴۶ می‌رسد، به درستی از رباعیاتی که بعدها به آنها اضافه شده‌اند غربال کرده است. برای این کار با برخوردی سیستماتیک زبان تاریخی زمان خیام و فلسفه‌ی خیام را عمیقاً مطالعه کرده است.

سخنران افزود کسی که اینهمه دانش در حوزه‌های مختلف ایران‌شناسی و ادبیات غربی دارد و از این دانش عمیق بطور خلاق در آثار خود استفاده کرده است، نمی‌توان «بوف کور» و کارهای مشابه آن را فقط با ابزار روانشناختی تحلیل کرد و به آن بسنده کرد که فصل اول این داستان محصول توهمات و افکار یک ذهن مغشوش و نشسته است.

بنابراین در تحلیل متن «بوف کور» نمادسازی‌های خاصی که از عمق دانش همه‌جانبه‌ی او در ایران‌شناسی سرچشمه

→ ژوئن گروه ادبی، سخنرانی آلفرد مانانیاں دانش‌آموخته ادبیات فارسی دانشگاه تهران درباره «بوف کور» و صاق هدایت بود. از جمله سخنرانی‌هایی که مانانیاں قبلاً در این انجمن ادبی داشته است می‌توان از «وزن و عروض و قافیه در شعر کلاسیک و شعر نوین فارسی» و «داستان‌سرایی مدرن ایران» نام برد.

در این گزارش تنها فشرده‌ای از نکات مهمی را که آلفرد مانانیاں در سخنان مبسوط خود درباره این اثر جهانی صادق هدایت به آنها پرداخت می‌خوانید.

وی در ابتدای سخنان گفت که قبلاً هم شاهد برنامه‌هایی در زمینه‌ی ادبیات فارسی در این انجمن بوده‌ایم ولی تعداد حضاران به این تعداد هیچوقت نرسیده بود. او گفت که احتمالاً شهرت صادق هدایت و به‌خصوص داستان «بوف کور» در این استقبال نقش داشته است.

سخنران گفت که داستان صادق هدایت و «بوف کور» از داستان‌های منحصر به فرد ادبیات فارسی است. اساساً پروسه شکل‌گیری «بوف کور» خودش داستانی است که از همان روزهای نخستین که این داستان به صورت پلی‌کپی در هند چاپ و تکثیر شد، شروع می‌شود و به چاپ و انتشار آن در ایران به سال ۱۹۳۶ می‌رسد. از آن تاریخ به بعد «بوف کور» به ۳۲ زبان مختلف در دنیا ترجمه شده است. سخنران گفت که گرافه نیست اگر بگوییم که بعد از خیام و حافظ و مولانا، تنها کسی که در ادبیات فارسی تا این حد زیاد مورد توجه جامعه جهانی قرار گرفته، صادق هدایت با «بوف کور» ش بوده است. مانانیاں ادامه داد که ما در ایران داستان‌های خوب کم نداشته‌ایم ولی هیچکدام از آنها و آثارشان به پیچیدگی و نثر لطیف و ظریفی که «بوف کور» از آن بهره‌مند است نرسیده‌اند. می‌توان گفت که تنها داستانی که از سبک و محتوا تا درجه‌ای به «بوف کور» نزدیک می‌شود «شازده احتجاب» هوشنگ گلشیری است. وی افزود عامل دیگر که البته در شهرت «بوف کور» نقش دارد، خودکشی صادق هدایت است. سخنران در ادامه اشاره کرد که اکثر نوشته‌ها و تحقیقات

در مورد «بوف کور» طی حدود نود سال عمدتاً از زاویه روانشناسی بوده است که خودکشی و بدبینی هدایت نسبت به برخی مسائل اجتماعی و فرهنگی را، بیشتر مد نظر داشته است. بطور خلاصه اینکه «بوف کور» را یک داستان سورئالیست و زالییده تفکرات و توهمات نویسنده‌ای ارزیابی می‌کنند که شاید دچار افسردگی بوده است. البته اضافه کنیم که بخش اول داستان این تصور را ایجاد می‌کند. اما «بوف کور» در این محدوده باقی نمی‌ماند، اگر می‌ماند می‌توانستیم بگوییم که یک داستان سورئالیستی است. برای درک بهتر «بوف کور» و زبان نمادین آن باید بسی فراتر از تحلیل روانشناختی و متن آن رفت. مانانیاں گفت شیوه‌ای که او برای تحلیل «بوف کور» به کار برده متفاوت از تحلیل روانشناسی است که مختصات آنرا پس از مقدمه‌ای که در زیر می‌آید بازگو کرد.

سخنران گفت که وقتی صحبت از ادبیات مدرن فارسی می‌شود گفته می‌شود که با داستان «فارسی شکر است» جمالزاده شروع می‌شود. ما در ایران آثار داستانی بعد از جمالزاده را داستان‌نویسی مدرن ایران می‌نامیم. از این منظر داستان‌های صادق چوبک، بزرگ علوی، غلامحسین ساعدی، محمود دولت آبادی، جمالزاده و میرصادقی ... را جزو ادبیات مدرن می‌دانیم. این در حالیست که در ادبیات غرب داستان‌نویسی مدرن (Modernist literature) در تمایز با ادبیات رئالیست و کلاسیک ارزیابی می‌شود. به باور سخنران برای درک بهتر از «بوف کور» لازم است با معیارهای ادبیات مدرن غربی خصوصاً در مورد ساختار روایی این نوع داستان‌ها که به آن نگریتست. در غرب به بخشی از اینگونه داستان‌ها که ما ادبیات مدرن داستانی ایران می‌نامیم، ادبیات کلاسیک

# جشنواره «زن، زندگی، آزادی» فیلم‌های کارگردانان زن ایران را به لندن آورد



داستان جنایتی که از آن با عنوان «قتل ناموسی» یاد می‌شود. داستان قطره خونی که می‌تواند فاجعه بیافریند. «۱۱۳۳» از حوری شفیع‌یون هم که هنرپیشه زن آن، مریم محمدخانی، جایزه بهترین بازیگر زن جشنواره بریتانیایی Film Buzz Festival را به دست آورد، داستان حقوقی است که زنان در جمهوری اسلامی ندارند. ۱۱۳۳ شماره‌ی ماده‌ای از قوانین جمهوری اسلامی در رابطه با حق طلاق است. بر مبنای این ماده مرد می‌تواند همسرش را طلاق دهد، ولی زن با توجه به تبصره‌های ۱۱۱۹، ۱۱۲۹ و ۱۱۳۰ تنها در موارد خاص از جمله خشونت وحشیانه همسر می‌تواند برای تقاضای جدایی به دادگاه مراجعه کند. در این فیلم ما شاهد خودزنی زنی هستیم که می‌خواهد شواهد محکمه‌پسند برای تقاضای جدایی از همسری ایجاد کند که او را رها کرده است.

دو فیلم هم به موضوع تنهائی می‌پردازند. اولی انیمیشنی بسیار زیبا با عنوان «قطعه تنهائی» به کارگردانی الهه قمی‌شی است. مردی در خانه‌ای که تنها کتاب در آن دیده می‌شود با خاطرات خود زندگی می‌کند و صفحات کتاب را می‌خورد تا در داخل کتاب‌های خالی از صفحات اشیائی را پنهان سازد که یادآور کودکی او هستند. یکی از این اشیاء که یادآور دوران کودکی است، یک ساز دهنی است، که او آنرا پیدا نمی‌کند. «آشیانه خالی» از فریبا عرب مستندی است که در یکی از خانه‌های سالمندان تهران ساخته شده است. کارگردان که برای ساختن فیلمی تبلیغاتی به این خانه سالمندان دعوت شده بود، تصمیم می‌گیرد پای صحبت سه نفر از ساکنان آن، یک دبیر ادبیات بازنشسته، و دو زن که یکی پرستار بوده و دیگری کارمند، بنشیند. این فیلم قبل از دوران کرونا فیلمبرداری شده است. پس از پایان این دوران کارگردان به این خانه سالمندان برمی‌گردد تا مستند تدوین شده را به آنها نشان بدهد. هر سه تن در این فاصله درگذشته‌اند. ولی داستان زمانی انگشت بر تنهائی می‌گذارد که فرزندان هیچ‌کدام از این سه نفر علاقه‌ای به دیدن فیلمی که زندگی پدر و مادرشان را به تصویر کشیده ندارند. در اینجاست که جمله زن پرستاری که در دوران جنگ ۸ ساله با عراق در پشت جبهه خدمت کرده بود معنی پیدا می‌کند: فرزندان هرچه بیشتر تحصیل کرده باشند عاطفه کمتری دارند و فرزندان من همه تحصیل کردند.

جاری در جمهوری اسلامی حداقل سن برای ازدواج دختران ۱۳ سال خورشیدی است، اگرچه قبل از آنهم با مراجعه به دادگاه می‌توان دختران ده ساله را به ازدواج مردانی سال‌ها مسن‌تر درآورد. بر اساس آخرین گزارش مرکز آمار ایران، از زمستان ۱۴۰۰ تا پایان پاییز ۱۴۰۱، دست‌کم ۲۷ هزار و ۴۴۸ مورد ازدواج دختران زیر ۱۵ سال در نقاط مختلف ایران ثبت شده است. روندی که در دو سال اخیر رشد صعودی داشته است. «شیب تند» کار مشترک بهجت داودی و عفت عجم روایت دختر جوانی است که قصد خروج غیرقانونی از کشور را در جستجوی زندگی بهتر دارد. از همین کارگردان در این جشنواره مستندی در مورد یکی از سرشناس‌ترین سازندگان و نوازندگان دوتار، سازی از خطه جنوبی خراسان، نیز اکران شد.

«کاپیتان» از پوریا سلیمانی داستان دخترانی است که می‌خواهند فوتبال بازی کنند. یکی برای بازی می‌پذیرد با مرد مسنی ازدواج کند چون پدرش حاضر نیست او را به جلسات تمرین بفرستد. دیگری برای بازی می‌پذیرد برخلاف میل خود در رشته‌ای در دانشگاه تحصیل کند که خواست پدرش است و این تنها راه برای جلب رضایت او برای حضور در تیم فوتبال است. داستان سومی کمی پیچیده‌تر است. پدر معتاد وی مخالفتی ندارد، ولی برادرش نمی‌خواهد «ناموس» او به زمین فوتبال گام بگذارد و او را به خاطر سرپیچی به شدت کتک می‌زند. در اینجاست که پدر قدم به داستان می‌گذارد و برای نجات دختر، پسرش را که سرباز فراری است لو می‌دهد. «پاس» از الیکا عبداللهی به یکی دیگر از مشکلات اخلاقی جامعه یعنی کلاهبرداری می‌پردازد. مینا همدانی برای ایفای نقش در این فیلم توانست جایزه بهترین بازیگر زن جشنواره بین‌المللی سینمای مستقل «مادرید» را از آن خود سازد. جایزه بهترین فیلمنامه جشنواره سینمایی «مایورکا» در اسپانیا نیز به «پاس» تعلق گرفت.

یکی دیگر از آثار تکان‌دهنده‌ای که در این جشنواره اکران شد، فیلم «خون» از سحر میرزائیان‌فر است که در بیش از ۵۰ جشنواره جهانی حضور داشته و تا کنون ۲۰ جایزه نیز به دست آورده است. این فیلم با صحنه‌های یک عروسی آغاز و ساعاتی بعد با قتل تازه‌عروس به دست پدرش به پایان می‌رسد. روایت بازرگی و دستمال خونی برای اثبات آن است!

● اولین جشنواره فیلم‌های مستند، کوتاه و انیمیشن کارگردانان زن ایرانی و فیلم‌هایی در رابطه با مشکلات زنان در جمهوری اسلامی با عنوان «زن، زندگی، آزادی» به تازگی طی دو روز توسط «بنیاد آموزشی پرشیا» در لندن و با همکاری Film Buzz Festival برگزار شد.

● طاهره دانش مدیر اجرایی «بنیاد آموزشی پرشیا» به کیهان لندن می‌گوید «این جشنواره با هدف آشنا ساختن مخاطبین بریتانیایی با واقعیت‌های اجتماعی ایران و نقض آشکار حقوق بشر در جمهوری اسلامی برگزار شد.»

● «زنده‌باد» از اعظم شاهدوست یکی از زیباترین فیلم‌های این جشنواره بود. «زنده‌باد» داستان مرد زباله‌گردی است که در میان زباله‌های محلی در نزدیکی زندان طناب داری پیدا می‌کند. در بازگشت به خانه، این مرد با طناب دار تابی برای دخترکش درست می‌کند. ابزار مرگی که بازیافت آن در زندگی وسیله‌ای برای شادی می‌شود.

احمد رأفت - اولین جشنواره فیلم‌های مستند، کوتاه و انیمیشن کارگردانان زن ایرانی و یا فیلم‌هایی که در رابطه با مشکلات زنان در جمهوری اسلامی است، در روزهای گذشته با عنوان «زن، زندگی، آزادی» در دو روز برگزار شد. «بنیاد آموزشی پرشیا» که در سال ۲۰۱۶ در بریتانیا آغاز به کار کرد و Film Buzz Festival لندن به صورت مشترک این جشنواره را برگزار کردند. در دور روز برگزاری این جشنواره در مجموع ۲۰ فیلم به نمایش درآمد که برخی مستند، شماری داستانی و بقیه انیمیشن بودند.

طاهره دانش مدیر اجرایی «بنیاد آموزشی پرشیا» به کیهان لندن می‌گوید «این جشنواره با هدف آشنا ساختن مخاطبین بریتانیایی با واقعیت‌های اجتماعی ایران و نقض آشکار حقوق بشر در جمهوری اسلامی برگزار شد. برای این کار دو شرط لازم بود: اول اینکه وضعیت در ایران را با صدای مردم داخل کشور به گوش بریتانیایی‌ها برسانیم و بنابراین کارهای هنرمندان داخل کشور را در همکاری با Film Buzz Festival انتخاب کردیم؛ و دوم اینکه عمده تماشاگران شرکت‌کننده در این جشنواره غیرایرانی باشند، چون ما ایرانی‌ها به اندازه کافی از آنچه در کشورمان می‌گذرد مطلع هستیم.»

هر کدام از آثاری که در دو روز در این جشنواره اکران شدند، بر روی یکی از مشکلات جامعه تمرکز دارند. یکی از زیباترین کارها فیلم داستانی بسیار کوتاهی با نام «زنده باد» به کارگردانی اعظم شاهدوست است. «زنده باد» که در ماه اوت آینده در جشنواره «نوری بر جهان» در روسیه نیز اکران خواهد شد، داستان مردی است که برای گذران زندگی زباله‌گردی می‌کند. او در میان زباله‌های محلی در نزدیکی یک زندان طناب داری پیدا می‌کند. در بازگشت به خانه، زمانی که با کمک همسر و دختر خردسالش زباله‌ها را برای فروش تفکیک می‌کنند، این مرد با طناب دار تابی برای دخترکش درست می‌کند. ابزار مرگی که بازیافت آن در زندگی به وسیله‌ای برای شادی تبدیل می‌شود.

«۹ ساعت با هانا» که حسین فیروزه آنرا کارگردانی کرده و جایزه بهترین کارگردانی بخش فیلم‌های کوتاه جشنواره هنر و فیلم «پمبروک» و جایزه بزرگ جشنواره «آستوریا»، هر دو در آمریکا، را در کارنامه خود دارد، به یکی دیگر از مشکلات بسیار جدی جامعه امروزی ایران، «کودک همسری»، می‌پردازد. دخترانی که در سنین بسیار پایین از نیمکت مدرسه به خانه شوهر فرستاده می‌شوند و زمانی که خود هنوز کودک هستند مجبورند نقش همسر و مادر را بر عهده بگیرند. طبق قوانین



# حضور متفاوت ایرانیان LGBTQ+ در «رژه افتخار» تورنتو؛ «در ایران آزاد جا برای همه به حد کافی هست»



رژه ایرانی‌ها در «پراید» تورنتو ۲۰۲۳

شایا گلدوست زن ترنس روزنامه‌نگار و کنشگر مسائل جنسی و جنسیتی به کیهان لندن می‌گوید: «در رژه پراید تورنتو بین رنگین‌کمانی‌های ایرانی با گرایش‌های مختلف جنسی و جنسیتی اتحاد دیدم. اغلب‌شان با یک هدف آمده بودند. تحت تأثیر انقلابی که در ایران جریان دارد وضعیت متفاوت شده و این را می‌شد از نمادها و شعارهایشان دید.»

● به اعتقاد شایا گلدوست «نگاه جمهوری اسلامی به مسائل اجتماعی نمی‌تواند غیرامنیتی باشد چون اساساً این حکومت با جامعه سر ستیز دارد. ستیز و هراس نسبت به اقلیت‌ها و گروه‌های آسیب‌پذیر با ماهیت جمهوری اسلامی نسبتی مستقیم دارد. بنابراین هر چیزی را که در چارچوب منطق دینی و ایدئولوژیک خودشان نباشد نمی‌پذیرند. مگر در شرایط خاص که برایشان نفع مالی داشته باشد.»

● «در میان اقلیت‌ها آن گروه‌هایی که آسیب‌پذیرترند بیشترین صدمه را دیده‌اند از جمله جامعه رنگین‌کمانی که از حکومت و جامعه و حتی خانواده خشونت را تجربه می‌کنند. آنها بیش از دیگر اقشار به حاشیه رانده شده منزوی می‌شوند. زندگی بیشتر از سایرین برایشان سخت می‌شود. شغل پیدا کردن شغل پیدا کردن تقریباً برایشان غیرممکن است.»

● اوایل خرداد پنج فرد ترنس در محله افسریه تهران هدف مزاحمت «یک آمر به معروف» قرار گرفتند و سپس بازداشت شدند. وبسایت «همشهری آنلاین» ۲۹ خرداد فیلم اعترافات اجباری این افراد را که در «ستاد اطلاعاتی سپاه» ضبط شد، نمایش داد. در همین ارتباط سازمان «شش رنگ» درباره خطر تجاوز و آزار جنسی علیه افراد بازداشت شده در زندان‌ها و در روند بازجویی و همچنین در مورد احتمال انتقال آنها به زندان مردان هشدار داده است.

هزاران نفر از مردم از نقاط دور و نزدیک دنیا به همراه شماری از سیاستمداران کانادایی روز شنبه سوم تیرماه ۱۴۰۲ برای تماشای رژه «افتخار» (پراید) در تورنتو گردهم آمدند. کنشگران LGBTQ+ از کانادا، آمریکا و سایر کشورهای دنیا در میان تشویق انبوهی از جمعیت در بزرگترین رژه «افتخار» در کانادا شرکت کردند تا نویدبخش حمایت از جامعه رنگین‌کمانی‌ها و دگرباشان جنسی باشند.

در این مراسم دست‌کم ۲۵۰ گروه حضور داشتند که یکی از آنها رنگین‌کمانی‌های ایرانی بود که اغلب آنها در یکی دو دهه اخیر به دلیل شرایط بد اجتماعی و فشارهای حکومتی مجبور به ترک ایران شده بودند.

اما حضور ایرانیان در رژه «پراید» تورنتو تفاوت عمده‌ای با سال‌های قبل داشت. تدارکات و برنامه‌ریزی‌های آنها امسال تحت تأثیر خیزش ملی در ایران قرار داشت. گروه ایرانی علاوه بر پرچم رنگین‌کمان پلاکاردهایی با شعار «زن، زندگی، آزادی» و پرچم شیروخورشید در دست داشتند.

شایا گلدوست زن ترنس و روزنامه‌نگار و کنشگر مسائل جنسی و جنسیتی به کیهان لندن می‌گوید: «این رژه در حالی برگزار شد که آمارها نشان می‌دهد جرائم ناشی از نفرت علیه جامعه رنگین‌کمانی در کشوری مثل کانادا در بین سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۱ تقریباً ۶۴ درصد افزایش پیدا کرده است. پس در ایران احتمالاً وضعیت به مراتب وخیم‌تر شده است. هرچند تلاش‌های زیادی از سوی فعالان برای افزایش سطح آگاهی مردم صورت گرفته که نتایج مثبتی به همراه داشته است.»

وی درباره شکل حضور ایرانی‌ها در رژه توضیح می‌دهد: «امسال به نظرم خیلی متفاوت‌تر از سال‌های پیش برگزار شد. بین رنگین‌کمانی‌های ایرانی با گرایش‌های مختلف جنسی و جنسیتی اتحاد دیدم. اغلب‌شان با یک هدف آمده بودند. این را می‌شد از نمادها و شعارهایشان دید. وقتی جامعه رنگین‌کمان از کشورهای دیگر در تجمعات یا مراسمی شرکت می‌کردند علاوه بر پرچم خودشان پرچم کشورشان را هم داشتند. سال‌های طولانی وقتی جامعه رنگین‌کمانی ایرانی تجمع یا مراسم داشت یا در رژه شرکت می‌کردند یا پرچم کشورشان نبود یا در مواقعی حتا پرچم جمهوری اسلامی را می‌آوردند و برایش توجیه می‌ساختند. کنار هم قرار گرفتن پرچم رنگین‌کمانی و پرچم جمهوری اسلامی مضحک بود. امسال تحت تأثیر انقلابی که در ایران جریان دارد وضعیت متفاوت است.»

**نگاه امنیتی به اقلیت‌های جنسی**

اخیراً شماری از نمایندگان اقلیت‌های جنسی و جنسیتی در کاخ سفید با جو بایدن رئیس‌جمهوری آمریکا دیدار کردند. سید مجید امامی دبیر شورای فرهنگ عمومی با تأکید بر ضرورت اقدام علیه «خرده فرهنگ‌های جنسی منحط» گفته بود برخی مستندات وجود دارد که نشان می‌دهد صهیونیست‌ها با لابی‌ها و جنبش‌های مرتبط با همجنسگرایی ارتباط دارند. مجید امامی هشدار می‌دهد که «مظاهر همجنسگرایی، نقاط آسیب‌خیز آن و ساز و کار ترویج فرهنگ و خرده فرهنگ‌های جنسی در هر خانواده مورد مطالعه قرار گرفته است. متأسفانه شاهد این هستیم که در بین دختران جامعه ما این آسیب با سرعت بیشتری رواج پیدا کرده است.» این مسئول دولتی همچنین ادعا کرده که غربی‌ها با کمک به جریان‌های LGBTQ+ به دنبال تشکیل بازار اقتصادی همجنسگرایی هستند و به گروه‌های فشاری تبدیل شده‌اند که مسئله خودشان را به مسئله سیاست‌یاعومی جامعه تبدیل کردند. به اعتقاد شایا گلدوست «نگاه جمهوری اسلامی به مسائل اجتماعی نمی‌تواند غیرامنیتی باشد چون اساساً این حکومت با جامعه سر ستیز دارد. ستیز و هراس نسبت به اقلیت‌ها و گروه‌های آسیب‌پذیر با ماهیت جمهوری اسلامی نسبتی مستقیم دارد. بنابراین هر چیزی را که در چارچوب منطق دینی و ایدئولوژیک خودشان نباشد نمی‌پذیرند. مگر در شرایط خاص که برایشان نفع مالی داشته باشد.»

وی در ادامه می‌گوید: «تک تک ما که به هر دلیلی با هر دیدگاهی مجبور به ترک ایران شده‌ایم به امید آن روزی هستیم که اوضاع تغییر کند. شاید اگر آن روز برسد خیلی‌ها اصلاً به ایران برنگردند اما کسی که اندک دلبستگی به ایران داشته باشد از عزیزانش در ایران باشند نگران آینده آنهاست. حکومت آحاد مردم را آزار می‌دهد اقلیت‌ها را بیشتر. در میان اقلیت‌ها هم آن گروه‌هایی که آسیب‌پذیرترند بیشترین صدمه را دیده‌اند از جمله جامعه رنگین‌کمانی که از حکومت و جامعه و حتی خانواده خشونت را تجربه می‌کنند. آنها بیش از دیگر اقشار به حاشیه رانده شده منزوی می‌شوند. زندگی بیشتر از سایرین برایشان سخت می‌شود. شغل پیدا کردن تقریباً برایشان غیرممکن است. آزار و اذیت محیطی به جسم و روان آنها خیلی بیشتر لطمه می‌زند و از همه بدتر اینکه بی‌دفاع‌ترند. فکر می‌کنم در ایران آزاد برای جامعه LGBTQ+ و همه اقشار جامعه به اندازه کافی جا باشد. بنابراین نه فقط اقلیت‌های جنسی و جنسیتی ایران باید با یکدیگر متحد و همبسته شوند و اختلافات را کنار بگذارند بلکه به نفع همه ماست که گروه‌های سیاسی و اجتماعی هم تنوع را پذیرفته و آزادی را در گرو آزادی همه اقشار و افراد جامعه ببینند.»

هرچند دیدگاه بخشی از جامعه داخل کشور در مورد اقلیت‌های جنسی رو به تغییر است اما آنها همچنان با تهدیدات فراوان روبرو هستند. اوایل خردادماه پنج فرد ترنس در محله افسریه تهران هدف مزاحمت «یک آمر به معروف» قرار گرفتند و سپس بازداشت شدند. وبسایت «همشهری آنلاین» ۲۹ خرداد فیلم اعترافات اجباری این افراد را که در «ستاد اطلاعاتی سپاه» ضبط شد، نمایش داد.

در همین ارتباط سازمان «شش رنگ» با ابراز نگرانی درباره خطر تجاوز و آزار جنسی علیه پنج فرد ترنس بازداشت شده به زندان‌ها و چه در روند بازجویی و احتمال انتقال آنها به زندان مردان، تأکید کرد نقض حقوق این افراد را از طریق نهادهای بین‌المللی پیگیری خواهد کرد. این فقط یکی از ده‌ها مورد اذیت و آزار سازمانیافته علیه اقلیت‌های جنسی در ایران است آنچه در حالی که بخش عمده‌ی این موارد به دلایل مختلف اصلاً رسانه‌ای نمی‌شود.

## نمایش فیلم مستند درباره فخری خوروش به یادبود این هنرمند در لس آنجلس

● عباس حجت پناه مستندساز: پارسال از طرف دوستی به مهمانی خصوصی تولد ایشان دعوت شده بودم. وقتی خانم خوروش شمعها را فوت می‌کرد من با موبایلم شات‌هایی از ایشان گرفتم که از این شات‌ها در اول این فیلم هم استفاده کرده‌ام. همان موقع فکر می‌کردم که در اینجا نه سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران و نه وزارت فرهنگ تحت مدیریت زنده‌یاد مهرداد پهلبد وجود دارد که از فیلم مستند من درباره این هنرمندان بزرگ حمایت کند؛ و این بزرگان می‌روند و چیزی از خاطرات آنها شاید باقی نماند.

۲۵ ژوئن ۲۰۲۳ در هتل هیلتون وودلند هیلز برنامه‌ای به یاد فخری خوروش که چندی پیش در این شهر درگذشت به ابتکار مجله «جوانان» لس آنجلس برگزار شد. در بدو ورود به سرسرای محل برگزاری یادبود، دفتری در کنار عکس این هنرمند قدیمی سینمای ایران گذاشته شده بود تا حضاران به یادگار در آن بگذارند. در سالن در کنار صحنه و پرده نمایش فیلم عکس‌های بزرگی از خوروش و تاج‌ها و دسته‌های گل دیده می‌شد.

این برنامه بجای سخنرانی افراد درباره این هنرمند، شامل فیلمی مستند ۴۵ دقیقه‌ای درباره‌ی فخری خوروش از عباس حجت پناه بود و وی در ابتدای برنامه توضیحاتی کوتاهی در مورد فیلم ارائه داد.

در رابطه با این فیلم که درباره فعالیت هنری ۷۰ ساله فخری خوروش تهیه شده با عباس حجت پناه گفتگویی داشته‌ایم.

● آقای حجت پناه، آیا این فیلم را برای نمایش در این مراسم تهیه کردید یا اینکه مصادف با درگذشت این هنرمند تئاتر و سینمای ایران شد؟

- برای پاسخ به این پرسش باید برگردم به گذشته. من تهیه کننده و کارگران فیلم در تلویزیون ملی ایران قبل از انقلاب بودم. در اوایل دهه ۵۰ خورشیدی مجموعه‌های مستند را با عنوان «هنر و هنرمند» درباره زندگی هنرمندان برجسته آن زمان شروع کردم. انگیزه‌ی من آن بود که هنرمندان تا زمانی که زنده هستند این مستندها ساخته شود. بنابراین با شتاب مشغول تهیه فیلم از زندگی هنرمندان و مصاحبه با آنها شدم و مستندهایی از استاد احمد عبادی، بهاری نوازنده کمانچه، مهندس سیحون و از نقاشان و گرافیک‌ها و کاریکاتوریست‌ها از جمله پرویز کلانتری و کامبیز درمبخش و رضا مافافی ساختم. درواقع این پروژه را از آن زمان شروع کردم.

۳۷ یا ۳۸ سال پیش که به آمریکا آمدم بعد از مدتی البته با امکانات محدود، پروژه‌ام را با عکاسی از هنرمندان پی گرفتم. پرتنه‌های زیادی از هنرمندان گرفتم که به صورت کتاب در سال ۱۹۹۶ منتشر شد. هدف من با این کار ادای احترام به بزرگان هنر و فرهنگ ایران ساکن آمریکا بود.

پس از یافتن امکانات محدود برگشتم به تولید فیلم‌های کوتاه از هنرمندان از جمله پروفیسور محبوب، پروفیسور یارشاطر، نادر نادرپور و بسیاری دیگر... در حدود ۳۰ فیلم مستند در این زمینه ساخته‌ام. البته در این میان کارهای سفارشی مستند برای امرار معاش نیز بوده‌اند ولی بیشتر این مستندها را با امکانات محدود خودم و بدون چشم‌داشت مالی ساخته شده‌اند.

و اما در مورد فیلم زنده‌یاد فخری خوروش باید بگویم که



تئاتر، پرده فیلم و صفحه تلویزیون حضور داشته. حس کردم که در چنین شرایطی باید خودم آستین بالا بزنم و دست به کار شوم زیرا کس دیگری نیست.

● شما در این کارهای مستند آیا از نیروهای متخصص دیگر هم استفاده می‌کنید یا اینکه تمام کارها را خودتان انجام می‌دهید؟

- همانطور که در تیتراژ فیلم آمده تمام کارها را خودم انجام می‌دهم، از مرحله پژوهش گرفته تا فیلمبرداری آنهم فیلمبرداری با چند دوربین تا صدابرداری و تدوین. در تیتراژ هم با خجالت می‌نویسم کاری از عباس حجت پناه. در آمریکا وقتی یک فیلم سه دقیقه‌ای ساخته می‌شود ۱۰ و ۱۵ نفر جزو عوامل تولید فیلم هستند. من در این فیلم از موسیقی احمد عبادی که از بستگان همسر خانم خوروش هستند استفاده کرده‌ام و در تیتراژ هم از او تشکر کردم. از دختر و داماد ایشان هم تشکر کردم. از آقای ذکایی مجله «جوانان» که مشوق من در ساخت این فیلم بود هم در تیتراژ فیلم تشکر کرده‌ام. ذکایی البته در این فیلم صحبت هم کرده است. آقای قریب افشار هم از آرشبو خودش از مصاحبه‌هایی که با خانم خوروش داشته فوتیج‌هایی را در اختیار من قرار داد. ما در غربت این امکانات لوکس را نداریم که از عوامل دیگر استفاده بکنیم و با وقت خودمان سرمایه‌گذاری می‌کنیم.

● از کدام چهره‌ها و همکاران فخری خوروش در این فیلم استفاده کرده‌اید؟

- خانم شیرین بذله بودند که خانم خوروش در سال ۱۹۸۵ در فیلم ایشان در آمریکا بازی داشتند. آقای ذکایی به دلیل اینکه در نمایش‌هایی که خانم خوروش در دهه ۹۰ که در آمریکا روی صحنه آمدند، تمام پوشش خبری این اجراها را در مجله «جوانان» انجام می‌داد. اضافه کنم که صرفاً برای رونق دادن به فیلم نبود که من از این چهره‌ها در فیلم استفاده کردم، بلکه تمام آنها، از جمله آقای پرویز صیاد خاطرات جالب و مهمی از خانم خوروش در روزگار جوانی دارند. در آن روزگار به خانم خوروش سوفیا لورن ایران می‌گفتند که صیاد به این موضوع هم اشاره می‌کند. افزون بر این، اولین نمایشنامه‌ای که پرویز صیاد در ۱۷ سالگی نوشته و در مسابقه اداره هنرهای زیبا برنده شده بود قرار

پارسال از طرف دوستی به مهمانی خصوصی تولد ایشان دعوت شده بودم. وقتی خانم خوروش شمعها را فوت می‌کرد من با موبایلم شات‌هایی از ایشان گرفتم که از این شات‌ها در اول این فیلم هم استفاده کرده‌ام. همان موقع فکر می‌کردم که در اینجا نه سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران و نه وزارت فرهنگ تحت مدیریت زنده‌یاد مهرداد پهلبد وجود دارد که از فیلم مستند من درباره این هنرمندان بزرگ حمایت کند؛ و این بزرگان می‌روند و چیزی از خاطرات آنها شاید باقی نماند. البته در آمریکا با هنرمندان ایرانی مصاحبه‌هایی شده است ولی بیشتر آنها چندان عمیق



عباس حجت پناه

نیستند و کمتر می‌شود از آنها به عنوان مرجع استفاده کرد. اضافه کنم که وقتی در لس آنجلس می‌گویم هنرمند، منظور بیشتر خوانندگان و آنهم خوانندگان موسیقی پاپ هستند. من با احترام کامل به تک تک خوانندگان خودمان در اینجا باید بگویم که کار من ادای دین به هنرمندان بزرگی است که در عرصه‌های دیگری کار خلاقه کرده‌اند. این کار هم به خصوص در مورد شخصیت‌هایی مانند فخری خوروش کار دشواری است زیرا او حدود هفتاد سال روی صحنه

## درخواست از دولت بایدن برای فعال کردن «مکانیسم ماشه» علیه جمهوری اسلامی



بر اساس گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ایران غنی‌سازی با سانتریفیوژهای نسل ششم را آغاز کرده است

پیام به ایران می‌رساند که اگر تصمیم بگیرند خارج از تعهدات هسته‌ای خود عمل کنند، نمی‌توانند از مزایای لغو تحریم‌های بین‌المللی بهره ببرند.»

کلاودیا تنی عضو کمیته خارجی مجلس نمایندگان آمریکا در توییتی می‌نویسد «تهدید به استفاده از مکانیسم ماشه پس از رسیدن ایران به آستانه ۹۰ درصد، استاندارد جدید و خطرناکی را ایجاد می‌کند که گویا غنی‌سازی ایران تا ۸۹/۹ درصد به نوعی قابل قبول است. این قابل قبول نیست! ما باید جابجا شدن شاخص‌ها را متوقف کنیم و فشار را افزایش دهیم. حالا زمان فعال کردن مکانیسم ماشه است.»

پیش از این نیز ۲۵ سناتور آمریکایی طی نامه‌ای به بایدن از وی خواسته بودند مانع دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای شود.

پس از دیدار علی باقری کنی معاون وزیر خارجه جمهوری اسلامی با انریکه مورا فینده اروپا در مذاکرات اتمی که در دوحه صورت گرفت، سی‌ان‌ان به نقل از یک منبع ناشناس گزارش داد «فضای فعلی برای کاهش تنش مثبت بوده است.» با اینهمه هنوز سطح گفتگوها در حد معاون وزیر خارجه و نمایندگان دولت‌های غربی است و با وجود اینکه بحث در مورد «تفاهم موقت» جدی‌تر از قبل مطرح است اما در عمل اتفاق ویژه‌ای نیفتاده است.

یک هفته پیش از این بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل در واکنش به گزارش‌ها در مورد «احتمال تفاهم موقت» میان جمهوری اسلامی و آمریکا گفت، اسرائیل مقامات آمریکا را مطلع ساخته که «حتما محدودترین تفاهم‌ها، آنچه توافق‌های کوچک نامیده می‌شود، از نظر ما در خدمت هدف مورد نظر نیستند و ما با آنها مخالفیم.»

آوردن شات‌های آرشیوی از فیلم‌های سینمایی او - که سوای این شش ساعت است - کار بسیار سختی بود. صدابرداری از زنده‌یاد خورش هم بسیار سخت بود زیرا صدای ایشان ضعیف شده بود.

در پایان بگویم که من این کار را برای دل خودم کرده‌ام و از استقبال مردم هم راضی هستم. مطمئن هستم ادای دین لازم را کرده‌ام. در نظر دارم که این فیلم را روی یوتیوب بگذارم و در شهرهای مختلف آمریکا و اروپا به نمایش درآورم و واکنش تماشاگران را ببینم.

● حدود ۲۵۰ نماینده مجلس در آمریکا طی نامه‌ای از دولت بایدن می‌خواهند تا در همکاری با شرکای اروپایی در صورتی که جمهوری اسلامی به غنی‌سازی ۹۰ درصد رسید تحریم‌های سازمان ملل دوباره اعمال شود.

● کلاودیا تنی عضو کمیته خارجی مجلس نمایندگان آمریکا در توییتی می‌نویسد «تهدید به استفاده از مکانیسم ماشه پس از رسیدن ایران به آستانه ۹۰ درصد، استاندارد جدید و خطرناکی را ایجاد می‌کند که گویا غنی‌سازی ایران تا ۸۹/۹ درصد به نوعی قابل قبول است! این قابل قبول نیست. ما باید جابجا شدن شاخص‌ها را متوقف کنیم و فشار را افزایش دهیم. حالا زمان فعال کردن مکانیسم ماشه است.»

حدود ۲۵۰ تن از نمایندگان مجلس آمریکا در نامه‌ای به جو بایدن رئیس‌جمهوری این کشور خواستار اقدامات بیشتر برای ممانعت از دستیابی رژیم ایران به سلاح هسته‌ای شدند.

به گزارش وبسایت «جوئیش اینسایدر» این نامه توسط ۱۳۹ نماینده جمهوریخواه و ۱۱۰ نماینده دموکرات امضا شده است. آنها اعلام کرده‌اند که آمریکا باید به صراحت به جمهوری اسلامی اعلام کند که هرگونه پیشرفت بیشتر در برنامه اتمی آن پیامدهای شدیدی به دنبال خواهد داشت.

امضاتکنندگان نامه از دولت می‌خواهند تا در همکاری با شرکای اروپایی در صورتی که جمهوری اسلامی به غنی‌سازی ۹۰ درصد رسید، تحریم‌های سازمان ملل دوباره اعمال شود.

در این نامه آمده است: «ما معتقدیم که این هماهنگی با متحدانمان پیامی قدرتمند از تهدید یکپارچه ما برای بازآرندگی از برنامه هسته‌ای ایران خواهد بود. ما همچنین معتقدیم که این

بود صحبت می‌کند و ارادت خود را به آنان ابراز می‌دارد. از جمله از ناصر تقوایی کارگردان «نفرین»، فرخ غفاری سازنده فیلم «جنوب شهر»، محمد رضا اصلانی سازنده فیلم «شطرنج باد»، داریوش مهرجویی سازنده «آقای هالو» و بهمن فرمان‌آرا سازنده فیلم «شازده احتجاب». اطلاعاتی هم که خانم خورش در فیلم داده‌اند اطلاعات بسیار دقیقی است.

من از حدود شش ساعت و خورده‌ای که ویدئو گرفته بودم مدت زمان فیلم را در ۴۵ دقیقه خلاصه کردم. به دست

→ بود که در کانال ۳ تلویزیون ثابت پاسال تله تئاتر آن بازی شود و خانم خورش قبول کرده بود که در آن ایفای نقش کند. در آن زمان تله تئاترها زنده پخش می‌شدند زیرا دستگاه ضبط ویدئو در آن زمان در تلویزیون ملی ایران نبود. این کانال تلویزیونی قراردادی با اداره تئاتر داشت که هفته‌ای یک نمایش در روزهای شنبه زنده از آن پخش شود. هنرمندان بزرگی مانند علی نصیریان، محمد علی کشاورز، رکن‌الدین خسروی، فرزانه تابدی در این نمایش‌های زنده ایفای نقش کرده‌اند. آقای نصیریان در فیلم مستند خانم خورش نکته مهمی را می‌گوید که وقتی کار تئاتر سنگلج یا ۲۵ شهریور آن زمان شروع شد به زودی کارش گرفت زیرا مردم از طریق همان اجراهای زنده تلویزیونی با این هنرمندان از قبل آشنایی داشتند. نصیریان اضافه می‌کند که خانم خورش در گروه آنها ستاره بود. امروز متأسفانه چیزی از آن نمایش‌ها باقی نمانده است.

باری، خانم خورش در حدود هفتاد سال فعالیت هنری هم از نظر کیفی و هم کمی کارهایی که انجام داده قابل مقایسه با دیگران نیست و در همه زمینه‌ها موفق هم بوده است. در مورد بازیگری خانم خورش در نخستین کار آقای صیاد به یاد داشته باشیم که در آن زمان اداره تئاتر اجازه نمی‌داد که هنرمندانش با گروه‌های دیگر کار کنند. ولی به دستور آقای پهلبد این استثنا را در مورد خانم خورش قائل شدند. آقای صیاد هم به همین خاطر به نیکی از وزیر فرهنگ و هنر آقای پهلبد یاد می‌کند.

در این فیلم مستند اشاره می‌شود که اولین کار سینمایی خانم آغداشلو هم با خانم خورش در فیلم «شطرنج باد» بوده است. آغداشلو می‌گوید که خانم خورش با وجود ستاره بودن در آن زمان با تواضع زیادی با او برخورد کرده است. در فیلم شیرین بذله هم فیلمبردار آن، خانم خورش را «فخری یک برداشته» می‌نامیده زیرا خورش با داشتن تجربه طولانی تئاتر در بیشتر مواقع در همان برداشت اول موفق بوده است.

در مورد حضور نصیریان هم بگویم که شناس بزرگی آوردم که بعد از مدت‌ها که به دنبال نصیریان بودم و نتیجه‌ای نگرفته بودم و ناامید شده بودم و داشتم فیلم را می‌بستم، از او یک فایل از ایران رسید. آقای نصیریان بیشترین کارها را در همکاری با خورش انجام داده و حتماً لازم بود که در این فیلم مستند باشن. او هم در ایران گوشه‌گیر شده و من تلاش زیادی برای تماس کردم که نتیجه نداد. ولی وقتی که تدوین فیلم را تقریباً تمام کرده بودم، یکی از دوستان اطلاع داد که از نصیریان در مورد خورش در ایران فیلمبرداری شده و من شات‌های نصیریان را بعداً به این فیلم اضافه کردم.

### ● آیا خود خانم خورش این فیلم را دید؟

-تمام تلاش من این بود که خانم خورش بعد از سورپرایز نصیریان فیلم را ببیند. ولی متأسفانه مصادف شد با پرواز ایشان؛ هرچند در ۵ و ۶ ماهی که من مشغول ساخت فیلم بودم خانم خورش در جریان بود و میراث با ارزشی از ایشان به یادگار خواهد ماند.

### ● چه بازخوردی از نمایش آن در شب یادبود گرفتید؟

-به شما بگویم یک سنت‌شکنی در آن شب شد و بجای اینکه کسانی بیایند و صحبت‌های گاه بی‌ربط و تکراری در مورد متوفی کنند بکنند، این مستند به نمایش درآمد. من شنیده‌ام که دختر خانم خورش نقل کرده که مادرش هم همین را می‌خواست و گفته بود که تمام حرف‌های لازم را در این فیلم زده است. وقتی هم که درمی‌گذرد بهتر است که علاقمندان از زبان خودش زندگی او را مرور کنند. در این فیلم خانم خورش از ارادتی که به کارگردانان موج نو سینمای ایران داشت و در فیلم‌های آنان شرکت کرده

## پرونده قضایی علیه پدر و خواهر ابوالفضل آدینه زاده به اتهام «تبلیغ علیه نظام»



علی و مرضیه آدینه زاده

ماه حبس، ۲ سال و ۶ ماه تبعید و ۲ سال ممنوعیت خروج از کشور محکوم شده و از بازداشتگاه یکی از نهادهای امنیتی به ندامتگاه مرکزی کرج منتقل شد.

منوچهر بختیاری روز چهارشنبه ۲۹ تیر ۱۴۰۰ بدون اطلاع قبلی به زندان قزوین منتقل شد. منوچهر بختیاری در زندان به چند بیماری از جمله بیماری های کلیوی، پروستات و فتق مبتلا شده و با وجود اجازه قوه قضاییه مبنی بر استفاده این فعال دادخواه از حق مرخصی درمانی، نهادهای امنیتی از اعزام او به بیمارستان جلوگیری می کنند.

جمهوری اسلامی از ابتدای تشکیل حکومت تا کنون از یکسو منتقدان و مخالفان و حتی شهروندان معترض را به قتل رسانده و از سوی دیگر خانواده های دادخواه را زیر شدیدترین فشارها قرار داده و آنها را با رنج های مضاعف روبرو می سازد.

قتل های سازمان یافته و حکومتی بلافاصله پس از پیروزی انقلاب ۵۷ و با کشتار مقامات ارتشی و اجرایی، سیاستمداران، مدیران و کارآفرینان ایران که سرمایه های انسانی کشور بودند توسط انقلابیون آغاز شد و در سال های بعد با اعدام فلّه ای فعالان سیاسی منتقد و مخالف جمهوری اسلامی تداوم یافت. طی سال های گذشته اما کشتار علنی شهروندانی که در اعتراضات خیابانی شرکت داشته اند، اعم از کودک و نوجوان و زن و مرد، مستندات تکان دهنده دیگری از جنایات جمهوری اسلامی را در تاریخ ثبت کرده است. در آنسو اما خانواده های کشته شدگان از لحظه شنیدن خبر جان باختن عزیزانشان زیر شدیدترین فشارهای امنیتی و قضایی قرار می گیرند تا درباره قتل عزیز خود اطلاع رسانی نکنند و حتی مراسم یادبود نگیرند. حضور بر مزار بسیاری از جانبختگان برای خانواده های داغدار با مشکلات زیادی همراه است و آنها همواره زیر ذره بین تیم های امنیتی و سروکوبگر قرار دارند. در مقاطع مختلف اما خانواده هایی بوده اند که تسلیم فشارهای امنیتی و قضایی نشدند و به دادخواهی از خون عزیزان خود برخاستند. خانواده های مقامات و کارآفرینان اعدام شده به دست انقلابیون ۵۷، خانواده های کشته شدگان دهه شصت، و در سال های اخیر خانواده های دادخواه آبان ۹۸. پس از آن، از جمله طی جنبش انقلابی ۱۴۰۱ همواره با زندان و اعدام و کشتار خیابانی بر شمار خانواده های دادخواه افزوده شده است.

به گفته مرضیه پدرش در حالی که پیگیر رسیدگی به «روند پرونده قتل فرزند بی گناه خود در دادرسی نظامی بود» با این احضاریه در کارتابل سامانه ثنا مواجه شد. او نوشته که این احضاریه در حالی برای حضور در «دادرسی عمومی و انقلاب شهرستان فاروج» صادر شده که به گفته او، پیش از آن هیچ اطلاعی یا حتی پیامکی درباره این آن برای آن ها ارسال نشده بود. مرضیه آدینه زاده اتهاماتی را که به خاطر آنها به دادرسی احضار شده، «سراسر واهی و تمسخرآمیز» و شامل «تبلیغ علیه نظام و انتشار عکس مبتذل» خوانده است. اعضای فامیل ابوالفضل که پیش از زادروز او بازداشت شده بودند طی دو روز آزاد شدند و در نهایت مرضیه و علی آدینه زاده نیز ۳۰ خرداد با سپردن وثیقه از زندان آزاد شدند. اکنون با توجه به اطلاعی که وکیل خانواده آدینه زاده درباره به جریان افتادن پرونده ای قضایی با اتهام «تبلیغ علیه نظام» در دادگاه انقلاب مشهد داده ممکن است خواهر و پدر ابوالفضل به زندان محکوم شوند. پیشتر چنین روندی برای زیر فشار قرار دادن خانواده های دادخواه علیه خانواده پویا بختیاری از جانبختگان اعتراضات آبان ۹۸ که با شلیک مستقیم مأموران حکومتی به سرش جان باخت نیز اتفاق افتاده است. ناهید شیرپیشه و منوچهر بختیاری مادر و پدر پویا بختیاری از نخستین ساعات پس از جان باختن فرزند بطور علنی از دادخواهی خون فرزند گفتند و فشارها نیز از همان روزها شروع شد و در یک مقطع حدود ۱۲ عضو خانواده با هم بازداشت شدند. منوچهر بختیاری و ناهید شیرپیشه بارها بازداشت و احضار، و در نهایت هر دو به «جرم» دادخواهی به زندان محکوم شدند. مادر پویا بختیاری به اتهاماتی چون اجتماع و تبانی علیه نظام و همچنین فعالیت تبلیغی علیه جمهوری اسلامی به پنج سال زندان محکوم شد. ناهید شیرپیشه که از دو سال پیش در زندان «کجویی» کرج محبوس بود از آبان ۱۴۰۱ به زندان زنجان منتقل شد. او در زندان زنجان در سلول انفرادی نگهداری شده و از دسترسی به مرخصی و همچنین درمان محروم بوده است. ماه گذشته مونا بختیار دختر ناهید شیرپیشه از عدم اجازه ملاقات مأموران با مادرش در زندان خبر داد.

منوچهر بختیاری نیز اردیبهشت ماه ۱۴۰۰ توسط نیروهای امنیتی همراه با ضرب و جرح در منزل شخصی خود در تهران بازداشت شد. او نهایتاً توسط دادگاه انقلاب به ۳ سال و ۶

● با توجه به جریان افتادن پرونده های قضایی با اتهام «تبلیغ علیه نظام» در دادگاه انقلاب مشهد علیه خواهر و پدر ابوالفضل آدینه زاده ممکن است آنها به زندان محکوم شوند. ● مأموران امنیتی پیشتر در هفته آخر خردادماه امسال اعضای خانواده و فامیل ابوالفضل آدینه زاده را در روز منتهی به زادروز این نوجوان جانباخته بازداشت کردند.

● جمهوری اسلامی از یکسو منتقدان و مخالفان و حتی شهروندان معترض را به قتل رسانده و از سوی دیگر خانواده های دادخواه را زیر شدیدترین فشارها قرار داده و آنها را با رنج های مضاعف روبرو می سازد.

در ادامه فشار بر خانواده های دادخواه پدر و برادر ابوالفضل آدینه زاده از جانبختگان اعتراضات پاییز گذشته در پرونده ای قضایی به «تبلیغ علیه نظام» متهم شدند.

خسرو علی کردی وکیل خانواده آدینه زاده خبر داده که علی آدینه زاده و مرضیه آدینه زاده، پدر و خواهر ابوالفضل آدینه زاده از جانبختگان اعتراضات جنبش انقلابی به «تبلیغ علیه نظام» متهم شده اند. خسرو علی کردی در توییتری نوشته است: «امروز ۱۴۰۲/۰۴/۰۶ پرونده ای با عنوان اتهامی «تبلیغ علیه نظام» علیه موکلینم علی آدینه زاده و مرضیه آدینه زاده، پدر و خواهر جاوید نام ابوالفضل آدینه زاده در شعبه ۹۰۳ بازپرسی دادرسی انقلاب مشهد ثبت شد.»

مأموران امنیتی پیشتر در هفته آخر خردادماه امسال اعضای خانواده و فامیل ابوالفضل آدینه زاده را در روز منتهی به زادروز این نوجوان جانباخته بازداشت کردند.

نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی روز جمعه ۲۶ خرداد مرضیه آدینه زاده خواهر ابوالفضل را در شهر مشهد ربودند و در حالی که پدر و عموی مرضیه پیگیر وضعیت این دختر جوان بودند، آنها نیز بازداشت شدند. ساعاتی بعد در شامگاه جمعه نیز مأموران امنیتی به روستایی که خانواده ابوالفضل آدینه زاده در آن ساکن بودند حمله کرده و گلدسته حسینی مادر ابوالفضل را به همراه خاله ها، عموها، دایی ها، عمه ها، دخترخاله ها و همه اعضای فامیل ابوالفضل بازداشت کردند.

بازداشت همه اعضای فامیل ابوالفضل آدینه زاده در حالی صورت گرفت که روز شنبه ۲۷ خردادماه زادروز ۱۸ سالگی ابوالفضل بوده است. بر اساس گزارش منابع حقوق بشری در روز تولد ابوالفضل نیز مأموران امنیتی به مزار ابوالفضل یورش برده و چند تن از شهروندانی که در زادروز ابوالفضل بر مزار او حاضر شده بودند را بازداشت کردند.

ابوالفضل آدینه زاده متولد ۲۷ خرداد ۱۳۸۴ روز ۱۶ مهرماه ۱۴۰۱ همزمان با اعتراضات سراسری مردم در ایران در مقابل دانشگاه فردوسی مشهد با ضربات باتوم و شلیک ده ها گلوله نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی به قتل رسید.

نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی پس از کشته شدن ابوالفضل آدینه زاده خانواده او را واداشتند تا پیکر او را در آرامستان روستای نجف آباد، از روستاهای شهر فاروج در خراسان شمالی خاکسپاری کنند

خانواده ابوالفضل آدینه زاده مانند صدها خانواده های دادخواه دیگر از نخستین روزها پس از جانباختن فرزندشان به دادخواهی خون او ایستادند و در ماه های گذشته با فشارهای سنگین امنیتی و قضایی شدیدی روبرو بودند.

در هفته دوم خردادماه امسال مرضیه خواهر ابوالفضل با انتشار تصویر احضاریه نوشته که به همراه پدرش از سوی دادسرا با اتهاماتی چون «تبلیغ علیه نظام» احضار شده اند.

## پدیده «دریاچه خواری» هم به تباہکاری‌های جمهوری اسلامی افزوده شد



«کوه‌خواری» و تجاوز به حریم رودخانه‌ها برای ویلاسازی از جمله پدیده‌های ناشی از فساد ساختاری و نظام مافیایی در جمهوری اسلامی است که زیست‌محیط و طبیعت ایران را به نابودی کشانده است. به نظر می‌رسد حالا «دریاچه‌خواری» هم به تباہکاری‌های جمهوری اسلامی علیه زیست‌بوم کشور تبدیل شده است.

سال‌هاست گزارش‌های مختلفی از تصرف اراضی طبیعی و جنگل‌ها منتشر می‌شود. در برخی موارد دادستانی اقدام به گشودن پرونده برای زمین‌خواری‌ها و جنگل‌خواری‌ها می‌کند اما اکثر قریب به اتفاق این پرونده‌ها به زمان سپرده شده و مافیایا فعالیت خود در این مناطق از جمله ویلاسازی و خاک‌دزدی و درخت‌دزدی در این مناطق را ادامه می‌دهند.

استان‌های شمالی ایران بیش از دیگر مناطق کشور از زمین‌خواری و جنگل‌خواری آسیب دیده‌اند. در سال‌های گذشته طرح‌های مختلفی برای مقابله با ساخت‌وسازهای جنگلی و طبیعی در مازندران اجرا شد اما همه این طرح‌ها شکست خورد و در نهایت جنگل‌ها و مراتع در برابر قدرت سیاسی‌ها و دانه درشت‌ها به نابودی کشانده شد.

در یکی از آخرین خط و نشان کشیدن‌های بی نتیجه، رضا اکبری فرمانده یگان حفاظت سازمان جنگل‌ها و منابع طبیعی اوایل فروردین امسال گفته بود که «از ۱۵ اسفند قرارگاه نوروزی حفاظت سازمان جنگل کار خود را در راستای حفاظت از عرصه‌های منابع طبیعی را آغاز کرد، چرا که در ایام تعطیلات نوروز، دست‌اندازی به منابع طبیعی اعم از تصرف، قاچاق چوب و قطع درخت بیشتر است.»

فرمانده یگان حفاظت سازمان جنگل‌ها و منابع طبیعی افزوده بود که «با بنا بر برنامه‌ریزی صورت گرفته ۱۰ هزار نفر نیروی یگان حفاظت در قالب بیش از ۳ هزار گشت خودرو و موتوری به صورت ۲۴ ساعت و آماده‌باش در خدمت مردم و همواره بحث حفاظت و حراست از عرصه‌های منابع طبیعی را عهده‌دار هستند.»

رضا اکبری تأکید کرده بود که «با توجه به تمهیدات لازم با هرگونه تخلف اعم از جنگل‌خواری و زمین‌خواری برخورد جدی می‌شود و بنابر تعامل دستگاه قضا، بازپرس‌های ویژه‌ای در حوزه منابع طبیعی مستقر هستند که روزانه موارد راهبردی را بررسی و با متخلفان جرایم طبیعی برخورد می‌کنند.»

و شخص رئیس‌جمهوری درخواست می‌شود با همت به موضوع احیای این دریاچه به ما کمک کنند.»

مجید محمدپور معتقد است که تصرف اراضی و بستر دریاچه عاملی در کنار خشکسالی بوده که سبب سرعت گرفتن خشک شدن دریاچه طبیعی بزنگان شده است. او گفته که «سرچشمه حوضه آبریز، خشک شده و آبی به دریاچه نرسیده است. از سویی در سال‌های اخیر که فکر می‌کنم به ده سال برسد، افرادی در بخش غربی دریاچه برای تصاحب، استشهاد جمع کردند و بعد هم گفتند این زمین‌ها سند دارد.»

در حالی که اسناد نشانگر عمر طولانی دریاچه بزنگان بوده و در این دریاچه فسیل‌هایی بسیار قدیمی یافت شده اما به گفته مجید محمدپور فردی که این دریاچه را تصرف کرده اطلاعات نادرستی درباره آن مطرح و عمر آن را کوتاه عنوان کرده است.

مجید محمدپور توضیح داده که «مالک می‌گوید عمر دریاچه چهل سال است. چطور چنین چیزی ممکن است؟ شواهد موجود همگی از عمر طولانی آن سخن می‌گویند و حتی محلی‌های قدیم می‌گفتند روی تپه‌ای در غرب دریاچه یک آتشکده از زمان زرتشتیان وجود داشته است که اگر شواهد این امر به‌دستی کشف شود، عمر دریاچه خیلی طولانی‌تر از این خواهد بود.»

همچنین رئیس شورای اسلامی روستای بزنگان هم تأیید کرده که دخالت و دستکاری عوامل انسانی به خشک شدن دریاچه دامن زده است: «مگر بستر و حریم جنگل‌ها، دریاچه‌ها و رودخانه‌ها جزو انفال نیست. پس چرا تصرف و حتی سند هم صادر می‌شود؟ وقتی شخصی چشمه‌های رودخانه را تصرف و از ورود حداقل آب به بستر دریاچه جلوگیری می‌کند، بطور قطع مرگ دریاچه رقم می‌خورد.»

یکی از ساکنان منطقه به «پیام‌ما» گفته که از ده سال پیش عده‌ای در بخش غربی دریاچه با «استشهاد» توانستند بستر آن را تصاحب کنند و «بعد هم گفتند این زمین‌ها سند دارد.» محمد ملتجی رئیس اداره محیط زیست شهرستان سرخس نیز با قاطعیت گفته فردی که طی سال‌های اخیر اراضی بخش غربی دریاچه را به تصرف خود درآورده است، سند رسمی دارد و آنها نمی‌توانند در این زمینه اقدامی انجام دهند.

پدیده‌هایی چون «زمین‌خواری»، «جنگل‌خواری»،

● در یک اتفاق عجیب و تکانه‌دهنده بستر این دریاچه‌ی خشک شده به شخص حقیقی واگذار شده و برای این تملک، سند رسمی نیز صادر شده است!

● یک پرسش مهم که تا کنون بی‌پاسخ مانده اینست که چطور مالک در زمین‌هایی که ملی است، توانسته سند بگیرد؟! رئیس اداره محیط زیست شهرستان سرخس گفته فردی که اراضی بخش غربی دریاچه را به تصرف خود درآورده سند رسمی دارد و آنها نمی‌توانند در این زمینه اقدامی انجام دهند. ● پدیده‌هایی چون «زمین‌خواری»، «جنگل‌خواری»، «کوه‌خواری» و تجاوز به حریم رودخانه‌ها برای ویلاسازی از جمله پدیده‌های ناشی از فساد ساختاری و نظام مافیایی در جمهوری اسلامی است.

تصرف اراضی کشور توسط مافیای حکومتی در ایران به بستر دریاچه خشک شده بزنگان در استان خراسان رضوی نیز رسیده است. بخشی از زمین دریاچه به تملک شخص حقیقی درآمده و آنها برای این زمین‌ها «سند رسمی» دارند.

دریاچه طبیعی بزنگان در استان خراسان رضوی از جمله قربانیان مافیای پیچیده زمین‌خواری در جمهوری اسلامی است. بزنگان در ۱۳۰ کیلومتری مشهد و ۸۰ کیلومتری سرخس، به جنوب رشته‌کوه‌های هزار مسجد قرار دارد و تنها دریاچه طبیعی در خراسان رضوی است که به ثبت ملی هم رسیده است. این دریاچه در سال‌های گذشته خشک شد و در حال حاضر تنها پنج درصد از مساحت آن دارای آب است.

در یک اتفاق عجیب و تکانه‌دهنده بستر این دریاچه‌ی خشک شده به شخص حقیقی واگذار شده و برای این تملک، سند رسمی نیز صادر شده است.

روزنامه «پیام‌ما» گزارش داده که آب این دریاچه از بارندگی‌های سالانه و چشمه‌های کوچک حاشیه و کف دریاچه تأمین می‌شود و تا کنون ۳۳ گونه فیتوپلانکتون جلبکی در آن شناسایی شده است. دریاچه بزنگان در فصل‌های مختلف سال محل تجمع پرندگان مهاجر بوده و هر سال در پاییز و زمستان و نیز اوایل بهار، زیستگاه فوق‌العاده‌ای برای گذراندن فصل سرمای پرندگان مهاجر آبرزی و کنارآبرزی به شمار می‌آید، اما اکنون با این میزان آب و تصرف بستر رود، تیغ مرگ بر گردن بزنگان نهاده شده است.

داشتن سند برای بالا کشیدن بستر این دریاچه‌ی ثبت ملی شده با واکنش گسترده فعالان محیط زیست استان و مردم محلی منطقه روبرو شده است. یک پرسش مهم که تا کنون بی‌پاسخ مانده اینست که چطور مالک در زمین‌هایی که ملی است، توانسته سند بگیرد؟!

از روستای بزنگان تا دریاچه راهی ۱۵ کیلومتری قرار دارد و یک مسیر فرعی از جاده اصلی به دریاچه بزنگان می‌رسد و اکثر اراضی روستا نیز زیر کشت قرار دارد.

مجید محمدپور فعال محیط زیست می‌گوید: فرد مدعی مالکیت بخش غربی دریاچه، مسیر «چشمه‌ناز» را برای رسیدن به دریاچه منحرف کرده است.

این فعال محیط زیست کارزاری برای رسیدگی به تصرف بستر دریاچه راه‌اندازی کرده و در متن نامه‌ای خطاب به ابراهیم رئیس‌ی، رئیس سازمان محیط زیست و مدیران استان نوشته که «دریاچه بزنگان معروف به عروس دریاچه‌ها در شهر سرخس استان خراسان رضوی به دلیل عدم رسیدگی، مسدودکردن مسیر سرچشمه‌ها و تعرض زمین رو به خشکی کامل می‌رود. از این رو، از سازمان محیط زیست، منابع طبیعی

# اشتغالزایی و اتلاف بودجه کشور برای آخوندهای بی خاصیت اینبار در وزارت اقتصاد!



بخش زیادی از آخوندها به بیمارستان‌ها اعزام شدند تا تحت عنوان کمک به کادر درمان مدتی مشغول باشند.

در یک اقدام دیگر مجلس شورای اسلامی طرحی را در قالب «اصلاح ماده‌ی یک قانون تشکیل سازمان نظام روانشناسی و مشاوره جمهوری اسلامی ایران» دست بررسی دارد که به مراکز مدیریت حوزه‌های علمیه، مرجعیت «صدور مجوز فعالیت مشاوره‌ای و مراکز مشاوره» را با این تأکید که «بر اساس مبانی و ارزش‌های اسلامی» باشد، می‌دهد. در مقدمه طرح مربوطه که به امضای ۶۹ نفر از نمایندگان مجلس یازدهم رسیده آمده که «با توجه به مرجعیت دینی حوزه‌های علمیه و ضرورت استقلال آن، لازم است صلاحیت اعطای مجوز مشاوره با رویکرد دینی و اسلامی، به صورت مستقل در اختیار مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه کشور قرار گیرد. این مهم با اضافه شدن یک تبصره، ذیل ماده ۱ قانون تشکیل سازمان روانشناسی و مشاوره جمهوری اسلامی محقق می‌شود.»

این طرح با واکنش شدید روانشناسان ایران روبرو شد و رؤسای شش انجمن حوزه «سلامت روان» در نامه‌ای به محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی به اضافه شدن تبصره جدید به قانون سازمان نظام روانشناسی و خدشه‌دار شدن استقلال این سازمان انتقاد کردند و خواستار خروج این طرح از دستور کار مجلس شورای اسلامی شدند. در نامه‌ی اعتراضی به رئیس «مجلس انقلابی» نویسندگان تأکید کرده بودند دانشگاه‌های سراسری و آزاد متعددی در سطح کشور در حال تربیت گرایش‌های مختلف روانشناسی هستند ولی «طبیعتاً و منطقاً نه خود دانشگاه‌ها و نه حتی وزارت علوم به امر صدور پروانه‌ی فعالیت حرفه‌ای وارد نشده‌اند. بنابراین، صرف وجود دوره‌های دانشگاهی در یک نهاد، توجیه‌کننده این نیست که صدور پروانه فعالیت حرفه‌ای را نیز عهده‌دار شود.»

حکومت تلاش می‌کند در عرصه‌های تخصصی چون آموزش و پرورش در مدارس، دانشگاه‌ها، علوم

مختلف سیاستی، پژوهشی، علمی، آموزشی، فرهنگی، تبلیغی، رسانه‌ای، بین‌المللی و خدمات اجتماعی و عمرانی در چارچوب اهداف ستاد بود.

در ادامه توضیحات رئیس ستاد همکاری حوزه‌های علمیه و وزارت اقتصاد، این ستاد شامل اعضای معرفی شده از طرف حوزه علمیه و وزارت امور اقتصادی و دارایی است بنابراین سه نفر از حوزه و سه نفر از وزارت معرفی شدند و در نتیجه این شش عضو ستاد را تشکیل می‌دهند. او درباره ضرورت تشکیل ستاد مدعی شده که «ظرفیت بسیار خوب و قابل توجهی از اساتید و دانشجویان حوزوی وجود دارد» اما «از این پتانسیل در بدنه اجرایی، فکری و عملی سیاست‌گذاری کشور کمتر استفاده شده است!»

سعید فراهانی فرد در ادامه ادعاهای خود افزوده که «ارتباط بین ظرفیت‌های حوزه علمیه و بدنه کشور به خصوص وزارت امور اقتصادی و دارایی» می‌تواند «کمک شایانی به حل مشکلات اقتصادی کشور» و «حکمرانی اقتصاد اسلامی» کند! او تأکید کرده که کارگروه‌هایی متناسب با بخش‌های مختلف وزارت اقتصاد و دارایی ایجاد شد که هر یک از این کارگروه‌ها هدف خاصی را دنبال می‌کنند.

در پی این تفاهم‌نامه «مرکز تخصصی اقتصاد اسلامی» راه‌اندازی خواهد شد و وزارت اقتصاد نیز متعهد شده است که مدرسه تابستانی در پژوهشکده وزارت اقتصاد و دارایی برای آموزش طلاب برگزار کند. در سال‌های گذشته سازماندهی گسترده‌ای برای استخدام و اشتغالزایی برای طلبه‌های و آخوندهای فارغ‌التحصیل حوزه علمیه انجام شده است. این قشر در حالیکه سال‌های در حوزه علمیه از امکانات مختلف مانند حقوق ماهانه، مزایای طلبگی، سفر رایگان و تسهیلات و وام و ... برخوردار بوده بعد از فارغ‌التحصیلی به قشری بی‌خاصیت برای کشور تبدیل می‌شوند.

با افزایش تعداد طلبه‌ها و آخوندهای فارغ‌التحصیل، جمهوری اسلامی تلاش دارد برای آنها در وزارتخانه‌ها و سازمان‌های مختلف اشتغالزایی کند. از جمله در زمان کرونا

● در شرایطی که اقتصاد ایران یکی از بحرانی‌ترین دوره‌های خود را طی می‌کند وزارت اقتصاد دولت سیزدهم اقدام به امضای تفاهم‌نامه‌ای با حوزه علمیه قم کرده تا برای طلاب اشتغالزایی کند.

● سعید فراهانی فرد به عنوان رئیس ستاد همکاری حوزه‌های علمیه کشور و وزارت اقتصاد و دارایی گفته که «ارتباط بین ظرفیت‌های حوزه علمیه و بدنه کشور به خصوص وزارت امور اقتصادی و دارایی» می‌تواند «کمک شایانی به حل مشکلات اقتصادی کشور» و «حکمرانی اقتصاد اسلامی» کند!

● در پی این تفاهم‌نامه «مرکز تخصصی اقتصاد اسلامی» راه‌اندازی خواهد شد و وزارت اقتصاد نیز متعهد شده است که مدرسه تابستانی در پژوهشکده وزارت اقتصاد و دارایی برای آموزش طلاب برگزار کند.

بر اساس تفاهم‌نامه‌ای که میان وزارت اقتصاد دولت سیزدهم و حوزه علمیه قم امضا شده شماری از آخوندها و طلبه‌ها در اداره کل امور اقتصادی و دارایی استان قم مشغول به کار شدند. همچنین کارگروه‌ها و دوره‌های تخصصی اقتصاد برای اشتغالزایی آخوندها تشکیل شده است. در شرایطی که اقتصاد ایران یکی از بحرانی‌ترین دوره‌های خود را طی می‌کند وزارت اقتصاد دولت سیزدهم اقدام به امضای تفاهم‌نامه‌ای با حوزه علمیه قم به عنوان «همکاری مشترک مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه و وزارت امور اقتصاد و دارایی» کرده است.

آخوند سعید فراهانی فرد که در این میان به عنوان رئیس ستاد همکاری حوزه‌های علمیه کشور و وزارت اقتصاد و دارایی فعال شده گفته که «این تفاهم‌نامه سال گذشته میان آیت‌الله اعرافی مدیر حوزه‌های علمیه و دکتر خاندوزی وزیر امور اقتصادی و دارایی امضا شده است.»

به گفته سعید فراهانی فرد موضوع تفاهم‌نامه شامل تعامل و همکاری حوزه علمیه و وزارت اقتصاد در زمینه‌های

## رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت: تلاش برای عصبی کردن مردم در جریان است!



تظاهرات در تهران / پاییز ۱۴۰۱

و باید با ابزار رسانه در جهت خنثی‌سازی آن کار کنیم که هدف آن آماج قرار دادن جمهوری اسلامی است و القای ناکارآمدی در مسائل اقتصادی است تا به نقاط امید مردم کمتر توجه کنند.»

وی در بخش دیگری گفته «کارکرد هالیوود برای غرب تصویرسازی از هیمنه قدرت آمریکا و جا انداختن فرهنگ و سبک زندگی آمریکایی بود. آن یک فریم عکسی از جوان پاسدار جمهوری اسلامی در خلیج فارس که ۱۰ نیروی آمریکایی را دستگیر کرده، ۱۰۰ سال فعالیت صنعت تصویرسازی قدرت آمریکا را از بین برد که این نشان می‌دهد باید از ابزار رسانه به خوبی استفاده کرد!»

خلجی در حالی که فکر می‌کند سفرهای استانی رؤسای جمهوری اسلامی از جمله سیدابراهیم رئیسی معروف به «قاضی مرگ» از «نقاط قوت» نظام است، می‌گوید: «طراحی دشمن این است که در یک پروژه امنیتی و رسانه‌ای با ناامیدسازی مردم و در ادامه با بهم ریختن تعادل بازار بدنبال ایجاد نارسایی، القای ناتوانی و ناکارآمدی کنند. در این سال‌ها آرایش رسانه‌ای دشمن تغییر اساسی کرده و به حالت آفندی درآمده و در این آرایش نه تنها به نقاط ضعف بلکه به نقاط قوت ما نیز مثل سفر متعدد رئیس جمهوری به استان‌ها حمله می‌کنند!»

این ادعاها در حالیست که اصلی‌ترین عامل نارضایتی جامعه عملکرد حکومت در تمام حوزه‌هاست. در همین ارتباط احمد علیرضاییگی نماینده تبریز در مجلس شورای اسلامی، گفته دولت از برآوردن نیازهای ابتدایی مردم عاجز است و بجای قبول مسئولیت، قوانین سختگیرانه تصویب می‌کنند.

روزنامه «جوان» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز اخیراً در یک گزارش اذعان کرد سختگیری‌های بی‌حد و اندازه در مورد حجاب در جامعه بُغض ایجاد کرده و تعادل را بهم زده است.

● سپهر خلجی رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت به رؤسای روابط عمومی وزارت ارتباطات که سفرهای استانی ابراهیم رئیسی را از «نقاط قوت» نظام می‌داند، هشدار داده دشمن علیه نظام به دنبال عصبی کردن مردم است و برای مقابله با طرح‌های دشمن باید به مردم «امیدواری» داد. ● وی توضیح داده «طراحی دشمن این است که در یک پروژه امنیتی و رسانه‌ای با ناامیدسازی مردم و در ادامه با بهم ریختن تعادل بازار به دنبال ایجاد نارسایی، القای ناتوانی و ناکارآمدی کنند.»

● احمد علیرضاییگی نماینده تبریز در مجلس شورای اسلامی گفته دولت از برآوردن نیازهای ابتدایی مردم عاجز است و بجای قبول مسئولیت، قوانین سختگیرانه تصویب می‌کنند.

● روزنامه «جوان» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اخیراً در یک گزارش اذعان کرد سختگیری‌های بی‌حد و اندازه در مورد حجاب در جامعه بُغض ایجاد کرده و تعادل را بهم زده است.

سپهر خلجی رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت روز سه‌شنبه ششم تیرماه در افتتاحیه همایش روابط عمومی وزارت ارتباطات هشدار داده «در شرایطی هستیم که به دلیل طراحی‌هایی که علیه جمهوری اسلامی می‌شود در آماج حملات شدید با پایه رسانه هستیم و تلاش برای عصبی کردن مردم در جریان است.»

وی تأکید کرده «گاهی استمرار در عصبی کردن و اعمال خشونت باعث از بین رفتن سازمان رسانه‌ای ما می‌شود.» خلجی تأکید کرده وظیفه روابط عمومی‌ها ایجاد امید و امیدآفرینی مورد تأکید رهبر جمهوری اسلامی است و باید از همه ظرفیت‌های رسانه برای این منظور استفاده کرد.

این مسئول دولتی با اشاره به اینکه علیه جمهوری اسلامی «جنگ جهانی رسانه‌ای» راه افتاده توضیح داد که «امروز این جنگ تشدید شده و اشکال پیچیده‌ای به خود گرفته

پزشکی و اکنون روانشناسی جایی برای طلبه‌ها و آخوندهای تازه فارغ‌التحصیل پیدا کند.

با وجود اعتراضات گسترده آموزگاران، وزارت آموزش و پرورش در تلاش برای سرعت بخشیدن به روند استخدام طلاب حوزه‌های علمیه و اجرای ماده ۲۸ جذب نیرو به این وزارتخانه است. از این رو، از فعالیت آموزگاران سابقه و دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها جلوگیری می‌کند تا بتواند جاده را برای ورود طلاب به مدارس کشور هموارتر کند.

بر اساس گزارش‌های منتشرشده، وزارت آموزش و پرورش اکنون ۴۵۰۰ معلم رسمی دارد که دارای مدارک حوزه‌های علمیه هستند. این روال استخدامی طلاب بر اساس مصوبه سال ۱۳۷۵ مجلس شورای اسلامی است تا دست‌کم ۲۵ هزار طلبه زن و مرد را در نظام آموزشی کشور استخدام کنند.

اوایل خرداد امسال نیز هیئت دولت «بخشنامه سربازمعلم» را تصویب کرد که بر اساس آن نه سربازان دانش‌آموخته در دانشگاه‌ها، بلکه نیروهای بسیجی فعال قرار است در اولویت برای استخدام و اشتغال در مدارس قرار بگیرند. در شرایطی که آموزش و پرورش برای دروس پایه و اصلی با کمبود شدید آموزگار روبروست، سربازان طلبه در آموزش و پرورش قرار است به تدریس درس پرورشی و فعالیت‌های فرهنگی و... مشغول شوند.

همچنین برای طلبه‌ها مزایایی نیز در نظر گرفته شده؛ از جمله آنکه نیازی به پوشیدن لباس فرم (لباس آخوندی) ندارند؛ همچنین دوره خدمت امریه سربازان طلبه به عنوان «سنوات کاری» آنها در نظر گرفته می‌شود و می‌توانند از این سابقه برای «استخدام» و... استفاده کنند.

رضامراد صحرایی وزیر آموزش و پرورش ماه گذشته بدون اشاره به کمبود ۳۰۰ هزار نفری آموزگار در این وزارتخانه بر کمبود ۵۰ هزار معلم پرورشی تأکید و ابراز امیدواری کرده بود که با استخدام ۲۷ هزار نیروی پرورشی بخشی از این کمبود در سال جاری جبران شود. او فعالیت‌های پرورشی را از اولویت‌های اصلی این وزارتخانه خوانده است.

وزارت آموزش و پرورش در برنامه دیگری با عنوان «طرح امین» نیز اقدام به استخدام آخوندهایی کرده که در حوزه علمیه تحصیل کرده‌اند. بر اساس طرح «امین» که از حدود ۶ سال قبل آغاز شده، روحانیون باید حدود ۳۰ ساعت در هفته در مدارس به تبلیغات مذهبی بپردازند.

معلمان پرورشی مورد اشاره‌ی وزیر آموزش و پرورش طلبه‌سربازها و آخوندهایی هستند که قرار است جذب این وزارتخانه شوند. آنها پروپاگاندا‌ی ایدئولوژیک جمهوری اسلامی در مدارس را پیش برده و حتی در نقش «مخبر» و خردچین‌های نهادهای امنیتی فعالیت می‌کنند.

سال گذشته روزنامه «کیهان تهران» از وزیر آموزش و پرورش خواسته بود که برای «اخلاق‌محور کردن آموزش و تربیت» روحانیون را به مدارس بیاورد.

در این مطلب اخلاق‌محور کردن آموزش و پرورش با استفاده از «خیل انبوه روحانیون و طلاب جوان برادر و خواهر مومن و با اخلاقی» امکانپذیر نشان داده شده بود. افرادی که به نوشته این روزنامه «در حوزه‌های علمیه پرورش یافته و با تسلط به علم روز و آشنایی با زبان جوانان می‌توانند در مدارس به عنوان متولی نهاد امور تربیتی و پرورشی استقرار داشته و منشأ بسیاری از اتفاقات و اثرات تربیتی شوند.» طرح‌های مختلف برای اشتغالزایی طلاب و آخوندهای تازه فارغ‌التحصیل نشان می‌دهد جمهوری اسلامی با «خیل انبوه روحانیون و طلاب جوان برادر و خواهر» روبروست که نمی‌خواهد و می‌تواند هزینه‌ی آنها را از «وجوهات» و منابع سنتی حوزه‌ها بپردازد و به همین دلیل به دنبال اشتغال آنها از جیب دولت است.

نامنظم و مکرر برق متضرر شدند.

رقم زیان صنایع به ویژه صنایع سیمان و فولاد از قطع برق در تابستان گذشته افزایش پیدا کرد. بر اساس برآوردها قطع برق روزانه بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ میلیارد تومان برای صنعت فولاد هزینه به همراه دارد.

قطع برق در تابستان ۱۴۰۱ بالغ بر ۶ میلیارد دلار برای واحدهای فولادسازی خسارت به بار آورد. میزان تولید فولاد به صورت ماهانه حدود ۲/۵ میلیون تن و روزانه حدود ۱۰۰ هزار تن در روز برآورد می‌شود که با قطع برق و گاز این میزان در سال گذشته کاهش قابل ملاحظه داشته و منجر به کاهش درآمد شرکت‌های تولیدکننده فولاد و افزایش قیمت در بازار شد.

با تعطیلی و کاهش تولید صنعت فولاد به دلیل قطع برق و گاز، هزاران شغل غیرمستقیم که به واسطه فعالیت فولادسازان شکل گرفته نیز به تعطیلی کشیده شد و واحدهای پایین دست با آسیب جدی و خطر تعطیلی همراه شدند.

هیچیک از اقدامات دولت اما اقداماتی زیربنایی و راهکارهای اساسی به شمار نمی‌رود. ناترازی ۱۲ تا ۱۵ هزار مگاواتی در تولید و مصرف برق و افزایش پنج درصدی مصرف برق کشور در هر سال دو عامل اصلی تشدید هر ساله بحران کمبود برق در ایران هستند.

به گفته کارشناسان، مشکل اصلی صنعت برق ایران عدم سرمایه‌گذاری در این بخش است. ریشه کمبود و عدم تمایل برای سرمایه‌گذاری در صنعت تولید برق از آنجاست که قیمت‌گذاری برق توسط دولت انجام می‌شود و خریدار برق نیز خود دولت است؛ در اغلب موارد نیز پرداخت پول برق خریداری شده توسط دولت با تأخیر بسیار زیادی به دست تولیدکنندگان می‌رسد.

علیرضا کلاهی رئیس اسبق سندیکای برق و رئیس کمیسیون صنایع اتاق بازرگانی ایران زمستان گذشته با هشدار نسبت به وضعیت صنعت برق ایران گفته بود که «در بخش‌هایی همچون نیروگاه‌سازی سرمایه‌گذاری‌هایی هرچند اندک صورت گرفته اما در شبکه انتقال و توزیع ما در طول سال‌های گذشته سرمایه‌گذاری جدی صورت نگرفته و ما با خطر فروپاشی جدی در این حوزه مواجه هستیم. اگر فکر جدی به حال شبکه زیر ساخت‌های انتقال و توزیع صورت نگیرد، پیش‌بینی می‌شود که خاموشی‌های گسترده و طولانی خواهیم داشت.»

علیرضا کلاهی توضیح داده بود که «در سال‌های گذشته تقریباً سرمایه‌گذاری در این حوزه صورت نگرفته و شبکه ایجاد شده در تهران مربوط به سال ۵۲ است. در آن سال‌ها نه جمعیت تا این اندازه افزایش یافته بود، نه دمای هوا تا این اندازه گرم شده بود و نه مصرف تا این حد رشد پیدا کرده بود.» حمیدرضا صالحی رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی ایران درباره سیاست دولت رئیسی در برابر کمبود برق توضیح داده است: «دولت نتوانسته مانع قطع‌های برق شود بلکه قطعی برق را از بخش خانگی به بخش تولید و صنعت منتقل کرده و در عمل کار خاصی انجام نداده است.»

رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی ایران با اشاره به تکرار سیاست‌گذاری‌های اشتباه دولت قبلی در دولت سیزدهم، گفته که سرمایه‌گذاری در بخش نیروگاه‌سازی همچنان جذابیتی برای بخش خصوصی ندارد و به همین دلیل فاصله بین تولید و مصرف هر سال بیشتر و بیشتر خواهد شد.

به گفته حمیدرضا صالحی بر خلاف آنچه وعده داده شده بود قراردادهای خرید برق به درستی اصلاح نشد و توجیه اقتصادی لازم در صنعت نیروگاه سازی ایجاد نشد. همچنین مطالبات عقب‌افتاده پیمانکاران صنعت برق همچنان پرداخت نشده و در عمل فعالین این صنعت از تغییر قیمت‌هایی نصیب‌ماندند.

## آشفته‌گی در تصمیمات دولت؛ ساعت کار ادارات به حالت سابق برگشت



کارآمد دارد. «دو هزار تومان پاداش در ازای کاهش یک کیلووات ساعت مصرف» نیز یکی دیگر از راهکارهای دولت به عنوان پاداش به مشتریان خانگی بود. بر این اساس از اول خرداد هر مشتری که مصرف خود را یک کیلووات در ساعت کاهش دهد تا ۲ هزار تومان پاداش خواهد گرفت.

البته در مقابل تنبیه برای مشتریان پرمصرف نیز در نظر گرفته شد؛ علی‌اکبر محرابیان وزیر نیرو هفته گذشته مشتریان پرمصرف برق را به «برخورد جدی» تهدید کرد و گفت: «باید به دنبال جبران کسری‌ها از محل مدیریت مصرف و تشویق مشتریان کم مصرف و جابجایی بار باشیم و همچنین برخورد جدی با مشتریان پر مصرف داشته باشیم.»

مصطفی رجیبی مشهدی سخنگوی صنعت برق نیز گفته است، تعرفه مشتریان به صورت پلکانی افزایش خواهد یافت و طبق برنامه‌ریزی، برق مشتریانی که بیش از دو برابر الگوی مجاز مصرف می‌کنند قطع خواهد شد.

همچنین دولت تلاش کرده برای تشدید نارضایتی‌های عمومی از قطع برق بخش خانگی تا حد امکان جلوگیری کند اما در مقابل برق بخش صنعت را سهمیه‌بندی کرده است. شرکت توزیع نیروی برق آخر اردیبهشت در اطلاعیه‌ای از سهمیه‌بندی برق صنایع سیمان و فولاد از اول خردادماه خبر داد. بر اساس این اطلاعیه که تصویر آن در رسانه‌های داخلی منتشر شده بود شرکت توزیع نیروی برق به صنایع سیمان و فولاد، برق این صنایع در قالب سه برنامه پیشنهادی از خرداد تا مرداد امسال سهمیه بندی خواهد شد.

بخش دیگر صنایع نیز از ماه گذشته سهمیه‌بندی شده است. این روند در سال‌های گذشته نیز تکرار شده و زیان گسترده‌ای را به تولید و اقتصاد کشور وارد کرد.

بر اساس آمار ارائه شده از سوی علی رسولیان رئیس سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران، صنایع کشور در تابستان ۱۴۰۰ رقمی معادل ۷ میلیارد دلار از قطعی شدن‌های

● سازمان امور اداری و استخدامی کشور هدف از تغییر دوباره ساعت کار را «کاهش ناترازی تولید و مصرف برق» عنوان کرده است.

● تغییر ساعت کار ادارات که با هدف صرفه‌جویی در مصرف برق انجام شده پس از آن به یک «بحران» تبدیل شد که دولت رئیسی در اقدامی عجیب و بدون توجیه، تصمیم گرفت امسال با آغاز فصل بهار ساعت‌ها را جلو نکشد!

● ناترازی ۱۲ تا ۱۵ هزار مگاواتی در تولید و مصرف برق و افزایش پنج درصدی مصرف برق کشور در هر سال دو عامل اصلی تشدید هر ساله بحران کمبود برق در ایران هستند.

دولت ماه‌هاست توان تصمیم‌گیری پایدار درباره ساعات کار ادارات ندارد و پس از چند بار تغییر این ساعات، بار دیگر پایان آن را که پیشتر ۱۴:۴۵ اعلام شده بود، ساعت ۱۳ اعلام کرده است.

سازمان امور اداری و استخدامی کشور با صدور بخشنامه‌ای اعلام کرده که تا نیمه شهریورماه، ساعت پایان فعالیت اداری یک بعد از ظهر خواهد بود. این سازمان هدف از تغییر دوباره ساعت کار را «کاهش ناترازی تولید و مصرف برق» عنوان کرده است. این بخشنامه تأکید دارد که «تمامی دستگاه‌های سرمایه‌ی از ساعت ۱۲ ظهر خاموش شود و بر همین اساس دستگاه‌های مشمول، تا ۱۵ شهریورماه مکلف هستند ضمن برنامه‌ریزی مناسب برای تداوم خدمت‌رسانی و حفظ رضایت‌مندی ارباب رجوع، پایان ساعت کار خدمت‌حضور تمامی کارکنان خود و سایر افراد شاغل (اعم از رسمی، پیمانی، قراردادی، شرکتی و...) را حداکثر تا ساعت ۱۳ قرار دهند و مابقی ساعات کار موظفی را از طریق دورکاری (با تهییدات لازم) جبران کنند.»

در این بخشنامه ساعت آغاز به کار مادران شاغل دارای فرزند زیر شش سال، افراد دارای معلولیت و افراد ساکن در حومه شهرهای محل خدمت، «با انجام تهییدات لازم به‌منظور حفظ تداوم خدمت‌رسانی دستگاه، به مدت یک‌ساعت شناور تعیین شده است. رؤسای دستگاه‌های مشمول این بخشنامه می‌توانند به تشخیص خود، سایر مصادیق نظیر را در همین چارچوب تدبیر کنند.»

همزمان با این بخشنامه که برای چندمین بار ساعت کار ادارات را تغییر داده، حسین گودرزی سخنگوی کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی گفته که با دستور رئیس‌جمهوری که به زودی از طرف هیئت دولت ابلاغ می‌شود، به علت مشکلات ایجاد شده، «ساعت کاری کارمندان و کارکنان دولت که برای صرفه‌جویی در مصرف انرژی به ساعت شش صبح تغییر کرده بود به روال عادی باز می‌گردد.» تغییر ساعت کار ادارات که با هدف صرفه‌جویی در مصرف برق انجام شده پس از آن به یک «بحران» تبدیل شد که دولت رئیسی در اقدامی عجیب و بدون توجیه، تصمیم گرفت امسال با آغاز فصل بهار ساعت‌ها را جلو نکشد!

در همین حال کمبود برق به دلیل ناتوانی در تولید، به زور نبودن نیروگاه‌ها، کاهش آب ذخیره پشت سدها و همچنین فرسودگی شبکه انتقال و توزیع برق همگی سبب شد که دولت برای عدم قطع سراسری برق راهکاری پیدا کند.

تغییر ساعت کار ادارات از شش صبح تا یک بعد از ظهر از اول خردادماه راهکار دولت رئیسی برای صرفه‌جویی در مصرف برق بود. بر اساس اطلاعیه‌ای که دولت اواخر اردیبهشت صادر کرد، کولرهای ادارات باید یک ساعت قبل از پایان کار خاموش شود و «در مناطق گرمسیری همزمان با پایان ساعت اداری وسایل سرمایشی خاموش می‌شود و تمامی دستگاه‌های اداری موظف هستند، مولدهای برق خود را وارد مدار کنند.» تغییر ساعت کار ادارات اما چند بار دستخوش تغییر شده که نشان از عدم هماهنگی و پریشانی دولت در تصمیم‌گیری



## «الگوی خاوری» و تلاش ناموفق برای اختلاس سه هزار میلیارد تومانی و فرار از کشور



بانکی در مجموع به مبلغ ۳ هزار میلیارد تومان معادل ۶۰ میلیون دلار کرده و با کد رئیس شعبه، عملیات را تأیید می‌کند. وی در ضمن از قبل با شخصی هماهنگ کرده بود که برای او تمام مبلغ را به ارز دیجیتال (تتر) تبدیل کند و سپس از کشور خارج شود.

این منبع اضافه کرد: «ولی در این بین معاون شعبه هنگام کنترل حساب‌های داخلی، متوجه مغایرت در حساب داخلی صدور چک رمزدار می‌شود. وقتی به رئیس صندوق که دست به تلاش برای این اختلاس زده بود اعلام می‌کند که حساب صدور چک اختلاف دارد وی که می‌بیند موضوع لو رفته به بهانه اینکه بیرون از شعبه کاری دارد که باید فوری انجام دهد از شعبه خارج شده و از ترس دیگر برمی‌گردد. پس از آن، رئیس و معاون شعبه به گیرنده چک‌ها مراجعه می‌کنند و با تهدید وی به اینکه به پلیس اطلاع می‌دهند، موفق می‌شوند چک‌ها را از او پس بگیرند و مانع اختلاس ۶۰ میلیون دلاری شوند.»

به گفته این منبع آگاه در حال حاضر پرونده رئیس شعبه به بازرسی بانک رفته و هنوز مشخص نیست چه نوع تنبیه یا توبیخی شامل حال وی شود. با توجه به اینکه اگر این اختلاس اتفاق می‌افتاد، جرمی شبیه به اختلاس محمود خاوری اتفاق می‌افتاد بنابراین احتمالاً برای بدنام نشدن دوباره سیستم بانکداری موجود، از انتشار این خبر جلوگیری می‌کنند.

محمودرضا خاوری مدیر عامل سابق بانک ملی ایران و از مجرمان محکوم شده به دلیل اختلاس ۳ هزار میلیارد تومانی است. او در مهر ۱۳۹۰ به بهانه «مشکلات عصبی حاد» و بیماری مزمن از مقام خود استعفا داد و بلافاصله ایران را به مقصد کانادا ترک کرد. او بیشتر مراحل قانونی اقامت خود و خانواده‌اش در کانادا را طی کرده و تابعیت این کشور را گرفته بود.

وی در این بین، تمام دارایی‌های خود را به کشور کانادا منتقل کرد ولی آنگونه که پیشتر دادستان کل تهران گفته بود، در پرونده اختلاس به عنوان متهم شناخته شد ولی کانادا حاضر به استرداد وی نیست.

محمود احمدی‌نژاد که این اختلاس در زمان ریاست وی بر دولت رخ داد، در گفتگویی با روزنامه شرق از خاوری و بابک زنجانی دفاع کرده و گفته بود: «مگر اینها چه کرده بودند؟ چرا بدون اینکه خاوری محکوم شود علیه او حرف می‌زنند؟»

● یک منبع آگاه به کیهان لندن می‌گوید هفته گذشته رئیس دایره صندوق شعبه بانک ملی حوالی شرق تهران با نام خانوادگی ع. خ. در تهران قصد داشت با سوء استفاده از موقعیت خود اقدام به صدور چند فقره چک رمزدار بین بانکی در مجموع به مبلغ سه هزار میلیارد تومان معادل ۶۰ میلیون دلار کند و سپس از کشور خارج شود که رئیس شعبه متوجه این تلاش شد و آن را متوقف کرد.

● به گفته این فرد مطلع، کارمند مربوطه با سوء استفاده از موقعیت خود اقدام به صدور چند فقره چک رمزدار بین بانکی در مجموع به مبلغ ۳ هزار میلیارد تومان معادل ۶۰ میلیون دلار کرده و با کد رئیس شعبه، عملیات را تأیید می‌کند. وی در ضمن از قبل با شخصی هماهنگ کرده بود که برای او تمام مبلغ را به ارز دیجیتال (تتر) تبدیل کند و سپس از کشور خارج شود.

● محمودرضا خاوری مدیر عامل سابق بانک ملی ایران و از مجرمان محکوم شده به دلیل اختلاس ۳ هزار میلیارد تومانی است. او در مهر ۱۳۹۰ به بهانه «مشکلات عصبی حاد» و بیماری مزمن از مقام خود استعفا داد و بلافاصله ایران را به مقصد کانادا ترک کرد.

فیروزه نوردستروم - یک منبع آگاه به کیهان لندن می‌گوید هفته گذشته رئیس دایره صندوق شعبه بانک ملی حوالی شرق تهران با نام خانوادگی ع. خ. در تهران قصد داشت با سوء استفاده از موقعیت خود اقدام به صدور چند فقره چک رمزدار بین بانکی در مجموع به مبلغ سه هزار میلیارد تومان معادل ۶۰ میلیون دلار کند و سپس از کشور خارج شود که رئیس شعبه متوجه این تلاش شد و آن را متوقف کرد.

یکی از کارکنان بانک ملی که درخواست نامش فاش شود با اعلام این مطلب به کیهان لندن گفت: «فرد اختلاسگر رئیس دایره صندوق شعبه بانک ملی واقع در میدان شکوفه در شرق تهران بوده که در اثر بی‌احتیاطی رئیس شعبه به رمز تأیید اسناد که در اختیار رئیس شعبه قرار دارد دسترسی یافته بود. توضیح اینکه در سیستم بانکی برای انجام عملیات بانکی باید اسناد توسط کاربر ارشد شعبه که رئیس یا معاون شعبه هستند به صورت سیستمی تأیید شود.»

به گفته این فرد مطلع، کارمند مربوطه با سوء استفاده از موقعیت خود اقدام به صدور چند فقره چک رمزدار بین

## بازداشت یک فرد در سوادکوه به اتهام «فعل حرام»: توهین به امام شیعیان!



عکس: خبرگزاری تسنیم

● محمد خانلری دادستان سوادکوه سه‌شنبه ششم تیرماه گفت این فرد مدتی پیش در فضای مجازی یک حدیث جعلی به «امام حسن مجتبی» نسبت داده و به «ساحت مقدس» او اهانت کرده بود که با دستور قضایی و پس از تحقیقات انجام شده از سوی دستگاه امنیتی شناسایی شد.

● دادستان سوادکوه توضیح داده فرد بازداشت شده «علاوه بر هتاکي نسبت به امام شیعیان با انتشار مطالبی اقدام به تبلیغ علیه نظام نیز کرده و با انتشار اکاذیب در شبکه‌های پیام‌رسان اجتماعی، موجب تشویش اذهان عمومی شده بود.»

● اواسط اردیبهشت یوسف مهرداد و صدرالله فاضلی زارع، دو زندانی عقیدتی در زندان اراک به اتهام «سب‌النبی» اعدام شدند.

دو ماه پس از اعدام دو جوان در اراک به دلیل «سب‌النبی» و «توهین به پیامبر اسلام»، در سوادکوه استان مازندران فردی به اتهام «هتاکي» به امام دوم شیعیان «حسن مجتبی» بازداشت شده است.

محمد خانلری دادستان سوادکوه سه‌شنبه ششم تیرماه گفت این فرد مدتی پیش در فضای مجازی یک حدیث جعلی به «امام حسن مجتبی» نسبت داده و به «ساحت مقدس» او اهانت کرده بود که با دستور قضایی و پس از تحقیقات انجام شده از سوی دستگاه امنیتی شناسایی شد. دادستان سوادکوه توضیح داده فرد بازداشت شده «علاوه بر هتاکي نسبت به امام شیعیان در با انتشار مطالبی اقدام به تبلیغ علیه نظام نیز کرده و با انتشار اکاذیب در شبکه‌های پیام‌رسان اجتماعی، موجب تشویش اذهان عمومی شده بود.»

بر اساس گفته‌های خانلری، نسبت دادن حدیث جعلی به امام شیعیان «فعل حرام» است که موجب جریحه‌دار شدن عفت عمومی در شهرستان شده و پس از تحقیقات و شناسایی، متهم دستگیر و بعد از تفهیم اتهام بازداشت شد تا سایر مراحل طی شود.

اواسط اردیبهشت یوسف مهرداد و صدرالله فاضلی زارع، دو زندانی عقیدتی در زندان اراک به اتهام «سب‌النبی» اعدام شدند. این دو در خردادماه سال ۹۹ به دلیل مدیریت و عضویت یک کانال تلگرامی با عنوان «نقد خرافه و مذهب» توسط ماموران امنیتی بازداشت شده بودند.

## مهدی هاشمی و اکبر طبری، «خودی»های مجرم و فاسد، آزادند و شهروندان معترض و خانواده‌های دادخواه در زندان!

● رئیس سازمان زندان‌ها آزادی اکبر طبری و مهدی هاشمی را «تبعیض» و «ارفاق» ندانسته و موضوع «مرخصی طولی‌المدت» برای این مقامات پیشین و «خودی»ها را رد کرد کرده است.

● طی دو سال گذشته بارها خبر آزادی طبری از زندان منتشر شده اما هربار قوه قضاییه آنرا تکذیب کرد و شایعه خواند. رسانه‌ها و فعالان نزدیک به اصلاح‌طلبان در داخل و خارج از ایران، طی ساعات گذشته با برجسته کردن خبر آزادی «اکبر طبری» تلاش کردند آزادی مهدی هاشمی را در خبرها و گزارش‌های خود کمرنگ کنند!

● اینهمه در حالیست که شهروندان معترض، روزنامه‌نگاران و فعالان سیاسی و مدنی منتقد و مخالف جمهوری اسلامی و حتی خانواده‌های دادخواه که عزیزانشان توسط مأموران رژیم کشته شده‌اند، برخلاف قوانین خود جمهوری اسلامی به مدت طولانی در «بازداشت موقت» به گروگان گرفته شده و در دوران حبس نیز از حقوق قضایی مانند حق ملاقات، حق تماس و حق برخورداری از مرخصی پزشکی محروم هستند.

قوه قضاییه اعلام کرده که اکبر طبری و مهدی هاشمی در خارج از زندان بسر می‌برند. آزادی فاسدان «خودی» با تخلفات سنگین اداری و مالی در حالی صورت گرفته که شهروندان معترض و فعالان سیاسی و روزنامه‌نگاران و حتا خانواده‌های دادخواه که عزیزانشان توسط مأموران حکومت کشته شده‌اند، مدت‌هاست بر خلاف قوانین خود جمهوری اسلامی در زندان‌ها به گروگان گرفته شده‌اند.

غلامعلی محمدی رئیس سازمان زندان‌ها شامگاه چهارشنبه هفتم تیر در یک برنامه تلویزیونی اعلام کرده که اکبر طبری معاون اجرایی پیشین قوه قضاییه که به رشوه‌گیری و تخلفات سنگین مالی و اداری محکوم شده بود در زندان نیست! رئیس سازمان زندان‌های قوه قضاییه توضیح داده که اکبر طبری که به ۳۱ سال زندان محکوم شده ولی «نه عفو خورده، نه مرخصی رفته و نه الان در زندان است!»

غلامعلی محمدی تأکید کرده که اکبر طبری «بر اساس اصول و موازین و با تصمیم مرجع قضایی به صورت موقت بیرون از زندان» است.

رئیس سازمان زندان‌ها همچنین درباره مهدی هاشمی فرزند اکبر هاشمی رفسنجانی که در سال ۹۴ به جرم اختلاس، ارتشاء و مسائل امنیتی به ۱۰ سال زندان محکوم شده بود، گفته که مهدی هاشمی با تصمیم مسئول قضایی آزاد شده است.

غلامعلی محمدی آزادی اکبر طبری و مهدی هاشمی را «تبعیض» و «ارفاق» ندانسته و موضوع «مرخصی طولی‌المدت» برای این مقامات پیشین و «خودی»های نظام را رد کرده است.

این ادعا در حالیست که بیش از ۷۱ درصد شرکت‌کنندگان در نظرسنجی مرکز زیرمجموعه دانشگاه «امام صادق» که نهادی حکومتی است، معتقدند نهادهای قانونی میان مردم و مسئولین برخورد تبعیض‌آمیز دارند و نهادهای قانونی نسبت به افرادی که مسئولیت دولتی دارند، آسان می‌گیرند. طبق این نظرسنجی که به تازگی منتشر شده، حدود ۴۰ درصد از شرکت‌کنندگان گفته‌اند که روش‌های قانونی برای احقاق حق در ساختار جمهوری اسلامی ناکارآمد است.

حالا نیز رئیس سازمان زندان‌ها مدعی شده که آزادی این



اقتصادی کشور بازداشت شده بود از جمله افرادی است که با دخالت مستقیم اکبر طبری و با پرداخت رشوه‌ای برابر با حدود ۱۵ هزار متر زمین و سه طبقه ویلا لوکس به ارزش ۴۲۰ میلیارد ریال در بابلسر از زندان آزاد شد و از ایران فرار کرد.

رسول دانیال‌زاده یکی از مفسدان کلان اقتصادی معروف به «سلطان فولاد ایران» از نزدیکان حسین فریدون برادر حسن روحانی و یکی از بزرگترین بدهکاران بانکی در ایران است که با وجود پرونده قضایی توانست در برابر پرداخت سه واحد لوکس مسکونی در ساختمان لومار و سه واحد در ساختمان فلورانس به اکبر طبری آزاد شود و به آلمان فرار کند. دانیال زاده آبان ۱۳۹۸ در آلمان بازداشت و به ایران بازگردانده شد.

طبری در شهریور ۱۳۹۹ به اتهام «سردستگی شبکه رشوه‌گیری» و «اخذ رشوه‌های متعدد» به ۳۱ سال حبس، به اتهام پولشویی به ۱۲ سال و نیم حبس و به اتهامات دیگری که جزئیات آن به طور کامل اعلام نشد، به بیش از ۱۵ سال زندان محکوم شد.

طی دو سال گذشته بارها خبر آزادی طبری از زندان منتشر شده اما هربار قوه قضاییه آنرا تکذیب کرد و شایعه خواند. در یکی از آخرین خبرها وبسایت «اعتمادآنلاین» ۲۱ خرداد امسال خبری را مبنی بر «نقض بخشی از محکومیت و ارسال پرونده او به دادگاه بدوی برای بررسی مجدد» منتشر کرد.

اکنون در پی سخنان رئیس سازمان زندان‌ها در صداوسیما جمهوری اسلامی، خبرگزاری «میزان» مرکز رسانه‌ای قوه قضاییه درباره وضعیت چند متهم «خودی» که با اختلاس و رشوه و فساد مالی گسترده به زندان محکوم شده بودند توضیحاتی ارائه کرده است.

خبرگزاری «میزان» نوشته که بابک زنجانی و شهرام جزایری در زندان و در حال طی دوران محکومیت هستند. در مورد مهدی هاشمی همان طور که پیش‌تر نیز اطلاع رسانی شده وی پس از تحمل ۷ سال زندان و پرداخت جزای نقدی و اجرای حکم شلاق هم اکنون طبق قانون و به صورت آزادی مشروط در خارج از زندان است.

افراد بر مبنای ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری صورت گرفته و در صورت درخواست یک زندانی برای استفاده از این ماده «به صورت موقت اجرای حکم متوقف و او از زندان آزاد می‌شود و مجدداً به پرونده‌اش رسیدگی می‌شود.»

بر اساس ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری، «رئیس قوه قضاییه تنها شخصی است که می‌تواند، در خصوص آرای قطعی صادره از مراجع قضایی که برخلاف شرع صادر شده‌اند، در دیوان عالی کشور دستور به اعاده دادرسی دهد.» حال آنکه «رئیس قوه قضاییه» و دستگاه عریض و طویل تحت مسئولیت‌اش هیچ گوش شنوایی برای درخواست‌های زندانیان غیرخودی ندارد چه برسد به زندانیان منتقد و معترض!

پیشتر هم غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس کنونی قوه قضاییه از اکبر طبری حمایت کرده و گفته بود که «برای بسیاری از معاونین عالی قوه، رئیس پیشین [صادق لاریجانی] و حتی من احراز نشد که ایشان متخلف است وگرنه حتما اقدامی می‌کردیم.»

اکبر طبری در زمان ریاست صادق آملی لاریجانی بر قوه قضاییه، معاونت اجرایی حوزه ریاست قوه قضاییه را بر عهده داشت. یک هفته پس از آنکه سیدابراهیم رئیسی به عنوان ریاست قوه قضاییه مشغول به کار شد، در نخستین جابجایی در قوه قضاییه با صدور حکمی یوسف باقری را بجای اکبر طبری، به عنوان سرپرست معاونت اجرایی حوزه ریاست قوه قضاییه منصوب کرد. چند روز بعد خبر بازداشت اکبر طبری منتشر شد. پرونده اکبر طبری یکی از تک‌اندنده‌ترین پرونده‌های فساد و رشوه و تخلف و فعالیت مافیایی در جمهوری اسلامی بود که به دادگاه کشیده و رسانه‌ای شد.

بر اساس مستندات پرونده اکبر طبری در دریافت رشوه‌های کلان یا از به جریان افتادن پرونده‌ها جلوگیری می‌کرده و یا با استفاده از اختیاراتش دستور صدور قرار منع تعقیب و لغو ممنوع‌الخروجی این افراد را صادر و موقعیت فرار از کشور را برای آنها فراهم کرده است.

مصطفی نیاز آذری که در دی‌ماه ۹۰ به اتهام اخلاص در نظام





قرآن سوزی در استکهلم

## ارتباط سوزاندن «قرآن» در سوئد و «قرآن» هدیه گرفتن پوتین در داغستان و مخالفت ترکیه و روسیه با عضویت سوئد در ناتو

مغایر با ارزش‌های اصیل حقوق بشر است.» ناصر کنعانی با محکوم کردن این اقدام تأکید کرد قرآن‌سوزی «زمینه‌سازی برای تکرار هتک حرمت مقدسات آسمانی به ویژه همزمان با ایام مقدسه امت اسلامی و نیز تجمع میلیونی مسلمانان در کنگره جهانی حج، اقدامی تحریک‌آمیز، نسنجیده و غیر قابل قبول است.»

در این میان، ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهوری روسیه که هنوز درگیر بحران شورش مسلحانه «مزدوران واگنر» است از فرصت استفاده کرد و به مناسبت «عید قربان» به یک مسجد در داغستان رفت. وی که در جریان این بازدید یک قرآن هدیه گرفت با انتقاد از قرآن‌سوزی در سوئد گفت: «برخلاف سایر کشورها بی‌احترامی به ادیان در روسیه جنایت است.»

هاکان فیدان وزیر خارجه ترکیه نیز گفت، «اقدام شنیع در سوئد علیه کتاب مقدس ما قرآن، در روز اول عید قربان را محکوم می‌کنم. اجازه دادن به این اقدامات ضداسلامی به بهانه آزادی بیان غیر قابل قبول است.» وی تأکید کرد که چشم‌پوشی بر انجام چنین اقدامات منفوری شراکت در آن جرم محسوب می‌شود.

یلماز تونچ وزیر دادگستری ترکیه نیز قرآن‌سوزی را «ماهه ننگ و عار» دانست و گفت: «می‌توان اهانت به مقدسات را بخشی از آزادی اندیشه و بیان دانست.»

تحلیلگران می‌گویند این اقدام در شرایطی که ترکیه با پیوستن سوئد به ناتو مخالفت می‌کند شرایط این کشور را برای پیوستن به این پیمان نظامی دشوارتر می‌سازد.

از سوی دیگر، یکی از مخالفان سرسخت پیوستن سوئد و فنلاند به ناتو، ولادیمیر پوتین است. قرآن‌سوزی در سوئد فرصت مناسبی به دست داده تا وی احتمالاً با تحریک اردوغان که یک اسلام‌گرای تمام‌عیار است و کشورش عضو ناتوست پیوستن سوئد به این پیمان نظامی را دشوارتر کند.

همزمان با برگزاری مراسم حج و «عید قربان» پلیس سوئد برای برگزاری یک تجمع اعتراضی که در آن اقدام به قرآن‌سوزی می‌شد مجوز صادر کرد.

روز چهارشنبه ۲۸ ژوئیه (هفتم تیرماه) دو سه نفر از منتقدان اسلام تحت تدابیر امنیتی در نزدیکی مسجدی در استکهلم در حالی که پلیس در نزدیک محل تجمع آنها نیرو مستقر کرده بود با یک جلد قرآن روپایی زدند و سپس آن را به آتش کشیدند.

پلیس سوئد در بیانیه‌ای اعلام کرد که خطرات امنیتی مرتبط با سوزاندن قرآن، «این ماهیت را ندارد که بر اساس قوانین فعلی، تصمیم برای رد چنین درخواستی را توجیه کند.» سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی در واکنش به این رویداد روز پنجشنبه ۸ تیرماه اعلام کرد، «اهانت به کتب آسمانی مصداقی از خشونت‌گرایی و نفرت‌پراکنی و

● همزمان با «عید قربان» چند نفر از منتقدان اسلام در نزدیکی مسجدی در استکهلم، تحت تدابیر امنیتی و در حالی که پلیس در نزدیک محل تجمع آنها نیرو مستقر کرده بود، با یک جلد قرآن روپایی زدند و سپس آن را به آتش کشیدند.

● پلیس سوئد در بیانیه‌ای اعلام کرد که خطرات امنیتی مرتبط با سوزاندن قرآن، «این ماهیت را ندارد که بر اساس قوانین فعلی، تصمیم برای رد چنین درخواستی را توجیه کند.»

● سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی در واکنش به این رویداد روز پنجشنبه اعلام کرد، «اهانت به کتب آسمانی مصداقی از خشونت‌گرایی و نفرت‌پراکنی و مغایر با ارزش‌های اصیل حقوق بشر است.»

● ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهوری روسیه که هنوز درگیر بحران شورش مسلحانه «مزدوران واگنر» است از فرصت استفاده کرد و به مناسبت «عید قربان» به یک مسجد در داغستان رفت. وی که در جریان این بازدید یک قرآن هدیه گرفت با انتقاد از قرآن‌سوزی در سوئد گفت: «برخلاف سایر کشورها بی‌احترامی به ادیان در روسیه جنایت است.»

● یکی از مخالفان سرسخت پیوستن سوئد و فنلاند به ناتو، ولادیمیر پوتین است. قرآن‌سوزی در سوئد فرصت مناسبی به دست داد تا او احتمالاً با تحریک اردوغان که یک اسلام‌گرای تمام‌عیار است و کشورش عضو ناتوست پیوستن سوئد به این پیمان نظامی را دشوارتر کند.

همزمان با برگزاری مراسم حج و «عید قربان» پلیس سوئد برای برگزاری یک تجمع اعتراضی که در آن اقدام به قرآن‌سوزی می‌شد مجوز صادر کرد.

روز چهارشنبه ۲۸ ژوئیه (هفتم تیرماه) دو سه نفر از منتقدان اسلام تحت تدابیر امنیتی در نزدیکی مسجدی در استکهلم در حالی که پلیس در نزدیک محل تجمع آنها نیرو مستقر کرده بود با یک جلد قرآن روپایی زدند و سپس آن را به آتش کشیدند.

پلیس سوئد در بیانیه‌ای اعلام کرد که خطرات امنیتی مرتبط با سوزاندن قرآن، «این ماهیت را ندارد که بر اساس قوانین فعلی، تصمیم برای رد چنین درخواستی را توجیه کند.» سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی در واکنش به این رویداد روز پنجشنبه ۸ تیرماه اعلام کرد، «اهانت به کتب آسمانی مصداقی از خشونت‌گرایی و نفرت‌پراکنی و

خبرگزاری «میزان» همچنین درباره محمدعلی نجفی فعال اصلاح‌طلب، وزیر آموزش و پرورش و وزیر علوم در دولت‌های هاشمی رفسنجانی و حسن روحانی، و شهردار سابق تهران که به اتهام قتل عمد و مسلحانه همسر دومش بازداشت شد نیز توضیح داده که «او اقدام به اخذ رضایت از شاکی خصوصی خود نموده و با توجه به بخشنامه عفو معیاری ۲۲ بهمن ۱۴۰۱ و حصول شرایط اعمال عفو، پس از تحمل بیش از ۳ سال زندان مانند بسیاری از افراد دیگر از زندان آزاد و محکومیت وی خاتمه یافته است. گفتنی است نجفی به واسطه جنبه عمومی جرم خود، به ۶ سال و نیم حبس محکوم شده بود که بیش از ۳ سال از این مدت را در زندان بود.» مرکز رسانه‌های قوه قضاییه همچنین درباره اکبر طبری نوشته که او «دارای عناوین اتهامی متعدد بوده که در بعضی از عناوین به ویژه ارتکاب بزه اعمال نفوذ به ۴۵ ماه حبس محکوم شده که این مدت حبس نامبرده با گذراندن دوران محکومیت به صورت کامل خاتمه یافته است. وی در دوران محکومیت نیز از هیچ مرخصی طولی‌المدتی استفاده نکرده است.» اکبر طبری اما اتهامات دیگری هم دارد که خبرگزاری «میزان» درباره آنها نوشته که «در خصوص سایر عناوین اتهامی اکبر طبری نیز حکم بر محکومیت صادر، لیکن به دلیل اعتراض و واخواهی او و وکلایش، طبق قانون مراتب در دیوان عالی کشور در حال بررسی مجدد می‌باشد. طبری همچنین جریمه‌های نقدی که به آن محکوم شده بود را پرداخت کرده است. شایان ذکر است؛ نامبرده بعد از تحمل ۴۵ ماه حبس، اکنون پس از تودیع وثیقه سیصد میلیارد تومانی و بر اساس تصمیم مرجع قضایی از زندان خارج شده تا نتیجه نهایی پرونده وی در دیوان عالی کشور مشخص شود.»

خبرگزاری قوه قضاییه جمهوری اسلامی که تکذیب آزادی این افراد را با توجه به گزارش‌های متعدد غیرقابل انجام دانسته، به ناچار دست به توجیه علت آزادی این افراد فاسد و مجرمان کلان اقتصادی زده است. در این میان رسانه‌ها و فعالان نزدیک به اصلاح‌طلبان در داخل و خارج از ایران، طی ساعات گذشته با برجسته کردن خبر آزادی «اکبر طبری» تلاش کردند آزادی مهدی هاشمی را در خبرها و گزارش‌های خود کم‌رنگ کنند!

همچنین وحید ابوالمعالی الحسینی وکیل مهدی هاشمی نیز به سرعت درباره آزادی او از زندان واکنش نشان داده و گفته که «مهدی هاشمی بهرمانی که به تحمل ۱۰ سال حبس محکوم شده بود، مطابق قانون پس از گذراندن یک سوم (سه سال ونیم) از دوران حبس خود مستحق برخورداری از آزادی مشروط بود ولیکن نهایتاً در دی ماه ۱۴۰۱ و پس از گذراندن ۷ سال و نیم حبس با آزادی مشروط از زندان آزاد شد.»

افراد «خودی» در جمهوری اسلامی که فسادهای کلان اقتصادی و مالی و اداری انجام داده و بر اساس قوانین جمهوری اسلامی «مفسد فی الارض» اعلام شده‌اند و اشد مجازات این اتهام طبق قوانین نظام «اعدام» است در حالی که زندان‌های نامتناسب با حجم فساد ارتكابی محکوم می‌شوند که به سرعت به بهانه‌های مختلف از زندان آزاد نیز می‌شوند و به زندگی عادی خود ادامه می‌دهند.

در مقابل اما شهروندان معترض، روزنامه‌نگاران و فعالان سیاسی و مدنی منتقد و مخالف جمهوری اسلامی و حتی خانواده‌های دادخواه که عزیزانشان توسط مأموران رژیم کشته شده‌اند، برخلاف قوانین خود جمهوری اسلامی به مدت طولانی در «بازداشت موقت» به گروگان گرفته شده و در دوران حبس نیز از حقوق قضایی مانند حق ملاقات، حق تماس و حق برخورداری از مرخصی پزشکی محروم هستند.

بسیاری از شهروندان بازداشت شده در دوران گذراندن حبس از انواع شکنجه و فشارهای روانی بازجوها و مستولان زندان و قوه قضاییه نیز در رنج و عذاب هستند.

## ارسال پهپاد توسط جمهوری اسلامی برای شبه‌نظامیان جبهه پولیساریو، ثبات مراکش را تهدید می‌کند



روغایی از پرتاب دوش پرتاب در مراسم رژه «روز ارتش» / فروردین ۱۴۰۲

تهران علیه اسرائیل نیز همخوانی دارد. روابط مراکش و اسرائیل پس از امضای «پیمان ابراهیم» در سال ۲۰۲۰ به سرعت در حوزه‌های دیپلماتیک، اقتصادی و نظامی گسترش یافته است. این پیمان به همکاری غیررسمی چند ده ساله بین مراکش و اسرائیل رسمیت بخشید و بر نقش پادشاهی مراکش در سیاست ایالات متحده برای تقویت روابط با متحدان استراتژیک و کلیدی خود در خاورمیانه تأکید کرده است. این واقعیت که «پیمان ابراهیم» شامل دو کشور آفریقایی (مراکش و سودان) می‌شود، بیانگر اهمیت استراتژیک سیاست‌های واشنگتن برای این قاره است.

اکنون نیز توافق اخیر عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران برای عادی ساختن روابط دیپلماتیک ممکن است فشار بر برخی نقاط درگیری در خاورمیانه را کاهش دهد، اما بعید به نظر می‌رسد که اثری بر فعالیت‌های توسعه‌طلبانه‌ی رژیم ایران در آفریقا داشته باشد.

«دفنس پست» در پایان تأکید می‌کند که در سال‌های اخیر، مباحث ژئوپلیتیک آفریقا بر آنچه ایالات متحده و متحدان اروپایی آن می‌توانند یا نباید برای مقابله با فعالیت‌های جمهوری خلق چین و تا حدی روسیه در این منطقه انجام دهند، متمرکز شده است. اما سیاست توسعه‌طلبانه‌ی رژیم ایران برای خرابکاری در آفریقا که با موضوع ارسال پهپادهای نظامی به جبهه پولیساریو برجسته شده، مستلزم بررسی بیشتریست. به نظر می‌رسد بر اساس چنین تحولاتی از سوی رژیم است که سردار رضا طلائی‌نیک معاون توسعه مدیریت و برنامه‌ریزی راهبردی و امور مجلس وزارت دفاع هفتم تیرماه در یک سخنرانی مدعی شد «نظام جمهوری اسلامی از نظر دارا بودن قدرت دفاعی جزو ۱۰ کشور برتر دنیاست.»

با وجود تحریم‌های آمریکا، روزنامه «الجریده» چاپ کویت به نقل از یک منبع آگاه در وزارت دفاع جمهوری اسلامی گزارش داد که جمهوری خلق چین ۳۰ هزار پهپاد از جمهوری اسلامی ایران خریداری می‌کند.

این منبع توضیح داد که «چین پیش از این برای خرید ۱۵ هزار پهپاد ایرانی قراردادی امضا کرد و چند روز پیش نیز قرارداد مشابهی با همین تعداد امضا کرده است.»

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اخیراً در حال تجهیز ریزپرنده‌هاست تا قابلیت حمل مهمات جنگی پیدا کنند. یکی از آنها مولتی روتور «اربعین» است که قدرت حمل ۷ کیلوگرم بمب و نارنجک را دارد.

مرکز مقاومت ملی اوکراین اواخر اردیبهشت اعلام کرد که جمهوری اسلامی به دنبال مونتاز پهپادهای انتحاری مورد نیاز روسیه در خاک بلاروس است.

گروه شبه‌نظامی که رهبران آن از متحدان انقلاب اسلامی به شمار می‌روند، سال‌هاست برای جدا کردن صحرای غربی از مراکش مبارزه می‌کند و از حمایت الجزایر، رقیب و مخالف منطقه‌ای مراکش، نیز برخوردار است. این گزارش همچنین آمده است که خرابکاری‌های جمهوری اسلامی ایران برای تقویت افراطی‌گری و عضوگیری از میان اقلیت شیعه در مراکش به عمق بیشتری در داخل این کشور می‌رسد.

از سوی دیگر، رژیم ایران معاملات اقتصادی و نظامی بلندمدت با الجزایر دارد و تهران نیز به فروش پهپادهای نظامی خود به الجزایر اعتراف کرده است. عمر منصور از مقامات سابق پولیساریو سال گذشته با افتخار می‌گفت که این گروه پهپادهای ایرانی را تحویل می‌گیرد و آنها را برای هدف قرار دادن نیروهای امنیتی مراکش مستقر می‌کند.

مقامات ارشد مراکش می‌گویند رژیم ایران از نیروهای نیابتی حزب‌الله لبنان برای ارائه آموزش نظامی و پشتیبانی از جبهه پولیساریو مستقر در اردوگاه آوارگان «تندوف» در الجزایر استفاده می‌کند. پیشینه‌ی این حمایت که به سال ۲۰۱۷ بر می‌گردد به شدت رتباط را عصبانی کرد بطوری که مراکش در مه ۲۰۱۸ برای سومین بار روابط دیپلماتیک خود را با ایران به دلیل حمایت از جبهه پولیساریو قطع کرد. تهران اما در ادامه فعالیت‌های خود، واحدهایی از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در الجزایر مستقر کرده تا آموزش اعضای پولیساریو را ادامه داده و تقویت کند.

همچنین اطلاعاتی وجود دارد که نشان می‌دهد الجزایر باندهای فرودگاهی کم‌استفاده خود را در مناطق متروک در نزدیکی مرز مراکش برای عملیات پهپادها آماده کرده است. مقامات مراکشی همچنین ارسال هوایی محموله‌های تجهیزات نظامی را از ایران به کشورهای نامشخص در شمال آفریقا ردیابی کرده‌اند. این محموله‌ها که از طریق الجزایر به پولیساریو تحویل داده شده، شامل هواپیماهای بدون سرنشین، تجهیزات رادار و سامانه‌های موشکی بالستیک بوده‌اند.

گزارش «دفنس پست» همچنین می‌افزاید حمایت فزاینده جمهوری اسلامی ایران از الجزایر و جبهه پولیساریو نه تنها امنیت مراکش، بلکه ثبات منطقه را نیز تهدید می‌کند. مراکش از دیرباز به عنوان یک کشور مسلمان‌نشین میانه‌رو با رشد اقتصادی سریع و روابط اقتصادی گسترده با کشورهای آفریقایی، یک سنگر راهبردی در شمال آفریقا به شمار می‌رفته است. این زمینه‌های اقتصادی و سیاسی، پادشاهی مراکش را به حلقه اتصال استراتژیک و قابل اعتماد بین ایالات متحده آمریکا و اروپا و آفریقا تبدیل کرده است.

تلاش‌های رژیم ایران برای بی‌ثبات کردن مراکش با خصومت

«دفنس پست»: جمهوری اسلامی برای دهه‌ها درگیر رویارویی نامتقارن با رقبای منطقه‌ای در سراسر خاورمیانه بوده و همواره نفوذ خود را با حمایت از گروه‌های چریکی خارجی هم با تأمین تجهیزات و هم با آموزش نظامی گسترش داده است. ارسال پهپاد به شمال آفریقا نیز با همین هدف انجام می‌شود که تضعیف مراکش به عنوان یکی از متحدان سرسخت غرب در این قاره در مرکز آن قرار دارد.

«دفنس پست» می‌نویسد، خرابکاری‌های جمهوری اسلامی ایران برای تقویت افراطی‌گری و عضوگیری از میان اقلیت شیعه در مراکش به عمق بیشتری در داخل این کشور می‌رسد. مقامات مراکشی همچنین ارسال هوایی محموله‌های تجهیزات نظامی را از ایران به کشورهای نامشخص در شمال آفریقا ردیابی کرده‌اند. این محموله‌ها که از طریق الجزایر به پولیساریو تحویل داده شده، شامل هواپیماهای بدون سرنشین، تجهیزات رادار و سامانه‌های موشکی بالستیک بوده‌اند.

به نظر می‌رسد بر اساس چنین تحولاتی از سوی رژیم است که سردار رضا طلائی‌نیک معاون توسعه مدیریت و برنامه‌ریزی راهبردی و امور مجلس وزارت دفاع هفتم تیرماه در یک سخنرانی مدعی شد «نظام جمهوری اسلامی از نظر دارا بودن قدرت دفاعی جزو ۱۰ کشور برتر دنیاست.»

وسایط «دفنس پست» ۲۷ ژوئیه (ششم تیرماه) گزارش داد جمهوری اسلامی اقدام به ارسال پهپاد برای شبه‌نظامیان جبهه پولیساریو می‌کند که چندین دهه است برای جدا کردن صحرای غربی از مراکش مبارزه می‌کنند.

جمهوری اسلامی برای دهه‌ها درگیر رویارویی نامتقارن با رقبای منطقه‌ای در سراسر خاورمیانه بوده و همواره نفوذ خود را با حمایت از گروه‌های چریکی خارجی هم با تأمین تجهیزات و هم با آموزش نظامی گسترش داده است. ارسال پهپاد به شمال آفریقا نیز با همین هدف انجام می‌شود که تضعیف مراکش به عنوان یکی از متحدان سرسخت غرب در این قاره در مرکز آن قرار دارد.

جمهوری اسلامی همچنین در کشورهایمانند سنگال، جمهوری آفریقای مرکزی و نیجریه نیز با تسلیح و آموزش گروه‌های شورشی شیعه، نقشه‌ای را که در منطقه خاورمیانه پیش برده، تکرار می‌کند و به این ترتیب در یک منطقه استراتژیک و غنی از منابع در مجاورت خطوط حیاتی کشتیرانی غربی در اقیانوس اطلس به دنبال نفوذ و محکم کردن جای پای خود است.

تأمین پهپاد برای جبهه پولیساریو توسط جمهوری اسلامی یک خطر جدی برای پادشاهی مراکش به شمار می‌رود. این

## نادیده گرفته شدن بخش صنعت در «برنامه هفتم توسعه»



سال‌های گذشته دچار عقب‌ماندگی از برنامه‌های توسعه بوده بلکه پیش‌زمینه‌های کافی برای رسیدن به رشد اقتصادی هشت درصدی در برنامه هفتم توسعه نیز وجود ندارد. سیاوش غفاری تحلیلگر مسائل اقتصادی نیز در اینباره گفته که «اتفاق مثبتی را مشاهده نمی‌کنیم، وقتی ترامپ از برجام خارج شد، اقتصاد ما ۱۲ درصد کوچک شد و همچنان به سطح تولید انتهای سال ۱۳۹۶ نرسیده‌ایم.»

یکی از مهمترین و قدیمی‌ترین صنایع ایران که این روزها با دخالت دولت و فعالیت مافیای در آن رو به افول است، صنعت اتومبیل‌سازی است. این صنعت اگرچه پیش از انقلاب ۵۷ توانسته بود با رشد و توسعه‌ای چشمگیر بخشی از بازار کشورهای منطقه را نیز با محصولات صادراتی در دست بگیرد اما اکنون به صنعتی مونتاژکار که دچار زیان است تبدیل شده است.

سعید مدنی کارشناس و مشاور شرکت‌های اتومبیل‌سازی در اینباره گفته که صنعت خودرو دچار بی‌برنامگی محض شده و مشخص نیست که قرار است این صنعت به کجا برود.

سعید مدنی گفته که «هربار در وزارت صمت، وزیر تغییر می‌کند، برنامه‌های جدیدی ارائه می‌شود و برنامه نفر قبلی نیمه‌کاره رها می‌شود. در برنامه توسعه نیز به نظر می‌رسد دچار همین معضل و مشکل شده؛ این در شرایطی است که صنعت خودرو بسیار مهم است. باید برای این صنعت یک نقشه راه مشخص تدوین شود. اما می‌بینیم که با طرح مباحث انحرافی برای این صنعت چالش ایجاد می‌کنند.»

کوچک شدن سهم دولت در اقتصاد و فعال‌تر شدن بخش خصوصی یکی از پیش‌زمینه‌های افزایش رشد اقتصادی در کشور است. این در حالیست که به عقیده فعالان بخش خصوصی، این بخش نیز در برنامه هفتم توسعه نادیده گرفته شده است.

فرج‌الله معاریان رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی استان سمنان در این رابطه گفته که «مطالبه بخش خصوصی از نظام تصمیم‌گیری، تعیین سهم بخش خصوصی از اقتصاد است و این مطالبه وجود دارد که سهم زیر ۵۰ درصد برای بخش خصوصی در نظر گرفته نشود.»

علی‌القاعده با تداوم این شرایط، زمینه تحقق برنامه هفتم میسر نخواهد بود.

رئیس مجمع عالی کارآفرینان افزوده که «چالش‌های دیگری نظیر بحث خروج سرمایه از کشور، تشدید بحران‌های اقتصادی نظیر بحران جمعیت، صندوق‌های بازنشستگی، آب و مسائل محیط زیستی، فناوری قدیمی و کاهش بهره‌وری در روش‌های تولید، کمبود منابع مالی برای حل ابرچالش‌ها و عدم حل مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی و خروج سرمایه انسانی از کشور از جمله واقعیت‌های اقتصاد امروز ایران است که حل هر یک از این بحران‌ها نیازمند اصلاحات ساختاری و نهادی عمیق و نیازمند تغییر نگرش در نحوه حکمرانی اقتصادی است.»

امین شاکری توضیح داده که «امروزه بسیاری از اقتصاددانان میان دو واژه «توسعه» و «رشد» تفاوت قائل‌اند. در تعریف «رشد» بیشتر بر پارامترهای اقتصادی و کمی همانند درآمد سالانه یا میزان تولید تأکید می‌شود اما در مقابل، «توسعه» تحولات و تغییرات بنیادین در حال رشد را نیز شامل می‌گردد. بنابراین، محدوده «توسعه» گسترده‌تر از «رشد» و همچنین یک فرآیند چندبعدی است که افزون بر بهبود میزان تولید و درآمد، شامل دگرگونی اساسی در ساختار اقتصادی و سایر حوزه‌ها نیز می‌شود.»

این کارشناس و فعال اقتصادی گفته که در ایران پس از انقلاب ۵۷ شش برنامه توسعه در کشور تدوین و عملیاتی شده است که تقریباً هیچکدام از آنها، به ویژه از برنامه چهارم تا ششم به اهداف خود نرسیده‌اند. با وجود گذشت بیش از هفت دهه از تجربه برنامه‌ریزی توسعه، همچنان شکاف انتظارات و نتایج در برنامه‌ریزی توسعه در ایران، باقی مانده است.

امین شاکری همچنین افزوده که «رشد اقتصادی ۸ درصد از ۲۰ سال پیش در تمام اسناد بالادستی وجود داشته است، اما در دهه گذشته میانگین رشد اقتصادی ایران صفر درصد، میانگین تورم ۲۶ درصد و سرمایه‌گذاری منفی ۵ درصد بوده است. بنابراین ما در طول یک دهه به‌طور کامل از رقابتی خود یعنی ترکیه و عربستان فاصله زیادی داشته‌ایم.»

همانطور که امین شاکری اشاره کرده ایران نه تنها در

در شرایطی که دولت در برنامه توسعه هفتم رشد هشت درصدی در اقتصاد را پیش‌بینی کرده اما یکی از مهمترین بخش‌ها برای رسیدن به این رشد، یعنی بخش صنعت، نادیده گرفته شده است.

ایران نه تنها در سال‌های گذشته دچار عقب‌ماندگی از برنامه‌های توسعه بوده بلکه پیش‌زمینه‌های کافی برای رسیدن به رشد اقتصادی هشت درصدی در برنامه هفتم توسعه نیز وجود ندارد.

کوچک شدن سهم دولت در اقتصاد و فعال‌تر شدن بخش خصوصی یکی از پیش‌زمینه‌های افزایش رشد اقتصادی در کشور است اما این بخش نیز در برنامه هفتم توسعه نادیده گرفته شده است.

در برنامه هفتم توسعه رشد اقتصادی هشت درصد پیش‌بینی شده است اما دولت بخش صنعت را در این برنامه نادیده گرفته و تنها به خام‌فروشی برای درآمدهای این بخش اکتفا کرده آنهم در حالی که ایران سال‌هاست از برنامه‌های توسعه صنعتی عقب است.

بخش صنعت سال‌هاست با بی‌توجهی جمهوری اسلامی روبرو بوده و ناکارآمدی و سوء مدیریت دولت نیز سبب کوچک شدن بخش صنعت در ایران شده است. بسیاری از واحدهای تولیدی و صنعتی در سال‌های گذشته با اقداماتی از جمله واگذاری واحدها به «خودی‌ها» به اسم «خصوصی‌سازی» نیمه‌فعال و غیرفعال شدند. همچنین عدم حمایت دولت از صنعتگران و تولیدکنندگان در شرایط رکود تورمی پایدار سبب تعطیلی بسیاری از کارخانه‌های صنعتی و خاموش شدن خطوط تولید شده است.

در شرایطی که دولت در برنامه توسعه هفتم رشد هشت درصدی در اقتصاد را پیش‌بینی کرده اما یکی از مهمترین بخش‌ها برای رسیدن به این رشد، یعنی بخش صنعت، نادیده گرفته شده است.

محورهای مهم اقتصادی برنامه هفتم توسعه که از دید کارشناسان با شرایط و ساختار کنونی دست‌نیافتی است، رشد اقتصادی ۸ درصدی و تکریمی شدن تورم طی ۵ سال آینده، متوسط رشد صادرات نفتی ۱۲/۴ درصدی، متوسط رشد صادرات غیرنفتی ۲۲/۶ درصدی و متوسط رشد نقدینگی ۲۰/۴ درصدی و در سال پایانی برنامه رشد ۱۳/۸ درصدی هستند.

حسین سلاح ورزی رئیس اتاق بازرگانی ایران در اینباره گفته که «در لایحه برنامه هفتم توسعه، سهمی برای بخش صنعت دیده نشده است. متأسفانه تنها یک بخش مربوط به طرح‌های کلان زنجیره ارزش در این برنامه دیده شده که فقط به خام‌فروشی توجه کرده است. در حالی که ما خلاء استراتژی توسعه صنعتی در کشور داریم. یک کار جدی باید صورت بگیرد تا مورد استقبال بخش خصوصی واقع شود.»

امین شاکری رئیس مجمع عالی کارآفرینان نیز گفته که مسائل و بحران‌های فعلی اقتصاد پیامدهای عدم توسعه کارآفرینی و توسعه صنعتی است که مانع تحقق برنامه هفتم هستند و از این رو برنامه هفتم باید برنامه تحول برای توسعه پایدار باشد.

به گفته امین شاکری، بحران‌های جدی اقتصادی موجود نظیر کاهش رشد اقتصادی و افزایش نرخ تورم، افزایش فقر و شکاف طبقاتی و کاهش نرخ اشتغال، پیامدهای عدم توسعه کارآفرینی و توسعه صنعتی در ایران هستند که

# وضعیت بحرانی آب و هوا در سیستان و بلوچستان؛ توفان شن و سیل در مناطق مختلف استان



● از ابتدای تیرماه توفان شن و ریزگرد در مناطق مختلفی از استان به ویژه در شهرستان زابل زندگی شهروندان را مختل کرده است.

● استانداری سیستان و بلوچستان اعلام کرده که در طول هفته گذشته ۱۰۵۹ نفر بر اثر توفان به مراکز درمانی مراجعه کردند که ۱۴۵ نفر همچنان بستری هستند.

● در شبانه‌روز گذشته بارندگی شدید و بروز سیل در مناطق مختلف استان سیستان و بلوچستان سبب گرفتار شدن اتومبیل‌ها در خیابان و آبرفتگی منازل شده است.

● به عقیده کارشناسان، کاهش محسوس منابع آبی استان، خشک شدن تالاب بین‌المللی هامون و رودخانه هیرمند و آبرگیرهای محلی معروف به «هوتک»، آسیب‌های ناشی از توفان‌ها را افزایش داده است.

توفان شن و ریزگرد با سرعت بیش از ۱۰۰ کیلومتر در ساعت از هفته گذشته بخش‌هایی از استان سیستان و بلوچستان را در بر گرفته است. همزمان در جنوب استان نیز باران‌های شدید و سیل زندگی مردم را مختل کرده است. استان سیستان و بلوچستان از روزهای گذشته با بحران آب و هوایی روبرو شده است. از ابتدای تیرماه توفان شن و ریزگرد در مناطق مختلفی از استان به ویژه در شهرستان زابل زندگی شهروندان را مختل کرده است.

بر اساس اعلام اداره کل هواشناسی سیستان و بلوچستان وزش باد شدید تا بیشینه ۱۰۱ کیلومتر بر ساعت از بامداد روز شنبه سوم تیرماه آغاز و از روز دوشنبه پنجم تیرماه بر شدت آن افزوده شده بطوری که کاهش شعاع دید افقی بر اثر غلظت گرد و غبار را به همراه داشته است.

همچنین در اطلاعیه‌ای که از سوی اداره کل هواشناسی استان صادر شده، برای سیستان و بلوچستان وزش باد شدید و گرد و خاک گاهی توفان گرد و خاک همراه با کاهش دید افقی و کاهش کیفیت هوا پیش‌بینی شده است. استانداری سیستان و بلوچستان اعلام کرده که در طول هفته گذشته ۱۰۵۹ نفر بر اثر توفان به مراکز درمانی مراجعه کردند که ۱۴۵ نفر همچنان بستری هستند.

مجید محبی مدیرکل ستاد بحران سیستان و بلوچستان گفته که «وقوع توفان گرد و خاک و پراکنده شدن ریزگرد در سیستان شامل پنج شهرستان زابل، زهک، هامون، هیرمند و نیمروز واقع در شمال سیستان و بلوچستان از یکم تیر تا کنون ۱۰۵۹ نفر از مردم منطقه را راهی بیمارستان و مراکز درمانی کرده که از این تعداد ۹۱۳ نفر سرپایی درمان و ۱۴۵ نفر به دلیل شدت عوارض این پدیده در بیمارستان بستری شدند.

به گفته مدیرکل ستاد بحران سیستان و بلوچستان مشکل تنفسی، قلبی و چشمی از عمده مشکلات مردم منطقه سیستان در این مدت بوده است.

از سوی دیگر در برخی دیگر از نقاط استان بارندگی شدید، آبرفتگی و سیل رخ داده است. بر اساس ویدئوهای منتشر شده در شبکه‌های اجتماعی طی شبانه‌روز گذشته بارندگی شدید و بروز سیل در مناطق مختلف استان سیستان و بلوچستان سبب گرفتار شدن اتومبیل‌ها در خیابان و آبرفتگی منازل شده است.

خرگزاری «حالوش» نوشت که مناطق مختلفی از سیستان و بلوچستان شاهد بارش سنگین باران بود و در بسیاری از مناطق رودخانه‌های فصلی طغیان کرده و مسیرهای مواصلاتی مسدود شده است.

بر اساس این گزارش دامن، خاش، سراوان، سرباز، نیکشهر، لاشار، چابهار و ایرانشهر با بارش شدید باران و آبرفتگی روبرو بودند.

خرگزاری دولتی «ایرنا» هم به نقل از بابک محمودی سرپرست سازمان امداد و نجات جمعیت «هلال احمر» از آبرفتگی در ۳ استان ایران طی دو روز گذشته خبر داد: «در عملیات امداد و نجات در سیل و آبرفتگی ۴۸ ساعت گذشته ۳ استان (سیستان و بلوچستان، کرمان و هرمزگان) نیازمند به خدمات امداد و نجات شدند.»

خرگزاری «ایرنا» تأکید کرده که سیل باعث بسته شدن راه‌های ارتباطی مسکوتان، اسپکه و سرمیچ شده و بارندگی در سراوان، خاش و چابهار هم باعث آب گرفتگی معابر شده است.

علی ملاشاهی رئیس اداره پیش‌بینی و مدیریت بحران وضع هوا استان سیستان و بلوچستان گفته که وزش باد شدید تا بیشینه ۱۰۱ کیلومتر بر ساعت امروز زابل را درنوردید و گرد و غبار حاصل از آن شعاع دید افقی را در منطقه فرودگاهی به ۶۰۰ متر کاهش داد. همچنین در شهرستان زهک بیشینه سرعت باد به ۷۵ کیلومتر در ساعت رسید و دید افقی در ایستگاه هواشناسی تا ۱۲۰۰ متر کاهش داد.

رئیس اداره پیش‌بینی و مدیریت بحران وضع هوا استان سیستان و بلوچستان همچنین گفته که «تا پایان هفته در بعد از ظهرها در ارتفاعات مرکزی و جنوبی استان، شرایط برای رشد ابر، رگبار پراکنده باران گاهی رعد و برق و وزش تندباد لحظه‌ای فراهم است و تا پایان هفته در شمال استان وزش باد شدید و گرد و خاک تداوم دارد.»

وضعیت اضطراری آب و هوا در استان سیستان و بلوچستان با واکنش نمایندگان استان همراه بوده است. فداحسین مالکی نماینده زاهدان در مجلس شورای اسلامی در نشست علنی مجلس در روز سه‌شنبه ۶ تیر خطاب به ابراهیم رئیسی رئیس دولت سیزدهم گفت: «شرایط حاکم بر استان مرزی سیستان و بلوچستان فاجعه‌بار و غیرقابل تحمل است.»

نماینده زاهدان از رئیس دولت خواست هرچه زودتر به اوضاع سیستان و بلوچستان رسیدگی کند و افزود که «گرد و خاک، آلودگی، قطعی برق، نبود شغل، کمبود امکانات پزشکی، قطعی آب و خشکسالی در کنار هجوم ریزگردها به ویژه در مناطق شمالی استان باعث شده است در یک روز ۴۰۰ نفر روانه بیمارستان و مراکز درمانی شوند.»

شرایط اقلیمی استان سیستان و بلوچستان به گونه‌ای است که از اوایل تابستان به پادهای شدید معروف به «۱۲۰ روزه» روبرو می‌شود که آلودگی و غلظت هوا را به همراه دارد اما میزان ریزگردها در چند سال گذشته همواره رو به افزایش بوده و اقدامی برای مبارزه با آن صورت نگرفته است.

به عقیده کارشناسان، کاهش محسوس منابع آبی استان، خشک شدن تالاب بین‌المللی هامون و رودخانه هیرمند و آبرگیرهای محلی معروف به «هوتک»، آسیب‌های ناشی از توفان‌های شن را افزایش داده است.

محمد مهدی سجادی سرپرست جمعیت «هلال احمر» سیستان و بلوچستان، روز سه‌شنبه به خرگزاری رسمی ایرنا گفت: «خشکسالی‌های چند ساله سبب شده بادهایی که در گذشته به 'موسمی ۱۲۰ روزه سیستان' یا نعمت بیکران الهی معروف بود و هوایی مطبوع و کشاورزی پرمحصول و زندگی سراسر شاد و با نشاطی را برای مردم به ارمغان می‌آورد امروز به بلای جان ساکنان این منطقه تبدیل شود.»

## گفتگوی اختصاصی با وزیر اطلاعات اسرائیل: برای جلب حمایت گسترده بین‌المللی باید اتحاد داشت



گیلا گاملیل وزیر اطلاعات اسرائیل / مه ۲۰۲۳

قرار داد. البته باید بگویم که تنها امید و دعا کردن برای گذر از این نظام کافی نیست. مردم ایران هم، چه آتیه‌ای که در داخل کشور هستند و چه جامعه مهاجر، باید در جهت اتحاد حرکت کنند. تنها با اتحاد و همصدائی می‌توان آرزوهای مردم ایران را برآورد کرد. البته باید شرایط را برای حمایت گسترده بین‌المللی نیز آماده ساخت. من در سفرهای اخیرم به واشنگتن و برخی پایتخت‌های اروپائی دریافتیم که این حمایت گسترده در حال شکل گرفتن است.

● شما صحبت از شکل گرفتن حمایت‌های گسترده بین‌المللی می‌کنید، در حالی که کم نیستند ایرانیانی، چه در داخل و چه در خارج کشور، که معتقدند جامعه بین‌المللی سرگرم مآشافت با جمهوری اسلامی است...

-این نظام بدترین گزینه نه تنها برای ایرانیان بلکه برای تمام کشورهای دموکراتیک است. رژیم می‌که ثروت کشورش را بجای هزینه کردن برای مردمش خرج تسلیحات اتمی و یا حمایت از گروه‌های تروریستی می‌کند، نظامی شیطانی است که امنیت کل جهان را به مخاطره می‌اندازد و باید از آن وحشت داشت. تغییر این رژیم به نفع جامعه جهانی است، باز هم تاکید می‌کنم که برای گذر از این نظام باید اتحاد داشت. تنها با همبستگی و همکاری کلیه نیروهای سیاسی می‌توان حمایت بین‌المللی را به دست آورد.

● ولی واقعیت‌ها کمی متفاوت هستند. آمریکا سرگرم مذاکرات مخفیانه با جمهوری اسلامی برای دستیابی به تفاهمی است که بتواند چالشین برجام سال ۲۰۱۵ بشود...

-ما باید صدای مردم ایران را بشنویم. تنها توافقی معتبر است که بین مردم ایران با دیگر کشورها باشد. هر تفاهمی که رژیم کنونی را تقویت کند و خواست‌های مردم ایران را نادیده بگیرد، محکوم به شکست است. آن تفاهمی ارزشمند است که این امکان را برای مردم ایران مهیا سازد که نظام مورد علاقه خود و رهبرانش را بتوانند آزادانه انتخاب کنند. دیر یا زود این خواست مردم ایران برآورده خواهد شد و نظام‌های دموکراتیک در جهان مجبور خواهند شد که این توافق را با آنها بپذیرند.

با این سازمان چون یک گروه تروریستی رفتار کرد. دقیقا در این رابطه با سیاستمداران و دولتمردان بریتانیائی صحبت کردم و از آنها خواستم که تروریستی خواندن سپاه را بسیار جدی بگیرند. همچنین اعتصاب غذا و تحصن وحید بهشتی را بسیار ارزشمند ارزیابی می‌کنم زیرا بریتانیا را در جریان خطرات این سازمان نه تنها در این کشور بلکه در داخل ایران قرار داد. مردم ایران سال‌هاست که از این نظام و بازوی تروریستی‌اش رنج می‌برند. نارضائی‌هایی مردم ایران از رژیم حاکم بر این کشور با قتل مهسا آغاز نشد، بلکه این جنایت شوکی به جامعه ایران وارد کرد. جهان در مقابل این جنایت مجبور شد چشم‌های خود را باز کند و واقع‌گرایانه به آنچه در ایران می‌گذرد نگاه کند. مردم ایران تنها با حجاب اجباری مخالف نیستند، آنها با نظام کنونی مخالفند و می‌خواهند از آن عبور کنند. این نظام مشغول ویران کردن ایران است، کافیسیت به مشکلات محیط زیستی این کشور نگاه کنیم. این رژیم ثروت ایرانیان را بجای اینکه خرج بهبود کشور و وضعیت مردمانش کند، به صندوق گروه‌های تروریستی واریز می‌کند.

● شما چون دیگر شخصیت‌های سیاسی اسرائیل بارها اعلام کردید که از مردم ایران حمایت می‌کنید. چگونه حمایت می‌کنید؟

-ما از ایرانی‌ها از ته قلب حمایت می‌کنیم. روابط ما با ایرانی‌ها داستان دیروز و امروز نیست، سابقه‌ای بس طولانی دارد که به زمان کوروش و ملکه استر باز می‌گردد. در گذشته ایرانی‌ها از ما حمایت کردند و حالا نوبت ما است که از آنها حمایت کنیم. امروز همه با همدیگر باید بگوئیم دیگر بس است! دیگر کافیسیت! باید مشترکا برای حقوق بشر و حقوق زنان در ایران مبارزه کنیم. باید شعار «زن، زندگی، آزادی» را رساتر فریاد بزنیم. باید از خواست مردم ایران که داشتن یک زندگی معمولی است حمایت کنیم و این امکانپذیر است.

● چگونه؟  
-حمایت ما تنها دیپلماتیک نیست. ما در اشکال مختلفی حمایت کرده و می‌کنیم که می‌توان همه آنها را روی میز

● در حاشیه سفر گیلا گاملیل وزیر اطلاعات اسرائیل به لندن که با برخی از نمایندگان مجلس عوام و دولتمردان بریتانیائی دیدار داشت، وی به چند پرسش کیهان لندن پاسخ داد.

● «قرار گرفتن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست گروه‌های تروریستی نباید تنها یک اعلام موضع باشد بلکه باید در عمل با این سازمان چون یک گروه تروریستی رفتار کرد. دقیقا در این رابطه با سیاستمداران و دولتمردان بریتانیائی صحبت کردم و از آنها خواستم که تروریستی خواندن سپاه را بسیار جدی بگیرند.»

● «نارضائی‌هایی مردم ایران از رژیم حاکم بر این کشور با قتل مهسا آغاز نشد، بلکه این جنایت شوکی به جامعه ایران وارد کرد. جهان در مقابل این جنایت مجبور شد چشم‌های خود را باز کند و واقع‌گرایانه به آنچه در ایران می‌گذرد نگاه کند. مردم ایران تنها با حجاب اجباری مخالف نیستند، آنها با نظام کنونی مخالفند و می‌خواهند از آن عبور کنند.»

● «امروز همه با همدیگر باید بگوئیم دیگر بس است! دیگر کافیسیت! باید مشترکا برای حقوق بشر و حقوق زنان در ایران مبارزه کنیم. باید شعار «زن، زندگی، آزادی» را رساتر فریاد بزنیم. باید از خواست مردم ایران که داشتن یک زندگی معمولی است حمایت کنیم و این امکانپذیر است.»

● «تغییر این رژیم به نفع جامعه جهانی است. برای گذر از این نظام باید اتحاد داشت. تنها با همبستگی و همکاری کلیه نیروهای سیاسی می‌توان حمایت بین‌المللی را به دست آورد.»

احمد رأفت - در حاشیه سفر گیلا گاملیل وزیر اطلاعات اسرائیل به لندن که با برخی از نمایندگان مجلس عوام و دولتمردان بریتانیائی دیدار داشت، این مقام اسرائیلی پشت درهای بسته با وحید بهشتی روزنامه‌نگار و فعال حقوق بشر و همسرش متی هون از اعضای حزب محافظه‌کار بریتانیا نیز به گفتگو نشست.

وزیر اطلاعات اسرائیل در این دیدار از خواست وحید بهشتی که ۷۲ روز اعتصاب غذا کرده بود و بیش از ۱۲۰ روز است که در مقابل ساختمان وزارت خارجه بریتانیا تحصن کرده، مبنی بر قرار دادن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست گروه‌های تروریستی پشتیبانی کرد. در خاتمه این دیدار که در یکی از هتل‌های پایتخت بریتانیا انجام گرفت، گیلا گاملیل به چند پرسش کیهان لندن نیز پاسخ گفت.

● آیا قرار گرفتن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست گروه‌های تروریستی در بریتانیا و اتحادیه اروپا می‌تواند بر فعالیت‌های ضد اسرائیلی این سازمان و حمایت‌هایش از گروه‌های تروریستی فلسطینی چون حماس و جهاد اسلامی تاثیر بگذارد؟

-سپاه پاسداران یک گروه تروریستی است و فعالیت‌هایش تنها تهدیدی برای اسرائیل نیست، بلکه خطری برای تمام دنیاست. سپاه پاسداران چه در داخل ایران و علیه مردم این کشور و چه در خاورمیانه، در بریتانیا، در آمریکا و یا در اروپا کارهایی انجام می‌دهد که مصادق فعالیت‌های تروریستی است. با توجه به این واقعیت می‌توان نتیجه گرفت که قرار گرفتن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست گروه‌های تروریستی نباید تنها یک اعلام موضع باشد بلکه باید در عمل



عکس هفته | شورش و عقب‌نشینی یکروزه «مزدوران واگنر» / زنی از کنار تانک مزدورانی که در جنگ علیه اوکراین به دولت پوتین کمک می‌کنند رد می‌شود / روستوف / ۲۴ ژوئن ۲۰۲۳